



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام

نویسنده:

محسن کمالی تقوی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام
۹	مشخصات کتاب
۱۹	روایت
۲۰	مقدمه آیت الله خرازی
۲۲	پیشگفتار
۲۲	اشارة
۲۲	۱ - تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث
۲۸	۲ - املا و امالی
۲۹	۳ - نگاهی به زندگی شیخ صدوق رحمه الله
۳۰	۴ - اثر حاضر
۳۳	ولادت، والدین و ازدواج حضرت
۳۳	ولاده علی "علیه السلام"
۳۶	پدر و مادر حضرت علی "علیه السلام"
۳۹	زواجه علی علیه السلام
۴۰	ازدواج حضرت علی "علیه السلام"
۴۱	علی علیه السلام در قرآن
۴۱	علی علیه السلام فی القرآن
۴۲	حضرت علی علیه السلام در قرآن
۴۲	قسمت اول
۵۲	قسمت دوم
۶۰	قسمت سوم
۶۷	غدیر، آخرين وصايات رسول اکرم، وصی، امامت، منزلت حضرت
۶۷	أحاديث حول الغدیر

- وصایا رسول الله "صلی الله علیہ واله" الاخریه ٧٩
- آخرین وصیت های پیامبر "صلی الله علیہ واله" ٨٠
- اتصال الوصیه ٨٥
- اتصال وصایت ٨٦
- امامه علی "علیه السلام" ٨٩
- امامت حضرت علی "علیه السلام" ٩٠
- منزله علی "علیه السلام" ٩٥
- منزلت حضرت علی "علیه السلام" ٩٦
- ثواب یاد و کتابت، ولایت حضرت، کشتی نجات ٩٩
- ثواب ذکر و کتابه و... فضائل علی "علیه السلام" ٩٩
- ثواب بیان و نوشتن و... فضایل حضرت علی "علیه السلام" ١٠٠
- ولایه علی "علیه السلام" ١٠١
- ولایت حضرت علی "علیه السلام" ١٠٢
- على "علیه السلام" سفینه النجاه ١٠٨
- حضرت علی "علیه السلام" کشتی نجات ١٠٩
- میزان حق، علم حضرت، خصال انبیاء، اول مسلم، سد الابواب ١١٠
- على "علیه السلام" میزان الحق ١١٠
- حضرت علی "علیه السلام" میزان حق ١١١
- علم علی "علیه السلام" ١١٢
- دانش حضرت علی "علیه السلام" ١١٣
- على "علیه السلام" باب مدینه العلم ١١٦
- حضرت علی "علیه السلام" دروازه شهر علم ١١٧
- فى علی "علیه السلام" خصال الانبیاء ١٢٠
- ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است ١٢١
- على "علیه السلام" اول مسلم ١٢٤

١٢٥	علی "علیه السلام" نخستین مسلمان
١٢٦	سد الأبواب
١٢٧	بسته شدن درب ها
١٢٨	حلقه در بهشت، زندگی شخصی، کرامات، فضایل و مناقب حضرت از زبان خود و غیر
١٢٩	حلقه باب الجنه
١٣٠	حلقه در بهشت
١٣١	سیره علی "علیه السلام" فی نفسه
١٣٦	زندگی شخصی حضرت علی "علیه السلام"
١٣٧	شجاعه علی "علیه السلام"
١٤٠	شجاعت حضرت علی "علیه السلام"
١٤١	نبذه من کرامات حضرت علی "علیه السلام"
١٤٥	فضائله الجامعه
١٥١	فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"
١٥١	قسمت اول
١٥٧	قسمت دوم
١٦٥	قسمت سوم
١٧٣	نبذه من فضائله الآخرى
١٧٤	فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"
١٧٩	مناقب علی "علیه السلام" فی کلام له
١٨٠	علی "علیه السلام" از زبان خودش
١٨٧	علی "علیه السلام" فی کلام الغير
١٨٨	علی "علیه السلام" از زبان دیگران
١٩١	حب و بعض، منکر و عقوبت سب حضرت، حال زادگی دوستدار، فضائل شیعیان
١٩١	حب علی "علیه السلام" وبغضه
١٩٢	دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام"

۱۹۸	منکر علی "علیه السلام"
۲۰۰	منکر حضرت علی "علیه السلام"
۲۰۸	عقوبه سب علی "علیه السلام"
۲۰۹	عواقب بدگویی از حضرت علی "علیه السلام"
۲۱۲	طیب ولاده محبت علی "علیه السلام"
۲۱۳	حلال زادگی دوست دار حضرت علی "علیه السلام"
۲۱۴	نبذه من فضائل شیعه علی "علیه السلام"
۲۱۵	گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"
۲۲۶	شفاعت، دوستی با دوستان حضرت، پیش گویی پیامبر اکرم
۲۲۶	شفاعه علی "علیه السلام"
۲۲۷	شفاعت حضرت علی "علیه السلام"
۲۳۰	لزوم الموالاه لأولياء علی "علیه السلام"
۲۳۱	لزوم دوستی با دوستان امیر المؤمنین "علیه السلام"
۲۳۲	اخبار النبی بما یجري علی أهل بیت "علیهم السلام"
۲۳۳	پیش گویی پیامبر درباره مصایب اهل بیت "علیهم السلام"
۲۳۴	فضائل اهل الیت، امامت ائمه و جانشینان پیامبر اکرم
۲۳۴	نبذه من فضائل أهل الیت "علیهم السلام"
۲۳۵	گوشه ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"
۲۳۵	قسمت اول
۲۴۰	قسمت دوم
۲۴۸	امامه ائمه المعصومین "علیهم السلام"
۲۴۹	امامت ائمه معصومین "علیه السلام"
۲۵۲	الخلفاء بعد النبی صلی الله علیه وآلہ اثنا عشر
۲۵۳	جانشینان پیامبر "صلی الله علیه وآلہ" دوازده نفرند
۲۵۶	فهرست آیات
۲۶۰	درباره مرکز

امامت و ولایت حضرت علی علیہ السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: ابن یابویه محمد بن علی ۳۱۱-۳۸۱ق.

عنوان قراردادی : امالی فارسی - عربی برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام تلخیص امالی شیخ صدوق رحمه الله تدوین و تلخیص محسن کمالی تقوی با مقدمه محسن خرازی ویرایش احمد سعیدی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

^{٢٣٩} مشخصات ظاهري: [ص]

شتابک: ۱۲۰۰۰ ریال؛ ۲۱۰۰۰ ریال: چاپ دوم؛ ۷-۷۶-۸۴۸۴-۹۶۴؛ ۷-۷۶-۸۴۸۴-۹۶۴-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت: عنوان روی جلد: امامت و ولایت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در امالی شیخ صدوق رحمه الله.

بادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

داداشت : نماهه.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت -- احادیث

موضوع : احادیث شیعہ -- قرن ۴ق

- ۱۳۴۴، محسن، تقوی، کمالی، افسوسه

- ۱۳۱۵ شناسه افزوده : خرازی محسن

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

١٣٨٥ ٨٠٤٢١٧ BP ١٢٩ : كنگه ده بندی

۲۹۷/۲۱۲ : دهندی دوسرے

شماره کتابخانه ملی : م ۸۵-۳۶۳۸

قال رسول الله صلی الله علیه وآلہ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَنْجَى عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدْدُهَا غَيْرُهُ.

فمن ذكر فضيله من فضائله مقرًا بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر ولو وافي القيامه بذنب الثقلين.

ومن كتب فضيله من فضائل على بن أبي طالب عليه السلام لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لتلك الكتابه رسم.

ومن استمع إلى فضيله من فضائله غفر الله له الذنب التي اكتسبها بالاستماع.

ومن نظر إلى كتابه في فضائله غفر الله له الذنب التي اكتسبها بالنظر...

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم، علی بن ابی طالب، آن قدر فضیلت قرار داده که شمارش آن را فقط خدا می داند.

هر کس فضیلتی از فضایل او را بازگو کند و به آن اعتراف نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد، هر چند به اندازه جن و انس گناه کرده باشد.

و هر کس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد، تا آن نوشته باقی است، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

و هر که به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام گوش دهد، خداوند گناهانی را که به وسیله گوش انجام داده می آمرزد.

و هر کس به نوشته ای از فضایل علی علیه السلام نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم انجام داده، می آمرزد.

«أَمَالِي صَدُوق، مَجْلِس ۲۸، حَدِيث ۱۰»

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين حبيب الله العالمين أبي القاسم محمد وآلهم الطاهرين ولعنه الله على أعدائهم إلى قيام يوم الدين

خداؤند سرشت انسان‌ها را بر فطرت، عقل و گویش باطنی آفرید تا به راحتی بتوانند حق و حقیقت را بشناسند و آن را بپذیرند.

آنان که این فطرت خدادادی را در زیر ظلمت اعمال و رفتار زشت نپوشانده‌اند، حقایق را زودتر و بهتر از دیگران در می‌یابند.

مسئله ولایت امیر مؤمنان و امامان معصوم علیهم السلام از جمله مسائلی است که سرشت انسان‌های آزاد و پاک پذیرای آن است و به آن اذعان دارند و همین ولایت است که انسان را در صراط مستقیم قرار داده واز انحراف به چپ و راست باز می‌دارد و او را دارای عالی‌ترین نوع معرفت و بهترین گونه‌های اخلاقی و رفتاری می‌نماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می‌فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ و قلعه محکمی است که انسان را از آتش جهنم محفوظ می‌دارد.

ونعمت ولایت در حقیقت همان نعمت هدایت است که شایسته سوال از آن است «وَلَكُثُرَلَنْ يُؤْمِنُ يَوْمَئِنْ عَنِ النَّعِيمِ».

علمای اسلام در طول تاریخ اهمیت این مسئله را به خوبی درک کرده و روایات

و احادیث فراوانی را در جوامع اولیه نقل کرده اند و پیرامون موضوعات مختلف آن کتاب های ارزشمند و سعی فراوانی در این زمینه مبذول داشتند. از جمله آنان مرحوم شیخ صدوق رحمة الله است که با کتاب های زیادی که تألیف کرده، نقش مهمی را در این زمینه ایفا نموده است، شکر اللہ مساعیه الجميله.

مؤلف محترم کتاب جناب مستطاب آقای حاج سید محسن کمالی تقوی - زید عزه - به جهت علاقه وافری که به نشر فضایل ولایت دارند، اقدام به گزینش و نشر روایاتی از کتاب شریف «مجالس» تأییف شیخ صدوق قدس سره نموده اند آن را تورّق اجمالی نمودم، ترجمه آن آزاد و رسانست واستفاده از آن برای فارسی زبانان سهل و آسان است.

امید دارم خداوند ایشان را در زمرة ناشرین معارف اسلامی قرار دهد و مشمول این حدیث شریف باشند:

قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ: «من نقل عَنِ الْمُؤْمِنِ لَمْ يَلْحِقْنَی مِنْ امْتِی ارْبَعِینَ حَدیثًا كتب فی زمرة العلماء وحشر فی جملة الشهداء».»

والسلام على من اتّبع الهدى

سید محسن خرازی

ص: ۱۲

اشاره

حمد و سپاس بی پایان خدای متعال را سزاست که انسان را آفرید و راه کمال و سعادت را رهنمونش شد، و آنچه نمی دانست به او آموخت. درود بی کران بر خاتم پیامبران مُحَمَّد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ که پیامبری خود را با واژه قرائت و خواندن آغاز نمود وسلام بر نخستین جاشین و دروازه شهر علوم او حضرت علی علیه السلام و بر فرزندان معصوم آن حضرت که پیشوایان نور و هدایتند، بخصوص آخرين ذخیره الهی و احیاگر سنت محمدی حضرت مهدی علیه السلام.

به عنوان پیش گفتار، ابتدا به تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث پرداخته، پس از آن توضیح مختصری در باره املا و امالي ارایه می کنم، سپس خلاصه ای از زندگی شیخ صدوق رحمه الله را از نظر گذرانده و در پایان در باره اثر حاضر مطالبی ذکر می شود.

۱- تاریخچه جمع آوری و تدوین حدیث

الف) نقل روایت در زمان پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ طبق نقل تاریخ، در زمان پیامبر خداصلی اللہ علیہ وآلہ، نقل گفتار و رفتار ایشان، در بین مردم امری متداول بود. مسلمانان مشتاقانه آنچه را که از پیامبر خداصلی اللہ علیہ وآلہ می دیدند یا می شنیدند، برای یکدیگر بازگو می نمودند.

به عبارت دیگر: روایت از پیامبر خداصلی اللہ علیہ وآلہ یعنی بازگو کردن گفتار و رفتار ایشان، بسیار رواج داشت. به تدریج روایات شفاهی به شکل مکتوب ونوشه در آمد. این کار با توصیه، تأکید و تشویق حضرتش انجام می گرفت. در روایتی از آن حضرت نقل شده که فرمودند: علم ودانش را به بند آورید.

فرمودند: کتابت ونوشتن آن. (۱)

وبدین سان طالبان دانش های الهی پیرامون مدینه علم پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ گرد می آمدند و در طول دوران پیامبری ایشان به فراخور فکر و اندیشه خود از گفتارها و رفتارهای حضرتش توشه می گرفتند و آن ها را ثبت وضبط کرده، برای دیگران باز گو می کردند.

ب) جلوگیری از نقل ونوشتن حدیث در زمان پیامبرصلی الله علیه وآلہ

همان گونه که بیان شد، نقل حدیث در زمان حیات پیامبرصلی الله علیه وآلہ، امری متداول بود، ولی در همان زمان با دسیسه عده ای وبا هدف های خاص از این امر جلوگیری به عمل می آمد.

عبدالله بن عمر می گوید: «من هر آنچه از پیامبر می شنیدم، می نوشتتم، اما قریش مرا از این کار باز داشتند و گفتند: تو هرچه از رسول خدا می شنوی، می نویسی و حال آن که او بشری است که گاه از روی خشم وغضب سخن می گوید (ولذا سخنان او قابل اعتماد نیست).

عبدالله بن عمر در ادامه می گوید: از آن پس از نوشتن حدیث خودداری نمودم واین مطلب را با پیامبرصلی الله علیه وآلہ در میان گذاشتم.

ایشان به من فرمودند: بنویس؛ ودر حالی که به دهان خود اشاره می کردند، فرمودند: «سو گند به آن کسی که جانم در دست اوست! چیزی جز حق، از این خارج نشده است.» (۲)

جلوگیری از نقل ونوشتن احادیث پیامبرصلی الله علیه وآلہ در تمام طول حیات ایشان ادامه داشت. حتی هنگامی که حضرتش در آخرین لحظات عمر خویش درخواست قلم ودوات کردند، به بهانه این که با وجود قرآن، نیازی به کلام پیامبر نیست وبا شعار «حسبنا کتاب الله»، از حاضر کردن قلم ودوات جلوگیری به عمل آمد. (۳)

ص: ۱۴

۱- شهید ثانی: منه المرید، مكتب الأعلام الاسلامي، ص: ۳۴۰.

۲- ابو داود: سنن، تحقيق سعيد محمد اللحام، دارالفکر، بيروت، ۱۴۱۰ هـ. ق. ج: ۲ ص ۱۷۶.

۳- در صحیح بخاری - از کتب معتبره غیر شیعه - از ابن عباس نقل شده است که گفت: آن گاه که زمان احتضار پیامبر فرا رسید، به کسانی که نزد او حاضر بودند، فرمود: {قلم ودوات} بیاورید تا برای شما نوشته ای بنویسم که پس از من هرگز گمراه نشوید. بعضی از حاضرین گفتند: درد وبیماری بر او غلبه کرده، قرآن پیش ماست، کتاب خدا برای ما کافی است. در آن هنگام بین اهل خانه اختلاف به وجود آمد، عده ای گفتند: قلم و دوات را بیاورید، تا آنچه مورد نظر پیامبر است، نوشته

شود، تا این که هر گز گمراه نشوید، و برخی از آن ها غیر از این را می گفتند. وقتی که نزاع و گفت و گو بالا گرفت، پیامبر فرمودند: برخیزید (ویرون بروید). ابن عباس گوید: تمام مصیت های پیش آمده به واسطه آن چیزی است که بین رسول خداصلی الله علیه وآلہ ونوشتند وصیت او فاصله ایجاد کرد. محمد بن اسماعیل بخاری: صحیح بخاری، چاپ افست، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق. ج: ۵ ص: ۱۳۸.

ج) ادامه ممنوعیت‌ها پس از پیامبر صلی الله علیه وآل

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآل، جلوگیری از نقل و انتشار حدیث شدت گرفت. عایشه در این زمینه می‌گوید: پدرم ابوبکر، پانصد حدیث از پیامبر جمع آوری نموده بود، شبی را تا به صبح از این پهلو به آن پهلو می‌گشت و نمی‌خواهد. صبح روز بعد، از من خواست تا احادیث را نزد او ببرم. احادیث را نزد او حاضر کردم و او تمام آن‌ها را با آتش سوزاند. [\(۱\)](#)

و همچنین نقل شده است: ابوبکر به مردم اعلام کرد که آنچه احادیث نوشته شده در اختیار دارند، پیش او آورند. مردم به گمان این که ابوبکر قصد جمع آوری و تدوین آن‌ها را دارد، احادیث را نزد او گرد آوردن. آن‌گاه ابوبکر دستور سوزاندن آن‌ها را داد. [\(۲\)](#)

د) احادیث ساختگی

همزمان با این ممنوعیت‌ها که برای نقل احادیث صحیح نبوی اعمال می‌شد، نقل احادیث ساختگی آزاد بود. عده‌ای برای خوش خدمتی به حاکمان جور ویا با دستور مستقیم آنان، به جعل و ساختن احادیث دروغین می‌پرداختند. و گروهی نیز با استفاده از همان روایات ساختگی، کتاب‌هایی را تالیف کردند.

به عنوان نمونه، در فضایل معاویه ویزید به اندازه‌ای حدیث ساخته شده بود که برخی از نویسنده‌گان، تمام یا بخشی از کتاب خود را به ذکر روایات دروغین در فضایل آن دو اختصاص دادند. [\(۳\)](#)

ص: ۱۵

-
- ۱-۴. ابو عبدالله شمس الدین الذهبی: تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۵.
 ۵. شیخ علی کورانی: تدوین القرآن، دار القرآن، قم، ص ۳۷۱.
 ۶. مراجعه شود به الغدیر {علامه امینی} ج ۵، ص ۲۹۱ و ...

علاوه بر این، داستان های ساختگی اهل کتاب - بخصوص یهودیان - نه تنها آزادانه و بدون هیچ ممنوعیتی بازگو می گردید، بلکه ترویج آن ها مورد تأیید و تأکید قرار داشت.

ه) احادیث پیامبر صلی الله علیه وآلہ واهل بیت علیهم السلام

در این میان، تنها اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآلہ وپیروان آن ها بودند که حافظ احادیث نبوی بوده واز بیان سنت پیامبر صلی الله علیه وآلہ خودداری نمی نمودند.

پر واضح است که آنچه ائمه اطهار علیهم السلام نقل می کردند، تماماً صحیح ویقینی بود؛ چرا که آنان هم معصوم بودند وهم خزانه دار علوم پیامبر صلی الله علیه وآلہ، حتی بسیاری از روایات به املای پیامبر صلی الله علیه وآلہ و خط امیر المؤمنین علیه السلام منحصراً نزد آنان نگهداری می شد.

و) رفع ممنوعیت تدوین حدیث

به هر حال جلوگیری از ضبط و تدوین حدیث، مشکلات متعددی را برای عامه - غیر شیعه - ایجاد کرده بود. مشکلاتی که حل آن ها جز با مراجعته به روایات ممکن نبود. چرا که حکم بسیاری از مسائل، تنها از روایات به دست می آمد. تا این که در زمان عمر بن عبدالعزیز - خلیفه اموی - پس از حدود ۹۵ سال، ممنوعیت حفظ و تدوین حدیث برداشته شد واز آن پس جمع آوری و تدوین احادیث در میان عامه آغاز گردید.

اما متأسفانه از ابتدا، خشت اوّل این کار به صورتی نادرست نهاده شد؛ چرا که در میان مردم غالباً کسی که پیامبر صلی الله علیه وآلہ را درک کرده و مستقیماً از ایشان روایت نقل کند وجود نداشت و ناگزیر تدوین حدیث با استفاده از منابع دست دوم و سوم، صورت می گرفت. عالمان وابسته به حکومت برای جمع آوری حدیث، حاضر بودند روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه وآلہ را از هر کسی - به غیر از خاندان وحی - بشوند و به ضبط و تدوین آن پردازنند.

در نتیجه، بسیاری از آنچه که آنان به نگارش در آوردنند، روایات جعلی و اسرائیلیاتی بود که در میان مردم رواج پیدا کرده و به پیامبر صلی الله علیه وآلہ نسبت داده شده بود و بدین ترتیب، غالب احادیث صحیح نبوی که همچنان در اختیار اهل بیت پیامبر علیهم السلام و شاگردان مکتب آنان قرار داشت، مورد استفاده نگارندگان کتب حدیث عامه قرار نگرفت.

ز) نقش اصحاب ائمه در تدوین حدیث

ائمه اطهار علیهم السلام پس از رفع ممنوعیت مذکور، با شدّت بیشتری به نشر و گسترش احادیث صحیح، اهتمام ورزیده و به تربیت شاگردان پرداختند. این امر در زمان امام باقر علیه السلام وبخصوص امام صادق علیه السلام به بالاترین سطح خود رسیده بود، تا جایی که تعداد شاگردان امام صادق علیه السلام را چهار هزار نفر گفته اند. اصحاب و شاگردان آن حضرت، بیشترین نقش را در ترویج روایات صحیح داشته اند و اکثر روایات شیعی از زبان ایشان نقل شده است. حسن بن علی و شاء گوید: در مسجد کوفه، نه صد دانشمند را دیدم که همگی می گفتند: «حدّثني جعفر بن محمد». [\(۱\)](#)

در زمان امامان بعد نیز در هر زمان و مکان که فرصتی پیش می آمد، شیعیان و دوستداران اهل بیت، به شنیدن و حفظ و ضبط سخنان ایشان همت می گماشتند. به طوری که وقتی امام رضا علیه السلام در نیشابور حدیث معروف «سلسله الذهب» را بیان می فرمودند، بنابر برخی نقل ها، هفتاد هزار قلم برای نوشتن آن از قلمدان بیرون آمد.

به تدریج احادیث نزد اصحاب ائمه علیهم السلام جمع آوری می شد و هر کس مجموعه ای از روایات را نزد خود نگهداری می کرد و بدین ترتیب، نخستین جوامع روایی شیعه به وجود آمد و همین ها زمینه ساز کتاب های مفصل روایی و از جمله کتب معروف چهار گانه شیعه، یعنی «کافی»، «من لا يحضره الفقيه»، «تهذیب» و «استبصار» شدند.

ح) نقش ایرانیان در تدوین حدیث

آنچه در این زمینه قابل توجه است، شدّت اهتمام ایرانیان به امر تنظیم و تدوین احادیث می باشد. گرچه شنوندگان مستقیم روایات بیشتر غیر ایرانی بوده اند، اما در نهایت، در حفظ و ضبط و ترتیب دادن به آن ها، ایرانیان بیشترین تلاش را کرده اند. تا جایی که نویسندهای کتاب های چهار گانه شیعه همگی ایرانی هستند. حتی کتاب های حدیثی مهم غیر شیعه نیز، غالباً توسط ایرانیان تألیف شده است.

ص: ۱۷

۱-۷. نجاشی: رجال، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم، ۱۴۱۶، ص ۴۰.

واژه «امالی» جمع «املا» است، و «املا» تقریباً به همان معنای متبادل در ذهن؛ یعنی بیان کردن مطالب از سوی کسی برای این که دیگری آن را بنویسد، می باشد.

این کار از زمان های دور رایج بوده است. چنان که کتابی به املای حضرت موسی علیه السلام و به خط هارون علیه السلام نسبت داده شده است (۱) همچنین کتابی به املای حضرت عیسی علیه السلام و خط شمعون علیه السلام منسوب است. (۲) در نزد ائمه علیهم السلام نیز کتاب هایی به املای پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ وفاطمہ زهرا علیها السلام و به خط امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام موجود بوده است. (۳)

صحیفه سجادیه به املای امام سجاد علیه السلام و خط امام باقر علیه السلام و در حضور امام صادق علیه السلام، نوشته شده است. (۴)

بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام در محضر آن بزرگواران، شنیده های خود را می نوشتند. حدیث معروف «توحید مفضل» به املای امام صادق علیه السلام و خط یکی از اصحابشان به نام مفضل می باشد. (۵)

بیشتر روایات در بین راویان احادیث، به صورت املاء دست به دست می شد. چه بسیار که در سندهای روایات به این مطلب تصریح شده است.

به هر حال، شاید مطمئن ترین راه انتقال مطالب، روش املاء باشد که در علوم و فنون مختلف، بین دانشمندان و شاگردان آن ها، مرسوم بوده است. شیوه کار به این صورت بوده که دانشمندی، در مجالسی، دانسته هایش را بیان می کرده و دیگران گفته های او را می نوشتند و گاه مجموعه مطالب نوشته شده به صورت کتاب و به نام «امالی» یا «مجالس» تألیف می شد.

در میان کتاب های شیعی که به این شیوه نگارش یافته، سه کتاب که توسط سه تن از دانشمندان بزرگ شیعه به نام های: شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی «رحمهم اللہ» تألیف شده است، معروفیت بیشتری دارند.

ص: ۱۸

۱-۱. علامه مجلسی: بحار الأنوار ج ۱۰، ص ۲۰.

۲-۹. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۴۹.

۳-۱۰. کلینی: کافی، ج ۱، ص ۱۳۸ تا ۲۴۱.

۴-۱۱. مراجعه شود به ابتدای صحیفه سجادیه.

۵-۱۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار: ۳ ص: ۵۷.

«أمالی» یا «مجالس» شیخ صدوق رحمه الله مجموعه ای از حدود هزار روایت است که ایشان طی نود و هفت جلسه، در خلال سال های ۳۶۷ و ۳۶۸ ه. ق، هفته ای دو روز، و بیشتر در روزهای سه شنبه و چهارم، املا فرموده و شاگردانش، آن ها را نوشته اند.

موضوع روایات این کتاب متنوع و گوناگون است، امّا غالباً پیرامون ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام، مطالب اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و پند و اندرز می باشد.

این کتاب بارها توسط ناشرین مختلف به چاپ رسیده است و در بسیاری از چاپ ها، متن اصلی با ترجمه آیت الله کمره ای قدس سره همراه می باشد.

چاپ دیگری از کتاب «أمالی» شیخ صدوق رحمه الله بدون ترجمه با مزایای فراوان توسط بنیاد بعثت، در سال ۱۴۱۷ ه. ق، منتشر شده است. این نسخه مشتمل بر تحقیق و تطابق نسخ مختلف، و چند فهرست می باشد.

در سال های اخیر، کتابی به نام «ترتیب الأمالی» توسط آقای محمد جواد محمودی تألیف و به وسیله مؤسسه معارف اسلامی، چاپ و منتشر شده است. در این کتاب، هر سه امالي فوق الذکر با یکدیگر تلفیق و موضوع بندی شده اند. [\(۱\)](#)

۳- نگاهی به زندگی شیخ صدوق رحمه الله

أبو جعفر، محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمي، مشهور به «شیخ صدوق» در حدود سال ۳۰۶ ه. ق با دعای امام عصر عليه السلام در شهر قم پا به عرصه وجود نهاد. شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب «غیبت»، ماجراهی ولادت ایشان را این گونه بیان می کند:

علی بن حسین بن موسی بن بابويه قدس سره (پدر شیخ صدوق)، همسری داشت که از او دارای فرزند نمی شد. از این رو نامه ای به شیخ حسین بن روح (از نواب اربعه امام زمان علیه السلام) نوشته واز او خواست تا از امام عصر علیه السلام بخواهد که دعا فرماید، تا خداوند فرزندان فقیهی روزی او گردداند.

ص: ۱۹

۱- محمد جواد محمودی: ترتیب الأمالی، مؤسسه المعرفة الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۴۲۰ ه. ق.

پس از مدتی پاسخ آمد که تو از این زن دارای فرزند نخواهی شد، اما بزودی مالک کنیزی از دیلمیان می‌شوی واز او صاحب دو فرزند فقیه نخواهی شد. [\(۱\)](#)

شیخ صدوق رحمه الله خود نیز این ماجرا را در کتاب «کمال الدین» بیان می‌کند. [\(۲\)](#)

وبدین سان به برکت دعای حجّت حق حضرت امام عصر علیه السلام، کودکی به نام «محمد» متولد شد که بعدها به شیخ صدوق ملقب گردید. او در بیت علم و تقوی رشد کرد. پدر ایشان علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی قدس سرہ، معروف به صدوق اول - از برجسته ترین علماء وفقهای زمان خویش و پرچم دار مرجعیت وفتی بود.

شیخ صدوق رحمه الله حدود ۲۲ سال از حیات پدر بزرگوارش را در ک نمود و در این مددت از محضر او کسب علم و دانش کرد. علامه بر این از خرمن علم و دانش علمای بزرگ دیگر قم نیز خوش چیله و بهره مند شد. آن گاه برای شنیدن و اخذ حدیث به شهرهای متعددی؛ نظیر ری، خراسان، بلخ، سمرقند، بغداد، مکه و مدینه بار سفر بست و بدین ترتیب، بسیاری از اعاظم و بزرگان شیعه وغیر شیعه را در ک کرد.

شیخ صدوق رحمه الله، کتاب های زیادی از خود به یادگار گذاشت. تأیفات او را تا ۳۰۰ عنوان ذکر کرده اند که کتاب «من لا يحضره الفقيه» از کتاب های چهارگانه شیعه از آن جمله است.

سرانجام شیخ صدوق؛ پس از حدود ۷۵ سال عمر با برکت، در سال ۳۸۱ هـ در شهر ری وفات کرد و در همانجا به خاک سپرده شد. هم اکنون آرامگاه او در شهر ری معروف و زیارتگاه مردم است.

۴- اثر حاضر

پر واضح است که مهمترین وظیفه جوامع انسانی توجّه صحیح به امر امامت و پیشوایی و ولایت و هدایتگری است. اگر پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآل‌ه، مردم به این امر حیاتی و حساس توجّه می‌نمودند، واز جانشین به حق ایشان؛ یعنی أمیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام پیروی می‌نمودند، به یقین در راه راست گام برداشته و به سوی کمال حرکت می‌کردند. روی گردانی از آن حضرت، ایجاد انحراف در این امر خطیر بود.

ص: ۲۰

۱۴- شیخ طوسي: الغيبة، مؤسسه معارف اسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۱، ص: ۳۰۸.

۱۵- شیخ صدوق: کمال الدین، دارالكتب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۹۵، ج: ۲، ص: ۵۰۳.

این جانب با توفیق الهی پس از مطالعه برخی از کتاب های شیخ صدوق علیه السلام، از آن جمله کتاب «امالی»، بر آن شدم تا از این کتاب، به ملاحظه اهمیت موضوع، روایاتی را در ارتباط با حضرت علی علیه السلام برگزیده و به صورت مجموعه ای مستقل در اختیار علاقه مندان قرار دهم.

بحمد الله این خواسته، با همکاری جمعی از دوستان و با طی مراحلی تحقق پذیرفت. امید است مورد قبول مولای متقيان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام بوده و موجب حصول معرفت بيشتر نسبت به صراط مستقیم گردد.

برای تحقیق این اثر، ابتدا احادیث مورد نظر، از نسخه ای از کتاب «امالی» شیخ صدوق رحمه الله، با ترجمه آیت الله کمره ای رحمه الله گزینش (۱)، و سپس موضوع بنده شدند. ترجمه روایات نسبتاً روان و مناسب بود، ولی در عین حال، تماماً مورد تجدید نظر قرار گرفته و تغییرات زیادی در آن ها به وجود آمد.

اسناد روایات، گرچه مورد استفاده بسیاری از خوانندگان نمی باشد، اما به منظور تکمیل فایده و برای آگاهی برخی که علاوه بر متن روایت، خواهان دانستن سند آن ها نیز هستند به صورت خلاصه آورده شده است. تلخیص اسناد روایات غالباً با استفاده از کتاب شریف «بحار الأنوار» صورت پذیرفته است.

در پایان از کلیه کسانی که در مراحل مختلف انجام کار و در به ثمر رساندن این اثر، نقش داشته اند، به خصوص از برادر احمد سعیدی که زحمت اصلی کار بر عهده ایشان بود و از حجت الاسلام حسین احمدی و سید محمد حسین تقوی سپاسگزاری نموده و برای یکایک آنان آرزوی موفقیت می کنم.

الامامه والولایه لأمير المؤمنین علی علیه السلام

من الله التوفيق

والسلام على من اتبع الهدى

شهر مقدس قم - سید محسن کمالی تقوی

صفحه ۲۱

۱- ۱۶. گفتنی است که در چاپ های مختلف «امالی» شماره روایات یکسان نیست و این موضوع ناشی از این امر است که گاه شیخ صدوق رحمه الله دو یا چند روایت را که اسناد وروات آن ها دقیقاً مانند هم بوده اند، به دنبال هم ذکر فرموده و در بسیاری از چاپ ها، در هنگام شماره گذاری، به این گونه روایات مجموعاً یک شماره اختصاص داده شده است. اما در برخی چاپ ها - از جمله، چاپ بنیاد بعثت - این دسته از احادیث از هم تفکیک شده و به هر یک از آن ها شماره جداگانه ای تعلق گرفته است. با این که روش اخیر درست به نظر می رسد، اما از آن جا که شماره گذاری روایات در غالب چاپ هایی که در

دسترس خوانندگان است، به روش اول صورت گرفته است، در این مجموعه نیز، آدرس ها، بر همان اساس ذکر شده اند.

ولاده على "عليه السلام"

١ - حدثنا الدقاق عن الأسدى عن موسى بن عمران، عن الحسين بن بزىد، عن محمد بن سنان، عن المفضل، عن ثابت بن دينار، عن سعيد بن جبير قال: قال يزيد بن قعنبر:

كنت جالساً مع العباس بن عبدالمطلب وفريق من عبد العزى بإزاء بيت الله الحرام، إذ أقبلت فاطمه بنت أسد أم أمير المؤمنين عليه السلام وكانت حاملة به لتسعه أشهر وقد أخذها الطلاق، فقالت: رب! إنّي مؤمنة بك وبما جاء من عندك من رسول وكتب وإنّي مصدقة بكلام جدي إبراهيم الخليل عليه السلام وأنّه بنى البيت العتيق، فبحقّ الذي بنى هذا البيت! وبحقّ المولود الذي في بطني! لما يسررت على ولادتى. قال يزيد بن قعنبر: فرأينا البيت وقد انفتح عن ظهره، ودخلت فاطمه فيه وغابت عن أبصارنا والترق الحائط. فرمنا أن ينفتح لنا قفل الباب، فلم ينفتح. فعلمنا أن ذلك أمر من أمر الله عزّ وجلّ.

ثم خرجت بعد الرابع وبيدها أمير المؤمنين عليه السلام، ثم قالت: إنّي فضلت على من تقدّمى من النساء، لأنّ آسيه بنت مزاحم عبدت الله عزّ وجلّ سرّاً في موضع لا يحبّ أن يعبد الله فيه إلاّ اضطراراً، وأنّ مریم بنت عمران هرّت النخلة اليابسة بيدها حتى أكلت منها رطباً جنباً، وإنّي دخلت بيت الله الحرام، فأكلت من ثمار الجنّه وأوراقها. فلما أردت أن أخرج هتف بي هاتف:

يا فاطمه! سمّيه علياً فهو على، والله العلي الأعلى يقول: «إنّي شفقت اسمه من اسمى، وأدّبته بأدبى، ووقفته على غامض علمى، وهو الذي يكسر الأصنام في بيته، وهو الذي يؤذن فوق ظهر بيته ويقدسني ويمجدنى، فطوبى لمن أحبّه وأطاعه، وويل لمن أبغضه وعصاه».

با عیاس فرزند عبدالملک و گروهی از طایفه «عبدالعزی» برابر خانه کعبه نشسته بودیم، ناگاه فاطمه بنت اسد، مادر امیر المؤمنین علیه السلام که به آن حضرت حامله بود وارد شد و در حالی که درد زایمان داشت در مقابل کعبه ایستاد و گفت: پروردگار! من به تو و به پیامبران و کتاب هایی که از جانب تو آمدۀ ایمان دارم، سخن جدم ابراهیم خلیل علیه السلام را تصدیق می کنم، همو که این بیت عتیق را ساخته است. پس به حق کسی که این خانه را ساخته و به حق مولودی که در شکم من است ولادت او را بر من آسان کن. یزید بن قعنب گوید: ما به چشم خود دیدیم که دیوار خانه از پشت شکاف برداشت و فاطمه علیها السلام وارد کعبه گشت واز دیدگان ما پنهان شد، سپس دیوار به هم آمد. خواستیم قفل درب خانه را باز کنیم ولی باز نشد، فهمیدیم این کار از جانب خدای بزرگ است. فاطمه علیها السلام پس از چهار روز، در حالی که امیر المؤمنین علیه السلام را روی دست داشت از خانه بیرون آمد و چنین گفت: من بر همه زنان پیشین برتری داده شده ام، از آسیه بهترم؛ چون او خدا را به صورت پنهانی در جایی می پرستید که پرستش در آن مکان جز در موارد ناچاری پسندیده نبود. (از مریم نیز بهترم) چرا که او درخت خرمای خشکیده را با دست خود تکان داد و خرمای تازه از آن خورد؛ ولی من در خانه محترم خدا «کعبه» وارد شدم و از میوه ها و خوردنی های بهشتی خوردم و چون خواستم بیرون آیم یک منادی آواز داد: ای فاطمه! نام این مولود را علی بگذار، که او علی است و خداوند علی اعلا. می فرماید: نام او را از نام خود گرفتم، به آداب خودم ادبش کردم، واور را از پیچیدگی های علوم خودم آگاه ساختم، اوست که بت هایی را که در خانه من قرار دارد می شکند. هموست که بر بام خانه ام اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند. پس خوشابه حال کسی که او را دوست بدارد واز او اطاعت کند و وای به حال کسی که با او دشمنی ورزد واز فرمان او سر پیچی نماید. (۱)

ص: ۲۳

٢ - حَدَّثَنَا إِبْنُ مَسْرُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمْيَادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسْنِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ عَبَّاِيِّ بْنِ رَبِيعٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

أقبل على بن أبي طالب عليه السلام ذات يوم إلى النبي صلى الله عليه وآلـه باكيـاً وهو يقول:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

فقال رسول الله صلى الله عليه وآلـه: مـه يا على؟

فقال على عليه السلام: يا رسول الله! ماتت أمـي فاطـمه بـنتـ أـسدـ.

قال: فبكى النبي صلى الله عليه وآلـه، ثم قال: رـحمـ اللهـ أـمـكـ يـاـ عـلـىـ، أـمـاـ إـنـهـاـ إـنـ كـانـتـ لـكـ أـمـاـ فـقـدـ كـانـتـ لـىـ أـمـاـ، خـذـ عـامـاتـ هـذـهـ وـخـذـ ثـوـبـيـ هـذـيـنـ فـكـفـنـهـاـ فـيـهـمـاـ وـمـرـ النـسـاءـ فـلـيـحـسـنـ غـسـلـهـاـ وـلـاـ تـخـرـجـهـاـ حـتـىـ أـجـىـءـ فـآـلـيـ أـمـرـهـاـ.

قال: وأقبل النبي صلى الله عليه وآلـهـ بـعـدـ سـاعـهـ وـأـخـرـجـتـ فـاطـمـهـ أـمـمـاـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـصـلـىـ عـلـيـهـ النـبـيـ صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ صـلاـهـ لـمـ يـصـلـ عـلـىـ أـحـدـ قـبـلـهـ مـثـلـ تـلـكـ الصـلاـهـ، ثـمـ كـبـرـ عـلـيـهـ أـرـبـعـينـ تـكـبـيرـهـ. ثـمـ دـخـلـ إـلـىـ الـقـبـرـ فـتـمـدـدـ فـيـهـ فـلـمـ يـسـمـعـ لـهـ أـنـيـنـ وـلـاـ حـرـكـهـ، ثـمـ قـالـ: يـاـ عـلـىـ! اـدـخـلـ، يـاـ حـسـنـ! اـدـخـلـ.

فـدـخـلـ الـقـبـرـ فـلـمـ فـرـغـ مـمـاـ اـحـتـاجـ إـلـيـهـ قـالـ لـهـ: يـاـ عـلـىـ! اـخـرـجـ. يـاـ حـسـنـ! اـخـرـجـ. فـخـرـجـاـ.

ثـمـ زـحـفـ النـبـيـ صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ حـتـىـ صـارـ عـنـدـ رـأـسـهـاـ ثـمـ قـالـ: يـاـ فـاطـمـهـ! أـنـاـ مـحـمـدـ سـيدـ وـلـدـ آـدـمـ وـلـاـ فـخـرـ، فـإـنـ أـتـاكـ مـنـكـ وـنـكـيرـ فـسـائـلـاـكـ مـنـ رـبـكـ فـقـولـيـ: اللـهـ رـبـيـ وـمـحـمـدـ نـبـيـ وـالـقـرـآنـ دـيـنـيـ وـالـقـرـآنـ كـتـابـيـ وـابـنـيـ إـمـامـيـ وـوـليـ.

ثـمـ قـالـ: اللـهـمـ ثـبـتـ فـاطـمـهـ بـالـقـوـلـ الثـابـتـ.

ثـمـ خـرـجـ مـنـ قـبـرـهـ وـحـثـاـ عـلـيـهـ حـثـيـاتـ، ثـمـ ضـرـبـ بـيـدـهـ الـيـمـنـىـ عـلـىـ الـيـسـرىـ فـنـفـضـهـمـاـ، ثـمـ قـالـ: وـالـذـىـ نـفـسـ مـحـمـدـ بـيـدـهـ! لـقـدـ سـمـعـتـ فـاطـمـهـ تـصـفـيـقـ يـمـيـنـىـ عـلـىـ شـمـالـىـ.

فـقـامـ إـلـيـهـ عـمـارـ بـنـ يـاـسـرـ فـقـالـ: فـدـاـكـ أـبـيـ وـأـمـيـ يـاـ رـسـولـ اللـهـ! لـقـدـ صـلـيـتـ عـلـيـهـ صـلاـهـ لـمـ تـصـلـ عـلـىـ أـحـدـ قـبـلـهـ مـثـلـ تـلـكـ الصـلاـهـ؟

۲ - ابن عباس می گوید: روزی علی بن ابی طالب علیهم السلام گریه کنان خدمت پیامبر صلی الله علیه وآلہ رسید و گفت: «اَنَا لَهُ وَإِنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

حضرت فرمود: آرام باش علی جان! چه شده؟

علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! مادرم از دنیا رفته است.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ گریه کرد و فرمود:

خدا رحمت کند مادرت را، اگر او مادر تو بود، مادر من هم بود؛ این عمامه و پیراهن مرا بگیر و با آن ها کفنش کن و به زن ها بگو غسل او را به خوبی انجام دهند و جنازه اش را (برای نماز و دفن) خارج نکنند تا من بیایم که کار او با من است.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ پس از ساعتی بر جنازه او حاضر شد، بر او نمازی خواند که همانند آن را بر هیچ مردی ای نخوانده بود، پس از آن بر او ۴۰ بار تکبیر گفت. سپس در قبر او وارد شد و در آن آرام و بی صدا، دراز کشید.

بعد از آن پیامبر (خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام) فرمود: ای علی! ای حسن! داخل قبر شوید.

آن دو داخل قبر شدند و پس از انجام آنچه را که لازم بود، پیامبر از آنان خواست که خارج شوند، پس از قبر خارج شدند.

آن گاه پیامبر نزد سر فاطمه (بنت اسد) قرار گرفت و فرمود: ای فاطمه! من محمّد آقای فرزندان آدم هستم، هنگامی که دو فرشته نکیر و منکر آمدند و از پروردگارت پرسیدند، پاسخ داده، بگو: اللہ پروردگار من است، محمد پیامبر من، اسلام دین من، قرآن کتابم و پسرم، امام و ولی من است.

سپس عرض کرد: خدایا! فاطمه را بر گفتار حق ثابت بدار.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه وآلہ از قبر بیرون آمد، چند مشت خاک بر قبر او پاشید و دو دست خود را برهم زده، تکان داد و فرمود: به خدا قسم که فاطمه صدای دو دست مرا شنید.

عمّار یاسر عرض کرد: پدر و مادرم قربانت ای رسول خدا! نمازی بر او خواندید که پیش از او بر کسی نخوانده بودید؟

والدنا على "عليه السلام"

فقال: يا أبا اليقطان! وأهل ذلك هى منى ولقد كان لها من أبي طالب ولد كثير ولقد كان خيرهم كثيراً وكان خيراً قليلاً، فكانت تسبعني وتجيئهم وتكسوني وتعريهم وتدهننى وتشعثهم.

قال: فلِمْ كبرت عليها أربعين تكبيره يا رسول الله؟

قال صلى الله عليه وآله: نعم يا عمار! التفت عن يميني فنظرت إلى أربعين صفاً من الملائكة، فكبرت لكل صف تكبيره.

قال: فتمددت في القبر ولم يسمع لك أنين ولا حركه؟

قال: إن الناس يحشرون يوم القيمة عراه فلم أزل أطلب إلى ربّي عزّ وجلّ أن يبعثها ستره، والذى نفس محمد بيده! ما خرجت من قبرها حتى رأيت مصباحين من نور عند رأسها ومصباحين من نور عند يديها ومصباحين من نور عند رجليها وملكيها الموكلين بقبرها يستغفران لها إلى أن تقوم الساعة.

٣ - حَدَّثَنَا أَبُو سَعْدٍ، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسْنِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ الْأَعْمَشِ، عَنْ عَبَّاِيِّ بْنِ رَبِيعٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قال أبوطالب لرسول الله صلى الله عليه وآله: يابن أخي! الله أرسلتك؟

قال: نعم.

قال: فأربني آية. قال: ادع لي تلك الشجرة.

فدعاه فاقبلت حتى سجدت بين يديه، ثم انصرفت.

فقال أبوطالب: أشهد أنك صادق، يا على! صل جناح ابن عمك.

پدر و مادر حضرت علی "علیه السلام"

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: ای عمار! او لایق آن بود، ابوطالب از او فرزندان بسیاری داشت و مال و ثروت آن ها فراوان و مال و ثروت ما کم بود. او مرا سیر می کرد و آن ها را گرسنه نگه می داشت، قبل از آن ها مرا می پوشاند و بهتر از آن ها مرا می آراست.

عرض کرد: ای پیامبر خدا! چرا برای او ۴۰ تکبیر گفتید؟

فرمود: ای عمار! به سمت راست خود نگاه کردم دیدم ۴۰ صف از فرشتگان ایستاده بودند، از این رو برای هر صف، تکبیری گفتم.

عرض کرد: علت دراز کشیدن شما در قبر او بدون این که حرکت و صدایی داشته باشد چه بود؟

فرمود: روز قیامت همه بر هنر محشور می شوند، من پیوسته از خدا خواستم او را پوشیده برانگیزاند. و سوگند به خدایی که جان محمد در دست اوست! از قبر بیرون نشدم تا اینکه دیدم چراغ هایی از نور بالای سر، و پیش روی او و پایین پای او روشن شد و دو فرشته موکل بر قبر او شدند که تا روز قیامت برایش آمرزش بجوبیند. (۱)

۳ - ابن عباس از پدرش نقل می کند:

روزی حضرت ابوطالب علیه السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ پرسید: ای برادرزاده! آیا حقیقتاً خدا تو را فرستاده است؟

فرمود: آری.

ابوطالب گفت: دلیل و نشانه ای بیاور. آن درخت را فراخوان تا نزد من آید.

پیامبر درخت را فراخواند، درخت پیش آمد و در برابر حضرت سجده کرد و برگشت.

ابوطالب گفت: گواهی می دهم که به راستی تو راست می گویی.

(و به فرزندش گفت): ای علی! در جانب پسر عمومیت به نماز بایست. (۲)

ص ۲۷

۱۸- امالی صدقوق، مجلس ۵۱، حدیث ۱۴.

۱۹- امالی صدقوق رحمة الله، مجلس ۸۹، حدیث ۱۰.

٤ - حَدَّثَنَا إِبْنُ مَسْرُورٍ، عَنْ إِبْنِ عَامِرٍ، عَنْ الْمَعْلَى، عَنْ الْبَزَنْطِيِّ، عَنْ عَلَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبا الْحَسْنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ يَقُولُ:

بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ أَرْبَعَهُ وَعِشْرُونَ وَجْهًا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِي جَبَرِيلُ! لَمْ أَرَكُ فِي مُثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ؟

فَقَالَ الْمَلَكُ: لَسْتُ بِجَبَرِيلٍ، أَنَا مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْنِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَزْوِجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ مَمِّنْ؟

قَالَ: فَاطِمَةُ بْنُ عَلِيٍّ.

قَالَ: فَلَمَّا وَلِيَ الْمَلَكُ إِذَا بَيْنَ كَتْفَيْهِ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى وَصِيهِ».

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَمْ كَتَبَ هَذَا بَيْنَ كَتْفَيْكِ؟

فَقَالَ: مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ بِاثْنَيْنِ وَعِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ.

٥ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْمَتَوَكِّلِ، عَنِ السَّعْدَ آبَادِيِّ، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ، عَنْ الْحَسْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبِيَّانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

لِفَاطِمَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَسْعِهِ أَسْمَاءٌ عَنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاطِمَةُ الصَّدِيقَةِ وَالْمَبَارِكَةِ وَالْطَّاهِرَةِ وَالْزَّكِيَّةِ وَالرَّضِيَّةِ وَالْمَرْضِيَّةِ وَالْمَحْدَدَةِ وَالْزَّهْرَاءِ.

ثُمَّ قَالَ: تَدْرِي لِأَىْ شَيْءٍ سَمِّيَّتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟

قَلَتْ: أَخْبَرْنِي يَا سَيِّدِي.

قَالَ: فَطَمَتْ مِنَ الشَّرِّ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كَفُوًّا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ.

۴- علی بن جعفر می گوید:

از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ نشسته بود که فرشته ای با ۲۴ صورت بر او وارد شد. حضرت فرمود: ای حبیب من! جبرئیل! تا کنون تو را به این صورت ندیده ام.

فرشتہ عرض کرد: من جبرئیل نیستم، من محمود هستم، خداوند مرا فرستاده که نور را به نور تزویج کنم.

فرمود: چه کسی را به چه کسی؟

عرض کرد: فاطمه را به علی.

فرمود: چون آن فرشته برگشت، میان دو کتفش را دیدم که نوشته بود: محمد، رسول خداست و علی وصی او.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: از چه زمانی این مطلب، میان دو شانه ات نوشته شده است؟

فرشتہ گفت: ۲۲ هزار سال پیش از آن که خداوند، آدم را خلق کند. (۱)

۵- حضرت عبدالعظیم حسنی از حسن بن عبدالله از یونس بن طبیان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام در پیشگاه خداوند متعال نه اسم دارد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدثه، زهرا.

سپس فرمود: آیا می دانی چرا او فاطمه نامیده شده است؟

گفتم: شما بفرمایید، ای آقا!

فرمود: چون از هر شر و بدی دور است.

و آن گاه حضرتش فرمود: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با او ازدواج نکرده بود، در روی زمین تا روز قیامت هیچ همسر و همتایی در میان بنی آدم برای او نبود. (۲)

ص: ۲۹

۱- امالی صدق رحمة الله مجلس ۸۶، حدیث ۱۹.

۲- امالی صدق رحمة الله، مجلس ۸۶، حدیث ۱۸.

على عليه السلام في القرآن

٦ - أخبرني على بن حاتم، عن أحمد الهمданى، عن جعفر بن عبد الله المحمدى، عن كثير بن عياش، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام؛

ففى قول الله عز وجل: «إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (١) الآية.

قال: إن رهطاً من اليهود أسلموا؛ منهم عبد الله بن سلام، أسد، ثعلبه، ابن يامين وابن صوريما، فأتوا النبي صلى الله عليه وآله فقالوا: يا نبى الله! إن موسى عليه السلام أوصى إلى يوشع بن نون، فمن وصيتك؟ يا رسول الله ومن ولينا بعدك؟

فنزلت هذه الآية: «إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».

ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: قوموا.

فقاموا فأتوا المسجد، فإذا سائل خارج.

قال: يا سائل! أما أعطاك أحد شيئاً؟

قال: نعم، هذا الخاتم.

قال: من أعطاكه؟

قال: أعطانيه ذلك الرجل الذي يصلى.

قال: على أي حال أعطاك؟

قال: كان راكعاً.

فكبر النبي صلى الله عليه وآله وكبر أهل المسجد.

فقال النبي صلى الله عليه وآله: على بن أبي طالب وليكم بعدي.

ص: ٣٠

قسمت اول

۶- امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه که می فرماید:

«ولی و سرپرست شما فقط خدا و پیامبر او و کسانی که ایمان آوردهند... می باشند» فرمود:

عده ای از یهودیان؛ از جمله: عبدالله بن سلام، اسد، ثعلبه، ابن یامین و ابن صوریا مسلمان شده، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ رسیدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون را وصی و جانشین خود کرده، وصی و جانشین شما کیست؟ چه کسی پس از شما سرپرست ماست؟

در جواب آن ها، این آیه نازل شد که: «ولی و سرپرست شما فقط خدا و پیامبر او و کسانی که ایمان آوردهند می باشند، همان ها که نماز را برابر با داشته و در حال رکوع صدقه می دهند.»

سپس رسول خدا صلی الله علیه وآلہ فرمود: برخیزید (تا به مسجد برویم).

وقتی به مسجد رسیدند دیدند فقیری، از مسجد بیرون می آید، پیامبر صلی الله علیه وآلہ از او پرسیدند: آیا کسی به تو چیزی نداد؟

عرض کرد: آری، این انگشتتری را.

حضرت فرمود: چه کسی آن را به تو داد؟

عرض کرد: این مردی که نماز می خواند.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: در چه حالی انگشتتر را به تو داد؟

عرض کرد: در حال رکوع بود.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ تکبیر گفت، واهل مسجد هم تکبیر گفتند.

آن گاه حضرت فرمود: پس از من، علی بن ابی طالب ولی و سرپرست شماست. (۱)

ص: ۳۱

على "عليه السلام" في القرآن ٧ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصائِغُ الْعَدْلُ، عَنْ عَيْسَىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَلَامَ الْكُوفِيِّ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ، عَنْ حَرْبِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ صَدْقَةِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمَّا نَزَّلَتْ هَذِهِ الْآيَةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^(١) قَامَ رِجَالٌ مِّنْ مَجَلَسِهِمَا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ التُّورَاةُ؟

قَالَ: لَا.

قَالَا: فَهُوَ الْإِنْجِيلُ؟

قَالَ: لَا.

قَالَا: فَهُوَ الْقُرْآنُ؟

قَالَ: لَا.

قَالَ: فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

هُوَ هَذَا، إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمٌ كُلُّ شَيْءٍ.

٨ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْمُتَوَكِّلِ، عَنْ مُحَمَّدِ الْعَطَّارِ، عَنْ إِبْنِ عَيْسَىٰ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَمِّهِ عُمَرِ بْنِ مَعْلُوسٍ، عَنْ خَلْفِهِ، عَنْ عَطِيهِ الْعَوْفِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ:

سَأَلَتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ شَانَهُ: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ»^(٢).

قَالَ: ذَاكَ وَصَرِّي أَخِي سَلِيمَانَ بْنَ دَاؤِدَ.

فَقَلَّتْ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ أَكْتَابٌ»^(٣)؟

قَالَ: ذَاكَ أَخِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

حَضَرَتْ عَلَى "عليه السلام" در قرآن

ص: ٣٢

١- ٢٤. سوره يس {٣٦}، الآيه ١٢.

٢- ٢٥. سوره النمل: الآيه ٤٠.

۷- امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه وآلہ نازل شد که «ما همه چیز را در امام مبین ضبط کرده و بر شمرده ایم.» فوراً دو نفر برخاستند و پرسیدند: ای پیامبر خدا! آیا آن تورات است؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: نه.

گفتند: آیا انجیل است؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: نه.

گفتند: آیا قرآن است؟

فرمود: نه.

در همین هنگام، امیر مؤمنان علی علیه السلام از راه رسید؛ پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ فرمود: «امام مبین» همین است، که خداوند، علم هر چیزی را در او ضبط و شماره کرده است. [\(۱\)](#)

۸- ابوسعید خدری می گوید:

از پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ در باره این آیه که می فرماید: «گفت آن کسی که نزد او مقداری از علم کتاب بود، سؤال کردم.

فرمود: آن شخصی که مقداری علم از کتاب نزدش بود، وصی و جانشین برادرم، سلیمان بن داود بود.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! پس مقصود از این آیه «بگو: گواهی خداوند و گواهی کسی که همه علم به کتاب نزد اوست، بین من و شما کفایت می کند.»

کیست؟

فرمود: منظور از آن، برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. [\(۲\)](#)

ص: ۳۳

۱- ۲۷. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۲، حدیث ۵

۲- ۲۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۳، حدیث ۳

على "عليه السلام" في القرآن ٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلَى بْنِ بَابُوِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْجَلْوَدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ، عَنْ الْخَضْرِ بْنِ أَبِي فَاطِمَةِ الْبَلْخِيِّ، عَنْ وَهِيبِ بْنِ نَافِعٍ، عَنْ كَادِحٍ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَى عَلِيهِمُ السَّلَامُ؛

في قوله عز وجل: «سَلَامٌ عَلَى إِلٰي يَاسِينَ». (١)

قال: ياسين محمد صلي الله عليه وآله ونحن آل ياسين.

* * *

١٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ عَلَى بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسِنِيِّ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاؤِدَ الْمَنْقَرِيِّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيهِمَا السَّلَامُ؛

في قول الله تبارك وتعالى:

«وَيَسْتَبْشِرُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِنِّي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ» (٢)

قال: يستبشرك يا محمد! أهل مكة عن على بن أبي طالب عليه السلام إمام هو؟ قل: إني وربّي إنّه لحقّ.

١١ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْجَلْوَدِيِّ، عَنْ الْمُغِيرَةِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ وَمَنْصُورِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنِ الْمَنْهَالِ بْنِ عُمَرٍ، عَنْ عَبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامُ:

ما نزلت من القرآن آية إلا وقد علمت أين نزلت وفي أي شئ نزلت وفي سهل نزلت أو في جبل نزلت.

قيل: فما نزل فيك؟

فقال عليه السلام: لو لا أنتم سألتموني ما أخبرتكم؛ نزلت في الآية «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذَرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادِ»؛ (٣)

فرسول الله صلى الله عليه وآلله المنذر وأنا الهادي إلى ما جاء به.

ص: ٣٤

١- ٢٩. سوره الصافات: الآيه ١٣٠.

٢- ٣٠. سوره يونس: الآيه ٥٣.

٣- ٣١. سوره الرعد، الآيه ٧.

حضرت علی "علیه السلام" در قرآن ۹ - امام صادق علیه السلام: از پدران گرامی اش نقل می کند:

امام علی علیه السلام در تفسیر آیه «سلام بر آل یاسین». فرمود:

مقصود از یاسین محمدصلی الله علیه وآلہ است و ما آل یاسین هستیم. (۱)

۱۰ - امام صادق علیه السلام فرمود:

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه که می فرماید: «(ای پیامبر!) از تو خبر می گیرند که آیا این موضوع حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم! آن حق است.» فرمود:

یعنی ای محمد! اهل مکه از تو خبر می گیرند که آیا علی، امام است؟ بگو: آری، به خدا سوگند او امام و حق است. (۲)

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود: آیه ای از قرآن نازل نشد مگر آن که می دانم کجا نازل شده، درباره چه کسی نازل شده، در چه موضوعی؛ آیا در کوه یا دشت نازل شده است.

عرض شد: درباره خود شما چه آیه ای نازل شده؟

فرمود: اگر نمی پرسیدید، چیزی نمی گفتم (حال که سؤال کردید می گوییم) در باره من این آیه نازل شده که: «تو تنها هشدار دهنده ای و برای هر قومی هدایتگری است.» پس پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ، هشدار دهنده است و من هدایتگر به آنچه او آورده است، می باشم. (۳)

ص: ۳۵

۱- ۳۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حديث ۱.

۲- ۳۳. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۶، حديث ۷.

۳- ۳۴. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۶، حديث ۱۳.

١٢ - حدثنا ابن البرقى، عن أبيه، عن جده، عن أبيه محمد بن خالد، عن سهل بن المرزبان، عن محمد بن منصور، عن عبد الله بن جعفر، عن محمد بن الفيض بن المختار، عن أبيه، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر، عن أبيه، عن جده عليهم السلام قال:

خرج رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم وهو راكب وخرج على عليه السلام وهو يمشى، فقال له:

يا أبا الحسن! إمّا أن تركب وإنّما أن تنصرف، فإنّ الله عزّ وجلّ أمرني أن تركب إذا ركبت، وتمشى إذا مشيت، وتجلس إذا جلست إلاّ أن يكون حدّ من حدود الله لابدّ لك من القيام والقعود فيه، وما أكرمني الله بكرامته إلاّ وقد أكرمك بمثلها، وخصّنـى بالنبـوه والرسـاله وجعلـك ولـيـ فـى ذـلـكـ، تـقوـمـ فـى حـدـودـهـ وـفـى صـعـبـ أـمـورـهـ.

والذى بعث محمـداً بالحقـ نبيـاً! ما آمنـ بـىـ منـ أـنـكـرـكـ، ولاـ أـقـرـ بـىـ منـ جـحدـكـ، ولاـ آـمـنـ بـالـلـهـ منـ كـفـرـ بـكـ، وإنـ فـضـلـكـ لـمـنـ فـضـلـىـ لـكـ لـفـضـلـ اللـهـ وـهـ قـوـلـ رـبـىـ عـزـ وـجـلـ: «قـلـ بـفـضـلـ اللـهـ وـبـرـحـمـتـهـ فـيـذـلـكـ فـلـيـفـرـحـوـاـ هـوـ خـيـرـ مـمـاـ يـجـمـعـونـ» (١) فـضـلـ اللـهـ، نـبـوهـ نـبـيـكـمـ، وـرـحـمـتـهـ، وـلـاـيـهـ عـلـىـ بـنـ أـبـيـ طـالـبـ. فـيـذـلـكـ، قـالـ: بـالـنـبـوهـ وـالـوـلـاـيـهـ «فـلـيـفـرـحـوـاـ» يـعـنىـ الشـيـعـهـ. «هـوـ خـيـرـ مـمـاـ يـجـمـعـونـ» يـعـنىـ مـخـالـفـيـهـمـ مـنـ الـأـهـلـ وـالـمـالـ وـالـوـلـدـ فـىـ دـارـ الدـنـيـاـ.

ص: ٣٦

١- ٣٥. سورة يونس: الآية ٥٨.

۱۲ - امام باقر علیه السلام از اجداد پاکش در مورد امام علی می فرماید:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوار بر مرکبی از خانه خارج شد، علی علیه السلام نیز پیاده به راه افتاد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

ای علی! یا تو هم سوار شو یا بر گرد؛ زیرا خدا به من دستور داده که اگر من سواره ام تو هم سواره باشی، اگر من پیاده ام، تو هم پیاده باشی، اگر نشسته ام تو هم بنشینی، جز در مواردی که حدّی از حدود الهی تو را ناگزیر به نشست و برخاست کند. خدا به من کرامتی نداده مگر این که مانند آن را به تو هم داده است، مرا به پیامبری و رسالت برگزیده و تو را ولی من ساخته که حدود آن را به پا داشته و مشکلات سخت آن را حل کنی.

سوگند به خدایی که محمد را به حق به پیامبری برانگیخته! کسی که تو را انکار کند، به من ایمان نیاورده است و آن که (ولایت) تو را منکر شود، به پیامبری من اقرار نکرده است و آن که کافر به تو باشد، به خدا ایمان نیاورده است. فضل تو از فضل من است و فضل من از فضل خداست و این سخن خداست که می فرماید: «بگو: باید منحصراً به فضل و رحمت خدا شادمان شوند که آن بهتر است از آنچه اندوخته می کنند» پس مقصود از فضل خدا، نبوت پیامبر شماست و مقصود از رحمت او، ولایت علی بن ابی طالب است، ومقصود از کسانی که باید شادمان شوند، شیعیان می باشند. و این که فرمود: «آن بهتر است از آنچه اندوخته می کنند» یعنی: از آنچه مخالفین - از اهل ومال و فرزند در دنیا - جمع می کنند.

والله يا على! ما خلقت إلا ليعبد [لتعبد] ربك ولتعرف بك معلم الدين ويصلح بك دارس السبيل ولقد ضل من ضل عنك ولن يهتدى إلى الله عز وجل من لم يهتد إليك وإلى ولايتك، وهو قول ربى عز وجل: «وَإِنِّي لَغَافِرٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (١) يعني إلى ولايتك، ولقد أمرني ربى تبارك وتعالى أن أفترض من حرك ما أفترضه من حقي وإن حرك لمفروض على من آمن، ولو لاك لم يعرف حزب الله وبك يعرف عدو الله، ومن لم يلقه بولايتك لم يلقه بشيء.

ولقد أنزل الله عز وجل إلى: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك» (٢) يعني في ولايتك يا على «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغَتَ رسالته» (٣) ولو لم أبلغ ما أمرت به من ولايتك لحط عملى، ومن لقى الله عز وجل بغير ولايتك فقد حبط عمله، وعد ينجز لي وما أقول إلا قول ربى تبارك وتعالى وإن الذى أقول لمن الله عز وجل أنزله فيك.

ص: ٣٨

١- ٣٦. سورة طه: الآية ٨٢.

٢- ٣٧. سورة المائدah: الآية ٦٧.

٣- ٣٨. سورة المائدah: الآية ٦٧.

ای علی! به خدا قسم! تو آفریده نشدی مگر برای آن که به وسیله تو خدا عبادت شود، ومعالم دین شناخته گردد و کهنگی راه (خدا) اصلاح شود. گمراه واقعی کسی است که از تو گمراه شد و کسی که به تو و ولایت تو هدایت نشود هرگز راهی به سوی خدا ندارد و این است سخن خداوند که: «و من هر که را توبه کند و ایمان آورده و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، بسیار مورد عفو و آمرزش خود قرار می دهم» یعنی به ولایت تو هدایت شود. به طور حتم خداوند به من فرمان داده که همان حقیّ که برای من مقرر شده برای تو مقرر کنم، حق تو بر هر که به من ایمان آورده واجب است، اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی شد، به وسیله تو دشمن خدا شناخته می شود و هر که خدا را با ولایت تو، ملاقات نکند، دست خالی او را ملاقات کرده است.

خداوند این آیه را بر من نازل فرمود: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده - یعنی در باره ولایت تو ای علی - ابلاغ کن، و اگر این کار را نکنی در واقع رسالت او را ابلاغ نکرده ای» و اگر آنچه از ولایت تو دستور داشتم ابلاغ نکرده بودم، تمام اعمالم بی اثر و نابود می شد و هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند عملش نابود است. این وعده ای است که برای من حتمی است و من هم چیزی جز سخن خدا نمی گویم و آنچه می گوییم از جانب خدای متعال است که درباره تو نازل فرموده است. [\(۱\)](#)

ص: ۳۹

۱- ۳۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۱۶.

قسمت دوم

١٣ - حدثنا الحافظ عن محمد بن القاسم بن زكريا والحسين بن على السكوني، عن محمد بن الحسن السكوني، عن صالح بن أبي الأسود، عن أبي المظفر المذاري، عن سلام الجعفي، عن أبي جعفر الباقر عليهما السلام، عن أبي بزه، عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَ إِلَى فِي عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامِ عَهْدًا.

قلت: يا رب! ي فيه لي.

قال: اسمع.

قلت: قد سمعت.

قال: إنَّ عَلِيًّا رَأَيَهُ الْهَدِيٌّ وَإِمَامُ أُولَائِيِّ وَنُورُ مَنْ أطاعَنِي، وَهُوَ الْكَلْمَهُ الَّتِي أَزْمَتْهَا الْمُتَقِّيُّنَ، مَنْ أَحْبَبَهُ أَحْبَنِي وَمَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي.

١٤ - حدثنا أحمد بن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن جده، عن بن عبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن على بن موسى الرضا، عن آبائه، عن أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَخْبَرْنِي جَبْرِيلُ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالَهُ أَنَّهُ قَالَ:

عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَجَّتِي عَلَى خَلْقِي وَدِيَانِ دِينِي، أَخْرَجَ مِنْ صَلْبِهِ أَنَّمِهِ يَقُومُونَ بِأَمْرِي، وَيَدْعُونَ إِلَى سَبِيلِي، بِهِمْ أَدْفَعَ الْعَذَابَ عَنْ عَبَادِي وَإِمَائِي، وَبِهِمْ أَنْزَلَ رَحْمَتِي.

١٥ - حدثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عممه، عن ابن أبي عمير، عن حمزه بن حمران، عن أبي حمزه، عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن أمير المؤمنين عليهم السلام؛

أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ:

يَا أَبا الْحَسَنِ! إِنَّكَ تَدْعُى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَنْ أَمْرَكَ عَلَيْهِمْ؟

قال عليه السلام: اللَّهُ جَلَّ جَلَالَهُ أَمْرَنِي عَلَيْهِمْ.

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" سخنایی از خداوند درباره حضرت علی علیه السلام

۱۳ - امام باقر علیه السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ نقل می کند که فرمود:

خداوند متعال درباره علی علیه السلام به من سفارش کرد.

عرض کردم: پروردگار من! توضیح بفرما.

فرمود: گوش فراده.

عرض کردم: آماده ام.

فرمود: به راستی که علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است. او نور است برای کسی که از من اطاعت کند، همو است کلمه ای که پرهیز کاران بدان ملتزم شوند؛ هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس اطاعت شکنند از من اطاعت

کرده است. [\(۱\)](#)

۱۴ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

خداوند به وسیله جبرئیل به من خبر داد و فرمود:

علی بن ابی طالب حجّت من بر آفریده هایم و حکم کننده بر طبق دینم می باشد.

از نسل او امامانی برآورم که به امر من قیام کرده و به راه من فرا خوانند، به برکت آن ها، عذاب را از بندگان و کنیزانم بر می دارم و رحمتم را نازل می نمایم. [\(۲\)](#)

۱۵ - مردی خدمت امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد:

به شما امیر المؤمنین می گویند، چه کسی شما را امیر مردم قرار داده است؟

فرمود: خداوند مرا امیر بر آن ها قرار داده است.

ص: ۴۱

-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۳.

-۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۸۱، حدیث ۷.

نصوص من الله في على "عليه السلام" فجاء الرجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله! أى صدق على فيما يقول إن الله أمره على خلقه؟

غضب النبي صلى الله عليه وآله ثم قال: إن علياً أمير المؤمنين بولاه من الله عز وجل عقدها له فوق عرشه وأشهد على ذلك ملائكته؛ إن علياً خليفه الله وحجه الله وإنه لامام المسلمين، طاعته مقرونه بطاعة الله، ومعصيته مقرونه بمعصيه الله، فمن جهله فقد جهلني، ومن عرفه فقد أدركني، ومن أنكر إمامته فقد أنكر نبوتي، ومن جحد إمراته فقد جحد رسالتى، ومن دفع فضله فقد تنقصنى، ومن قاتله فقد قاتلني، ومن سبّه فقد سبّن لأنّه مني، خلق من طيني وهو زوج فاطمه ابنتي وأبو ولدي الحسن والحسين.

ثم قال صلى الله عليه وآله: أنا وعلى فاطمه والحسن والحسين وتسعه من ولد الحسين حجج الله على خلقه، أعداؤنا أعداء الله، وأولئكنا أولياء الله.

١٦ - حدثنا الحسين بن محمد بن سعيد الهاشمي، عن فرات بن إبراهيم الكوفي، عن محمد بن ظهير، عن الحسين بن علي العبدى، عن محمد بن عبد الواحد الواسطى، عن محمد بن ربيعة، عن إبراهيم بن يزيد، عن عمرو بن دينار، عن طاوس، عن ابن عباس قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله و هو على المنبر يقول - وقد بلغه عن أناس من قريش إنكار تسميته على أمير المؤمنين - فقال:

معاشر الناس! إن الله عز وجل بعثني إليكم رسولاً وأمرني أن أستخلف عليكم علياً أميراً، ألا فمن كنت نبيه فإن علياً أميره تأميره الله عز وجل عليكم وأمرني أن أعلمكم ذلك لتسمعوا له وتطيعوا، إذا أمركم تأتمرون وإذا نهاكم عن أمر تنهون.

ألا- فلا- يأتمن أحد منكم على علي عليه السلام في حياتي ولا- بعد وفاتي، فإن الله تبارك وتعالى أمره عليكم وسمّاه أمير المؤمنين ولم يسم أحداً من قبله بهذا الاسم.

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" مرد عرب خدمت پیامبر صلی الله علیه وآلہ رفت و عرض کرد: آیا علی راست می گوید که خدا او را امیر قرار داده است؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ خشمگین شد و فرمود: به راستی چنین است که علی به ولایت الهی، امیر بر مردم شده؛ خداوند این ولایت را در آسمان ها منعقد کرده و فرشتگان را بر آن گواه گرفته که: علی، خلیفه و حجت خدا و امام مسلمانان است، اطاعت از او همراه با اطاعت از خداست و نافرمانی از او، همراه با نافرمانی خداست. هر کس او را نشناسد، مرا نشناخته و هر کس او را بشناسد مرا شناخته است، هر کس منکر امامت او شود منکر پیامبری من شده و هر کس امیری او را انکار کند رسالت مرا انکار کرده است. آن که فضیلت او را نفی و دفع کند (فضیلت) مرا کاسته است؛ هر که با او نبرد کند، با من نبرد کرده؛ هر که او را دشنم دهد، مرا دشنم داده؛ زیرا او از من است، از طینت و سرشت من آفریده شده، او همسر فاطمه، دختر من و پدر دو فرزندم، حسن و حسین است.

سپس فرمود: من، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه فرزند او، حجت های خدا بر آفریدگان هستیم، دشمنان ما، دشمنان خدا و دوستان ما، دوستان خدایند. (۱)

۱۶ - ابن عباس می گوید:

به پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ خبر رسید که برخی از قریش، عنوان «امیر المؤمنین» را برای علی علیه السلام انکار می کنند. حضرتش بر فراز منبر رفت و در سخنرانی خود فرمود:

ای مردم! خداوند مرا بر شما پیامبر قرار داده و دستور فرموده که علی را به عنوان امیر شما پس از خودم معرفی کنم. پس آگاه باشید! هر کس من پیامبر او هستم، علی امیر اوست، امارتی که خدا فرمان داده و به من دستور فرموده که شما را از آن آگاه کنم، تا سخن او را به گوش جان بخرید؛ اگر دستور داد، اطاعت کنید و اگر نهی کرد برحذر باشید.

آگاه باشید! کسی از شما حق ندارد بر علی، امیر باشد، نه در زمان حیات من و نه پس از مرگ من؛ زیرا که خداوند او را بر شما امیر کرده و به عنوان «امیر المؤمنین» لقب داده و هیچ کس پیش از او به آن نام، نامیده نشده است.

ص: ۴۳

۱- ۴۲. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۷، حدیث ۸

نصوص من الله في على "عليه السلام" وقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم في على، فمن أطاعنى فيه فقد أطاع الله، ومن عصانى فيه فقد عصى الله عز وجل ولا حجه له عند الله عز وجل وكان مصيره إلى ما قال الله عز وجل في كتابه: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يَدْخُلُهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا». (١)

١٧ - حدثنا ماجيلويه، عن محمد بن العطار، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب، عن سنان بن طريف، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

قال: إنا أول أهل بيت نوح الله بأسمائنا، إنه لما خلق الله السماوات والأرض أمر منادياً فنادى:

أشهد أن لا إله إلا الله - ثلاثاً -، أشهد أن محمد رسول الله - ثلاثاً - أشهد أن علياً أمير المؤمنين حقاً - ثلاثاً -.

١٨ - حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار، عن أبيه، عن محمد بن عبد الجبار، عن أحمد الأزدي، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمه، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إن الله تبارك وتعالى آخى بيني وبين على بن أبي طالب، وزوجه ابنتي من فوق سبع سماواته، وأشهد على ذلك مقربى ملائكته وجعله لى وصياً وخليفة، فعلى مني وأنا منه، محبه محبى، ومبغضه مبغضى، وإن الملائكة لتقرّب إلى الله بمحبته.

ص: ٤٤

١- ٤٣. سورة النساء {٤}: الآية ١٤.

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" من آنچه دستور داشتم درباره علی گفتم، هر که در این دستور، مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و آن که نپذیرد معصیت خدا نموده است و بدانند نزد خدا عذری ندارد و سرانجامش همان است که خداوند در قرآن فرموده: «هر که از خدا و پیامبر نافرمانی کند و از حدودش تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که همیشه در آن خواهد ماند.»^(۱)

۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بلند کرده است.

آن گاه که خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید به فرشته‌ای دستور داد سه بار اعلان کند:

گواهی می‌دهم که هیچ معبدی جز خدا نیست.

گواهی می‌دهم که محمد پیامبر خداست.

گواهی می‌دهم که علی، به حقیقت امیر مؤمنان است.^(۲)

۱۸ - پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

خداوند تبارک و تعالی، از بالای هفت آسمان، بین من و علی برادری قرار داد و دخترم را همسر او کرد و فرشتگان مقرب را بر آن گواه گرفت و او را وصی و خلیفه ام نمود. پس علی علیه السلام از من است و من از علی، دوست او دوست من است و دشمن او، دشمن من؛ به راستی که فرشته‌ها، به وسیله دوستی او خود را به خدا نزدیک می‌کنند.^(۳)

ص: ۴۵

۱- ۴۴. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۶۳، حديث ۱۱.

۲- ۴۵. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۸۸، حديث ۴.

۳- ۴۶. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۶، حديث ۶.

نصوص من الله في على "عليه السلام"

١٩ - حدثنا ابن سعيد الهاشمي عن فرات، عن محمد بن ظهير، عن محمد بن الحسين بن أخي يونس، عن محمد بن يعقوب النهشلي، عن الرضا، عن آبائه عليهم السلام، عن النبي صلى الله عليه وآله، عن جبريل، عن ميكائيل، عن إسرافيل، عن الله - جل جلاله - أنه قال:

أنا الله لا إله إلا أنا، خلقت الخلق بقدرتي فاخترت منهم من شئت من أنبيائي واخترت من جميعهم محمد أصلى الله عليه وآله حبيباً وخليلاً وصفياً، ببعثته رسولاً إلى خلقى واصطفيت له علياً فجعلته له أخاً ووصياً وزيراً ومؤدياً عنه من بعده إلى خلقى، وخليفتى على عبادى ليبين لهم كتابى ويسير فىهم بحکمى.

وجعلته العلم الهدى من الضلاله، وبابى العذى أوى منه، وبيتى العذى من دخله كان آمناً من نارى، وحصنى العذى من لجأ إليه حصنه من مكروه الدنيا والآخره، ووجهى العذى من توجّه إليه لم أصرف وجهى عنه، وحيّتى فى السماوات والأرضين على جميع من فيهن من خلقى. لا أقبل عمل عامل منهم إلا بالإقرار بولايته مع نبوة أحمد رسولى وهو يدى المبوسطه على عبادى وهو النعمه التي أنعمت بها على من أحببته من عبادى.

فمن أحببته من عبادى وتوليته، عرفته ولایته ومعرفته ومن أبغضته من عبادى، أغضبته لأنصرافه عن معرفته ولایته.

فعزّتى حلفت وبجلالى أقسمت أنه لا يتولى علياً عبد من عبادى إلا زحزحته عن النار وأدخلته الجنة ولا يبغضه عبد من عبادى ويعدل عن ولایته إلا أبغضته وأدخلته النار وبئس المصير.

٢٠ - حدثنا ابن إدريس، عن أبيه، عن البرقى، عن ابن معروف، عن محمد بن يحيى الخراز، عن طلحه بن زيد، عن الصادق، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أتاني جبريل من قبل ربى جل جلاله فقال: يا محمد! إن الله - عز وجل - يقرئك السلام ويقول لك: بشر أخاك علياً بانى لا أعدّب من تولاه ولا أرحم من عاداه.

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام"

۱۹ - امام رضاعلیه السلام از پدرانش و آن ها از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ و ایشان از جبرئیل، و او از میکائیل، و او از اسرافیل نقل می کنند، که خداوند فرمود:

منم خدایی که جز من مبعودی نیست، مخلوقات را با قدرت خود آفریدم، از بین آن ها پیامبرانی را برگزیدم و از میان پیامبران نیز محمدصلی الله علیه وآلہ را به عنوان حبیب و خلیل و صفتی انتخاب کردم، آن گاه او را به سوی مردم فرستادم و علی را به عنوان برادر و وصی و وزیر او قرار دادم تا بعد از محمد، پیام رسان او به مردم و جانشین من باشد و قرآن مرا برای آن ها بیان نماید و حکم مرا در میان آن ها اجرا کند.

من علی را به عنوان نشانه و پرچمی هدایت گر از گمراهی قرار دادم، او دری است که مردم از آن در آیند، او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش دوزخ من در امان باشد، دژ محکم من است که هر کس بدان پناه برد، از بدی دنیا و آخرت محفوظ بماند. او وجه من است که هر کس به او رو کند، از او رو برنگردانم. او حجّت من در آسمان ها و زمین است؛ تنها عمل کسانی را می پذیرم که به ولایت علی و رسالت احمد پیامبرم، اقرار کنند، او دست گشاده من بر بندگان است. او نعمتی است که به هر یک از بندگانم که دوست داشتم دادم.

پس هر کس از بندگانم را که دوست داشتم، دوستی و شناخت علی را نصیب او کردند و هر کدام از بندگانم را که دشمن دارم به خاطر این است که از دوستی و شناخت علی روگردان است.

به عزّت و جلال خودم سوگند خورده ام که هر کس علی را دوست بدارد، او را از دوزخ دور سازم و وارد بهشت نمایم، و هر کس او را دشمن بدارد و ازولایتش روی برگرداند، من با او دشمنی نموده و او را داخل دوزخ نمایم که آنجا بد سرانجامی است. (۱)

۲۰ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

جبرئیل از طرف خدای بزرگ، نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند عزیز به تو سلام می رساند و می فرماید:

برادرت علی را مژده بده که هر که او را دوست بدارد، عذابش نمی کند، ترحم نمی کنم. (۲)

ص: ۴۷

۱- ۴۷. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۳۹، حدیث ۱۰.

۲- ۴۸. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۰، حدیث ۸.

نصوص من الله في على "عليه السلام"

٢١ - حدثنا علي بن أحمد البرقي، عن أبيه، عن جده أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي محمد بن خالد، عن خلف بن حماد، عن أبي الحسن العبدى، عن الأعمش، عن عبایه بن ربعی، عن عبد الله بن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أتانى جبرئيل وهو فرح مستبشر، فقلت له: حببى جبرئيل! بما أنت فيه من الفرح ما متله أخي وابن عمّى على بن أبي طالب عليه السلام عند ربّه؟

فقال جبرئيل: يا محمد! والذى بعثك بالنبأ واصطفاك بالرسالة! ما هبطت فى وقتى هذا إلا لهذا؛ يا محمد! الله العلي الأعلى يقرأ عليك السلام ويقول: محمد نبى رحمتى وعلى مقيم حجتى، لا- أعتذب من والاه وإن عصانى، ولا- أرحم من عاداه وإن أطاعنى.

٢٢ - حدثنا علي بن عيسى، عن علي بن محمد ماجيلويه، عن البرقي، عن محمد بن حسان السلمى، عن محمد بن جعفر بن محمد، عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال:

نزل جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا محمد! السلام يقرئك السلام ويقول: خلقت السماوات السبع وما فيهن والأرضين السبع ومن عليهنّ وما خلقت موضعًا أعظم من الركن والمقام، ولو أن عبداً دعاني هناك منذ خلقت السماوات والأرضين ثم لقيني جاحداً ولایه على لأكبته في سقوف.

٢٣ - حدثنا ابن إدريس، عن أبيه، عن محمد بن عبد الجبار، عن الأزدي، عن إسماعيل بن الفضل، عن أبيه، عن ثابت بن دينار، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إن الله تبارك وتعالى أوحى إلى أنه جاعل لي من أمّتي أخاً ووارثاً وخليفة ووصياً.

فقلت: يا رب! من هو؟

فاؤحی إلى عزّ وجلّ: يا محمد! إنَّ إمامُ أمْتكَ وحجّتى عليها بعدك.

فقلت: يا رب! من هو؟

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام"

۲۱ - ابن عباس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمود:

روزی جبرئیل با شادی و خرّمی نزد من آمد، گفت: اکتون که با چنین حالی آمدی، بگو بدانم مقام برادرم علی بن ابی طالب نزد پروردگار چگونه است؟

جبرئیل گفت: سوگند به خدا که من هم فقط برای همین موضوع آمده ام. ای محمد! خداوند متعال به تو سلام می رساند و می فرماید: محمد، پیامبر رحمت من است و علی برپا دارنده حجّت من؛ دوستانش را عذاب نکنم، هر چند گناهکار باشند و به دشمنانش رحم نکنم، اگر چه از من اطاعت کرده باشند. (۱)

۲۲ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآلہ نازل شد و گفت: ای محمد! خدا به تو سلام می رساند و می فرماید: در آفرینش هفت آسمان و آنچه در آن است و هفت زمین و آنچه بر آن است، جایی عظیم تر و بآ شکوه تر از «رکن و مقام» نیافریدم (که در آنجا هر دعایی مستجاب است، با این حال) اگر بنده ای، از ابتدای آفرینش آسمان ها و زمین تا روز مرگش، در آن مکان مرا بخواند امّا منکر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام باشد دعای او را مستجاب نمی کنم و او را با صورت به آتش می اندازم. (۲)

۲۳ - ابن عباس می گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ فرمود: خداوند متعال به من وحی کرد که از میان امتم کسی را وارث، جانشین و وصی من قرار می دهد.

عرض کردم: پروردگارم! او کیست؟

فرمود: ای محمد! او امام امّت تو و حجّت من بر آن ها پس از توست.

عرض کردم: پروردگارم! نامش چیست؟

ص: ۴۹

٢ - ٥٠. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٧٣، حدیث ١٢.

نصوص من الله في على "عليه السلام" فأوحى إلى عز وجل: يا محمد! ذاك من أحبه ويحبني، ذاك المجاهد في سبيلي والمقاتل لناكثي عهدي والقاسطين في حكمي والمارقين من ديني، ذاك ولبي حقاً، زوج ابنتك وأبو ولدك على بن أبي طالب عليه السلام.

٢٤ - حَدَّثَنَا أَبْيَهُ، عَنِ الْحَمْيَرِيِّ، عَنْ إِبْنِ عَيْسَىٰ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يُونَسَ، عَنْ مُنْصُورِ الصِّيقِلِ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

لما أسرى بي إلى السماء عهد إلى ربّي في علي عليه السلام ثلات كلمات.

فقال: يا محمد!

فقلت: لیک رئیس۔

فقاً: إِنَّ عَلِيًّا إِمامَ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدَ الْغَرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ.

٢٥ - حدثنا ماجيلويه، عن محمد بن العطار، عن جعفر بن محمد الكوفي، عن محمد بن الحسين بن زيد، عن عبد الله بن الفضل، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليه أسرى بي إلى السماء كلمني ربّي جل جلاله فقال: يا محمد!

فقلت: لپیک ربی.

فال: على حجتى بعدك على خلقى وإمام أهل طاعتى، من أطاعه أطاعنى ومن عصاه عصانى، فانصبه لأمتك يهتدون به بعدك.

٢٦ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السِّنَانِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَسْدِيِّ الْكُوفِيِّ، عَنِ النَّخْعَنِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَلَى بْنِ سَالِمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبَيرٍ، عَنْ أَبْنَ عَبَّاسٍ؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

يا على! أنت إمام المسلمين، وأمير المؤمنين، وقائد الغر المحبّلين، وحجّه الله بعدى على الخلق أجمعين، وسيد الوصيّين ووصي سيد النّبيّين.

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" فرمود: ای محمد! او همان است که دوستش دارم و او هم مرا دوست می دارد، همان کسی که در راه من جهاد می کند و با پیمان شکنان عهد من، و قاسطان و بیدادگران در فرمان من، و مارقاران و بیرون روندگان از دین من نبرد خواهد نمود، او حقیقتاً ولی من، همسر دختر تو و پدر فرزندانت، علی بن ابی طالب علیه السلام است. [\(۱\)](#)

۲۴ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

هنگامی که به معراج رفتم، پروردگارم درباره علی علیه السلام، سه کلمه سفارش کرد و فرمود: ای محمد!

گفتم: لبیک، بله ای پروردگار من!

فرمود: علی، امام پرهیزکاران، پیشوای دست و رو سفیدان و سرور و پناه مؤمنان است. [\(۲\)](#)

۲۵ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به معراج بردنده پروردگارم فرمود: ای محمد!

عرض کردم: لبیک، بله ای پروردگار من!

فرمود: پس از تو علی، حجّت من بر آفریدگانم و امام و پیشوای اطاعت کنندگان من است؛ هر کس از او اطاعت کند در واقع از من اطاعت کرده و هر کس نافرمانی اش کند نافرمانی مرا کرده است، پس او را بر امت خود به امامت منصوب کن تا پس از تو به وسیله او هدایت شوند. [\(۳\)](#)

۲۶ - ابن عباس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو إمام مسلمانان و أميرمؤمنان و پیشوای دست و رو سفیدانی و پس از من حجت خدا بر همه خلق و سرور اوصیا، و وصی سرور پیامبران هستی.

ص: ۵۱

۱- ۵۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۷.

۲- ۵۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۷.

۳- ۵۳. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۷.

نصوص من الله في على "عليه السلام" يا على! إنّه لما عرج بي إلى السماء السابعة، ومنها إلى سدره المتهى، ومنها إلى حجب النور، وأكرمني ربّي جل جلاله بمناجاته، قال لي: يا محمد!

قلت: لبيك ربّي وسعديك، تبارك وتعالیت.

قال: إنّ علياً إمام أوليائي، ونور لمّن أطاعني، وهو الكلمة التي أرزمتها المتقين، من أطاعه أطاعني، ومن عصاه عصاني.

٢٧ - حدّثنا ابن الوليد، عن الصفار، عن ابن عيسى، عن محمد بن سنان، عن أبي مالك الحضرمي، عن إسماعيل بن جابر؛

عن أبي جعفر الباقر عليه السلام في حديث طويل يقول فيه:

إنّ الله تبارك وتعالى لمّا أسرى نبيه صلى الله عليه وآله قال له:

يا محمد! إنّه قد انقضت نوّتك وانقطع أكلك، فمن لأمّتك من بعدك؟

فقلت: يا ربّ! إنّي قد بلوت خلقك فلم أجده أحداً أطوع لى من على بن أبي طالب.

فقال عزّ وجلّ: ولّى يا محمد! فمن لأمّتك؟

فقلت: يا ربّ! إنّي قد بلوت خلقك فلم أجده أحداً أشدّ حباً لى من على بن أبي طالب.

فقال عزّ وجلّ: ولّى يا محمد، فأبلغه أنّه رايـه الـهدـى وإـمامـ أولـيـائـى وـنـورـ لمـنـ أـطـاعـنىـ.

سخنایی از خداوند درباره حضرت علی "علیه السلام" ای علی! چون مرا به آسمان هفتمن عروج دادند و از آنجا به سدره المنتهی و از آنجا به حجاب های نور بردنند و خداوند مرا به مناجات خویش گرامی داشت، به من فرمود: ای محمد!

پاسخ دادم: لبیک، بله ای پروردگارم، آماده به فرمانم، تو والا مقام و برتری.

خداوند فرمود: به درستی که علی پیشوای دوستان من می باشد و برای هر کس که مرا اطاعت کند نور است و او همان کلمه ای است که پرهیز کاران را همراه او قرار داده ام. هر کس او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است و هر کس از او نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است. [\(۱\)](#)

۲۷ - امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

آن گاه که خداوند متعال، پیامبرش را به معراج برد، به او فرمود:

ای محمد! هنگام پیامبری ات به سر رسیده و عمرت تمام شده است، چه کسی را پس از خودت، برای امتت رهبر قرار می دهی؟

گفتم: پروردگار! همه خلق را آزمودم، کسی را مطیع تر از علی بن ابی طالب نسبت به خودم نیافتم.

فرمود: نسبت به من نیز چنین است.

ای محمد! چه کسی را پس از خودت برای امتت رهبر قرار می دهی؟

گفتم: پروردگار! به راستی همه خلق را آزمودم، کسی را محبوبتر از علی بن ابی طالب نسبت به خودم نیافتم.

فرمود: و نسبت به من نیز چنین است. پس به او اعلام کن که او پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است، او نور و روشنایی برای هر کسی است که مرا اطاعت کند. [\(۲\)](#)

ص: ۵۳

۱- ۵۴. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۹، حدیث ۱۶.

۲- ۵۵. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۴.

أحاديث حول الغدير

٢٨ - حدثنا أبي، عن سعد، عن البرقى، عن أبيه، عن خلف بن حماد، عن أبي الحسن العبدى، عن الأعمش، عن عبایة بن ربعى، عن عبد الله بن عباس قال:

... فتقدّم رسول الله صلى الله عليه وآلـه ما شاء الله أن يتقدّم حتّى سمع ما قال رب تبارك وتعالى: «أنا المحمود وأنت محمدـ شفقتـ اسمكـ منـ اسمـيـ، فمنـ وصلـكـ وصلـتهـ، ومنـ قطـعـكـ بـتـكـتهـ، أـنـزلـ إـلـىـ عـبـادـيـ فـأـخـبـرـهـمـ بـكـرامـتـيـ إـيـاـكـ وـأـنـىـ لـمـ أـبـعـثـ نـيـاـ إـلـاـ جـعـلـتـ لـهـ وزـيرـاـ وـأـنـكـ رسـولـيـ وـأـنـ عـلـيـاـ وـزـيرـكـ».»

فهبط رسول الله صلی الله عليه وآلـه فـكـرهـ أـنـ يـحـدـثـ النـاسـ بـشـىـءـ كـراـهـيـهـ أـنـ يـتـهـمـوـهـ، لـأـنـهـمـ كـانـوـاـ حـدـيـثـيـ عـهـدـ بالـجـاهـلـيـهـ.

حتّى مضى لذلك ستة أيام فأنزل الله تبارك وتعالى: «فَلَعْلَكَ تَارِكَ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقُ بِهِ صَدْرُكَ». (١)

فاحتمل رسول الله صلی الله عليه وآلـه ذـلـكـ حتـىـ كـانـ يـوـمـ الشـامـ فـأـنـزـلـ اللـهـ تـبـارـكـ وـتـعـالـىـ عـلـيـهـ: «يـاـ أـيـهـاـ الرـسـوـلـ يـلـغـ مـاـ أـنـزـلـ إـلـيـكـ مـنـ رـيـكـ وـإـنـ لـمـ تـفـعـلـ فـمـاـ بـلـغـتـ رـسـالـتـهـ وـالـلـهـ يـعـصـمـكـ مـنـ النـاسـ». (٢)

فقال رسول الله صلی الله عليه وآلـه: تهدـيـدـ بـعـدـ وـعـيدـ، لـأـمـضـيـنـ أـمـرـ اللـهـ عـزـ وـجـلـ إـنـ يـتـهـمـونـيـ وـيـكـذـبـونـيـ فـهـوـ أـهـوـنـ عـلـىـ مـنـ أـنـ يـعـاقـبـنـيـ الـعـقـوبـةـ الـمـوجـعـهـ فـيـ الدـنـيـاـ وـالـآخـرـهـ.

قال: وسلم جبريل على على يا مرح المؤمنين.

ص: ٥٤

١- ٥٦. سوره هود {١١}: الآيه ١٢.

٢- ٥٧. سوره المائدہ {٥}: الآيه ٦٧.

فقال علی علیه السلام: يا رسول الله! أسمع الكلام ولا أحسن الرؤيه.

فقال صلی الله علیه وآلہ: يا علی! هذا جبرئیل أتاني من قبل ربی بتصديق ما وعدني.

ثم أمر رسول الله صلی الله علیه وآلہ رجلاً فرجلاً من أصحابه حتی سلموا عليه بإمره المؤمنین.

روايات پیامون غدیر

۲۸ - ابن عباس رخداد معراج پیامبر را تعریف می کرد تا بدین جا رسید که پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود:

پروردگار تبارک و تعالی (در آسمان به من) فرمود: من محمود هستم و تو محمد، نام تو را از نام خود گرفتم. پس هر کس به تو پیوست، پیوند او را با خود برقرار سازم و هر کس از تو برید پیوند او را قطع کنم.

به سوی بندگانم برو و آنان را از کرامتی که بر تو داشتم آگاه کن (و نیز به آنان بگو) که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم مگر اینکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیامبر من هستی و علی وزیر تو.

آن گاه پیامبر به زمین فرود آمد، ولی به خاطر آن که مبادا مورد تهمت و تکذیب قرار گیرد دوست نداشت (در باره آنچه شنیده بود) به مردم چیزی بگوید؛ چرا که آنان تازه دوران جاهلیت را پشت سر گذاشته بودند.

شش روز از این امر گذشت خداوند این آیه را فرو فرستاد که: «شاید که تو برخی از آنچه که به تو وحی شده ترک کرده و دلتگش شدی.»

پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ بار سنگین این آیه را بدoush کشید تا این که در روز هشتم، این آیه نازل شد: «ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت به تو رسیده، ابلاغ کن و اگر انجام ندهی در واقع رسالت خود را ابلاغ نکرده ای و خدا تو را از شر مردم حفظ خواهد کرد.»

پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ فرمود: ابتدا اخطار داده شدم و اینک تهدید شدم، باید دستور خدا را اجرا کنم که اتهام و تکذیب مردم آسان تر از عذاب و عقوبت خدادست.

وجبرئيل با عنوان اميرالمؤمنين به علی علیه السلام سلام کرد.

علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! کلامی می شنوم؛ ولی کسی را نمی بینم.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: این جبرئيل است که از جانب خدا آمده تا آنچه (را خدا در باره تو) به من وعده داده است، تصدیق کند.

سپس پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ فرمان داد همه، یکی یکی آمدند و با عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام دادند.

أحاديث حول الغدير ثم قال: يا بلال! ناد في الناس أن لا يبقى غداً أحد إلا عليل إلا خرج إلى غدير خم.

فلما كان من الغد خرج رسول الله صلى الله عليه وآله بجماعه أصحابه، فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال:

أيها الناس! إن الله تبارك وتعالى أرسلني عليكم برساله، إني ضفت بها ذرعاً مخافةً أن تتهمني وكذبوني حتى أنزل الله على وعيده! بعد وعيده؛ فكان تكذيبكم إياي أيسر على من عقوبه الله إياتي. إن الله تبارك وتعالى أسرى بي وأسمعني وقال: يا محمد! أنا محمود وأنت محمد، شفقت اسمك من اسمي، فمن وصلك وصلته ومن قطعك بتكته، أنزل إلى عبادي فأخبرهم بكرامتى إياك وأنى لم أبعث نبياً إلا جعلت له وزيراً وأنك رسولى وأن علياً وزيرك.

ثم أخذ صلى الله عليه وآله بيدي على بن أبي طالب عليه السلام فرفعهما حتى نظر الناس إلى بياض إبطيهما ولم ير قبل ذلك، ثم قال:

أيها الناس! إن الله تبارك وتعالى مولاي وأنا مولى المؤمنين، فمن كنت مولاً فعلى مولاً، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، وانزل من خذله.

فقال الشّاكِكُ والمُنافِقُونَ وَالْمُذَنِّبُونَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرْضٌ وَزَيْغٌ: نِبَرًا إِلَى اللهِ مِنْ مَقَالَتِهِ لَيْسَ بِحَتْمٍ وَلَا نِرْضَى أَنْ يَكُونَ عَلَى وزيره، هذه منه عصبية.

فقال سلمان والمقداد وأبوزذر وعمار بن ياسر: و الله! ما بر حنا العرصه

حتى نزلت هذه الآية «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَأَتَمَّتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيْنَأً» (١) فكرر رسول الله صلى الله عليه وآله ذلك ثلاثة.

ثم قال: إن كمال الدين وتمام النعمه ورضي رب بيارسالي إليكم بالولايه بعدي لعلى بن أبي طالب، (عليه الصلوه وعليه السلام).

ص: ٥٦

روایاتی پیرامون غدیر آن گاه به بلال فرمود: اعلان کن که فردا همه - جز افراد بیمار - در غدیر خم جمع شوند.

روز بعد پیامبر صلی الله علیه وآلہ با گروهی از اصحابش (به غدیر خم) رفت و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

ای مردم! خداوند مأموریتی به من داده است؛ ولی از ترس این که مرا متهم کنید و تکذیب نمایید، آن را اعلان نکردم، تا این که خداوند دو بار مرا تهدید کرد، دیدم شکیبایی در مقابل تکذیب شما آسان تر از گرفتار شدن به عقوبت خدا است. پروردگار تبارک و تعالی مرا به آسمان برد و فرمود: ای محمد! من محمود هستم و تو محمد. نام تو را از نام خود گرفتم، پس هر کس به تو پیوست، پیوند او را با خود برقرار سازم و هر کس از تو برید پیوند خود را با او قطع کنم. به سوی بندگانم برو و آنان را از کرامتی که بر تو داشتم آگاه کن (و به آنان بگو که) من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، مگر اینکه برای او وزیری قرار دادم. تو پیامبر من هستی و علی وزیر تو.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه وآلہ دست علی علیه السلام را بالا گرفت، به طوری که مردم سفیدی زیر بغل آن دو را دیدند - که پیش از این دیده نشده بود - سپس فرمود:

ای مردم! به راستی که خدا مولای من است و من مولای مؤمنان، هر که من مولای اویم، علی هم مولای اوست، خدایا! دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار، یاری کننده اش را یاری کن و خوار کن هر که او را تنها گزارد.

شکاکان، منافقان و بیماردلان گفتند: ما از این سخنان بیزاریم و راضی نیستیم که علی وزیر او باشد، چون این کار را از روی تعصّب خویشاوندی انجام داده است.

سلمان، مقداد، ابوذر و عمران گفتند: به خدا قسم! از آن محل بیرون نشده بودیم

تا که این آیه نازل شد: امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.

حضرت این آیه را سه بار تکرار کرد، آن گاه فرمود: کمال دین و تمام نعمت و رضایت و خشنودی خداوند به واسطه فرستادن من به سوی شما برای ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب بعد از خودم می باشد. [\(۱\)](#)

ص: ۵۷

٢٩ - حدثنا محمد بن عمر الحافظ، عن محمد بن الحسين بن حفص، عن محمد بن هارون، عن قاسم بن الحسن، عن يحيى بن عبد الحميد، عن قيس بن الريبع، عن أبي هارون، عن أبي سعيد قال:

لما كان يوم غدير خم أمر رسول الله صلى الله عليه وآله منادياً فنادى: «الصلاه جامعه».

فأخذ ييد على عليه السلام وقال: اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه.

فقال حسان بن ثابت: يا رسول الله! أقول في على شعر؟

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: افعل.

فقال:

يناديهم يوم الغدير نبئهم

بخم و أكرم بالنبي مناديا

يقول: فمن مولاكم و وليك

فقالوا ولم يبدوا هناك التعاديا

إلهك مولانا وأنت ولينا

ولن تجدن منا لك اليوم الدهر [عاصيا

فقال له: قم يا على! فإني

رضيتك من بعدي إماماً و هاديا

و كان [فقام على أرمد العين يتغى

لعينيه مما يشتكيه مداويا

فداواه خير الناس منه برقية [

فبورك مرقيا و بورك راقيا

٣٠ - حدثنا محمد بن عمر الحافظ، عن جعفر بن محمد الحسن، عن محمد بن خلف، عن سهل بن عامر، عن زافر بن سليمان، عن شريك، عن أبي إسحاق قال:

قلت لعلي بن الحسين عليه السلام:

ما معنى قول النبي صلى الله عليه وآله «من كنت مولاه فعلى مولاه»؟

قال: أخبرهم أنه الإمام بعده.

رواياتي پیرامون غدیر

ص: ٥٨

۲۹ - ابوسعید می گوید:

روز غدیر، پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ دستور داد که همه برای نماز جمع شوند، سپس دست علی بن ابی طالب را گرفت و فرمود:

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار، دوستان علی را و دشمن بدار، دشمنان او را.

حسّان بن ثابت، شاعر معروف عرض کرد: اجازه می دهید درباره علی، شعری بگویم؟

فرمود: بگو.

گفت: «پیامبرشان در روز غدیر خم آن ها را ندا داد و پیامبر چه ندا دهنده گرامی است.

او می گفت: مولا و ولی شما چه کسی است؟ آنان در حالی که دشمنی شان علنی نبود، پاسخ دادند:

خدای تو مولای ما است و تو ولی ما هستی و هرگز امروز از ما نافرمانی نخواهی دید. پیامبر به علی علیه السلام فرمود: ای علی! به پاخیز که من به پیشوایی و هدایت گری تو پس از خودم راضی و خشنودم.

علی در حالی برخاست که در جستجوی دوایی برای چشم درد خود بود.

پس بهترین مردم، چشمان او را با آب دهان مبارکش مداوا کرد. تبریک بر این طبیب و بر این بیمار باد! [\(۱\)](#)

۳۰ - ابواسحاق می گوید: به امام سجاد علیه السلام عرض کردم:

معنای فرمایش پیامبر صلی الله علیه وآلہ که «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست» چیست؟

امام سجاد علیه السلام فرمود: یعنی پیامبر صلی الله علیه وآلہ به مردم خبر داد که پس از وی، علی علیه السلام، امام است. [\(۲\)](#)

ص: ۵۹

۱- ۶۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۴، حدیث ۳.

۲- ۶۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۲.

٣١ - حدثنا الحسين بن إبراهيم، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمة الأصبهاني، عن إبراهيم بن محمد، عن القتاد، عن علي بن هاشم بن البريد، عن أبيه قال:

سئل زيد بن علي عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه وآله:

«من كنت مولاه فعلى مولاه»؟

قال: نصبه علماً ليعلم به حزب الله عند الفرقه.

٣٢ - حدثنا الحسن بن محمد السكوني، عن إبراهيم بن محمد، عن أبي جعفر بن السري وأبي نصر بن موسى، عن علي بن سعيد، عن ضمره بن شوذب، عن مطر، عن شهر بن حوشب، عن أبي هريرة قال:

من صام يوم ثمانية عشر من ذي الحجه كتب الله له صيام ستين شهراً وهو يوم غدير خم لما أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله بيد علي بن أبي طالب عليه السلام وقال: ألسنت أولى بالمؤمنين؟

قالوا: نعم، يا رسول الله.

قال: من كنت مولاه فعلى مولاه.

فقال له عمر: بخ بخ يابن أبي طالب! أصبحت مولاي ومولى كل مسلم.

فأنزل الله عز وجل: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ». (١)

٣٣ - حدثنا ابن سعيد الهاشمي، عن فرات، عن محمد بن ظهير، عن عبد الله بن الفضل، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يوم غدير خم أفضل أيام أمتي وهو اليوم الذي أمرني الله تعالى ذكره فيه بنصب أخي على بن أبي طالب، علماً لأمتى، يهتدون به من بعدى وهو اليوم الذي أكمل الله فيه الدين وأتم على أمتي فيه النعمه ورضي لهم الإسلام ديناً.

ص: ٦٠

۳۱ - از زید، فرزند امام سجاد علیه السلام در مورد فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه و آله که فرمود:

"هر که من مولای اویم، علی مولای اوست" پرسیده شد.

گفت: یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله او را نشانه هدایت قرار داد تا هنگام اختلاف و تفرقه، حزب الله به وسیله او مشخص شود.

(۱)

۳۲ - ابوهریره می گوید:

هر کس روز عید غدیر را که مصادف با ۱۸ ذیحجه است روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه شصت ماه را به او عطا می کند، زیرا در این روز، پیامبر خداصلی الله علیه و آله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و به مردم فرمود:

آیا من، از مؤمنان، به خودشان سزاوارتر نیستم؟

همگی گفتند: آری، ای پیامبر خدا.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای او است.

در این حال عمر گفت: به به، ای پسر ابی طالب! مولای من و مولای همه مسلمانان شدی.

آن گاه خداوند این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم.» (۲)

۳۳ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

بهترین عید امت من، عید غدیر خم است، و آن روزی است که خدای تعالی به من فرمان داد، برادرم، علی را به امامت نصب کنم تا مردم پس از من به وسیله او هدایت گردند و آن همان روزی است که خداوند در آن دین را کامل و نعمت را براحتی من تمام کرد و دین اسلام را برای آن ها پسندید.

ص: ۶۱

۱- ۶۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۳.

۲- ۶۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱، حدیث ۲.

أحاديث حول الغدير ثم قال صلى الله عليه وآله: معاشر الناس! إن علياً مني وأنا من على، خلق من طينتي وهو إمام الخلق بعدي، يبين لهم ما اختلفوا فيه من سنتي و هو أمير المؤمنين وقائد الغر المحبّلين ويعسوب المؤمنين وخير الوصيin و زوج سيده نساء العالمين وأبو الأئمّة المهديين.

معاشر الناس! من أحب علياً أحبّته ومن أبغض علياً أبغضته، ومن وصل علياً وصلته، ومن قطع علياً قطعه، ومن جفا علياً جفوه، ومن والى علياً واليته، ومن عادى علياً عاديه.

معاشر الناس! أنا مدینه الحكمه وعلى بن أبي طالب بابها ولن تؤتی المدینه إلا من قبل الباب وكذب من زعم أنه يحبّنى ويبغض علياً.

معاشر الناس! والّذى بعثني بالنبوه واصطفاني على جميع البريه! ما نصبّت علياً علمًا لأمتى في الأرض حتى نوه الله باسمه في سماواته وأوجب ولايته على ملائكته.

روایاتی پیرامون غدیر سپس فرمود: ای مردم! بدانید علی از من است و من از علی ام، او از طینت و سرشت من آفریده شده است و پس از من، او امام آفریدگان است و آنچه از سنت من مورد اختلاف باشد بیان می کند؛ او امیرمؤمنان، پیشوای دست و روسفیدان، رهبر و پناه مؤمنان، بهترین جانشینان، همسر سرور بانوان جهان، و پدر امامان هدایتگر است.

ای مردم! هر که علی را دوست بدارد، من دوستش دارم و هر که او را دشمن بدارد من دشمنش دارم. می پیوندم به هر که به علی پیوندد و جدایم از هر که از علی جداست؛ هر که به علی جفا کند من هم به او پاسخ خواهم داد، هر که با او دوستی کند با او دوستی کنم و هر که با علی دشمنی ورزد با او دشمنی ورزم.

ای مردم! من شهر حکمت هستم و علی در آن است و داخل شهر نمی توان شد مگر از در آن. دروغ می گوید هر که گمان دارد مرا دوست می دارد، در حالی که با علی دشمن است.

ای مردم! قسم به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت و بر تمام مردم برتری داد! من علی را در روی زمین به خلاف نصب نکردم مگر این که پیش از من خداوند نامش را در آسمان ها بلند کرده، و ولایتش را بر فرشتگان واجب نموده است. [\(۱\)](#)

ص: ۶۳

۱- ۶۵. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۶، حدیث ۸.

٣٤ - حَدَّثَنَا الحَافِظُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ بْنِ كَتَانَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ حَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَرْنَى، عَنْ عَمْرُو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ أَبِيهِ يَحْيَى، عَنْ أَبْنَى عَبَّاسَ قَالَ:

صعد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى أَنَّى مَقْبُوضَ وَأَنَّ ابْنَ عَمِّي مَقْتُولَ وَأَنَّى أَيَّهَا النَّاسُ! أَخْبَرْكُمْ خَبْرًا إِنْ عَلِمْتُمْ بِهِ سَلَمْتُمْ وَإِنْ تَرَكْتُمُوهُ هَلَكْتُمْ.

إِنَّ ابْنَ عَمِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ أَخِي وَهُوَ وزَيْرِي وَهُوَ خَلِيفَتِي وَهُوَ الْمَبْلَغُ عَنِي وَهُوَ إِمامُ الْمُتَقِّينَ، وَقَائِدُ الْغَرِّ الْمُحَجَّلِينَ، إِنَّ اسْتِرْشَدَتُمُوهُ أَرْشِدَكُمْ، وَإِنْ تَبَعَّتُمُوهُ نَجُوتُمْ، وَإِنْ خَالَفْتُمُوهُ ضَلَّلَتُمْ، وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ فَاللَّهُ أَطْعَمَ، وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُ فَاللَّهُ عَصَيْتُمْ، وَإِنْ بَاعْتَمَدْتُمُوهُ فَاللَّهُ بَاعْتَمَدْتُمْ، وَإِنْ نَكْشَمْتُمُوهُ فَبَيْعَهُ اللَّهُ نَكْشَمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَى الْقُرْآنِ وَهُوَ الْعَذَى مِنْ خَالِفِهِ ضَلْلٌ، وَمِنْ ابْتَغَى عِلْمَهُ عِنْدَ غَيْرِ عَلَى هَلْكَةٍ.

أَيُّهَا النَّاسُ! اسْمَعُوا قَوْلِي وَاعْرُفُوا حَقَّ نَصِيحَتِي وَلَا - تَخَلَّفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِ إِلَّا - بِالْعَذَى أَمْرَتُمْ بِهِ مِنْ حَفْظِهِمْ، فَإِنَّهُمْ حَامِتِي وَقَرَابِتِي وَإِخْوَتِي وَأَوْلَادِي، وَإِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمَسَاءُ لَوْنِكُمْ عَنِ التَّقْلِينَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخَلَّفُونِي فِيهِمَا، إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي، فَمَنْ آذَاهُمْ آذَانِي وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي، وَمَنْ أَذَلَّهُمْ أَذَلَّنِي، وَمَنْ أَعْزَّهُمْ أَعْزَنِي، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي، وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِي، وَمَنْ خَذَلَهُمْ خَذَلَنِي، وَمَنْ طَلَبَ الْهُدَى فِي غَيْرِهِمْ فَقَدْ كَذَبَنِي.

۳۴ - ابن عباس می گویید: روزی پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ بر فراز منبر رفت و در حالی که مردم گرد او جمع شده بودند، شروع به سخنرانی کرد و فرمود:

ای گروه مؤمنان! خداوند عزیز وحی کرده که من قبض روح خواهم شد، و پسر عمومیم، علی، به شهادت خواهد رسید و اینک ای مردم! من به شما خبری می دهم که اگر به آن عمل کنید سالم بمانید و اگر ترک کنید هلاک شوید و آن خبر این است:

به راستی که پسر عمومیم، علی، برادر، وزیر و جانشین من است، او از طرف من تبلیغ می کند و او امام پرهیز کاران و پیشوای روسفیدان است؛ اگر از او راهنمایی بخواهید ارشادتان کند، اگر پیرو او شوید نجات می یابید و اگر مخالفت او کنید گمراہ می شوید؛ اطاعت از او اطاعت از خدا و نافرمانی او، نافرمانی خدا است؛ بیعت با او، بیعت با خدا و نقض عهد او، نقض عهد خداست؛ براستی که خداوند قرآن را بر من نازل فرمود و قرآن همان چیزی است که اگر کسی با آن مخالفت کند، گمراہ شود و هر کس دانش قرآن را از غیر راه علی جستجو کند هلاک گردد.

ای مردم! گفتار مرا بشنوید، حق اندرز مرا بشناسید و پس از من نسبت به خاندانم، آن گونه که امر کردم عمل کنید و آنان را حفظ نمایید، زیرا آن ها در حوزه من و خویشان و برادران و فرزندان من هستند. شما حتماً در روز قیامت جمع خواهید شد و از قرآن و عترت من بازپرسی می شوید، پس از من مواطن باشید که با آن ها چگونه رفتار می کنید؛ آنان خاندان من هستند هر کس آزارشان دهد مرا آزار داده، هر کس به آن ها ستم کند به من ستم کرده، هر کس خوارشان کند مرا خوار کرده، هر کس عزیزانشان کند مرا عزیز داشته، هر کس آن ها را گرامی دارد مرا گرامی داشته، هر که آن ها را یاری کند مرا یاری کرده، هر که از یاری آن ها دست بردارد از یاری من دست برداشته و هر کس از غیر آن ها هدایت بخواهد مرا تکذیب کرده است.

وصايا رسول الله "صلى الله عليه وآله" الأخير لها يها الناس! اتقوا الله وانظروا ما أنتم قائلون إذا لقيتموه؛ فإنّي خصم لمن آذاهم و من كنت خصمته، أقول قولى هذا وأستغفر الله لى ولكم .

٣٥ - حدثنا الطالقاني، عن محمد بن حمدان الصيدلاني، عن محمد بن مسلم الواسطي، عن محمد بن هارون، عن خالد الحذاء، عن أبي قلابه، عن عبد الله بن زيد الجرمي، عن ابن عباس قال:

لَمْ يَا مَرْضَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِنْدِهِ أَصْحَابَهُ، قَامَ إِلَيْهِ عَمِّارُ بْنُ يَاسِرَ فَقَالَ لَهُ: فَدَاكَ أَبِي وَأُمِّي! يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ يَغْسِلُكَ مَنْا إِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنْكَ؟

قال صلی الله عليه وآلہ: ذاک علی بن أبي طالب علیه السلام لأنّه لا یهم بعضو من أعضائی إلّا أعناته الملائکه على ذلك.

فقال له: فداک أبی وأمی یا رسول الله صلی الله علیه وآلہ فمن يصلی عليك منا إذا كان ذلك منك؟

قال: مه رحمک الله.

ثم قال لعلی علیه السلام: یابن أبي طالب! إذا رأیت روحي قد فارقت جسدي فاغسلني وأنق غسلی وكفنی فی طمری هذین - أو فی بیاض مصر وبرد یمان - ولا تعال کفنی واحملونی حتّی تضعونی على شفیر قبری، فأول من يصلی على العجبار جل جلاله من فوق عرشه، ثم جبرئيل وميكائيل وإسرافیل فی جنود من الملائکه لا يحصی عددهم إلّا الله عز وجل، ثم الحافون بالعرش، ثم سکان أهل سماء فسماء، ثم جل أهل بيته ونسائی الأقربون فالأقربون، یؤمنون إيماء ویسلّمون تسليماً لا تؤذونی [لا يؤذونی] بصوت نادیه ولا مزنه.

آخرین وصیت های پیامبر "صلی اللہ علیه وآلہ" ای مردم! از خدا بیم داشته باشید و مواظب باشید که هنگام ملاقات خدا چه خواهد گفت. به راستی که من، خصم کسی هستم که آن ها را آزار دهد و هر کس من خصم او باشم با او مخاصمه کنم (مغلوب و مقهورش سازم). این گفتار من است که می گوییم و برای خود و شما از خداوند طلب آمرزش می کنم. (۱)

۳۵ - ابن عباس در یک حدیث طولانی می گوید:

آن گاه که پیامبر خدا صلی اللہ علیه وآلہ بیمار شد، عده ای از یاران، محضرش بودند، عمار برخاست و پرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پیامبر خدا! اگر اتفاقی افتاد، چه کسی شما را غسل می دهد؟

حضرت فرمود: آن وظیفه علی علیه السلام است؛ زیرا هر گاه قصد حرکت دادن هر عضوی از اعضایم را بکند، فرشتگان به او کمک می کنند.

عرض کرد: پدر و مادرم قربانت! چه کسی بر شما نماز خواهد خواند؟

حضرت فرمود: خدا تو را رحمت کند. خاموش باش.

سپس رو به حضرت علی علیه السلام فرمود: ای علی! چون دیدی روح از بدنم خارج شد، مرا غسل بده و خوب غسل بده و با این دو پارچه کفن کن - یا در پارچه سفید مصر و یا برد یمانی - ولی با پارچه گران مرا کفن نکن. آن گاه مرا بردارید و بر لب قبر بگذارید، نخستین کسی که بر من نماز گزارد (۲) خداست، آن گاه جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و دیگر فرشتگان که شمار آن ها را جز خداوند نمی داند بر من نماز می گزارند. سپس آن ها که گرد عرشند و سپس اهل آسمان ها و پس از آن ها همه خاندانم و همسرانم به ترتیب خویشاوندی (که با من دارند)، اشاره ای کنند وسلام دهند. و مرا با شیون و ناله نیازارند.

ص: ۶۷

۱- ۶۶. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۱۵، حدیث ۱۱.

۲- ۶۷. ممکن است مراد از صلوه خدا، رحمت خدا باشد. چنان که امام موسی بن جعفر علیهمما السلام در رابطه با آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يَصَلُّونَ عَلَى...» می فرماید: صلاه خدا رحمت اوست... «ثواب الأعمال ص ۳۴۷».

وصايا رسول الله "صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَكْرَمُ" فروى عن ابن عباس أنَّ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ في ذلك المرض كان يقول: ادعوا لي حبيبي، فجعل يدعى له رجل بعد رجل، فيعرض عنه، فقيل لفاطمة، امضى إلى على فما نرى رسول الله يريده غير على فبعثت فاطمة إلى على عليه السلام، فلما دخل فتح رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وجهه ثم قال: إلى يا على، إلى يا على!

فما زال يدنيه حتى أخذه بيده وأجلسه عند رأسه، ثم أغمى عليه.

فجاء الحسن والحسين عليهم السلام يصيحان ويبكيان حتى وقعا على رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ على فأراد على عليه السلام أن ينحيهما عنه، فأفاق رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ثم قال: يا على دعني أشمّهما ويشمّمانى، وأنزود منهما، ويترودان مني، أما إنّهما سيظلمان بعدي ويقتلان ظلماً، فلعنه الله على من يظلمهما.

يقول ذلك ثالثاً.

ثم مدد يده إلى على عليه السلام، فجذبه إليه، حتى أدخله تحت ثوبه الذي كان عليه، ووضع فاه على فيه، وجعل يناجيه مناجاه طويلاً حتى خرجت روحه الطيبة، صلوات الله عليه وآله.

فأنسل على من تحت ثيابه، وقال: أعظم الله أجركم في نبيكم، فقد قبضه الله إليه، فارتقت الأصوات بالضيق والبكاء.

فقيل لأمير المؤمنين عليه السلام: ما الذي ناجاك به رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حين أدخلك تحت ثيابه؟

فقال: علمي ألف باب، يفتح لي كل باب ألف باب.

آخرین وصیت های پیامبر "صلی اللہ علیہ وآلہ" ... از ابن عبیاس روایت شده است که رسول خداصلی الله علیه وآلہ در این بیماری می فرمود: «دوسن مرا حاضر کنید». هر مردی را حاضر می کردند حضرت از او رو می گردانیدند. به فاطمه علیها السلام گفتند برو علی را بیاور. گمان نداریم رسول خداصلی الله علیه وآلہ کسی جز او را بخواهد. فاطمه دنبال علی علیه السلام فرستاد چون آن حضرت وارد شد رسول خداصلی الله علیه وآلہ دو چشم گشود و چهره اش باز و درخششده شد. آن گاه علی علیه السلام را نزد خود فرا خواند و دستش را گرفت و او را بالای سر خود نشاند و سپس از هوش رفت.

حسن و حسین علیهم السلام در حالی که شیون و گریه می کردند خود را روی رسول خداصلی الله علیه وآلہ انداختند. علی علیه السلام خواست آن ها را بلند کند، رسول خداصلی الله علیه وآلہ به هوش آمد و فرمود: ای علی! کاری به آن ها نداشته باش، بگذار آن ها را ببینم و آنان مرا ببینند، من از آن ها توشه گیرم و آنان از من. آن ها پس از من ستم کشند و به ظلم کشته شوند. لعنت خدا بر کسی که به آن ها ستم کند.

سه بار این را فرمود. پس از آن دست دراز کرد و علی علیه السلام را درون بستر خود کشید و لب به لب نهاد و با او رازی طولانی گفت، تا جان پاکش در آمد.

پس علی علیه السلام از بستر پیامبر بیرون شد و فرمود: خداوند در صبر بر مرگ پیامبر پاداش شما را بزرگ گرداند که خدا او را به نزد خویش برد. آن گاه آواز شیون و گریه برخاست.

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند، رسول خداصلی الله علیه وآلہ در بستر خود محرومانه با تو چه گفت؟

فرمود: هزار در علم به من آموخت که از هر در، هزار در برایم گشوده می شود. [\(۱\)](#)

ص: ۶۹

٣٦ - حدثنا ابن الم توكل، عن الحميري، عن ابن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن مقاتل بن سليمان، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أنا سيد النبئين ووصي سيد الوصيin أوصيائى ساده الأوصياء.

إن آدم عليه السلام سأله عز وجل أن يجعل له وصيًّا صالحاً.

فأوحى الله عز وجل إليه: أنى أكرمت الأنبياء بالنبوة ثم اخترت خلقى وجعلت خيارهم الأوصياء.

ثم أوحى الله عز وجل إليه: يا آدم! أوص إلى شيث، فأوصى آدم إلى شيث وهو به الله بن آدم.

وأوصى شيث إلى ابنه شبان وهو ابن نزله الحوراء التي أنزلها الله على آدم من الجن فرُوجها ابنه شيئاً.

وأوصى شبان إلى مجلث، وأوصى مجلث إلى محوق، وأوصى محوق إلى غتميشا [عثميشا]، وأوصى غتميشا إلى أخنون وهو إدريس النبي عليه السلام وأوصى إدريس إلى ناحور ودفعها ناحور إلى نوح النبي عليه السلام وأوصى نوح إلى سام، وأوصى سام إلى عثامر، وأوصى عثامر إلى برعياش [برعياثا]، وأوصى برعياش إلى يافث، وأوصى يافث إلى بره، وأوصى بره إلى جفسيه [جفيسه]، وأوصى جفسيه إلى إسحاق، وأوصى إسحاق إلى يعقوب، وأوصى يعقوب إلى يوسف، وأوصى يوسف إلى بثرياء، وأوصى إسماعيل وأوصى إسماعيل إلى إسحاق، وأوصى إسحاق إلى يعقوب، وأوصى يعقوب إلى يوسف، وأوصى يوسف إلى بثرياء، وأوصى بثرياء إلى شعيب عليه السلام ودفعها شعيب إلى موسى بن عمران وأوصى موسى بن عمران، إلى يوشع بن نون، وأوصى يوشع بن نون إلى داود عليه السلام. وأوصى داود إلى سليمان، وأوصى سليمان إلى آصف بن برخيا، وأوصى آصف بن برخيا إلى زكريا ودفعها زكريا إلى عيسى بن مرريم، وأوصى عيسى إلى شمعون بن حمدون الصفا، وأوصى شمعون إلى يحيى بن زكريا وأوصى يحيى بن زكريا إلى منذر، وأوصى منذر إلى سليمه، وأوصى سليمه إلى بردہ.

۳۶ - امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

من سید پیامبرانم و وصی من، سید اوصیا، و اوصیای من سید همه اوصیا می باشند.

حضرت آدم از خدا خواست که وصی صالح و شایسته ای برای او قرار دهد.

خداؤند به او وحی نمود: من بیامران را با نبوت گرامی داشتم و از بین خلق خود، بهترین آن ها را به عنوان وصی برگزیدم.

آن گاه به او وحی شد که: «شیث را وصی خود قرار ده» پس آدم به شیث که همان هبه الله بن آدم است وصیت نمود.

شیث به پرسش شبان وصیت کرد «شبان پسر نزله حوراء است که خداوند او را از بهشت برای آدم آورد تا او را به شیث تزویج کند.»

شبان به مجلث وصیت کرد، او به محوق، محوق به غشمیشا، او به اخنوع - یعنی ادریس نبی - ادریس به ناحور، او به نوح، نوح به سام، سام به عثامر، عثامر به برعیاثا، او به یافث، او به بره، او به جفسیه، او به عمران، او به ابراهیم خلیل، او به اسماعیل، او به اسحاق، او به یعقوب، او به یوسف، او به بثیرا، او به شعیب، او به موسی بن عمران، او به یوشع بن نون، او به داود، او به سلیمان، او به آصف بن برخیا، او به زکریا، او به عیسی بن مریم، او به شمعون بن حمون صفا، او به یحیی بن زکریا، او به منذر، او به سلیمه، و او به بردہ وصیت کرد.

اتصال الوصيهم قال رسول الله صلی الله عليه وآلہ: ودفعها إلى بردہ وأننا أدفعها إليک يا علی! وأنت تدفعها إلى وصیک ویدفعها وصیک إلى أوصیائک من ولدک واحداً بعد واحد حتى یدفع إلى خیر أهل الأرض بعدک.

ولتكفّر بک الأّمّه ولتختلّفَ علیک اختلافاً شدیداً، الثابت علیک کالمقیم معی، والشاذ عنک فی النار، والنار مثوی للکافرین.

اتصال و صایت سپس پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمودند:

و برده هم آن را به من داد، و من آن را به تو می دهم ای علی!

تو نیز آن را به وصی خود می دهی و او به اوصیای از فرزندات، یکی پس از دیگری تا این که به دست بهترین فرد روی زمین برسد.

این اُمت به تو کافر خواهند شد و درباره تو سخت اختلاف می کنند، هر کس در پیروی تو ثابت بماند مانند کسی است که همراه من ثابت قدم بوده و آن که از تو کناره گیری کند جایش در آتش دوزخ است و آتش اقامت گاه کافران است. [\(۱\)](#)

ص: ۷۳

۱- ۶۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۳.

٣٧ - حدثنا السكوني عن الحضرمي، عن يحيى الحمانى، عن أبو عوانة، عن أبي بلج، عن عمرو بن ميمون، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

على ولی کل مؤمن من بعدي.

٣٨ - حدثنا أحمد بن محمد، عن محمد بن علي بن يحيى، عن أبي بكر بن نافع، عن أميه بن خالد، عن حماد بن سلمه، عن علي بن زيد، عن علي بن الحسين عليه السلام قال: سمعت أبي يحدث عن أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب أنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

يا على! والذى فلق الحبه وبرا النسمه! إنك لأفضل الخليقه بعدي.

يا على! أنت وصيي وإمام أمّتى، من أطاعك أطاعنى، ومن عصاك عصانى.

٣٩ - حدثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمّه، عن ابن أبي عمّير، عن سليمان بن مهران، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي، عن أبيه، على بن أبي طالب عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا على! أنت أخي وأنا أخوك، يا على! أنت مني وأنا منك، يا على! أنت وصيي وخليفتى وحجه الله على أمّتى بعدي، لقد سعد من تولاك وشقى من عاداك.

٤٠ - حدثنا ابن مسرور، عن محمد الحميري، عن أبيه، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن علي بن فضال، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

على مني وأنا من على، قاتل الله من قاتل علياً، لعن الله من خالف علياً. على إمام الخليقه بعدي، من تقدم على فقد تقدم على، ومن فارقه فقد فارقني، ومن آثر عليه فقد آثر على، أنا سلم لمن سالمه، وحرب لمن حاربه، وولى لمن والاه، وعدو لمن عاداه.

۳۷- ابن عباس نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود: علی پس از من، مولای مؤمنان است. (۱)

۳۸- امام سجاد علیه السلام می فرماید:

از پدرم شنیدم که از پدر بزرگوارش علی علیه السلام نقل می فرمود: از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که فرمود: ای علی! سو گند به خدایی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید! به راستی که تو پس از من بهترین مردم هستی.

ای علی! تو وصی من و امام امت من هستی، هر کس از تو اطاعت کند از من اطاعت کرده است و هر که از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است. (۲)

۳۹- امام صادق از پدران بزرگوارش، از امام علی علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به من فرمود:

ای علی! تو برادر من و من برادر توام؛ تو از منی و من از تو هستم. ای علی! تو وصی و خلیفه من می باشی و پس از من حجت خدا بر امت هستی؛ به طور حتم رستگار شد کسی که با تو دوستی ورزید و بدبخت شد آن که با تو دشمنی کرد. (۳)

۴۰- امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی از من است و من هم از علی هستم، خدا در نبرد است با کسی که با علی نبرد کند و لعنت می کند هر که را مخالف علی باشد.

پس از من علی، امام مردم است، هر که از علی پیشی گیرد از من پیشی گرفته است، و هر که از او جدا شود از من جدا شده؛ من با هر که با او در سازش است در سازش هستم و در نبردم با هر که با او در نبرد است؛ دوستم با دوستان علی، و دشمنم با دشمنان او. (۴)

ص: ۷۵

۱- ۷۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱، حديث ۳.

۲- ۷۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۳، حديث ۱۰.

۳- ۷۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۵۷، حديث ۱۲.

۴- ۷۳. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۴، حديث ۱۲.

٤١ - حدثنا أبي، عن المؤدب، عن أحمد بن على الأصبهاني، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن الكوفي، عن سليمان بن عبد الله الهاشمي، عن ابن سنان، عن المفضل، عن جابر الجعفري قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنباري يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلى بن أبي طالب عليه السلام:

يا على أنت أخي ووصي ووارثي وخليفتى على أمّتى فى حياتى وبعد وفاتى، محبيك محبي، وبغضك مبغضى، وعدوك عدوّى، ووليك ولبي.

٤٢ - حدثنا أبي، عن المؤدب، عن أحمد بن على الأصبهاني، عن الثقفي، عن عبد الرحمن بن أبي هاشم، عن يحيى بن الحسين، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباتة، عن سلمان الفارسي قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

يا معاشر المهاجرين والأنصار! ألا أدلّكم على ما إن تمسّكتم به لن تضلّوا بعدى أبداً؟

قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: هذا على أخي ووصي ووزيرى ووارثي وخليفتى إمامكم، فأحبوه لحبّي، وأكرموه لكرامتى، فإنّ جبرئيل أمرني أن أقوله لكم.

٤٣ - حدثنا عبد الله بن محمد الصانع، عن محمد بن عيسى الوسقندى، عن أبيه، عن إبراهيم بن ديزيل، عن الحكم بن سليمان، عن علي بن هاشم، عن مطير بن ميمون، عن أنس يقول: حدثني سلمان الفارسي رحمه الله؛

أنّنبي الله صلى الله عليه وآله يقول:

إنّ أخي وزیری وخير من أخْلُفَه بعدي، على بن أبي طالب عليه السلام.

٤٤ - حدثنا إبن مسرور، عن إبن عامر، عن عمّه، عن الأزدي، عن أبان بن عثمان، عن أبان بن تغلب، عن عكرمة، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلى بن أبي طالب عليه السلام ذات يوم وهو في مسجد قباء والأنصار مجتمعون: يا على! أنت أخي وأنا أخوك.

امامت حضرت علی "علیه السلام"

۴۱ - جابر بن عبد‌الله انصاری می گوید:

از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که به علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

ای علی! تو برادر، وصی، وارت و خلیفه من بر امّیت هستی؛ چه در دوران زندگی من و چه بعد از وفات من؛ دوست تو، دوست من است و دشمن تو، دشمن من؛ بدخواه تو، بدخواه من است و پیرو تو، پیرو من. [\(۱\)](#)

۴۲ - سلمان فارسی رحمه الله گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که فرمود:

ای گروه مهاجر و انصار! آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر بدان چنگ زنید، هرگز پس از من گمراه نخواهد شد؟
گفتند: بفرمایید، ای رسول خدا!

فرمود: این علی که برادر و وصی، وزیر، وارت و خلیفه من است، امام شما می باشد. پس او را به خاطر محبت من دوست بدارید و به خاطر من گرامی اش دارید، چرا که این فرمان جبرئیل است که به شما بگویم. [\(۲\)](#)

۴۳ - سلمان فارسی می گوید:

از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که می فرمود: علی بن ابی طالب، برادر و وزیر من و بهترین کسی است که او را پس از خودم جانشین قرار می دهم. [\(۳\)](#)

۴۴ - ابن عباس می گوید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ در مسجد قباء که گروهی از انصار هم جمع بودند به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو برادر منی و من هم برادر توام.

ص: ۷۷

۱- ۷۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۶، حدیث ۵.

۲- ۷۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۱.

۳- ۷۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۵، حدیث ۵.

اما مه على "عليه السلام" يا على! أنت وصيي وخليفتى وإمام أمّتى بعدي، والى الله من والأك، وعادى الله من عاداك، وأبغض الله من أبغضك، ونصر الله من نصرك، وخذل الله من خذلك.

يا على! أنت زوج ابنتى وأبو ولدى.

يا على! إنّه لَمَا عرَجَ بِي السَّمَاءَ عَهْدَ إِلَى رَبِّي فِيكَ ثَلَاثَ كَلْمَاتٍ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدَ!

قلت: لَبِيكَ رَبِّي وَسَعْدِيَكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ.

فَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغَرَّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ.

٤٥ - حَدَّثَنَا العَطَّارُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ إِبْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرٍ، عَنْ أَشْعَثِ بْنِ سَوَارٍ، عَنْ الأَحْنَفِ بْنِ قَيْسٍ، عَنْ أَبِي ذِرَّ الغَفَارِيِّ رَحْمَةُ اللهِ قَالَ:

كَنَّا ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَسْجِدٍ قَبْلًا وَنَحْنُ نَفْرُ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذْ قَالَ: مَاعِشْ أَصْحَابِي! يَدْخُلُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْبَابِ رَجُلٌ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُسْلِمِينَ.

قال: فنظروا و كنت فيمن نظر، فإذا نحن بعلی بن أبي طالب عليه السلام قد طلع.

فقام النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فاستقبله وعانقه وقبَّلَ ما بين عينيه وجاء به حتَّى أجلسه إلى جانبه، ثمَّ أقبل علينا بوجهه الكريم، فقال:

هذا إمامكم من بعدى، طاعته طاعتي، وعصيته عصيتي، وطاعتي طاعه الله وعصيتي عصيه الله عز وجل.

امامت حضرت علی "علیه السلام" ای علی! تو پس از من، وصی و خلیفه و امام امّت من هستی، خدا را دوست دارد آن کس که تو را دوست دارد، دشمن خداست آن که دشمن توست، وبا خدا بعض دارد هر که با تو بعض دارد. هر که تو را یاری کند خدا را یاری کرده و هر که از یاری تو خودداری کند از یاری خدا سر باز زده است.

ای علی! تو همسر دخترم و پدر فرزندان منی.

ای علی! آن گاه که به معراج رفتم، پروردگارم درباره تو سفارش کرد و فرمود:

ای محمد!

گفتم: لبیک، بله ای خدای من، تو والا مقام و برتری!

فرمود: علی، امام پرهیزکاران و پیشوای دست و روسفیدان و سرور و جلودار مؤمنان است. [\(۱\)](#)

۴۵ - ابوذر غفاری رحمه الله می گوید:

روزی همراه تعدادی از یاران رسول خداصلی الله علیه وآلہ در مسجد قبا در محضرش بودیم. پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: ای گروه یارانم! اکنون از این در، کسی وارد می شود که امیرمؤمنان و امام مسلمانان است.

ابوذر گفت: ما همه به آن در نگاه کردیم، ناگاه علی بن ابی طالب علیه السلام نمایان شد.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ برخاست و با استقبال از علی علیه السلام، او را در آغوش کشید، میان دو چشمش را بوسید و او را در کنار خود نشاند. سپس رو به ما کرد و فرمود:

این علی پس از من امام شماست؛ اطاعت از او، اطاعت از من است، نافرمانی او نافرمانی من است، و اطاعت و نافرمانی از من، اطاعت و نافرمانی از خداست. [\(۲\)](#)

ص: ۷۹

۱- ۷۷. امالی صدق رحمه الله، مجلس ۵۶، حدیث ۷.

۲- ۷۸. امالی صدق رحمه الله، مجلس ۸۰، حدیث ۷.

٤٦ - حدثنا الطالقاني، عن أحمد الهمданى، عن أحمد بن صالح، عن حكيم بن عبد الرحمن، عن مقاتل بن سليمان، عن الصادق، عن آبائهما عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلى بن أبي طالب عليه السلام:

يا على! أنت مني بمنزلة هبه الله من آدم، وبمنزلة سام من نوح، وبمنزلة إسحاق من إبراهيم، وبمنزلة هارون من موسى، وبمنزلة شمعون من عيسى، إلا أنه لا نبي بعدى.

يا على! أنت وصيي وخليفتى، فمن جحد وصيتك وخلافتك فليس مني ولست منه وأنا خصمك يوم القيمة.

يا على! أنت أفضل أمتي فضلاً، وأقدمهم سلماً، وأكثرهم علماء، وأوفرهم حلماء، وأشجعهم قلباً، وأسخاهم كفراً.

يا على! أنت الإمام بعدي والأمير، وأنت الصاحب بعدي الوزير، وأنت الملك في أمتي من نظير.

يا على! أنت قسيم الجنة والنار، بمحبتك يعرف الأبرار من الفجّار، ويميز بين الأشرار والأخيار، وبين المؤمنين والكافر.

٤٧ - حدثنا الفاتحى، عن محمد الحميرى، عن أبيه، عن أيوب بن نوح، عن ابن أبي عمير، عن أبان، عن سعد الكلناني، عن الأصبغ بن نباتة، عن عبد الله بن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلى عليه السلام:

يا على! أنت خليفتى على أمتي في حياتى وبعد موتى، وأنت مني كثيـرـ من آدم، وكـسـامـ من نوح، وكـاسـمـ عـيـيلـ من إبراهيم، وكـيوـشعـ من موسى، وكـشمـعونـ من عيسى.

يا على! أنت وصيي ووارثي وغاسل جثتى وأنت الذى تواريني في حفترى وتؤدى ديني وتنجز عداتى.

يا على! أنت أمير المؤمنين وإمام المسلمين، وقائد الغر المحبّلين، ويعسوب المتقين.

منزلت حضرت علی "علیه السلام"

۴۶- امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

ای علی! تو نسبت به من، همانند هبہ الله نسبت به آدم هستی، و مانند سام برای نوح، و اسحاق برای ابراهیم، و هارون برای موسی و شمعون برای عیسی هستی، جز آن که پس از من پیامبری نیست.

ای علی! تو وصی و خلیفه من هستی. پس هر کس این را انکار کند از من نیست و من هم از او نیستم و در روز قیامت دشمن اویم.

ای علی! تو برترین فرد اُمت من از نظر فضل، و پیشگام ترین آن ها از نظر پذیرش اسلام، و دانشمندترین آن ها از نظر دانش، و بربارترین آن ها از نظر شکیبایی، و شجاع ترین آن ها از نظر قلب و سخاوتمندترین آن ها از نظر کرم و بخشش هستی.

ای علی! تو امام و امیر پس از منی، تو یار و وزیر منی؛ و کسی مانند تو در میان امت من نیست.

ای علی! تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی. به دوستی تو، نیکان از فاسقان شناخته شوند، و خوبان از بدان، و مؤمنان از کافران جدا شوند. [\(۱\)](#)

۴۷- ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو خلیفه من بر اُمّت در دوران زندگی و پس از مرگ من هستی، تو نسبت به من مانند شیث نسبت به آدم هستی، و مانند سام برای نوح، و اسماعیل برای ابراهیم، و یوشع برای موسی و شمعون برای عیسی هستی.

ای علی! تو وصی و وارث منی، تو مرا غسل می دهی و به خاک می سپاری، تو دین مرا ادا می کنی و به وعده هایم وفا می نمایی.

ای علی! تو امیر مؤمنان، و امام مسلمانان و پیشوای دست و رو سفیدان و پناه پرهیز کاران هستی.

ص: ۸۱

منزله على "عليه السلام" يا على! أنت زوج سيده النساء، فاطمه ابنتى وأبو سبطي الحسن والحسين.

يا على! إنَّ اللَّهَ تبارَكَ وتعالَى جعل ذريه كُلَّ نبِيٍّ من صلبه وجعل ذريتِي من صلبيك.

يا على! من أحبك ووالاك أحببته وواليته، ومن أبغضك وعاداك أبغضته وعاداته، لأنك مني وأنا منك.

يا على! إنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا واصطفانا لِمَ يلتقي لنا أبوان على سفاحٍ قطٍّ من لدن آدم فلا يجتنبنا إلَّا من طابت ولادته.

يا على! أبشر بالشهادة فإنك مظلوم بعدي ومقتول.

فقال على عليه السلام: يا رسول الله وذلك في سلامه من ديني؟

قال: في سلامه من دينك، يا على! إنك لن تتضلّ ولم تزل، ولو لاك لم يعرف حزب الله بعدي.

منزلت حضرت علی "علیه السلام" ای علی! تو شوهر سرور زنان، فاطمه دختر منی و پدر دو نواده ام حسن و حسین هستی.

ای علی! خداوند ذریه هر پیامبری را از نسل خود او قرار داد و ذریه مرا از نسل تو.

ای علی! هر کس دوست و خواهان تو باشد من هم دوست و خواهان او هستم و هر کس با تو کینه و دشمنی داشته باشد من هم با او چنین باشم؛ چون تو از من هستی و من از تو.

ای علی! خداوند ما را پاک نموده و برگزیده است، هیچ یک از پدران و مادران ما از زمان آدم تا کنون آلوده به فساد نشده اند؛ بنابراین، دوست ندارد ما را مگر کسی که حلال زاده است.

ای علی! مژده باد بر تو که شهید می شوی؛ زیرا تو پس از من مظلوم و مقتول می شوی.

در این هنگام علی علیه السلام عرضه داشت: ای رسول خدا! آیا در آن حال، دین من سالم است؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: آری، دین تو سالم باشد. ای علی! تو هرگز گمراه نمی شوی و لغزشی هم در تو نیست، اگر تو نبودی پس از من حزب خدا شناخته نمی شد. [\(۱\)](#)

ص: ۸۳

۱- ۸۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۵۸، حدیث ۱۷.

ثواب ذکر و کتابه و... فضائل علی "علیه السلام"

٤٨ - حدثنا الطالقاني، عن الجلوسي، عن الجوهرى، عن عمارة، عن محمد بن الصادق، عن آبائهما الصادقين عليهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله عليه وآلہ:

إِنَّ اللَّهَ تَبارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدْدُهَا غَيْرُهُ.

فمن ذكر فضيله من فضائله مقرًا بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر ولو وافىقيمه بذنب الثقلين.

ومن كتب فضيله من فضائل على بن أبي طالب لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لتلك الكتابة رسم.

ومن استمع إلى فضيله من فضائله غفر الله له الذنب الذي اكتسبها بالاستماع.

ومن نظر إلى كتابه في فضائله غفر الله له الذنب الذي اكتسبها بالنظر.

ثم قال رسول الله صلی الله عليه وآلہ:

النظر إلى على بن أبي طالب عبادة، وذكره عبادة، ولا يقبل إيمان عبد إلا بولايته والبراءة من أعدائه.

ثواب بیان و نوشتن و... فضایل حضرت علی "علیه السلام"

۴۸ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برای برادرم، علی بن ابی طالب، آن قدر فضیلت قرار داده که شمارش آن را فقط خدا می داند.

هر کس فضیلتی از فضایل او را بازگو کند و به آن اعتراف نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد، هر چند به اندازه جن و انس گناه کرده باشد.

و هر کس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد، تا آن نوشته باقی است، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند.

و هر که به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام گوش دهد، خداوند می آمرزد گناهانی را که به وسیله گوش انجام داده است.

و هر کس به نوشته ای از فضایل علی علیه السلام نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم انجام داده، می آمرزد.

سپس پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

نگاه کردن به علی علیه السلام و یاد کردن او، عبادت است و ایمان بندۀ ای پذیرفته نمی شود مگر با ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان او. [\(۱\)](#)

ص: ۸۵

۱-۸۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۸، حدیث ۹.

٤٩ - حَدَّثَنَا القَطَانُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسِينِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْفَزَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْأَهْوَازِيِّ، عَنْ عَلَى بْنِ عُمَرَوْ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْمِيدِ بْنِ جَمْهُورٍ، عَنْ عَلَى بْنِ بَلَالٍ، عَنْ مُوسَى الرَّضَا، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى، عَنْ عَلَى بْنِ الْحَسِينِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ عَلَى، عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عَنْ جَبَرِيلٍ، عَنْ مِيكَائِيلَ، عَنْ إِسْرَافِيلَ، عَنْ الْلَّوْحِ، عَنِ الْقَلْمِ قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعَالَى:

«ولايته على بن أبي طالب حصني فمن دخل حصني أمن ناري.»

٥٠ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِدْرِيسَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمَ، عَنْ مَحْمِيدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ أَبِي الْجَارِودَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبَيرٍ، عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ولايته على بن أبي طالب ولاية الله، وحبه عباده الله، واتباعه فريضه الله، وأولياؤه أولياء الله، وأعداؤه أعداء الله، وحربه حرب الله، وسلمه سلم الله عز وجل.

٥١ - حَدَّثَنَا السَّنَانِيُّ، عَنْ الأَسْدِيِّ، عَنْ النَّخْعَنِيِّ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَلَى بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ عَكْرَمَةَ، عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

قال الله جل جلاله:

لو اجتمع الناس كلهما على ولائيه على ما خلقت النار.

٥٢ - حَدَّثَنَا أَبِيهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ سَلْمَهِ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ تَسْنِيمِ الْوَرَاقِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلّى الله عليه وآلـه ذات يوم لأصحابه:

معاشر أصحابي! إن الله جل جلاله يأمركم بولائيه على بن أبي طالب عليه السلام والاقتداء به، فهو وليكم وإمامكم من بعدى، لا تخالفوه فتكفروا، ولا تفارقوه فتضلوا.

ولایت حضرت علی "علیه السلام"

۴۹ - امام رضاعلیه السلام از پدرانش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ، از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح و قلم نقل می کند:

خدای متعال می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ محکم من است، هر کس در این دژ داخل شود، از آتش دوزخ من در امان است. [\(۱\)](#)

۵۰ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

ولایت علی بن ابی طالب، ولایت خداست؛ دوستی اش عبادت او، و پیروی از او فریضه و واجب الهی است. دوستان او، دوستان خدا و دشمنانش، دشمنان خدایند. جنگ با علی، جنگ با خداست و سازش با او، سازش با خداوند متعال است. [\(۲\)](#)

۵۱ - ابن عباس می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمود: خدای متعال می فرماید: اگر همه مردم بر ولایت علی علیه السلام متفق می شدند، من دوزخ را نمی آفریدم. [\(۳\)](#)

۵۲ - امام صادق علیه السلام می فرماید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به یارانش فرمود:

ای گروه یارانم! به راستی که خداوند متعال به شما دستور می دهد که به ولایت علی چنگ بزنید و از او پیروی کنید؛ زیرا او پس از من ولی و امام شماست، با او مخالفت نکنید که کافر می شوید و از او جدا نشوید که گمراه گردید.

ص: ۸۷

۱-۸۲. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۱، حدیث ۹.

۲-۸۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹، حدیث ۳.

۳-۸۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۴، حدیث ۷.

ولايته على "عليه السلام" إنَّ اللَّهَ جَلَّ جلاله جعل علياً علمًا بين الإيمان والنفاق، فمن أحبَّه كأنَّه مؤمناً ومن أبغضه كان منافقاً.

إنَّ اللَّهَ جَلَّ جلاله جعل علياً وصيبي ومنار الهدى بعدي، فهو موضع سرِّي، وعييه علمي، وخليفتى فى أهلِى، إلى اللَّهِ أشكو ظالميء من أُمَّتِي مِنْ بعدي.

٥٣ - حدَّثنا محمَّد بن موسى بن المتنوكل، عن علَى بن الحسين السعدآبادى، عن أَحْمَدَ بْنَ أَبِي عبدِ اللَّهِ البرقى، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام قال:

بنى الإسلام على خمس دعائم: على الصلاه والزكاه والصوم والحجج ولولاته أمير المؤمنين والأئمه من ولده عليهم السلام.

٥٤ - حدَّثنا علَى بن أَحْمَدَ بْنَ مُوسَى، عن الأَسْدِى، عن النَّخْعَى، عن إِبْرَاهِيمَ بْنَ الْحَكْمَ، عن عُمَرَ بْنَ جَيْرَةَ، عن أبي جعفر الباقر عليهما السلام قال:

بعث رسول الله صلَّى الله عليه وآلِهِ علِيًّا إلى اليمَنِ، فانفلت فرس لرجل من أهل اليمَنِ فنفع رجلاً برجله فقتله وأخذه أولياؤه ليقتلوه، فرفعوه إلى علَى عليه السلام فأقام صاحب البينة أنَّ الفرس انفلت من داره فنفع الرجل برجله.

فأبطل علَى عليه السلام دم الرجل.

فيجاء أولياء المقتول من اليمَنِ إلى النبي صلَّى الله عليه وآلِهِ علِيًّا فيما حكم عليهم، فقالوا: إنَّ علِيًّا ظلمَنَا وأبطل دم صاحبنا.

فقال رسول الله صلَّى الله عليه وآلِهِ علِيًّا: إنَّ علِيًّا ليس بظالم ولم يخلق على للظلم وإنَّ ولائيه من بعدى لعلى والحكم حكمه والقول قوله، لا يرد حكمه وقوله ولا يرضى بحكمه وقوله ولولاته إلا مؤمن.

فلما سمع اليمانيون قول رسول الله صلَّى الله عليه وآلِهِ علِيًّا في علَى عليه السلام قالوا: يا رسول الله! رضينا بقول علَى وحكمه.

فقال رسول الله صلَّى الله عليه وآلِهِ علِيًّا: هو توبتكم مما قلتُ.

ولایت حضرت علی "علیه السلام" همانا خداوند، علی را نشانه بین ایمان و نفاق قرار داده، هر که او را دوست بدارد مؤمن است و هر که با او دشمنی کند، منافق است.

به راستی که خداوند، علی را وصی من و چراغ هدایت پس از من قرار داده است، او رازدار و گنجینه علم من و خلیفه و جانشین من است.

من از کسانی از امتم که پس از من به او ستم می کنند، تنها نزد خدا شکوه می برم. (۱)

۵۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

دین اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت امیر مؤمنان و امامان از فرزندانش علیهم السلام. (۲)

۵۴ - امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر خداصلی الله علیه وآل‌ه، علی علیه السلام را به سوی یمن فرستاد (تا امور آنجا را سامان دهد). در یمن اسب کسی فرار کرد و با زدن لگد، فردی را کشت. خانواده فرد کشته شده، صاحب اسب را گرفتند و خدمت امام علی علیه السلام آورده، از او شکایت کردند.

صاحب اسب دلیل آورد که اسبیم فرار کرده و او را کشته است.

بنابراین، علی علیه السلام صاحب اسب را بی گناه دانست.

خانواده مقتول ناراحت شده، خدمت پیامبر صلی الله علیه وآل‌ه آمدند و از حکم علی علیه السلام شکایت کرده، گفتند: علی به ما ظلم کرده است.

پیامبر صلی الله علیه وآل‌ه فرمود: علی نه ظالم است و نه برای ظلم آفریده شده. ولایت و سرپرستی بعد از من با اوست، حکم واقعی همان است که او صادر کرده، و سخن همان است که او گفته. جز کافر کسی حکم، قول و ولایت او را رد نمی کند و جز مؤمن کسی به حکم، قول و ولایت او خشنود نمی گردد.

هنگامی که یمنی ها سخن پیامبر خداصلی الله علیه وآل‌ه را در باره علی علیه السلام شنیدند، گفتند: ما به حکم علی علیه السلام راضی شدیم.

پیامبر خداصلی الله علیه وآل‌ه فرمود: این گفته، توبه شما باشد برای آنچه قبلًا گفتید. (۳)

ص: ۸۹

٨٦-٢. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٤٥، حدیث ١٤.

٣-٨٧. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٥٥، حدیث ٧.

ولا يه علی "علیه السلام"

٥٥ - حَدَّثَنَا أَبُى، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَيْسَى، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنِ الْحَسِينِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ، عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَعْفَرِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَى الْبَاقِرِ عَنْ أَيْمَهِ، عَنْ جَدِهِ عَلِيهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلهِ وَسَلَّمَ:

من سرّه أن يجوز على الصراط كالريح العاصف ويُلْجِج الجنّة بغير حساب فليتولّ ولّي ووصيٍّ وصاحبٍ و خليفتي على أهلى وأمّتي على بن أبي طالب، ومن سرّه أن يُلْجِج النار فليترك ولايته، فوعزه ربّي وجلا له إِنَّه لبابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَإِنَّهُ
الصراط المستقيم وَإِنَّهُ الَّذِي يسأَلُ اللَّهَ عَنْ وَلَايَتِهِ يوْمَ الْقِيَامَةِ.

٥٦ - حَدَّثَنَا ماجيلوِيْهُ، عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ التَّفْرِشِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

... فمن أراد منكم أن يتخلص من هول ذلك اليوم فليتولّ ولّي، ليتّبع وصيي و الخليفتى من بعدى على بن أبي طالب عليه السلام، فإنّه صاحب حوضى، يذود عنه أعداءه ويُسقى أولياءه، فمن لم يُسقى منه لم ينزل عطشان ولم يرو أبداً، ومن سقى منه شريبه لم يُشق ولم يظماً أبداً.

وإنّ على بن أبي طالب عليه السلام لصاحب لوانى في الآخرة كما كان صاحب لوانى في الدنيا وإنّه أول من يدخل الجنة، لأنّه يقدمني وبهذه لوانى تحته آدم ومن دونه من الأنبياء.

ولایت حضرت علی "علیه السلام"

۵۵ - پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

هر که دوست دارد به سرعت باد از پل صراط عبور کند و بدون حساب وارد بهشت شود، باید ولایت ولی، و وصی، و رفیق و خلیفه من بر خاندان و اُمّت، علی بن ابی طالب را پیذیرد، و هر که دوست دارد به جهَنَم برود ولایت علی را ترک کند. به عزّت و جلالِ پروردگار می‌باشد! او همان باب الهی است که باید همه از آن عبور کنند، او همان صراط مستقیم است؛ و او همان کسی است که خداوند در روز قیامت، از ولایتش می‌پرسد. [\(۱\)](#)

۵۶ - امام صادق علیه السلام از اجداد بزرگوارش نقل می‌کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ در ضمن سخنانی فرمود:

... هر کدام از شما که می‌خواهد از عذاب روز قیامت در امان باشد، باید ولایت ولی من را پیذیرد و تابع وصی و خلیفه پس از من علی بن ابی طالب باشد؛ زیرا او صاحب حوض کوثر است، دشمنانش را از آن دور و دوستانش را سیراب می‌کند؛ هر که از آن ننوشد همیشه تشنه است و سیراب نشود، و هر کس از آن جرעה ای بنو شد هرگز تشنه نشود.

به راستی که علی در آخرت پرچمدار من خواهد بود، آن سان که در دنیا پرچمدار من است، او نخستین کسی است که وارد بهشت می‌شود، زیرا در جلوی من و حامل پرچم من است که زیر آن پرچم آدم و سایر پیامبران قرار دارند. [\(۲\)](#)

ص: ۹۱

۸۸-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۸، حدیث ۴.

۸۹-۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۷، حدیث ۹.

٥٧ - حَدَّثَنَا حُمَزَةُ الْعَلْوَى، عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي الْحَسِينِ عَلَى بْنِ مُوسَى الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من أحب أن يركب سفينه النجاة ويستمسك بالعروه الوثقى ويتعصّم بحبل الله المتيّن، فليحوال علیاً بعده، وليعاد عدوه وليرأته بالأنئمه الهداء من ولده، فإنّهم خلفائي وأوصيائى وحجج الله على الخلق بعده وساده أمّتى وقاده الأتقياء إلى الجنة، حربهم حربى وحزبى حزب الله وحزب أعدائهم حزب الشيطان.

۵۷ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ نقل می کند که حضرتش فرمود:

هر کس دوست دارد بر کشته نجات سوار شود و به حلقه محکم چنگ بزند و به ریسمان الهی در آویزد، باید علی علیه السلام را دوست بدارد و با دشمن او دشمن باشد، و نیز به امامان از فرزندان او اقتدا کند؛ زیرا آنان، خلیفه و وصی من، و حجّت خدا بر مردم و سروران اُمت من هستند، آن ها جلودار پرهیز کاران به سوی بهشت هستند. حزب آن ها، حزب من است و حزب من، حزب خداست و حزب دشمنان آن ها، حزب شیطان است. [\(۱\)](#)

ص: ۹۳

۱ - ۹۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵، حدیث ۵.

علی "علیه السلام" میزان الحق

٥٨ - حدثنا ماجيلويه، عن عمّه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن جابر بن يزيد، عن سعيد بن المسيب، عن عبد الرحمن بن سمرة قال:

قلت: يا رسول الله! أرشدنی إلى النجاه.

فقال صلی الله عليه وآلہ: يابن سمرة! إذا اختلفت الأهواء وتفرقـت الآراء فعليك بـعـلـى بن أـبـي طـالـبـ، فإـنـه إـمامـ أـمـقـىـ وـخـلـيفـتـيـ عـلـيـهـمـ مـنـ بـعـدـيـ، وـهـوـ الفـارـوقـ الـعـذـىـ يـمـيـزـ بـيـنـ الـحـقـ وـالـبـاطـلـ، مـنـ سـأـلـهـ أـجـابـهـ، وـمـنـ اسـتـرـشـدـهـ أـرـشـدـهـ، وـمـنـ طـلـبـ الـحـقـ مـنـ عـنـهـ وـجـدـهـ، وـمـنـ التـمـسـ الـهـدـىـ لـدـيـهـ صـادـفـهـ، وـمـنـ لـجـأـ إـلـيـهـ أـمـنـهـ، وـمـنـ اسـتـمـسـكـ بـهـ نـجـاهـ، وـمـنـ اقـتـدـىـ بـهـ هـدـاـهـ.

يابن سمرة! سلم من سلم له ووالاه، وهلك من رد عليه وعاداه.

يابن سمرة! إن علياً مَّى، روحه من روحى وطينته من طينتى، وهو أخى وأنا أخوه، وهو زوج ابنتى فاطمه سيده نساء العالمين، من الأولين والآخرين، وإن منه إماماً مَّى وسيدي شباب أهل الجنة الحسن والحسين وتسعة من ولد الحسين عليه السلام تاسعهم قائم مَّى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.

۵۸ - عبدالرحمان، فرزند سمره می گوید:

به پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ عرض کردم: مرا به سوی نجات راهنمایی فرما.

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود: ای پسر سمره! آن گاه که رأی ها و نظرها و خواسته ها مختلف شد، تو همواره، طرف علی بن ابی طالب باش؛ زیرا او پس از من، امام اُمت من و خلیفه من بر شماست، او فاروق است که حق را از باطل جدا کند.

هر کس از او سؤال کند، جوابش دهد؛ و آن که از او راهنمایی بخواهد، ارشادش نماید؛ هر کس نزد او حق را بجوید و هدایت را طلب کند بدان ها می رسد. هر که به او پناه برد، امانش دهد و هر که بدو چنگ زند، نجاتش دهد و آن که به او اقتدا کند به سر منزل مقصود رسد.

ای پسر سمره! هر کس تسلیم علی علیه السلام باشد و او را دوست بدارد، سالم بماند و آن که امر او را رد کند و دشمنش باشد، نابود شود.

ای پسر سمره! به راستی که علی علیه السلام از من است، روح و سرشت او از روح و سرشت من است. او برادر من و من برادر اویم، او همسر دخترم، فاطمه است که برترین زنان جهانیان از آغاز تا پایان است، و از اوست دو امام امّت من و آقای جوانان بهشت، حسن و حسین و نُه امام از فرزندان حسین علیه السلام که نهمین آن ها قائم امت من است، همو که زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، (همه) از نسل او می باشند. [\(۱\)](#)

ص: ۹۵

۱- ۹۱. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷، حدیث ۳.

٥٩ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ الْمُؤْدَبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَى، عَنْ الثَّقْفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الصَّرَافِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْقَرِ، عَنْ عَلَى بْنِ هَاشَمٍ، عَنْ أَبِي رَافِعٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، عَنْ عَبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ سَلْمَانَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

أَقْضِي أُمَّتِي وَأَعْلَمُ أُمَّتِي بَعْدِي عَلَى.

٦٠ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ الْمُؤْدَبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَى الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقْفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُخْوَلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَانَ بْنَ الْأَسْوَدِ الْيَشْكُرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبِيدِ اللَّهِ، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارَسِيِّ رَحْمَةُ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلَتْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَصِيكَ مِنْ أُمَّتِكَ فَإِنَّهُ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا كَانَ لَهُ وَصِيٌّ مِنْ أُمَّتِهِ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَمْ يَبْيَنْ لِي بَعْدُ.

فَمَكَثَتْ مَا شاءَ اللَّهُ أَنْ أَمْكِنَ، ثُمَّ دَخَلَتِ الْمَسْجِدَ، فَنَادَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَا سَلْمَانَ! سَأَلْتُنِي عَنْ وَصِيِّيِّ مِنْ أُمَّتِي، فَهَلْ تَدْرِي مَنْ كَانَ وَصِيًّا مُوسَى مِنْ أُمَّتِهِ؟

فَقَلَّتْ: كَانَ وَصِيهِ يَوْشعَ بْنُ نُونَ.

فَتَاهَ، قَالَ: فَهَلْ تَدْرِي لَمْ كَانَ أَوْصَى إِلَيْهِ؟

فَقَلَّتْ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

قَالَ: أَوْصَى إِلَيْهِ لِأَنَّهُ كَانَ أَعْلَمُ أُمَّتَهُ بَعْدَهُ، وَوَصَّيَ وَأَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٦١ - حَدَّثَنَا إِبْنُ مُوسَى، عَنْ إِبْنِ زَكْرِيَا القَطْنَانِ، عَنْ إِبْنِ حَبِيبٍ، عَنْ عَطِيهِ بْنِ اسْمَاعِيلَ، عَنْ أَبِي عَمَارَهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ يَزِيدَ النَّجْرَانِيِّ وَإِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْوَرَاقِ، مَعًا عَنْ ضَرَارِ بْنِ صَرْدٍ، عَنْ الْمُعْتَمِرِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ أَنْسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

عَلَى يَبْيَنْ لِأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ بَعْدِي.

۵۹ - سلمان فارسی می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی، بهترین قاضی و داور و دانشمندترین مردم پس از من است. (۱)

۶۰ - سلمان فارسی رحمه الله می گوید:

روزی از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ پرسیدم: وصی شما کیست؟ چون هیچ پیامبری مبعوث نشده مگر این که از امت خود وصی داشته است.

رسول خدا صلی الله علیه وآلہ فرمود: هنوز چیزی برای من بیان نشده است.

سلمان می گوید: مدتی گذشت و من سکوت کردم، تا این که روزی داخل مسجد شدم، پیامبر صلی الله علیه وآلہ مرا صدا زد و فرمود:

ای سلمان! در مورد وصی خودم پرسیدی، آیا می دانی وصی موسی چه کسی بود؟

عرض کردم: یوشع بن نون.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ درنگی کرد و فرمود: می دانی چرا به او وصیت کرد؟

عرض کردم: خدا و رسولش بهتر می دانند.

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود: چون او، پس از موسی، عالم ترین مردم بود، و وصی من و عالم ترین امت من، پس از من علی بن أبي طالب علیهم السلام است. (۲)

۶۱ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی، آنچه را که امتنم پس از من در آن اختلاف کنند، بیان و روشن خواهد کرد. (۳)

ص: ۹۷

۱- ۹۲. امالی صدقه رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۲۰.

۲- ۹۳. امالی صدقه رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۱.

۳- ۹۴. امالی صدقه رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۶.

علم على "عليه السلام" ٦٢ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْمَؤْدِبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَى الْإِصْبَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الْصَّرَافِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ الْحَسِينِ الْأَشْقَرِ، عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنْ أَخِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسِينِ بْنِ الْحَسِينِ بْنِ عَلَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَزَّلَ عَلَيْهِ الْوَحْيُ نَهَارًا لَمْ يَمْسِ حَتَّى يَخْبُرَ بِهِ عَلَيًّا وَإِذَا نَزَّلَ عَلَيْهِ لِيَلًا لَمْ يَصْبُحْ حَتَّى يَخْبُرَ بِهِ عَلَيًّا.

٦٣ - حَدَّثَنَا إِبْنُ نَاتَانَهُ، عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلْمَةِ الْأَهْوَازِيِّ، عَنْ الثَّقْفَىِّ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ بَشَّارٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَلْجِ الْمَصْرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحِيَّى الْمَدْنِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمَنْكَدِرِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا أَمَامَهُ يَقُولُ:

كَانَ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامِ إِذَا قَالَ شَيْئًا لَمْ نَشْكُّ فِيهِ، وَذَلِكَ أَنَّا سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: خَازِنُ سَرِّي بَعْدِي عَلَى عَلِيهِ السَّلَامِ.

٦٤ - حَدَّثَنَا إِبْنُ نَاتَانَهُ، عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلْمَةِ، عَنْ الثَّقْفَىِّ، عَنْ الْمَسْعُودِيِّ، عَنْ يَحِيَّى بْنِ سَالِمِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ إِسْرَائِيلَ، عَنْ مَيسِرَهِ، عَنْ الْمَنْهَالِ بْنِ عُمَرَوْ، عَنْ زَرِّ بْنِ حَبِيشِ قَالَ:

مَرَّ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامِ عَلَى بَغْلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَانَ فِي مَلَأٍ، فَقَالَ سَلْمَانُ رَحْمَةُ اللَّهِ أَلَا تَقُومُونَ تَأْخِذُونَ بِحِجْزَتِهِ تَسْأَلُونَهُ؟ فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَجَّبَ وَبِرَا النَّسْمَهُ! إِنَّهُ لَا يَخْبُرُكُمْ أَحَدٌ غَيْرَهُ وَإِنَّهُ لِعَالَمِ الْأَرْضِ وَرَبِّانِيهَا وَإِلَيْهِ تَسْكُنُ، لَوْ فَقَدْتُمُوهُ لَفَقَدْتُمُ الْعِلْمَ وَأَنْكَرْتُمُ النَّاسَ.

دانش حضرت علی "علیه السلام" ۶۲ - امام حسن علیه السلام فرمود:

روش پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ همواره چنین بود که هر گاه به هنگام روز بر حضرتش وحی می شد (وآیه ای نازل می گشت)، آن را تا شب نشده به علی علیه السلام گزارش می داد، و اگر شب وحی می رسید، تا صبح نشده به علی علیه السلام اطلاع می داد. [\(۱\)](#)

۶۳ - ابا امامه می گوید:

هر چه علی علیه السلام می فرمود، در آن شک و تردید نمی کردیم؛ زیرا از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیده بودیم که می فرمود:

پس از من، گنجینه دار رازهای من، علی علیه السلام است. [\(۲\)](#)

۶۴ - فرزند حبیش می گوید:

امام علی علیه السلام سوار بر مرکب پیامبرصلی الله علیه وآلہ از محلی عبور می کرد. سلمان که با گروهی از مردم نشسته بود، به آنها گفت: آیا بلند نمی شوید که دامنش را بگیرید و از او پرسش کنید؟

به خدا سوگند! هیچ کس جز او نمی تواند شما را از اسرار پیامبرصلی الله علیه وآلہ آگاه سازد، او عالم زمین و ربانی و پرورش دهنده آن است، زمین به واسطه او آرامش می گیرد، اگر او را از دست بدھید علم را از دست داده اید و نسبت به مردم شناخت پیدا نخواهید کرد. [\(۳\)](#)

ص: ۹۹

۱- ۹۵. أمالی صدق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۲۱.

۲- ۹۶. أمالی صدق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۸.

۳- ۹۷. أمالی صدق رحمه الله، مجلس ۸۱، حدیث ۱۹.

٦٥ - حَدَّثَنَا الْبَرْقِيُّ، عَنْ أَبِيهِ جَدِّهِ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ غَيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبَيرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَبَّاسٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه لعلـى بن أبـى طالـب عليه السلام:

يا على! أنا مدینه الحكمه وأنت بابها، ولن تؤتی المدینه إلا من قبل الباب، وكذب من زعم أنه يحبّنى ويعغضك لأنك متنى وأنا منك، لحمك من لحمي ودمك من دمي، وروحك من روحى، وسريرتك سريرتى، وعلانيتك علانيتى، وأنت إمام أمّتى وخليفتى عليها بعدي.

سعد من أطاعك، وشقى من عصاك، وربح من عاداك، وخسر من لزمك، وهلك من فارقك.

مثلك ومثل الأئمّة من ولدك بعدي مثل سفينته نوح عليه السلام، من ركبها نجا ومن تخلّف عنها غرق، ومثلكم مثل النجوم،
كلّما غاب نجم طلع نجم إلى يوم القيمة.

٦٦ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْوَلِيدِ، عَنْ إِبْنِ مَتِيلٍ، عَنْ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَ يَقُولُ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ فِي مُنْزَلِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَعِنْدَهُ نَفْرٌ مِّنْ أَصْحَابِهِ، إِذَا أَقْبَلَ عَلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا بَصَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يا عشر الناس! أقبل إليكم خير الناس بعدى وهو مولاكم، طاعته مفروضه كطاعتي، ومعصيته محـمـمه كمعصيتي.

معاشر الناس! أنا دار الحكمه وعلى مفاتحها، ولن يوصل إلى الدار إلا بالمفتاح.

وَكَذِبٌ مِّنْ زُعْمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبَغْضُ عَلَيًّا.

۶۵- ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! من شهر حکمت هستم و تو در آن، وارد شهر نشوند مگر از در آن.

دروغ می گوید کسی که پندارد مرا دوست دارد و با تو دشمنی می کند، زیرا تو از منی و من از تو، گوشت تو از گوشت من است، خون و جان تو از خون و جان من و نهان و آشکار تو، نهان و آشکار من است، تو امام امّت و خلیفه پس از من هستی، خوشبخت کسی است که از تو اطاعت کند و بدیخت آن که از تو نافرمانی کند.

دوست تو، رستگار شده و دشمن تو بدیخت گردیده؛ کسی که ملازم تو باشد سود برد و آن که از تو جدا شود، زیان کرده است.

تو و امامان پس از تو، همانند کشتی نوح هستید؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یابد و هر که تخلف ورزد، غرق شود.

مَثَلٌ شَمَا تَا رُوزِ رِسْتَاخِيرِ، هَمْچُونْ سَتَارَ گَانَ اَسْتَ، هَرْ گَاهْ سَتَارَهُ اَيْ غَرَوبَ كَنَدْ سَتَارَهُ دِيَگَرِي طَلَوْعَ مَىْ نَمَايِد. (۱)

۶۶- امام باقر علیه السلام از قول جابر بن عبد الله انصاری می فرماید:

روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ، در منزل ام ابراهیم بود و تعدادی از یاران هم حاضر بودند، در این هنگام علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، همین که چشم پیامبر صلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام افتاد، فرمود:

ای مردم! اکنون بهترین فرد پس از من، پیش شما آمد، او مولای شماست، اطاعت او چون اطاعت من واجب است و نافرمانی او نیز مانند نافرمانی من حرام است.

ای مردم! من خانه حکمت هستم و علی علیه السلام کلید آن و کسی نمی تواند وارد خانه شود مگر به وسیله کلید آن.

و دروغ می گوید آن که گمان می کند مرا دوست دارد، ولی دشمن علی است. (۲)

ص: ۱۰۱

۹۸-۱. أَمَالِي صَدُوقٌ رَحْمَةُ اللَّهِ، مَجْلِس٤٥، حَدِيث١٨.

۹۹-۲. أَمَالِي صَدُوقٌ، مَجْلِس٥٦، حَدِيث٨.

على "عليه السلام" باب مدينه العلم ٦٧ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْلَّيْشِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنَ يُوسُفَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنَ حَمَادَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ، عَنْ عَلَى بْنِ الْحَسِينِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ عَلَى، عَنْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَنَا مَدِينَةُ الْحَكْمَةِ وَهِيَ الْجَنَّةُ، وَأَنْتَ يَا عَلَىٰ! بَابُهَا، فَكَيْفَ يَهْتَدِي الْمَهْتَدِيُّ إِلَى الْجَنَّةِ وَلَا يَهْتَدِي إِلَيْهَا إِلَّا مِنْ بَابِهَا.

حضرت علی "علیه السلام" دروازه شهر علم ۶۷ - امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من شهر حکمت هستم که آن همان بهشت می باشد و تو ای علی در آن هستی و چگونه کسی می تواند وارد بهشت شود جز از در آن. [\(۱\)](#)

ص: ۱۰۳

۱- ۱۰۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۶۱، حدیث ۱۱.

٦٨ - حدثنا ابن الوليد، عن ابن متيّل، عن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن جعفر بن سليمان، عن الثمالي، عن سيد العابدين على بن الحسين عن أبيه عليهما السلام قال:

نظر رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم إلى على عليه السلام وقد أقبل وحوله جماعه من أصحابه فقال صلى الله عليه وآله: من أراد أن ينظر إلى يوسف في جماله، وإلى إبراهيم في سخائه، وإلى سليمان في بهجته، وإلى داود في قوته فلينظر إلى هذا.

٦٩ - حدثنا أبي، عن إبراهيم بن عمروس، عن الحسن بن إسماعيل القحطبي، عن سعيد بن الحكم بن أبي مريم، عن أبيه، عن الأوزاعي، عن يحيى بن أبي كثير، عن عبد الله بن مربه، عن سلمة بن قيس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

على عليه السلام في السماء السابعة كالشمس بالنهار في الأرض، وفي السماء الدنيا كالقمر بالليل في الأرض، أعطى الله علياً من الفضل جزءاً لو قسم على أهل الأرض لوسعهم، وأعطاه الله من الفهم جزءاً لو قسم على أهل الأرض لوسعهم؛

شبّهت لينه بلين لوط، وخلقه بخلق يحيى، وزهده بزهد أيوب، وسخاه بسخاء إبراهيم، وبهجه سليمان بن داود، وقوته بقوه داود؛

له اسم مكتوب على كل حجاب في الجنة، بشّرنى به ربّى وكانت له البشاره عندى.

على عليه السلام محمود عند الحق، مزكي عند الملائكة، وخاصّتي وخالصتي

وظاهرتى ومصباحى وجنتى ورفيقى، آنسنى به ربّى، فسألت ربّى أن لا يقبضه قبلى وسألته أن يقبضه شهيداً بعدي؛

أدخلت الجنّة فرأيت حور على عليه السلام أكثر من ورق الشجر وقصور على عليه السلام كعدد البشر، على منى وأنا من على عليه السلام، من تولى علياً فقد تولاني، حب على عليه السلام نعمه واتّباعه فضيله، دان به الملائكة وحفت به الجن الصالحون.

ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است

۶۸ - امام سجاد علیه السلام از پدرش نقل می فرماید:

روزی امام علی علیه السلام به طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ می آمد و گروهی از یاران هم گردان گرد ایشان بودند، رسول خداصلی الله علیه وآلہ به علی نگاه کرد و فرمود:

هر کس می خواهد به جمال یوسف، سخاوت ابراهیم، بهجت سلیمان و حکمت داود بنگرد باید به این علی نگاه کند. (۱)

۶۹ - سلمه بن قیس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی علیه السلام در آسمان هفتمن، همچون خورشید درخشان در روز؛ و در آسمان دنیا، همچون ماه تابان در شب است.
خداوند، آن قدر فضیلت و فهم به علی داده است که اگر بر اهل زمین تقسیم شود به همه برسد.

علی علیه السلام به پیامران الهی شباهت دارد؛ در نرمش به لوط پیامبر، در اخلاق به یحیی، در زهد به ایوب، در سخاوت به ابراهیم، در سور و خرمی به سلیمان و در توانایی به داود علیهم السلام.

نام علی علیه السلام بر همه پرده های بهشت، نگاشته شده است؛ پروردگارم، مرا به وجود او مژده داد و همین مژده من به او بود.

علی علیه السلام در پیشگاه الهی، ستایش شده و نزد فرشتگان متّه و پاکیزه است، او خاص و خالص من است، نور و ظهور من و بهشت و رفیق من است.

خداوند مرا با او مأنوس کرد؛ بنابراین، از خدا خواستم تا پیش از من نمیرد و بعد از من، مرگ او را شهادت قرار بدهد.

آن گاه که وارد بهشت شدم، حوریان علی علیه السلام را بیش از برگ درختان دیدم و کاخ های او را، به شمار افراد انسان.

علی علیه السلام از من است و من هم از اویم؛ دوست دار او، دوست دار من است.

دوستی علی علیه السلام نعمت است و پیروی از او فضیلت، که این اعتقاد فرشتگان است و صالحین از جن گردان گرد او هستند.

صفحه ۱۰۵

فِي عَلَى "عَلِيهِ السَّلَامُ" خَصَالُ الْأَنْبِيَاءِ لَمْ يَمْشِ عَلَى الْأَرْضِ مَا شَدِي إِلَّا كَانَ هُوَ أَكْرَمُ مَنْ هُوَ عَزِيزًا وَفَخْرًا وَمِنْهَا جَاءَ، لَمْ يَكُنْ فَطَّأً عَجُولًا وَلَا مُسْتَرِسًا لِفَسَادٍ وَلَا مُتَعَنِّدًا، حَمَلَهُ الْأَرْضُ فَأَكْرَمَهُ، لَمْ يَخْرُجْ مِنْ بَطْنِ أُشْنِي بَعْدَ أَحَدٍ كَانَ أَكْرَمَ خَرْوَجًا مِنْهُ، وَلَمْ يَنْزِلْ مِنْزَلًا إِلَّا كَانَ مِيمُونًا، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحُكْمَهُ وَرَدَاهُ بِالْفَهْمِ، تَجَالَسَهُ الْمَلَائِكَهُ وَلَا يَرَاهَا؛ وَلَوْ أَوْحَى إِلَى أَحَدٍ بَعْدَ أَوْحِي إِلَيْهِ، فَزَينَ اللَّهُ بِهِ الْمَحَافِلَ، وَأَكْرَمَ بِهِ الْعُسَارِكَ، وَأَخْصَبَ بِهِ الْبَلَادَ، وَأَعْزَّ بِهِ الْأَجْنَادَ، مُثْلَهُ كَمِثْلِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ يَزَارُ وَلَا يَزُورُ، وَمُثْلَهُ كَمِثْلِ الْقَمَرِ إِذَا طَلَعَ أَضْيَاءُ الظُّلْمَهُ، وَمُثْلَهُ كَمِثْلِ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ أَنَارَتَ، وَصَفَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، وَمَدْحُهُ بِآيَاتِهِ، وَوَصْفُهُ فِيهِ آثارَهُ وَأَجْرِيَ مَنَازِلَهُ، فَهُوَ الْكَرِيمُ حَيًّا وَالشَّهِيدُ مَيَّاً.

ص: ١٠٦

ویژگی همه انبیا "علیهم السلام" در علی جمع است پس از من، علی علیه السلام عزیزترین، پر افتخارترین و نورانی ترین کسی است که بر زمین گام گذاشته است. او نه خشن و شتابکار است و نه نسبت به فساد، سهل انگار و عنادورز، زمین او را با کرامت حمل می کند.

پس از من، هیچ فرزندی گرامی تر از او متولد نشده است؛ بنابراین بر هر مکانی گام نهد، آنجا را مبارک گرداند. خداوند حکمت را برابر او نازل کرده و فهم و دانش بر او پوشانده است، فرشتگان همنشین اویند ولی آنها را نمی بینند. اگر قرار بود، بعد از من بر کسی وحی شود، حتماً بر او وحی می شد. خداوند به وجود او محفلها را زینت داده، ارتشها را گرامی داشته و به شهرها فراوانی و به لشکرها عترت داده است. مثل علی علیه السلام مثل کعبه است که همه به زیارت او می روند ولی او به زیارت کسی نمی رود. او همانند ماه، تاریکی را براندازد و چون خورشید، روشن سازد.

خداوند علی علیه السلام را در کتاب خود وصف و با آیاتش او را ستایش کرده، آثارش را توصیف نموده و در منازلش روان ساخته است. پس زندگی او با کرامت و بزرگواری و مرگ او با شهادت است. [\(۱\)](#)

ص: ۱۰۷

۱۰۲-۱. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲، حدیث ۷.

٧٠ - حَدَّثَنَا العَطَّارُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِبْنِ عِيسَىٰ، عَنْ الْحَسِينِ [الْحَسِينِ] بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرِ الْجَرْجَانِيِّ
قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

أوَّلُ جَمَاعَهُ كَانَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَصْلَى وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ...

٧١ - حَدَّثَنَا أَبِيهِ، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ عَبَادِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الدِّيلِمِيِّ، عَنْ عَمِيرِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنْ
عُمَرَانَ بْنِ مَيْشَمَ، عَنْ أَبِيهِ سَخِيلَهُ قَالَ:

أَتَيْتُ أَبَا ذِرَّ رَحْمَةَ اللَّهِ، فَقُلْتُ: يَا أَبَا ذِرَّ! إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ اخْتِلاَطًا [اَخْتِلاَطًا] فِيمَا ذَا تَأْمُرُنِي؟

قَالَ: عَلَيْكَ بِهَاتِينَ الْخَصْلَتَيْنِ، كِتَابُ اللَّهِ وَالشِّيخُ عَلَىٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
يَقُولُ: هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَأَوَّلُ مَنْ يَصَافِحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَهُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ.

٧٢ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمَ سَعِيدَ الْهَاشَمِيِّ، عَنْ فَرَاتٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَىٰ الرَّمْلِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَعْمَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَىٰ، عَنْ
يَعْقُوبِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عُمَرِ بْنِ مُنْصُورٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي إِيَّا، عَنْ يَحْيَىٰ بْنِ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِيهِ هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ
جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

عَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَقْدَمَ أُمَّتِي سَلَمًا، وَأَكْثَرُهُمْ عَلَمًا، وَأَصْحَّهُمْ دِينًا، وَأَفْضَلُهُمْ يَقِيْنًا، وَأَحْلَمُهُمْ حَلْمًا، وَأَسْمَحُهُمْ كَفَّاً، وَأَشْجَعُهُمْ
قلْبًا، وَهُوَ الْإِمَامُ وَالخَلِيفَهُ بَعْدِي.

۷۰- امام صادق علیه السلام فرمود:

نخستین نماز جماعتی که برپا شد این گونه بود که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ نماز می خواند، و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام او را همراهی می کرد...^(۱)

۷۱- شخصی به نام ابی سخیله می گوید:

خدا رحمت کند ابوذر را، روزی نزد وی رفتم و گفتم: ای ابوذر! به نظر شما در این اختلافی که پیش آمده است، چه باید کرد؟

ابوذر گفت: بر تو واجب است که همواره ملازم قرآن و این بزرگ مرد، حضرت علی علیه السلام باشی؛ زیرا از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که می فرمود: علی، نخستین کسی است که به من ایمان آورده و نخستین کسی است که در روز قیامت با من دست خواهد داد، او صدّیق اکبر است و او همان فاروقی است که حق را از باطل جدا می کند.^(۲)

۷۲- جابر بن عبد الله انصاری می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی بن ابی طالب، کسی است که پیش از همه مسلمان شده و بیش از همه علم دارد؛ در صحّت دین و یقین، برتر از دیگران است و از نظر بردباری، سخاوت و دلاوری و مردم داری سرآمد همه است. و همو پس از من، امام و خلیفه می باشد.^(۳)

ص: ۱۰۹

۱۰۳-۱. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۷۶، حدیث ۴.

۱۰۴-۲. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۳۷، حدیث ۵.

۱۰۵-۳. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۲، حدیث ۶.

٧٣ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَغْدَادِيُّ، عَنِ التَّمِيمِيِّ، عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

سَدُّوا الْأَبْوَابَ الشَّارِعَةِ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا بَابَ عَلَى.

٧٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى، عَنْ خَلْفِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ غَنْدَرٍ، عَنْ عَوْفٍ، عَنْ مَيْمُونَ بْنِ أَبِي عبد الله، عن زيد بن أرقم قال:

كَانَ لَنْفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَدُّوا هَذِهِ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَ عَلَى.

فَتَكَلَّمُ فِي ذَلِكَ النَّاسِ.

قَالَ: فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ:

أَمَّا بَعْدُ، إِنِّي أَمْرَتُ بِسَدِّ هَذِهِ الْأَبْوَابِ غَيْرِ بَابِ عَلَى، فَقَالَ فِيهِ قَاتِلُكُمْ وَإِنِّي وَاللَّهِ! مَا سَدَّدْتُ شَيْئًا وَلَا فَتَحْتَهُ وَلَكِنِّي أَمْرَتُ بِشَيْءٍ فَاتَّبَعْتُهُ.

۷۳ - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امام علی علیه السلام نقل می فرماید که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

در خانه هایی را که به مسجد باز می شود بیندید، جز در خانه علی را. [\(۱\)](#)

۷۴ - زید بن ارقم می گوید:

درب خانه چند تن از یاران رسول خداصلی الله علیه وآلہ به مسجد باز می شد، روزی پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمان داد: به جز در خانه علی علیه السلام همه درها را بیندید!

در این مورد، بین مردم سخنانی در گرفت؟

پس پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ برخاست و بعد از حمد و ثنای خدا فرمود:

بدانید! به من فرمان رسیده بود که: همه درها - به جز در خانه علی - بسته شود، برخی از مردم چیزهایی گفته اند؛ ولی به خدا قسم که من از پیش خود، کاری نکردم، بلکه فرمانی دریافت کردم و آن را اطاعت کردم. [\(۲\)](#)

ص: ۱۱۱

۱۰۶-۱. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۵۴، حديث ۶.

۱۰۷-۲. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۵۴، حديث ۴.

حلقه باب الجنّه

٧٥ - حدّثنا أبي، عن المؤدب، عن أحمد بن علي الأصبهاني، عن الثقفي، عن محمد بن داود، عن منذر العشري، عن سعيد بن زيد، عن أبي قتيل [أبي قبل عن أبي الجارود، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس، عن النبي صلى الله عليه وآله قال:

إِنَّ حَلْقَهُ بَابُ الْجَنَّهِ مِنْ يَاقُوتِهِ حُمَرَاءُ عَلَى صَفَائِحِ الْذَّهَبِ، إِذَا دَقَّتِ الْحَلْقَهُ عَلَى الصَّفَحَهِ طَتَّ وَقَالَتْ: يَا عَلَى!

٧٥ - ابن عباس می گوید رسول خدا صلی الله علیه وآلہ فرمودند:

حلقه در بهشت از یاقوت سرخ است بر صفحه ای از طلا، هر گاه حلقه بر در کوبیده شود، بانگی بر آورد و بگوید: یا علی!^(۱)

ص: ۱۱۳

۱- ۱۰۸. أَمَّالِي صَدُوق رَحْمَة اللَّهِ، مَجْلِس ۸۶، حَدِيث ۱۳.

٧٦ - حدثنا أبي، عن علي بن إبراهيم، عن أبي نجران، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر الباقر عليه السلام أنه قال:

والله! إن كان على عليه السلام ليأكل أكل العبد ويجلس جلسه العبد، وإن كان ليشتري القميصين السنبلانيين فيخير غلامه خيرهما، ثم يلبس الآخر، فإذا جاز أصابعه قطعه، وإذا جاز كعبه حذفه، ولقد ولى خمس سنين ما وضع آجره، ولا لبنيه على لبنيه، ولا - أقطع قطيعاً، ولا - أورث بيساء ولا - حمراء وإن كان ليطعم الناس خبز البر واللحم وينصرف إلى منزله ويأكل خبز الشعير والزيت والخل، وما ورد عليه أمران كلاهما لله رضي إلا أخذ بأشدhemما على بدنها.

ولقد اعتق ألف مملوك من كده يده تربت فيه يداه وعرق فيه وجهه، وما أطاق عمله أحد من الناس وإن كان ليصلّى في اليوم والليله ألف ركعه، وإن كان أقرب الناس شبهها به على بن الحسين عليهما السلام وما أطاق عمله أحد من الناس بعده.

وسمع رجل من التابعين أنس بن مالك يقول: نزلت هذه الآية في علي بن أبي طالب عليه السلام «أَمَنْ هُوَ قَاتِلُ آنَاءَ اللَّيلِ ساجداً وَقَائِمًا يَحْذِرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ». [\(١\)](#)

قال الرجل فأتيت علياً عليه السلام لأنظر إلى عبادته فأشهد بالله لقد أتيته وقت المغرب، فوجدته يصلّى بأصحابه المغرب، فلما فرغ منها جلس في التعقيب إلى أن قام إلى عشاء الآخرة. ثم دخل منزله فدخلت معه فوجدته طول الليل يصلّى ويزكي القرآن إلى أن طلع الفجر، ثم جدد وضوئه وخرج إلى المسجد وصلّى بالناس صلاة الفجر، ثم جلس في التعقيب إلى أن طلت الشمس، ثم قصد الناس يجعل يختصم إليه رجلان فإذا فرغا قاما واختصم آخران إلى أن قام إلى صلاة الظهر.

ص: ١١٤

١٠٩ - ١. سوره الزمر {٣٩}: الآيه ٩.

۷۶ - محمد بن قیس گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم! که خوراک و نشست و برخاست امام علی علیه السلام همانند بندگان بود؛ هر گاه دو پیراهن می خرید، به خدمتکارش می فرمود که بهترینش را تو بر دار و خود پیراهن دیگر را می پوشید؛ اگر آستین پیراهن، از انگشتانش بلندتر بود آن را قطع می کرد و نیز اگر پایین آن از مچ پا می گذشت، آن را می برید.

پنج سال حکومت کرد؛ ولی هیچ آجر و خشت خامی را روی هم ننهاد، جایی را مالک نشد و پول و نقره و طلایی به ارت نگذاشت، بهترین نان گندم و گوشت را به مستمندان می خورانید ولی خود، نان جو و سرکه می خورد.

هر گاه با دو کار خدای پسند رو به رو می شد که باید یکی را برگزیند، سخت تر آن ها را برمی گزید.

با دست رنج خود که با خاک آلود شدن دستانش و عرق کردن چهره اش به دست آورده بود، ۱۰۰۰ بنده را آزاد کرد. احدي توان انجام کارهای او را نداشت، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند، اگرچه شبیه ترین مردم به او از این جهت امام سجاد علیه السلام بود، ولی بعد از او کسی توان انجام کار ایشان را نداشت.

مردی از تابعان، از انس بن مالک شنید که می گفت: این آیه در مورد امام علی علیه السلام نازل شده که: «... یا کسی که شب را به قیام و سجده به جهت ترس از آخرت بگذراند و به رحمت پروردگارش امید داشته باشد.»

آن مرد می گوید: پیش علی علیه السلام رفتم تا عبادت او را بنگرم، خدا گواه است هنگام مغرب نزد او رفتم، همراه یارانش مشغول خواندن نماز مغرب بود، سپس مشغول تعقیبات و مستحبات شد. نماز عشاء را نیز خواند و به منزل آمد، من همراه او رفتم، در تمام شب مشغول نماز و قرآن بود تا این که سپیده صبح طلوع کرد، وضو گرفت و به مسجد آمد، نماز صبح را با مردم خواند و تا هنگام طلوع آفتاب مشغول تعقیبات شد؛ آن گاه مردم، دو نفر دو نفر می آمدند و اختلافات خود را مطرح می کردند، جواب می گرفتند و می رفتد این کار تا ظهر ادامه داشت.

سيرة على "عليه السلام" في نفسه قال: فجدد لصلاة الظهر وضوءه، ثم صلى بأصحابه الظهر، ثم قعد في التعقيب إلى أن صلى بهم العصر، ثم أتاه الناس فجعل يقوم رجلان ويقعد آخران يقضى بينهم ويفتيهم إلى أن غابت الشمس فخرجت وأنا أقول: أشهد بالله أن هذه الآية نزلت فيه.

٧٧ - حدثنا أبي، عن سعد، عن ابن هاشم، عن ابن مرار، عن يونس، عن عبد الله بن سنان، عن أبي حمزة الشمالي، عن الأصيغ بن نباته أنه قال:

كان أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام إذا أتى بالمال أدخله بيت مال المسلمين، ثم جمع المستحقين، ثم ضرب يده في المال فنشره يمنه ويسره وهو يقول: يا صفراء! يا بيضاء! لا تغريني، غري غيري.

هذا جنای و خیاره فيه

إذ كل جان يده إلى فيه

ثم لا - يخرج حتى يفرق ما في بيت مال المسلمين ويؤتي كل ذي حق حقه، ثم يأمر أن يكتس ويرش ثم يصلى فيه ركعتين، ثم يطلق الدنيا ثلاثة يقول بعد التسليم: يا دنيا! لا تتعرضين لي ولا تتتشوقين ولا تغريني فقد طلقتك ثلاثة لا رجعه لى عليك.

٧٨ - حدثنا الطالقاني، عن محمد بن جرير الطبرى، عن الحسن بن محمد، عن محمد بن عبد الرحمن المخزومى، عن محمد بن أبي عفور، عن موسى بن أبي أيوب التميمي، عن موسى بن المغيرة، عن الصحاحك بن مزاحم قال:

ذكر على عليه السلام عند ابن عباس بعد وفاته فقال:

واأسفاه! على أبي الحسن، مضى والله ما غير ولا بد ولا قصر ولا جمع ولا منع ولا آثر إلا الله. والله! لقد كانت الدنيا أهون عليه من شسع نعله، ليث فى الوغاء، بحر فى المجالس، حكيم فى الحكماء، هيئات! قد مضى إلى الدرجات العلي.

زندگی شخصی حضرت علی "علیه السلام" سپس علی علیه السلام برخاست، وضو تازه کرد و نماز ظهر را همراه یارانش خواند، سپس تعقیبات نماز ظهر و پس از آن نماز عصر و باز موقع مراجعته مردم بود که دو نفر دو نفر می آمدند و امام علی علیه السلام بین آن ها قضاوت می کرد تا این که آفتاب غروب کرد و از نزد او خارج شدم. گفتم: خدا را گواه می گیرم که این آیه در مرور دارد علی نازل شده است. [\(۱\)](#)

۷۷- اصبع بن نباته می گوید:

هنگامی که برای امیرالمؤمنین علیه السلام، مالیات می آوردند، آن را وارد بیت المال (خزانه مسلمانان) کرده، مستحقان را جمع می نمود و پول ها را با دست خود به راست و چپ، پهن می کرد و می فرمود:
ای پول های زرد و سفید! مرا فریب ندهید، بروید دیگری را فریب دهید.

سپس این ضرب المثل را بیان می فرمود: این تمام آن چیزی است که من چیده ام و بهترین چیده های من نیز در میان آن ها است (و خود هیچ از آن ها نخورده ام).

در زمانی که هر کس چیزی چیده، دستش در دهان خودش می باشد.

سپس امام به تقسیم پول ها می پرداخت و از آنجا بیرون نمی رفت تا هر چه در بیت المال بود قسمت می کرد، در آخر، دستور می داد آن محل را جاروب می کردند، آب می پاشیدند، دو رکعت نماز می خواند و دنیا را سه طلاق می داد و پس از نماز می فرمود: ای دنیا! به من دست نینداز، مرا به خود تشویق نکن و فریب نده که من تو را سه طلاق دادم و هیچ راه بازگشتی نیست. [\(۲\)](#)

۷۸- ضحاک بن مزاحم گوید: بعد از شهادت امام علی علیه السلام نزد ابن عباس اسم آن حضرت برده شد، ابن عباس گفت: افسوس بر ابوالحسن (امام علی علیه السلام)! به خدا قسم از دنیا رفت، در حالی که نه چیزی را دگرگون ساخت، نه چیزی را عوض کرد، نه از چیزی کاست، نه مالی جمع کرد و نه مانع حق کسی شد و هیچ منظوری هم جز خدا نداشت.

به خدا قسم! دنیا در برابرش از بند کفشهای هم بی ارزش تر بود. در نبردها شیر بود، در مجالس دریا بود و در بین حکیمان، حکیم؛ هیهات او (در گذشت و) به درجات بلندی رسید. [\(۳\)](#)

ص: ۱۱۷

۱- ۱۱۰. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۴.

۲- ۱۱۱. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۶.

۳- ۱۱۲. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۲.

سيره على "عليه السلام" في نفسه ٧٩ - حديثنا ابن المتكّل رضي الله عنه، عن محمد بن يحيى العطار، عن ابن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن يونس بن طبيان، عن سعد بن طريف، عن الأصيغ بن نباته قال:

دخل ضرار بن ضمره النهشلي على معاويه بن أبي سفيان قال له:

صف لى علياً عليه السلام.

قال: أو تعفيني.

فقال: لا، بل صفة لى.

فقال له ضرار: رحم الله علياً، كان والله فينا كأحدنا، يدلينا إذا أتيناه، ويجبينا إذا سألناه، ويقرّبنا إذا زرناه، لا يغلق له دوننا باب ولا يحجبنا عنه حاجب، ونحن والله مع تقريره لنا وقربه منّا لا نكلمه لهبته، ولا نبتديه لعظمته، فإذا تبسم فعن مثل اللؤلؤ المنظوم.

فقال معاويه: زدني من صفتة.

فقال ضرار: رحم الله علياً، كان والله طويل الشهاد، قليل الرقاد، يتلو كتاب الله آناء الليل وأطراف النهار ويجد لله بهجته، ويبوء إليه بعبرته، لا تغلق له الستور ولا يدّخر عنّا الدبور، ولا يستلين الآتكاء ولا يستخشن الجفاء، ولو رأيته إذ مثل في محاربه، وقد أرخي الليل سدوله، وغارت نجومه، وهو قابض على لحيته، يتململ تململ السليم، ويبكي بكاء الحزين وهو يقول:

«يا دنيا! إلى تعرّضت، أم إلى تشوقت؟ هيّهات، هيّهات! لاـ حاجه لى فيك، أبتك ثلاثاً لا رجّعه لى عليك، ثمّ واه واه! بعد السفر، وقله الزاد، وخشونه الطريق»

قال: فبكى معاويه وقال:

حسبك يا ضرار، كذلك كان والله على، رحم الله أبا الحسن.

زندگی شخصی حضرت علی "علیه السلام"

۷۹ - اصبع ابن نباته می گوید:

ضرار بن ضمره به مجلس معاویه داخل شد، معاویه به ضرار بن ضمره گفت: علی بن ابی طالب را برای من توصیف کن.

ضرار گفت: اگر می شود مرا معاف بدار.

معاویه گفت: خیر، حتماً باید توصیف نمایی.

ضرار گفت: خدا علی را رحمت کند، سوگند به خدا! او مانند یکی از ما و بین ما زندگی می کرد، ما را به خود نزدیک می نمود، به پرسش ما جواب می داد، در خانه اش باز بود و نگهبانی نداشت.

سوگند به خدا! با این همه که او به ما و ما به او نزدیک بودیم ولی هیبت و ابهت او نمی گذاشت با او سخن آغاز کنیم، هنگام لبخند دندان های همچون مروارید او هویدا می شد.

معاویه گفت: باز هم بگوا!

ضرار گفت: خدا علی را رحمت کند، خوابش کم و بیداری اش بسیار بود، بیشتر اوقات قرآن می خواند، جان خود را به خدا سپرده، در آستان او اشک می ریخت،

خود را از مردم پنهان نکرد و کیسه های زرنیندوخت، نه بر وابستگان نرمی داشت، نه بر جفاکاران بدخوبی، اگر شب ها او را می دیدی، در محراب عبادت ایستاده، دست به ریش خود گرفته، چون مار گزیده بر خود می پیچید و می گریست و می فرمود:

ای دنیا! آیا خودت را به رخ من می کشی؟ یا می خواهی مرا مشتاق کنی؟ هیهات، هیهات! مطمئن باش که من نیازی به تو ندارم و تو را چنان سه طلاقه کردم که راه بازگشت ندارد.

سپس می فرمود: آه آه! از دوری راه، کمی توشه و سختی سفر قیامت.

معاویه گریه کرد و گفت:

کافی است ای ضرار! آری علی چنین بود، خدا او را رحمت کند. (۱)

ص: ۱۱۹

٨٠ - حَدَّثَنَا الصائغُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَامَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: حَدَّثَنَا سُوِيدَ بْنُ عَزِيزَ الدَّمْشِقِيَّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَهِيَعَهُ، عَنْ إِبْنِ قَنْبِلٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْعَاصِ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دَفَعَ الرَايِهِ يَوْمَ خَيْرٍ إِلَى رَجُلٍ مِّنْ أَصْحَابِهِ فَرَجَعَ مِنْهُ زَمَانًا، فَدَفَعَهَا إِلَى آخَرَ فَرَجَعَ يَجْبَنُ أَصْحَابَهِ وَيَجْبَنُونَهُ قَدْ رَدَ الرَايِهِ مِنْهُ زَمَانًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لَا يُعْطَى الرَايِهِ غَدًا يَحْبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَحْبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، لَا يَرْجِعُ حَتَّى يُفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدِيهِ».

فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ: ادْعُوا إِلَى عَلِيًّا.

فَقَيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ رَمَدٌ.

فَقَالَ: ادْعُوهُ.

فَلَمَّا جَاءَ تَفْلِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي عَيْنِيهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ ادْفِعْ عَنْهُ الْحَرَّ وَالْبَرَدَ.

ثُمَّ دَفَعَ الرَايِهِ إِلَيْهِ وَمَضَى، فَمَا رَجَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا بِفَتْحٍ خَيْرٍ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّهُ لَمَّا دَنَا مِنَ الْغَمْوُصِ أَقْبَلَ أَعْدَاءُ اللَّهِ مِنَ الْيَهُودِ يَرْمُونَهُ بِالنَّبْلِ وَالْحَجَارَةِ فَهُمْ يَحْمِلُونَ عَلَى عَلِيِّ السَّلَامِ حَتَّى دَنَا مِنَ الْبَابِ، فَتَنَى رَجُلٌ، ثُمَّ نَزَلَ مَغْضِبًا إِلَى أَصْلِ عَتْبَةِ الْبَابِ فَاقْتُلَعَهُ، ثُمَّ رُمِيَّ بِهِ خَلْفَ ظَهْرِهِ أَرْبَعِينَ ذَرَاعًا.

قَالَ ابْنُ عُمَرَ: مَا عَجَبَنَا مِنْ فَتْحِ اللَّهِ خَيْرٍ عَلَى يَدِي عَلَى وَلَكُنَا عَجَبَنَا مِنْ قَلْعَةِ الْبَابِ وَرَمِيَّهُ خَلْفَهُ أَرْبَعِينَ ذَرَاعًا، وَلَقَدْ تَكَلَّفَ حَمْلَهُ أَرْبَعُونَ رَجُلًا فَمَا أَطَاقُوهُ. فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِذَلِكَ، فَقَالَ:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيدهِ! لَقَدْ أَعْانَهُ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ مَلَكًا.

۸۰ - عبد‌الله بن عمرو بن العاص می گوید:

در جنگ خیر، پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ پرچم را به یکی از افراد داد، ولی او گریزان برگشت؛ پرچم را به شخص دیگری داد، او هم در حالی برگشت که یارانش را می ترسانید و آن‌ها هم او را ترسو می خواندند که با پرچم شکست خورده فرار کرده است.

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود: فردا پرچم را به کسی بدhem که خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد، او از جنگ برنگردد مگر با پیروزی.

صبح که شد فرمود: به علی بگویید بیاید.

به پیامبر صلی الله علیه وآلہ گفته شد: علی چشمش درد می کند.

فرمود: او را بخوانید تا بیاید.

وقتی علی علیه السلام آمد، پیامبر آب دهان مبارکش را به چشم او مالید و فرمود: خدایا! او را از گرما و سرما حفظ کن.

سپس پرچم را به دست او داد.

علی علیه السلام رفت و نزد پیامبر صلی الله علیه وآلہ باز نگشت مگر با گشودن قلعه خیر.

راوی گوید: وقتی علی علیه السلام به قلعه غموض نزدیک شد، یهودیان او را با تیر و سنگ می زدند؛ ولی او هم چنان پیش می رفت. وقتی به در قلعه رسید با حالت خشمناک خود را از اسب به پایین انداخت، با دست خود درب خیر را از جا کند و آن را ۴۰ ذراع به پشت سر خود پرتاب کرد.

ابن عمرو گوید: ما از پیروزی علی علیه السلام تعجب نکردیم، تعجب ما از این بود که چطور درب قلعه را یک تن از جا کند و آن را ۴۰ ذراع به پشت سر انداخت با این که ۴۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابه جا کنند. پیامبر صلی الله علیه وآلہ از راز آن خبر داد و فرمود: به خدا قسم! که ۴۰ فرشته در کندن درب به او کمک کردند. [\(۱\)](#)

ص: ۱۲۱

شجاعه على "عليه السلام"

٨١ - حدثنا ابن إدريس، عن أبيه، عن البرقى، عن أبيه، عن خلف بن حماد، عن أبي الحسن العبدى، عن سليمان بن مهران، عن أبي إسحاق، عن عمرو بن حبشي، عن الحسين بن على بن أبي طالب عليهم السلام قال:

ما قدمت رايه قوتل تحتها أمير المؤمنين عليه السلام إلا نكسها الله تبارك وتعالى وغلب أصحابها وانقلبوا صاغرين، وما ضرب أمير المؤمنين عليه السلام بسيفه ذى الفقار أحداً فنجا، وكان إذا قاتل [قاتل] جبرئيل عن يمينه وميكائيل عن يساره وملك الموت بين يديه.

شجاعت حضرت علی "علیه السلام"

۸۱ - عمرو بن حبشي می گويد: امام حسین عليه السلام فرمود:

هیچ پرچمی به جنگ امیرالمؤمنین عليه السلام نیامد جز این که خدا سرنگونش می ساخت و افرادش شکست خورده، با خواری بر می گشتند. امیرالمؤمنین عليه السلام شمشیر ذوالفقار را به کسی نزد که نجات یافته باشد. و هرگاه امیرالمؤمنین عليه السلام می جنگید، جبرئیل سمت راستش، میکائیل سمت چپ آن حضرت و ملک الموت برابرش بودند. [\(۱\)](#)

ص: ۱۲۳

۱۱۵-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۷، حدیث ۹.

٨٢ - حَدَّثَنَا ماجيلويه، عن علی بن إبراهیم، عن أبی الصلت الھروی، عن أبی محمید بن یوسف الفریابی، عن سفیان، عن الأوزاعی، عن یحیی بن أبی کثیر، عن حبیب بن الجھم قال:

لَمَّا رَحَلَ بَنُو عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى بَلَادِ صَفَّینَ، نَزَلَ بِقَرِيهِ يُقالُ لَهَا: «صَنْدُودًا»، ثُمَّ أَمْرَنَا فَعَبَرْنَا عَنْهَا، ثُمَّ عَرَسْنَا فِي أَرْضٍ بَلَقَعَ فَقَامَ إِلَيْهِ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَتَنْزَلُ النَّاسُ عَلَى غَيْرِ مَاءِ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَالِكَ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَيِّسَقِنَا فِي هَذَا الْمَكَانِ مَاءً أَعْذَبَ مِنَ الشَّهَدِ وَأَلَيْنَ مِنَ الزَّبَدِ الْزَّلَالِ، وَأَبْرَدَ مِنَ الثَّلَجِ، وَأَصْفَى مِنَ الْيَاقُوتِ.

فَتَعَجَّبَنَا وَلَا عَجَبٌ مِّنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ثُمَّ أَقْبَلَ يَجْرِي رَدَاءَهُ وَبِيَدِهِ سِيفَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَرْضٍ بَلَقَعَ، فَقَالَ: يَا مَالِكَ! احْتَفِرْ أَنْتَ وَأَصْحَابُكَ.

فَقَالَ مَالِكُ: وَاحْتَفَرْنَا إِذَا نَحْنُ بِصَخْرَهُ سُودَاءَ عَظِيمَهُ فِيهَا حَلْقَهُ تَبَرُّقٌ كَالْلَّجَنِ، فَقَالَ لَنَا: رَمُوهَا، فَرَمَنَاهَا بِأَجْمَعِنَا وَنَحْنُ مَائِهُ رَجُلٍ فَلَمْ نُسْتَطِعْ أَنْ تَرِيلَهَا عَنْ مَوْضِعِهَا.

فَدَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَافِعًا يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُونَا وَهُوَ يَقُولُ: «طَابَ طَابَ مَرِيَا عَالَمَ طَيْبُو ثَابُو ثَهْ شَتَمِيَا كُوبَا حَاحَانُو ثَاتُو دِيَا بَرْ حُوَثَا، آمِينَ آمِينَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ، رَبُّ مُوسَى وَهَارُونَ»

ثُمَّ اجْتَذَبَهَا فَرَمَاهَا عَنِ الْعَيْنِ أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا، قَالَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرَ: فَظَهَرَ لَنَا مَاءً أَعْذَبَ مِنَ الشَّهَدِ وَأَبْرَدَ مِنَ الثَّلَجِ وَأَصْفَى مِنَ الْيَاقُوتِ. فَشَرَبَنَا وَسَقَيْنَا ثُمَّ رَدَّ الصَّخْرَهُ وَأَمْرَنَا أَنْ نَحْثُوا عَلَيْهَا التَّرَابَ.

ثُمَّ ارْتَحَلَ وَسَرَنَا فَمَا سَرَنَا إِلَّا غَيْرَ بَعِيدٍ قَالَ: مَنْ مِنْكُمْ يَعْرِفُ مَوْضِعَ الْعَيْنِ؟

فَقَلَنَا: كُلُّنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!

۸۲ - حبیب بن جهم می گوید:

هنگامی که به همراه امام علی علیه السلام به طرف صفین می رفتیم، حضرتش در روستایی به نام «صندوادا» مستقر شد، سپس دستور داد از روستا عبور کنیم تا این که در بیابانی بدون آب فرود آمدیم. مالک اشتر عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! ما را در محل بی آبی مستقر می کنی؟

امام فرمود: ای مالک! به طور حتم، خدای متعال ما را از آبی بهره مند کند که از شهد عسل شیرین تر و از گره صاف نرم تر، و از برف خنک تر باشد.

ما تعجب کردیم. از طرفی هم می دانستیم که گفتار امام تعجب ندارد.

سپس امام، رداء از دوش برداشت و در حالی که شمشیر به دست گرفته بود، قطعه زمین خشک و بی گیاه را نشان داد و فرمود:

ای مالک! به کمک همراهانت، اینجا را بکنید.

مالک می گوید: محل مورد نظر را کنديم، ولی به یك سنگ سیاه بزرگی بخورد کردیم. امام علیه السلام فرمود: آن سنگ را بردارید.

ما که صد نفر بودیم، هر چه کردیم نتوانستیم آن را تکان بدھیم.

امام علی علیه السلام نزدیک آمد، دست ها را به آسمان بلند کرده، مشغول دعا شد و عرض کرد:

«طاب طاب مریا عالم طیبو ثابوته شتمیا کو با حاجانو ثا تودینا بر حوثا، اجابت کن، ای پروردگار جهانیان، ای خدای موسی و هارون!»

سپس آن سنگ را کشید و از جای خود درآورده، چهل ذراع به دور انداخت.

مالک می گوید: ناگاه چشمہ آبی نمایان شد که از عسل شیرین تر، از برف خنک تر و از یاقوت صاف تر بود. از آن آب برداشتم و نوشیدیم، آن گاه امام علیه السلام سنگ را بر جای خود نهاد و به ما فرمان داد، با خاک آن را پوشانیم.

سپس از آن محل حرکت کردیم. هنوز فاصله زیادی از آنجا دور نشده بودیم که امام علیه السلام فرمود: چه کسی از شما جای آن چشمہ را می داند؟

نبذه من كرامات على "عليه السلام" فرجعنا، فطلبنا العين فخفى مكانها علينا أشدّ خفاء، فظننا أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام قد رهقه العطش، فأوْمأنا بأطرافنا فإذا نحن بصوْمِعه راهب فدُنونا منها فإذا نحن براهب قد سقطت حاجباه على عينيه من الكبر. فقلنا: يا راهب! عندك ماء نسقى منه صاحبنا؟

قال: عندي ماء قد استعدبه منذ يومين. فأنزل إلينا ماء مِرْأاً خشنًا.

فقلنا: هذا قد استعدبه منذ يومين! فكيف ولو شربت من الماء الَّذِي سقانا منه صاحبنا؟ وحدّثناه بالأمر.

فقال: صاحبكم هذانبي؟

قلنا: لا ولكنّه وصيّنبي.

فنزل إلينا بعد وحشته مِنَا و قال: انطلقوا بي إلى صاحبكم.

فانطلقنا به فلما بصر به أمير المؤمنين عليه السلام قال عليه السلام: شمعون؟

قال الراهب: نعم، شمعون، هذا اسم سُمِّنْتَني به أُمِّي ما اطلع عليه أحد إِلَّا اللَّهُ تبارَكَ وَتَعَالَى، ثُمَّ أنت، فكيف عرفته فأتمَ حتى أتمَّه لك.

قال عليه السلام: وما تشاء يا شمعون؟

قال: هذا العين واسمها.

قال: هذا العين راحوما وهو من الجنة، شرب منه ثلاثة وثلاثين عشر وصيًّا وأنا آخر الوصيّين شربت منه.

قال الراهب: هكذا وجدت في جميع كتب الإنجيل وأنا أشهد أن لا إله إِلَّا الله وَأَنَّ مُحَمَّداً رسول الله وَأَنَّكَ وصيٌّ محمد صلى الله عليه وآلـهـ.

گوشه ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" گفتیم: ای امیر مؤمنان! همه ما می دانیم. برگشتم که جای آن را پیدا کنیم، اما هرچه جست وجو کردیم اثری از آن نیافتیم. ما فکر کردیم امام علیه السلام تشنه است. بنابراین، به جست وجوی آب رفتیم، کلبه راهبی نمایان شد، نزدیک رفتیم. راهبی دیدیم که از پیری زیاد، ابروهای بلندش، چشمانش را پوشانده بود. گفتیم: ای راهب! آیا با خود آبی داری تا مولا یمان را سیراب کنیم؟

گفت: آری، آبی است که دو روز زحمت کشیدم تا آن را گوارا کرم؛ آن گاه آب تلخ و بد مزه ای آورد.

گفتیم: با این که دو روز وقت خود را برای شیرین کردن آن صرف کرده ای، هنوز به این تلحی است؟ کاش تو هم از آن آبی که مولای ما به ما داد می نوشیدی. سپس داستان چشمها را برایش بازگو کردیم.

راهب گفت: آیا مولای شما پیامبر است؟

گفتیم: نه، وصی پیامبر است.

با این که در ابتدا از ما وحشت داشت نزدیک تر آمد و گفت: مرا پیش مولای خود ببرید.

همین که او را پیش امام علی علیه السلام آوردیم، امام فرمود: تو شمعون هستی؟

گفت: آری، این نام را مادرم بر من گذاشت و کسی جز خدا از آن خبر نداشت، تو از کجا دانستی؟ اکنون نشانه امامت خود را تکمیل کن، تا من هم ایمانم را به تو تکمیل کنم.

امام علیه السلام فرمود: ای شمعون! چه می خواهی؟

راهب گفت: داستان چشمها و نام آن را.

فرمود: اسم آن «راحوما» و از بهشت است، ۳۱۳ وصی از آن نوشیده اند و من آخرین وصی بودم که از آن نوشیدم.

راهب گفت: این ها که گفتی همان است که در کتاب های انجیل خوانده ام، اینک گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد فرستاده اوست و تو وصی محمد می باشی.

نبذه من كرامات على "عليه السلام" ثم رحل أمير المؤمنين عليه السلام والراهب يقدمه، حتى نزل صفين ونزل معه بعائدين [بعابدين] والتقي الصفان، فكان أول من أصابته الشهاده الراهب.

نزل أمير المؤمنين عليه السلام وعيناه تهملان وهو يقول: المرء مع من أحبّ، الراهب معنا يوم القيمه رفيقى في الجنة.

٨٣ - حدثنا أبي رحمه الله عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن أبي هدبة قال:

رأيت أنس بن مالك معصوباً بعصابه فسألته عنها فقال:

هي دعوه على بن أبي طالب عليه السلام.

فقلت له: وكيف يكون ذلك؟

قال: كنت خادماً لرسول الله صلى الله عليه وآله فأهدى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله طائر مشوى؛ فقال: «اللهم ائنني بأحب خلقك إليك وإلى، يأكل معى من هذا الطائر.»

فجاء على عليه السلام فقلت له: رسول الله صلى الله عليه وآله عنك مشغول، وأحببت أن يكون رجلاً من قومي.

فرفع رسول الله صلى الله عليه وآله يده الثانية، فقال: اللهم ائنني بأحب خلقك إليك وإلى، يأكل معى من هذا الطائر. فجاء عليه السلام فقلت: رسول الله صلى الله عليه وآله عنك مشغول، وأحببت أن يكون رجلاً من قومي. فرفع رسول الله صلى الله عليه وآله يده الثالثة، فقال: اللهم ائنني بأحب خلقك إليك وإلى، يأكل معى من هذا الطائر. فجاء عليه السلام فقلت: رسول الله صلى الله عليه وآله عنك مشغول وأحببت أن يكون رجلاً من قومي. فرفع على عليه السلام صوته فقال: وما يشغل رسول الله صلى الله عليه وآله عنّى؟

فسمعه رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا أنس! من هذا؟

فقلت: على بن أبي طالب عليه السلام. قال: ائذن له.

فلما دخل، قال له: يا على! إنني قد دعوت الله عز وجل ثلث مرات أن يأتييني بأحب خلقه إليه وإلى، يأكل معى من هذا الطائر، ولو لم تجئني في الثالثة لدعوت الله باسمك أن يأتييني بك.

گوشه‌ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" از آن پس راهب از یاران امام علی علیه السلام شد و همراه ایشان در جنگ صفین شرکت کرد، دو لشکر مبارزه را شروع کردند و او نخستین نفر از یاران امام بود که به شهادت رسید.

امام بر بالین راهب حاضر شد و در حالی که، اشک از دیدگانش سرازیر بود فرمود: هر کسی با همان محسور می‌شود که او را دوست دارد، این راهب در بهشت، رفیق و همراه من است. [\(۱\)](#)

۸۳ - ابو هدبه می‌گوید:

انس بن مالک را دیدم که دستمالی به سرش پیچیده بود، از علت آن پرسیدم، گفت: بر اثر نفرین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

گفتم: برای چه نفرین کرد؟

انس گفت: من خادم پیامبر صلی الله علیه وآلہ بودم، روزی مرغ بریانی برای آن حضرت هدیه آوردند، پیامبر دعا کرد: خدایا! محبوب ترین فرد نزد خود و من را بفرست تا در خوردن این مرغ شریک شود.

دیدم علی علیه السلام سر رسید، به او گفتم: پیامبر کاری دارد (و با این گفته، او را راه ندادم) و دوست داشتم کسی از قوم خودم بباید تا این افتخار نصیب ما شود.

پیامبر دوباره همان دعا را تکرار کرد، باز علی علیه السلام آمد؛ ولی من او را راه ندادم. برای بار سوم پیامبر دعا کرد، علی علیه السلام به پشت در آمد، می‌خواستم او را بر گردانم، گفتم: پیامبر کار دارد، ولی علی علیه السلام با صدای بلند گفت: چه کاری پیامبر را از من باز داشته است؟

پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ صدا را شنید و فرمود: ای انس! این شخص کیست؟

گفتم: علی بن ابی طالب است.

فرمود: اجازه بده وارد شود.

چون علی وارد شد، پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: ای علی! من سه بار به درگاه خدا دعا کردم که محبوب ترین خلقش را بفرستد تا با من از این مرغ بریان بخورد، اگر در نوبت سوم نمی‌آمدی، آمدن تو را با ذکر نامت از خداوند درخواست می‌کردم.

۱۲۹: ص

نبذه من كرامات على "عليه السلام" فقال على عليه السلام: يا رسول الله! إني قد جئت ثلاث مرات، كل ذلك يردنى أنس ويقول: رسول الله عنك مشغول.

فقال لى رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أنس! ما حملك على هذا؟

فقلت: يا رسول الله! سمعت الدعوه فأحببت أن يكون رجلاً من قومي.

فلما كان يوم الدار استشهادنى على عليه السلام فكتمه فقلت: إنى نسيته.

فرفع على عليه السلام يده إلى السماء، فقال:

اللهم ارم أنساً بوضوح لا يستره من الناس.

ثم كشف العصابه عن رأسه، فقال: هذه دعوه على، هذه دعوه على.

٨٤ - حدثنا ابن الم توكل، عن السعد آبادى، عن البرقى، عن أبيه عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، عن أبي الجارود، عن جابر بن يزيد الجعفى، عن جابر بن عبد الله الأنصارى قال:

خطبنا أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: أيها الناس! إن قدّام منبركم هذا أربعه رهط من أصحاب محمد صلى الله عليه وآله منهم أنس بن مالك والبراء بن عازب الأنصارى والأشعث بن قيس الكندى وخالد بن يزيد البجلى، ثم أقبل بوجهه على أنس بن مالك فقال: يا أنس! إن كنت سمعت من رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

«من كنت مولاه فعلى [فهذا على عليه السلام] مولاه»، ثم لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك الله حتى يبتليك ببرص لا تغطيه العمame.

وأماماً أنت يا أشعث! فإن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وهو يقول: «من كنت مولاه، فهذا على مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه» ثم لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك الله حتى يذهب بكريمتيك.

وأماماً أنت يا خالد بن يزيد! إن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: «من كنت مولاه فهذا على مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» ثم لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك الله إلا ميته جاهلية.

گوشه‌ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! این بار سوم است که آدم، ولی در هر بار، انس مرا برمی گرداند.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ به من فرمود: ای انس! چرا علی را برمی گرداندی؟

عرض کردم: دوست داشتم این افتخار نصیب مردی از قوم من شود.

پس از مدتی، هنگام اختلاف در خلافت، علی علیه السلام مرا خواست که بر این مطلب گواهی دهم، ولی من آن را کتمان کرده، گفتم: فراموش کرده‌ام.

علی علیه السلام دست به آسمان برداشت و گفت:

خدایا! انس را به یک پیسی دچار کن که نتواند آن را از مردم بپوشاند.

انس دستمال را برداشت و گفت: این است نفرین علی علیه السلام این است نفرین علی علیه السلام. (۱)

۸۴ - جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید:

امام علی علیه السلام در ضمن یک سخنرانی برای ما فرمود:

ای مردم! در جمع شما چهار نفر از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآلہ حاضر هستند: انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، اشعت بن قیس کندي، و خالد بن یزید بجلی.

سپس رو کرد به انس بن مالک و فرمود: ای انس! اگر از پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ شنیدی که فرمود: «هر که من مولای اویم، علی [این علی مولای اوست] و امروز گواهی ندهی، خدا تو را گرفتار نوعی پیسی کند که نتوانی با عمامه ات آن را بپوشانی.

اما تو ای اشعت! اگر از پیامبر خدا شنیدی که فرمود: «هر که من مولای اویم علی مولای اوست، خدایا! دوست او را دوست بدار و دشمنش را دشمن باش» و امروز گواهی ندهی، به مرگ نرسی مگر این که خدا تو را کور کند.

و تو ای خالد! اگر این سخنان را از پیامبر شنیدی و حال گواهی ندهی، خدا تو را به مرگ جاهلیت بمیراند.

ص: ۱۳۱

نبذه من كرامات على "عليه السلام" وأما أنت يا براء بن عازب! إن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول «من كنت مولاه فهذا على مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاده» ثم لم تشهد لى اليوم بالولايه فلا أماتك الله إلا حيث هاجرت منه.

قال جابر بن عبد الله الأنصارى: والله! لقد رأيت أنس بن مالك وقد ابتلى ببرص يغطيه بالعمامه فما تسره. ولقد رأيت الأشعث بن قيس وقد ذهب كريمتاه وهو يقول: الحمد لله العذى جعل دعاء أمير المؤمنين على بن أبي طالب على بالعمى فى الدنيا ولم يدع على بالعذاب فى الآخره فأعذب. فأمّا خالد بن يزيد فإنه مات فأراد أهله أن يدفنه وحفر له فى منزله فدفن، فسمعت بذلك كنده فجاءت بالخيل والإبل فعقرتها على باب منزله، فمات ميته جاهليه. وأمّا البراء بن عازب فإنه ولاه معاویه اليمن فمات بها ومنها كان هاجر.

گوشه‌ای از کرامات حضرت علی "علیه السلام" و تو ای براء بن عازب! اگر این مطالب را شنیده‌ای و امروز به ولايت من گواهی ندهی از آنجا که آمدی و هجرت کردی به همان جا برگردی و در آنجا بمیری.

جابر بن عبد‌الله قسم می‌خورد و می‌گفت: انس بن مالک را دیدم که گرفتار پیسی شده، بطوری که نمی‌تواند آن را زیر عمامه خود پنهان کند. اشعت را دیدم که کور شده بود و می‌گفت: خدا را شکر که امیرالمؤمنین فقط برای دنیا من نفرین کرد نه بر آخرت من که عذاب شوم. و خالد نیز مرگش فرا رسید، خانواده اش او را در منزل به خاک سپردند؛ ولی اهل کنده خبردار شدند و آمدند به رسم جاهلیت برایش مراسم گرفتند، و براء بن عازب را معاویه فرماندار یمن کرد و در همان جا مرد، در حالی که او از آنجا هجرت کرده بود. [\(۱\)](#)

ص: ۱۳۳

۱۱۸- ۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۶، حدیث ۱.

٨٥ - حَدَّثَنَا ماجيلویه، عن عَمِّهِ، عن مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الْكُوفِيِّ، عن عَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ، عن أَبِي الْجَارُودَ، عن ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيفَةِ، عن سيد العابدين على بن الحسين، عن سيد الشهداء الحسين بن على، عن سيد الوصيين أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليهم السلام، عن سيد النبیین محمد بن عبد الله خاتم النبیین صلی اللہ علیہ وآلہ وآله اُنہ قال:

إِنَّ اللَّهَ تَبارَكَ وَتَعَالَى فَرِضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتِي، وَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَتِي، وَأَوْجَبَ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ أَمْرِي، وَفَرِضَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَاعَهُ عَلَى بَعْدِي مَا فَرَضْتُهُ مِنْ طَاعَتِي، وَنَهَاكُمْ مِنْ مَعْصِيَتِهِ عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِي.

وَجَعَلَهُ أَخِي وَوزِيرِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي وَهُوَ مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ، حَبَّهُ إِيمَانُ وَبَغْضُهُ كُفْرٌ، وَمَحْبَبُهُ مَحْبَبٌ، وَمَبْغَضُهُ مَبْغَضٌ، وَهُوَ مَوْلَى مِنْ أَنَا مَوْلَاهُ، وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَهُ، وَأَنَا وَإِيَّاهُ أَبُوا هَذِهِ الْأُمَّةِ.

٨٦ - حَدَّثَنَا ماجيلویه، عن عَمِّهِ، عن مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عن المُفْضِلِ بْنِ عُمَرَ، عن ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيفَةِ، عن سعيدِ بْنِ جَيْرَةَ، عن عبدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَا عَشَرَ النَّاسُ! مَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ قِيلًا وَأَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا؟

مَا عَشَرَ النَّاسُ! إِنَّ رَبَّكُمْ جَلَّ جَلَالَهُ أَمْرَنِي أَنْ أَقِيمَ لَكُمْ عَلَيَا عِلْمًا وَإِمَامًا وَخَلِيفَةً وَوَصِيًّا وَأَنْ أَتَخْذَهُ أَخًا وَوَزِيرًا.

مَا عَشَرَ النَّاسُ! إِنَّ عَلِيًّا بَابَ الْهُدَى بَعْدِي، وَالْمَدْعُى إِلَى رَبِّي، وَهُوَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ «وَمَنْ أَحْسَنْ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّمَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (١)

ص: ١٣٤

١١٩- سوره الفصلت {٤١}: الآيه ٣٣.

قسمت اول

۸۵ - امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام از حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ نقل می کند که فرمود:

به راستی که خداوند متعال، اطاعت مرا بر شما لازم فرموده و از نافرمانی من شما را باز داشته است و پیروی از امر مرا بر شما واجب ساخته است.

پس از من نیز، اطاعت علی را بر شما واجب کرده، چنان که اطاعت مرا واجب کرده بود، و شما را از نافرمانی او باز داشته، آن سان که از نافرمانی من باز داشته بود.

خداوند علی علیه السلام را برادر، وصی، وزیر و وارث من قرار داده است.

او از من است و من از اویم. دوستی علی، ایمان و دشمنی با او، کفر است. دوستدار او، دوستدار من و دشمن او، دشمن من است.

او مولای هر کسی است که من مولای اویم و من هم مولای هر مرد و زن مسلمان هستم، من و علی دو پدر این امت می باشیم. [\(۱\)](#)

۸۶ - ابن عباس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ فرمود:

ای مردم! چه سخنی بهتر از سخن خدا و چه کسی راست گویی از خداست؟

ای مردم! به راستی که خدای بزرگ، به من امر کرد که علی علیه السلام را، به عنوان پرچم هدایت، امام (بر شما)، و جانشین و وصی خودم اعلام کنم و او را برادر و وزیر خود قرار دهم.

ای مردم! علی بعد از من باب هدایت و دعوت کننده به سوی پروردگار است. و او صالح (و نیکوکار) مؤمنان است. و کیست نیکو سخن تراز آن که (مردم را) به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و بگویید همانا من از مسلمانانم؟

ص: ۱۳۵

۱۲۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴، حدیث ۶.

فضائله الجامعه معاشر الناس! إنَّ علِيًّا منِّي، ولدُه ولدُي، وَهُوَ زوجُ حبِّيَّتِي، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَنَهْيُهُ نَهْيِي.

معاشر الناس! عليكم بطاعته واجتناب معصيته، فإنَّ طاعته طاعتي، ومعصيته معصيتى.

معاشر الناس! إنَّ علِيًّا صَدِيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَفَارُوقُهَا وَمَحْدُثُهَا، إِنَّهُ هَارُونُهَا وَيُوَسِّعُهَا وَآصْفَهَا وَشَمَعُونَهَا، إِنَّهُ بَابُ حَطَّتِهَا وَسَفِينَهَا نَجَاتِهَا، إِنَّهُ طَالُوتُهَا وَذُو قَرْنَيْهَا.

معاشر الناس! إنَّه مَحْنَهُ الْوَرَى، وَالْحَجَّهُ الْعَظِيمُ، وَالْآيَهُ الْكَبْرِيَّ، وَإِمامُ أَهْلِ الدِّينِ، وَالْعَرُوهُ الْوَثْقَى.

معاشر الناس! إنَّ علِيًّا مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقِّ مَعَهُ وَعَلَى لِسَانِهِ.

معاشر الناس! إنَّ علِيًّا قَسِيمُ النَّارِ لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَلِيَ لَهُ، وَلَا يَنْجُو مِنْهَا عَدُوُّهُ لَهُ، إِنَّهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ لَا يَدْخُلُهَا عَدُوُّهُ لَهُ وَلَا يَزْخُرُ عَنْهُ وَلِيَ لَهُ.

معاشر أصحابي! قد نصحت لكم وبليغتكم رساله ربى ولكن لا تحبون الناصحين [\(١\)](#) أقول قولى هذا وأستغفر الله لى ولهم.

٨٧ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ الْمُؤَدِّبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَى الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنْ الثَّقْفَىِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ عَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبَّاسِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى السَّلْمَىِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَقِيلٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ قَالَ: لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

إِنَّ فِي عَلَى عَلِيِّ السَّلَامِ خَصَالًا لَوْ كَانَتْ وَاحِدَهُ مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَا كَتَفُوا بِهَا فَضْلًا.

ص: ١٣٦

١- ١٢١. مضمون سوره الأعراف {٧٩}: الآيه

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" ای مردم! به راستی، علی از من است، فرزندانش، فرزندان من و همو همسر حبیبه من فاطمه است. فرمانش، فرمان من و نهی او، نهی من است.

ای مردم! بر شما لازم است از او اطاعت کنید و نافرمانی اش نکنید؛ زیرا اطاعت از او اطاعت از من و نافرمانی از وی، نافرمانی از من است.

ای مردم! بدانید که علی، صدیق این امت و فاروق آن و محدث آن است. و همو هارون و یوشع و آصف و شمعون این امت است، او باب حطه (آمرزش)، کشتی نجات و همچنین طالوت و ذوالقرنین این امت است.

ای مردم! علی وسیله آزمایش بشر، حجت عظمی و نشانه کبرای خداست، او پیشوای مردم دنیا و ریسمان محکم خداست.

ای مردم! به راستی که علی با حق است و حق نیز با علی و بر زبان او است.

ای مردم! همانا علی تقسیم کننده جهنم است، هیچ یک از دوستانش داخل جهنم نمی شوند و هیچ یک از دشمنانش از آتش دوزخ رهایی نمی یابند، او تقسیم کننده بهشت است، هیچ یک از دشمنانش داخل بهشت نمی شوند و هیچ یک از دوستان او از بهشت دور نمی گردند.

ای گروه یارانم! «به طور حتم من شما را نصیحت کردم و پیام پروردگارم را رساندم، اگرچه شما ناصحان را دوست نمی دارید»، این سخن من است که می گوییم، و برای خودم و شما آمرزش می خواهم. [\(۱\)](#)

۸۷ - جابر بن عبد الله انصاری می گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

علی علیه السلام ویژگی هایی دارد که اگر یکی از آن ها به تمام مردم داده شود برایشان کافی است. و آن امتیازات، عبارتند از: فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله در باره او:

ص: ۱۳۷

۱۲۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۸، حدیث ۴.

فضائله الجامعه قوله صلى الله عليه وآلـهـ من كنت مولاـهـ فعلـى مولاـهـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ مـنـىـ كـهـارـوـنـ مـنـ مـوـسـىـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ مـنـىـ وـأـنـاـ مـنـهـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ مـنـىـ كـنـفـسـىـ طـاعـتـهـ طـاعـتـهـ، وـمـعـصـيـتـهـ مـعـصـيـتـىـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ حـرـبـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ حـرـبـ اللـهـ وـسـلـمـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ سـلـمـ اللـهـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ وـلـىـ اللـهـ وـعـدـوـ عـلـىـ عـدـوـ اللـهـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ حـجـهـ اللـهـ وـخـلـيـفـتـهـ عـلـىـ عـبـادـهـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ حـبـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ إـيمـانـ وـبغـضـهـ كـفـرـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ حـزـبـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ حـزـبـ اللـهـ وـحـزـبـ أـعـدـائـهـ حـزـبـ الشـيـطـانـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ مـعـ الـحـقـ وـالـحـقـ مـعـهـ لـاـ يـفـتـرـقـ حـتـىـ يـرـدـاـ عـلـىـ الـحـوضـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ قـسـيمـ الـجـنـهـ وـالـنـارـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ مـنـ فـارـقـ عـلـيـأـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـقـدـ فـارـقـ فـارـقـ اللـهـ عـزـوـجـلـ؛

وقولـهـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ شـيـعـهـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ هـمـ الـفـائـزـوـنـ يـوـمـ الـقـيـامـهـ.

٨٨ - حدثناقطـانـ، عنـ عبدـ الرـحـمانـ بنـ أـبـىـ حـاتـمـ، عنـ هـارـونـ بنـ إـسـحـاقـ، عنـ عـبـدـهـ بنـ سـلـيـمانـ، عنـ كـامـلـ بنـ العـلـاءـ، عنـ حـبـيبـ بنـ أـبـىـ ثـابـتـ، عنـ سـعـيدـ بنـ جـبـيرـ، عنـ عبدـ اللـهـ بنـ عـبـاسـ قالـ: قـالـ رـسـوـلـ اللـهـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ لـعـلـىـ بـنـ أـبـىـ طـالـبـ عـلـيـهـ السـلـامـ:

ياـ عـلـىـ! أـنـتـ صـاحـبـ حـوـضـىـ، وـصـاحـبـ لـوـائـىـ، وـمـنـجـزـ عـدـاتـىـ، وـحـبـيبـ قـلـبـىـ، وـوـارـثـ عـلـمـىـ، وـأـنـتـ مـسـتـوـدـعـ مـوـارـيـثـ الـأـنـبـيـاءـ، وـأـنـتـ أـمـيـنـ اللـهـ فـيـ أـرـضـهـ، وـأـنـتـ حـجـهـ اللـهـ عـلـىـ بـرـيـتـهـ، وـأـنـتـ رـكـنـ الإـيمـانـ، وـأـنـتـ مـصـبـاحـ الدـجـىـ، وـأـنـتـ مـنـارـ الـهـدـىـ، وـأـنـتـ الـعـلـمـ المـرـفـوعـ لـأـهـلـ الدـنـيـاـ، مـنـ تـبـعـكـ نـجاـ، وـمـنـ تـخـلـفـ عـنـكـ هـلـكـ.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" «هر که من مولای اویم، علی مولای او است.»

و «علی نسبت به من، چون هارون نسبت به موسی است.»

و «علی از من است و من از علی.»

و «علی نسبت به من، چون جان من است، اطاعت از او، اطاعت از من و نافرمانی از او، نافرمانی از من است.»

و «جنگ با علی، جنگ با خداست و سازش با علی، سازش با خدا است.»

و «دوست علی، دوست خداست و دشمن او، دشمن خدا است.»

و «علی حجّت و خلیفه خدا بر بندگان است.»

و «دوستی علی، نشانه ایمان و دشمنی با او، نشانه کفر است.»

و «حزب علی حزب خداست و حزب دشمنان او، حزب شیطان است.»

و «علی با حق است، همان طور که حق با علی است و این دو از هم جدا نشوند تا این که بر کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.»

و «علی قسمت کننده بهشت و دوزخ است.»

و «هر کس از علی جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود، از خدا جدا شده است.»

و « فقط شیعیان علی، رستگاران روز قیامت هستند. [\(۱\)](#) »

۸۸ - ابن عباس می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو صاحب حوض کوثر و پرچمدار منی و وعده های مرا برآورده می کنی. تو دوست صمیمی من و وارث دانش من و امانت دار میراث پیامبرانی، تو امین خدا در زمین و حجّت او بر مردم هستی، رکن ایمان و چراغ هدایت در تاریکی ها تو هستی، تو نشانه برافراشته شده برای اهل دنیا می باشی، هر کس از تو پیروی کند، نجات یابد و هر کس از تو تخلف ورزد نابود شود.

١٢٣-١. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ٢٠، حدیث ١.

فضائله الجامعه وأنت الطريق الواضح، وأنت الصراط المستقيم، وأنت قائد الغرّ المحجلين، وأنت يسوب المؤمنين، وأنت مولى من أنا مولاه وأنا مولى كل مؤمن ومؤمنه، لا يحبك إلاّ طاهر الولاده، ولا يبغضك إلاّ خبيث الولاده.

وما عرج بي ربّي عزّ وجلّ إلى السماء قطّ وكلّمني ربّي إلاّ قال لي: «يا محمّد! اقرأ علياً مني السلام وعرّفه أنه إمام أوليائي ونور أهل طاعتي».

فنهيئاً لك يا على! هذه الكرامه.

٨٩ - حدّثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق رضى الله عنه، عن محمد بن جرير الطبرى، عن أحمد بن رشيد، عن سعيد بن خيثم خيثم ، عن سعد، عن الحسن البصري

أنّه بلغه أنّ زاعماً يزعم أنّه ينتقص علياً عليه السلام، فقام في أصحابه يوماً فقال:

لقد هممّت أن أغلق بابي ثم لاـ أخرج من بيتي حتى يأتيني أجلى، بلغني أنّ زاعماً منكم يزعم أنّي أنتقص خير الناس بعد نبينا صلّى الله عليه وآلـه وآنيسه وجليسه والمفرج للكرب عنـه عند الزلازل، والقاتل للأقران يوم التنازل، لقد فارقـكم رجل قرأ القرآن فوـرقـه، وأخذـ العلم فـوـفـرـهـ، وـحاـزـ الـبـاسـ فـاستـعـمـلـهـ فـي طـاعـهـ ربـهـ، صـابـرـاـ عـلـى مـضـضـ الـحـربـ، شـاكـرـاـ عـنـ اللـأـوـاءـ وـالـكـرـبـ.

فعمل بكتاب ربـهـ وـنـصـحـ لـنبـيـهـ وـابـنـ عـمـهـ وـأـخـيـهـ، آخـاهـ دونـ أـصـحـابـهـ وـجـعـلـ عـنـهـ سـرـهـ، وـجـاهـدـ عـنـهـ صـغـيرـاـ وـقـاتـلـ معـهـ كـبـيرـاـ، يـقـتـلـ الأـقـرـانـ، وـيـنـازـلـ الـفـرـسـانـ دونـ دـيـنـ اللهـ حتـىـ وـضـعـتـ الـحـربـ أـوزـارـهـاـ، مـتـمـسـكـاـ بـعـهـدـ نـبـيـهـ لـاـ يـصـدـهـ صـادـ، وـلـاـ يـمـالـيـ عـلـيـهـ مـضـادـ، ثـمـ مـضـىـ النـبـيـ صـلـىـ اللهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ وـهـوـ عـنـهـ رـاضـ.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" تو راه روشن و صراط مستقیم هستی، پیشوای دست و روسفیدان و سرور و رهبر مؤمنان می باشی، تو مولای هر کسی هستی که من مولای او هستم و من مولای تمام مؤمنانم، دوست ندارد تو را مگر پاک زاده و با تو دشمنی نمی ورزد مگر ناپاک و حرامزاده.

پروردگارم هیچ گاه مرا به آسمان بالا نبرد و با من سخن نگفت، مگر این که فرمود:

«ای محمد! سلام مرا به علی برسان و به او خبر ده که امام دوستان من و نور اهل طاعت من است.»

پس گوارا باد بر تو این کرامت، ای علی!^(۱)

۸۹ - سعید بن خیث از قول سعد می گوید: حسن بصری شنید که برخی گمان می کنند او به علی علیه السلام خرد و ایراد می گیرد. روزی در بین یاران خود ایستاد و گفت:

تصمیم گرفته بودم که (از شدت ناراحتی) تا آخر عمر از خانه بیرون نیایم و باکسی کاری نداشته باشم، شنیده ام یکی از شما مرا متهشم کرده که من به کسی خرد می گیرم که پس از پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسیده مسلمین مردم بود، ایس و همنشین او بود، هنگام گرفتاری از او رفع گرفتاری می کرد، در جنگ ها هم نبردان خود را از پای در می آورد.

بی تردید مردی از میان شما رفت که قرآن را با احترام قرائت می کرد، علم وافر داشت و جنگاوری اش را در طاعت پروردگارش به کار می بست، در سختی های جنگ شکیبا بود و در ناملایمات زندگی شکر گزار.

به کتاب خدا عمل کرد و خیر خواه پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ وسیده مسلمین بود؛ پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسیده مسلمین بود و در بزرگی سالی به همه یارانش او را به عنوان برادر برگزید و اسرارش را به او سپرد؛ از کوچکی به همراه او جهاد می کرد و در بزرگی سالی به همراهش نبرد می نمود. به خاطر دین خدا تا انتهای جنگ، پهلوانان را می کشت و با یکه سواران مبارزه می کرد. متمسک به سفارش پیامبر شد و هیچ چیزی مانع او نمی شد و مخالفی بر او چیره نمی گشت. پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ وسیده مسلمین بود رحلت فرمود.

ص: ۱۴۱

۱- ۱۲۴. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۴.

فضائله الجامعهاعلم المسلمين علمًا، وأفهمهم فهمًا، وأقدمهم فى الإسلام، لا نظير له فى مناقبه، ولا شبيه له فى ضرائبه، فظللت نفسيه عن الشهوات، وعمل لله فى الغفلات، وأسبغ الطهور فى السبرات، وخشى الله فى الصلوات، وقطع نفسه عن اللذات، مشمراً عن ساق، طيب الأخلاق، كريم الأعراق، اتبع سنن نبيه واقتفى آثاره وليه. فكيف أقول فيه ما يوبقني وما أحد أعلمه يجد فيه مقلاً فكفوا عنا الأذى وتجنبوا طريق الردى.

٩٠ - حدثنا ابن موسى، عن ابن زكريا، عن ابن حبيب، عن عبد الرحيم بن على الجبلي، عن الحسن بن نصر [نصر] الخزاز، عن عمر بن طلحه، عن أسباط بن نضر، عن سماك بن حرب، عن سعيد بن جبير قال:

أتيت عبد الله بن عباس، فقلت له: يا بن عم رسول الله! إني جئتكم أسألك عن على بن أبي طالب واختلاف الناس فيه؟

فقال ابن عباس: يا بن جبير! جئتني تسألني عن خير خلق الله من الأمم بعد محمد نبى الله صلى الله عليه وآلها، جئتني تسألني عن رجل كانت له ثلاثة آلاف منقبه في ليله واحده وهي ليله القربيه؟

يا بن جبير! جئتني تسألني عن وصي رسول الله صلى الله عليه وآلها وزيره وخليفته وصاحب حوضه ولوائه وشفاعته؟

والمنى نفس ابن عباس بيده! لو كانت بحار الدنيا مداداً، والأشجار أقلاماً، وأهلها كتاباً فكتبوا مناقب على بن أبي طالب عليه السلام وفضائله من يوم خلق الله عز وجل الدنيا إلى أن يفنىها، ما بلغوا معاشر ما آتاه الله تبارك وتعالى.

فضیلت‌های متعدد حضرت علی "علیه السلام" علی، عالم ترین، فهیم ترین و پیشگام ترین مسلمانان بود، و در مناقب و فضایل همانند نداشت، خود را از شهوت باز گرفت و در اوقات غفلت دیگران، او برای خدا کار می‌کرد. هنگام سرما، طهارت کامل انجام می‌داد و در نماز خاشع بود، به لذت جویی نپرداخت، خوش اخلاقی را همت خود قرار داد، نیاکانش بزرگوار بودند و پیرو روش‌های پیامبر، و دنباله روی ولی خود بود.

چگونه درباره چنین کسی چیزی بگوییم که موجب نابودی ام شود و کسی را هم نمی‌شناسم که جرأت بدگویی از او را داشته باشد. بس کنید، ما را آزار ندهید و خود را از گمراهی و نابودی دور نگه دارید. (۱)

٩٠ - سعید بن جبیر می‌گوید:

پیش ابن عباس رفتم تا در مورد علی بن ابی طالب و اختلاف مردم درباره او پرسش کنم.

ابن عباس گفت: ای پسر جبیر! آمدی در مورد بهترین خلق خدا پس از پیامبر پرسی؟ آمدی در مورد کسی تحقیق کنی که فقط در یک شب که آن لیله القربه است (۲)، سه هزار منقبت داشت؟

ای پسر جبیر! آمدی درباره وصی پیامبر و وزیر و خلیفه او و صاحب حوض کوثر و پرچمدار رسول خداصلی الله علیه وآل‌ه و صاحب شفاعت او پرسی؟

به خدایی که جان ابن عباس در اختیار اوست! اگر همه دریاها مرکب شود و همه درختان قلم و همه خلق خدا نویسنده شوند و از روزی که خداوند، جهان را آفریده تا پایان دنیا مشغول نوشتمن شوند، یک دهم فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام را هم نمی‌توانند بنویسند. (۳)

ص: ۱۴۳

۱- امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۷، حدیث ۱.

۲- قریب به معنی ظرفی است که با آن آب می‌آورند و منظور از لیله القربه، شبی است که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، در جنگ بدر برای آوردن آب رفته بودند و سه هزار فرشته بر آن حضرت سلام کردند. {رجوع شود به بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۸}.

۳- امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۲، حدیث ۱۵.

٩١ - حدثنا ماجيلويه، عن عمّه، عن محمد بن علي الكوفي، عن محمد بن سنان، عن المفضل، عن جابر بن يزيد، عن أبي الزبير المكي، عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال:

قال النبي صلی الله عليه وآلہ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اصْطَفَانِي وَاخْتَارَنِي وَجَعَلَنِي رَسُولًا وَأَنْزَلَ عَلَى سِيدِ الْكِتَابِ.

فقلت: إلهي! وسيدي! إنك أرسلت موسى إلى فرعون فسألتك أن تجعل معه أخاه هارون وزيراً، تشدد به عضده وتصدق به قوله وإنني أسألك يا سيدي! وإلهي! أن تجعل لي من أهلى وزيراً، تشدد به عضدي، فجعل الله لي علياً وزيراً وأخاً وجعل الشجاعه في قلبه وألبسه الهيء على عدوه. وهو أول من آمن بي وصدقني وأول من وحد الله معى، وإنني سألت ذلك ربّي عزّ وجلّ فأعطانيه.

فهو سيد الأوّصياء، اللحق بـه سعاده، والموت في طاعته شهاده، واسمـه في التوراه مقرـون إلى اسمـي، وزوجـته الصـديـقة الكـبرـى ابـنتـي، وابـنـاه سـيدـا شـبابـ أـهـلـ الجـنـهـ اـبـنـاـيـ.

وهو وهمـ والأئـمهـ بـعـدـهـ حـجـجـ اللهـ عـلـىـ خـلـقـهـ بـعـدـ النـبـيـنـ، وـهـمـ أـبـوـابـ الـعـلـمـ فـىـ أـمـتـىـ، مـنـ تـبـعـهـمـ نـجـاـ مـنـ النـارـ، وـمـنـ اـقـتـدـىـ بـهـمـ هـدـىـ إـلـىـ صـرـاطـ مـسـتـقـيمـ، لـمـ يـهـبـ اللهـ عـزـ وـجـلـ مـحـبـتـهـمـ لـعـبـدـ إـلـاـ أـدـخـلـهـ اللهـ الجـنـهـ.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۱ - جابر بن عبد‌الله انصاری نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

به راستی که خداوند، مرا برگزید و به عنوان رسول قرار داد و برترین کتاب را بر من نازل فرمود.

پس از آن عرض کردم: خدایا! مولای من! آن گاه که موسی را به سوی فرعون فرستادی، از تو درخواست کرد، برادرش هارون را وزیر او قرار دهی، تا کمک او باشد و او را تصدیق کند، خدایا! من هم از تو می خواهم کسی را از خاندانم، به عنوان کمک من قرار بدھی تا وزیر من باشد.

پس خداوند، علی علیه السلام را به عنوان وزیر و برادر من قرار داد، شجاعت را در قلبش قرار داد و هیبتش را در دل دشمن انداخت.

علی نخستین کسی است که به من ایمان آورد، مرا تصدیق کرد و همراه من، خدای یگانه را پرستید، من آن را از خدا خواستم و خدا هم او را به من عطا فرمود.

پس او سید اوصیا است، پیوستن به او، سعادت است و مرگ در راه او شهادت. نام علی در تورات، در کنار نام من است و همسر او، صدیقه کبری، دختر من است، دو پسر او که آقای جوانان اهل بهشت هستند، پسران منند.

بعد از پیامبران، علی و دو پسر او و امامان پس از آن ها، حجّت های خدا بر مردم هستند، آنان درهای علم در میان اُمت من هستند. هر کس از آن ها پیروی کند از آتش نجات یافته و آن که به ایشان اقتدا کند به راه راست هدایت شده است. خدای بزرگ، دوستی آن ها را به بنده ای نبخشیده، جز این که او را داخل بهشت خواهد کرد. (۱)

۱۴۵: ص

۱۲۸-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۶، حدیث ۵.

٩٢ - حدثنا الحافظ، عن عبد الله بن يزيد، عن محمد بن ثواب، عن إسحاق بن منصور، عن كادح البجلي، عن عبد الله بن لهيغة، عن عبد الرحمن - يعني ابن زياد -، عن سلمه بن يسار، عن جابر بن عبد الله قال:

لما قدم على عليه السلام على رسول الله صلى الله عليه وآلـه بفتح خير، قال له رسول الله:

لو لاـ أن تقول فيك طوائف من أمـتـى ما قالـتـ النـصـارـى لـمـسيـح عـيسـى بن مـرـيم لـقـلـتـ فـيـكـ الـيـومـ قـوـلاـ لاـ تمـرـ بـمـلـاءـ إـلاـ أـخـذـواـ التـرـابـ مـنـ تـحـتـ رـجـلـيـكـ وـمـنـ فـضـلـ طـهـورـكـ يـسـتشـفـونـ بـهـ، وـلـكـ حـسـبـكـ أـنـ تـكـوـنـ مـئـىـ وـأـنـاـ مـنـكـ، تـرـشـىـ وـأـرـثـكـ، وـأـنـكـ مـنـيـ بـمـنـزـلـهـ هـارـونـ مـنـ مـوـسـىـ إـلاـ آـنـهـ لـاـ نـبـىـ بـعـدـيـ وـأـنـكـ تـبـرـئـ ذـمـتـىـ، وـتـقـاتـلـ عـلـىـ سـتـتـىـ، وـأـنـكـ غـدـاـ عـلـىـ الـحـوـضـ خـلـيفـتـىـ، وـأـنـكـ أـوـلـ مـنـ يـرـدـ عـلـىـ الـحـوـضـ، وـأـنـكـ أـوـلـ مـنـ يـكـسـىـ مـعـىـ، وـأـنـكـ أـوـلـ دـاـخـلـ الـجـهـنـهـ مـنـ أـمـتـىـ، وـأـنـ شـيـعـتـكـ عـلـىـ مـنـابـرـ مـنـ نـورـ مـبـيـضـهـ وـجـوـهـهـمـ حـوـلـىـ، أـشـفـعـ لـهـمـ وـيـكـوـنـوـاـ غـدـاـ فـيـ الـجـهـنـهـ جـيـرـانـىـ، وـأـنـ حـربـكـ حـرـبـىـ، وـسـلـمـكـ سـلـمـىـ، وـأـنـ سـرـكـ سـرـىـ وـعـلـانـيـتـكـ عـلـانـيـتـىـ، وـأـنـ سـرـيرـهـ صـدـرـكـ كـسـرـيرـتـىـ، وـأـنـ وـلـدـكـ وـلـدـىـ.

وـأـنـكـ تـنـجـزـ عـدـاتـىـ، وـأـنـ الـحـقـ مـعـكـ، وـأـنـ الـحـقـ عـلـىـ لـسـانـكـ وـقـلـبـكـ وـبـيـنـ عـيـنـيـكـ، الإـيمـانـ مـخـالـطـ لـحـمـكـ وـدـمـكـ كـمـاـ خـالـطـ لـحـمـيـ وـدـمـيـ، وـأـنـ لـنـ يـرـدـ عـلـىـ الـحـوـضـ مـبـغـضـ لـكـ وـلـنـ يـغـيـبـ عـنـهـ مـحـبـ لـكـ حـتـىـ يـرـدـ الـحـوـضـ مـعـكـ.

قال فخر على عليه السلام ساجداً، ثم قال: الحمد لله الذي أنعم على بالإسلام وعلمني القرآن وحبني إلى خير البرية خاتم النبيين وسيد المرسلين إحساناً منه وفضلاً منه على.

قال: فقال النبي صلى الله عليه وآلـهـ: لو لاـ أـنـتـ لـمـ يـعـرـفـ الـمـؤـمـنـوـنـ بـعـدـيـ.

۹۲ - جابر بن عبد الله انصاری می گوید:

هنگامی که امام علی علیه السلام مژده فتح خیر را برای پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ آورد، حضرت به او فرمود: اگر برخی از امت من، در مورد تو سخنانی را نمی گفتند آن گونه که نصاری درباره عیسی چنین گفتند، در باره تو چیزهایی می گفتم که مردم خاک زیر پایت و زیادی آب وضویت را به عنوان شفا می گرفتند، با این حال همین برای تو کافی است که: تو از منی و من از توام؛ تو، وارث منی و من هم وارث تو؛ تو نسبت به من به منزله هارون هستی نسبت به موسی، جز این که بعد از من پیامبری نیست. دین مرا تو ادا می کنی، به روش من جنگ می کنی و فردای قیامت بر حوض کوثر خلیفه من می باشی.

تو نخستین کسی هستی که سر حوض کوثر بر من وارد می شوی. اوّلین کسی هستی که همراه من جامه بر تن می کنی، اولین کسی هستی که از اُمّت من وارد بهشت می شوی؛ شیعیان تو بر منبرهایی از نور و با روی سفید، گردآگرد من باشند و من هم آن ها را شفاعت می کنم و آنان همسایه های من در بهشتند. جنگ و صلح با تو، جنگ و صلح با من است، راز و سرّ تو، راز و سرّ من است؛ آشکار تو آشکار من و فرزندان تو، فرزندان من هستند.

این توبی که به وعده های من عمل می کنی، همیشه حق با تو بوده و بر زبان تو جاری و در قلب و چشم توست. ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است؛ همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است؛ و هرگز دشمن تو بر حوض کوثر نرسد و دوست تو نیز از آن غایب نمی شود تا این که به همراه تو وارد آن شود.

جابر می گوید: در این هنگام علی علیه السلام بر سجده افتاد و گفت: حمد خدا را که نعمت مسلمانی به من داد، مرا قرآن آموخت و به فضل و احسان خودش مرا محبوب بهترین مردم، آخرین پیامبر و آقای پیامبران قرار داد.

جابر می گوید: آن گاه پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

ای علی! اگر تو نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند. (۱)

ص: ۱۴۷

فضائله الجامعه

٩٣ - حدثنا ماجيلويه، عن عمّه، عن الكوفي، عن علي بن عثمان، عن محمد بن الفرات، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقي، عن أبيه، عن جده عليهم السلام

قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام خليفة الله وخليفتى وحجّه الله وحجّتى وباب الله وبابى، وصفى الله وصفى، وحبيب الله وحبيبى، وخليل الله وخليلى، وسيف الله وسيفى.

وهو أخي وصاحبى وزيرى ووصيى، محبه محبى، وبغضه مبغضى، ووليه ولبي، وعدوه عدوى، وحربه حربى، وسلمه سلمى، وقوله قولى، وأمره أمرى، وزوجته ابنتى، وولده ولدى، وهو سيد الوصيين، وخير أمّتى أجمعين.

٩٤ - حدثنا حمزه العلوى، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن بن عبد، عن الحسين بن خالد،

عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا علي! أنت أخي وزيرى وصاحب لواهى فى الدنيا والآخره وأنت صاحب حوضى، من أحبّك أحبّنى ومن أبغضك أبغضنى.

٩٥ - حدثنا الهمданى، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفى، عن محمد بن أبي على [محمد بن علي] ، عن العباس بن عبد الله، عن عبد الرحمن بن الأسود، عن عبد الرحمن بن مسعود، عن علي عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أحبّ أهل بيته إلى وأفضل من أتركت بعدي على بن أبي طالب عليه السلام.

فضیلت‌های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۳ - امام باقر از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی بن ابی طالب، خلیفه خدا و خلیفه من است، او حجّت خدا و حجّت من است، او دروازه (شناخت) خدا و من است، برگزیده خدا و من است، حبیب خدا و حبیب من است. رفیق خدا و رفیق من است و شمشیر خدا و شمشیر من است.

علی برادر، یار، وزیر و وصی من است، دوست او دوست من است و دشمن او، دشمن من؛ جنگ با من است و سازش با او، سازش با من؛ سخن او، سخن من است و فرمانش، فرمان من؛ همسر او، دخترم فاطمه است و فرزندان منند؛ او آقای اوصیا و بهترین فرد اُمّت من است. [\(۱\)](#)

۹۴ - امام رضا علیه السلام از پدران گرامش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

ای علی! تو در دنیا و آخرت برادر، وزیر و پرچمدار من هستی؛

تو صاحب حوض کوثری؛ هر که تو را دوست دارد مرا دوست داشته و آن که تو را دشمن دارد، با من دشمنی کرده است.
[\(۲\)](#)

۹۵ - ابن مسعود از قول امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمودند:

محبوب ترین فرد خاندانم و برترین کسی که پس از خودم به جا می گذارم، علی بن ابی طالب است. [\(۳\)](#)

ص: ۱۴۹

۱۳۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۳۶، حدیث ۱۷.

۱۳۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۴، حدیث ۱۱.

۱۳۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۹.

٩٦ - حدثنا الهمданى، عن علی بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمة، عن الحكم بن سليمان، عن علی بن هاشم، عن عمرو بن حرث الأشجعى، عن بردعه بن عبد الرحمن، عن أبي الخليل، عن سلمان رحمة الله قال:

دخلت علی رسول الله صلی الله عليه وآلہ عند الموت، فقال:

علی بن أبي طالب أفضلي من تركت بعدي.

٩٧ - حدثنا الحسين بن أحمد بن إدريس، عن أبيه، عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري، عن إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر، عن أبي حمزة، عن علی بن العزور، عن القاسم، عن أبي سعيد قال:

أنت فاطمهعليها السلام النبى صلی الله عليه وآلہ فذ كرت عنده ضعف الحال.

قال لها: أ ما تدرین ما متزله علی علیه السلام عندی، كفانی أمری وهو ابن اشتى عشره سنہ وضرب بین يدی بالسيف وهو ابن ست عشره سنہ، وقتل الأبطال وهو ابن تسع عشره سنہ، وفرج همومی وهو ابن عشرين سنہ، ورفع باب خيبر وهو ابن اثنين وعشرين سنہ كامله، وكان لا يرفعه خمسون رجلاً.

قال: فأشرق لون فاطمهعليها السلام ولم تقر قدمها حتى أنت علیاًعليه السلام فأخبرته.

قال: كيف لو حدثتك بفضل الله على كلّه.

٩٨ - حدثنا ابن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الصيرفي، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر؛

عن أبي عبد الله الصادق، عن أبيه عن جده عليهم السلام قال:

بلغ أم سلمه زوجه النبي صلی الله عليه وآلہ، أن مولی لها يتنقص [يتنقص] علياً ويتناوله، فأرسلت إليه. فلماً أن صار إليها قالت له: يا بني! بلغنى أنك تتنقص [تتنقص] علياً ويتناوله.

قال لها: نعم يا أماه.

فضیلت‌های متعدد حضرت علی "علیه السلام"

۹۶ - سلمان فارسی می گوید: هنگام رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ، خدمتش رسیدم، فرمود:

علی بن ابی طالب بهترین کسی است که پس از خود به جا می گذارم. [\(۱\)](#)

۹۷ - أبو سعید می گوید:

روزی فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه وآلہ آمد و اظهار کسالت کرد.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ به او فرمود: مگر نمی دانی علی علیه السلام چه مقامی نزد من دارد؟

۱۲ ساله بود که کارهای مرا اداره می کرد، در ۱۶ سالگی برابر شمشیر می زد و ۱۹ ساله بود که پهلوان‌ها را کشت. در ۲۰ سالگی هم و غم مرا برطرف می کرد. ۲۲ ساله بود که در خیر را از جا کند، دری که ۵۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابه جا کنند.

در این هنگام چهره فاطمه علیها السلام از شادی برافروخت و آرام و قرار نداشت تا نزد علی علیه السلام برگشت و به او گزارش داد.

علی علیه السلام در جوابش فرمود: پس اگر همه فضایلی را که خدا به من داده برایت باز گو کنم، چه حالی پیدا می کنی؟ [\(۲\)](#)

۹۸ - امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و از جد والا مقامش نقل می فرماید:

روزی به اُم سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه وآلہ خبر رسید که یکی از نزدیکانش از علی علیه السلام بدگویی می کند، او را خواست و گفت: آیا این خبر صحّت دارد؟

گفت: بله مادر!

ص: ۱۵۱

۱- ۱۳۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۰.

۲- ۱۳۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۲، حدیث ۱۳.

فضائله الجامعه قال: أقعد، ثكلتُكَ أُمّكَ! حتّى أحذّك بحديث سمعته من رسول الله صلّى الله عليه وآلّه، ثمّ اختر لنفسك، إنا كنّا عند رسول الله صلّى الله عليه وآلّه تسع نسوه وكانت ليلتي ويومي من رسول الله صلّى الله عليه وآلّه فدخل النبي صلّى الله عليه وآلّه و هو متهلل أصابعه في أصابعه على عليه السلام واضعاً يده عليه، فقال:

يا أمّ سلمه! اخرجى من البيت أخلّيه لنا.

فخرجت وأقبلًا يتاجيان، أسمع الكلام وما أدرى ما يقولان، حتّى إذا قلت: قد انتصف النهار فأتيت الباب، فقلت: أدخل يا رسول الله؟

قال: لا. فكبوبت كبوه شديده، مخافه أن يكون ردّني من سخطه [سخطه] أو نزل في شيء من السماء، ثمّ لم ألبث أن أتيت الباب الثانية، فقلت: أدخل يا رسول الله؟ قال: لا. فكبوبت كبوه أشدّ من الأولى، ثمّ لم ألبث حتّى أتيت الباب الثالثة، فقلت: أدخل يا رسول الله؟

فقال: أدخل يا أمّ سلمه.

فدخلت وعلى عليه السلام جاث بين يديه وهو يقول: فداك أبي وأمّي يا رسول الله! إذا كان كذلك وكذا فما تأمني؟

قال: آمرك بالصبر.

ثمّ أعاد عليه القول الثانية، فأمره بالصبر، فأعاد عليه القول الثالثة.

فقال له: يا على، يا أخي! إذا كان ذاك منهم فسلّ سيفك، وضعه على عاتقك واضرب به قدمًا قدماً حتّى تلقاني وسيفك شاهر يقطر من دمائهم.

ثمّ التفت صلّى الله عليه وآلّه إلى، فقال لي: والله! ما هذه الكأبّه يا أمّ سلمه!

قلت: للذى كان من ردّك لى يا رسول الله!

فقال لي: والله! ما رددتك من موجده وإنّك لعلى خير من الله ورسوله، لكن أتيتني وجبرئيل عن يميني وعلى عن يسارى وجبرئيل يخبرنى بالأحداث التي تكون من بعدى وأمرنى أن أوصى بذلك علياً.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" ام سلمه گفت: مادرت به عزایت بگرید! چه کار زشتی کردی! بنشین تا آنچه از پیامبر صلی الله علیه وآلہ شنیده ام برایت بگویم، پس در کارت تجدید نظر کن.

ما نه زن، همسران پیامبر بودیم، در یک شب و روزی که نوبت من بود، پیامبر صلی الله علیه وآلہ در حالی که دست در دست علی علیه السلام داشت، وارد خانه من شد و فرمود: از اطاق بیرون شو و ما را تنها بگذار.

من خارج شدم و آن ها مشغول صحبت شدند. از بیرون فقط همه‌مه آن ها را می‌شنیدم، ولی نمی‌فهمیدم که چه می‌گویند. نصف روز گذشت، آمدم پشت در، اجازه ورود گرفتم، ولی اجازه نفرمود. ترسیدم شاید از من ناراحت شده یا آیه ای در مورد من نازل شده است. مدتی درنگ کردم، دوباره اجازه خواستم، باز فرمود: نه.

بیشتر ترسیدم و ناراحت شدم. برای بار سوم در زدم.

فرمود: وارد شو.

وارد شدم، علی علیه السلام دو زانو برابر پیامبر صلی الله علیه وآلہ نشسته بود و عرض می‌کرد: پدر و مادرم قربان شما! اگر چنین و چنان شد، چه دستوری می‌فرمایید؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: دستور صبر است.

دوباره پرسید، فرمود: صبر.

در مرتبه سوم، پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: ای علی، ای برادرم! اگر چنین کردند شمشیر بردار، آن قدر بزن و پیش برو تا در حالی که خون از شمشیرت می‌چکد، به دیدار من بیایی.

سپس رو به من فرمود: ای ام سلمه! چرا افسرده ای؟

عرض کردم: ترسیدم از من ناراحت شده ای.

فرمود: به خدا سوگند! من تو را از روی خشم و ناراحتی بیرون ننمودم؛ چرا که تو در نظر خدا و رسولش نیکویی، ولی هنگامی که تو آمدی، جبرئیل سمت راست من بود و علی علیه السلام در سمت چپ، جبرئیل گزارش پیشامدهای پس از مرا می‌داد و سفارش می‌کرد که آن ها را به علی علیه السلام وصیت کنم.

فضائله الجامعهيا أُم سلمه! اسمعى وشهدى، هذا على بن أبي طالب عليه السلام أخي فى الدنيا وأخى فى الآخره.

يا أُم سلمه! اسمعى وشهدى، هذا على بن أبي طالب وزيرى فى الدنيا وزيرى فى الآخره.

يا أُم سلمه! اسمعى وشهدى، هذا على بن أبي طالب حامل لوابى فى الدنيا وحامل لوابى غداً فى القياوه.

يا أُم سلمه! اسمعى وشهدى، هذا على بن أبي طالب وصيى وخليفتى من بعدي وقاضى عداتى والذائد عن حوضى.

يا أُم سلمه! اسمعى اشهدى، هذا على بن أبي طالب سيد المسلمين، وإمام المتقين، وقائد الغز المحجلين، وقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين.

قلت: يا رسول الله من الناكثون؟

قال: الذين يبايعونه بالمدينه وينكثون بالبصره.

قلت: من القاسطون؟

قال: معاویه و أصحابه من أهل الشام.

قلت: من المارقون؟

قال: أصحاب النهروان.

فقال مولى أُم سلمه: فرجت عنى فرج الله عنك. والله! لا سبب علياً أبداً.

فضیلت های متعدد حضرت علی "علیه السلام" ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی بن ابی طالب برادر من است در دنیا و آخرت.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی بن ابی طالب وزیر من در دنیا و آخرت است.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، پرچمدار من است در دنیا و فردای قیامت.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، وصی و خلیفه من است، به وعده های من عمل می نماید و نااهلان را از حوض کوثر دور می کند.

ای اُم سلمه! بشنو و گواه باش که این علی، آقای مسلمانان، امام پرهیز کاران، پیشوای دست و روسفیدان و کشنده ناکثان و قاسطان و مارقان است.

عرض کردم: ای پیامبر خدا! ناکثان چه کسانی هستند؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: آن ها که در مدینه بیعت کنند و در بصره بیعت شکنی نمایند.

گفتم: قاسطان کیانند؟

فرمود: معاویه و اصحاب شامی او.

گفتم: مارقان چه کسانی هستند؟

فرمود: اصحاب نهروان.

در این هنگام شخصی که از امام علی علیه السلام بدگویی کرده بود، گفت:

عقده دلم را گشودی، خدا در کار تو گشایش قرار دهد. به خدا قسم! دیگر هرگز از علی علیه السلام بدگویی نمی کنم. (۱)

ص ۱۵۵

٩٩ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الرَّضَا، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خُلِقْتُ أَنَا وَعَلَى مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ.

١٠٠ - حَدَّثَنَا الْوَرَاقُ، عَنْ عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَنْبَسَةِ، عَنْ دَارِمٍ، عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ:

خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَايَهُ أَلْفَ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَهُ وَعِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ؛ أَنَا أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَلَا فَخْرٌ.

وَخَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَايَهُ أَلْفَ وَصَّى وَأَرْبَعَهُ وَعِشْرِينَ أَلْفَ وَصَّى فَعَلَى أَكْرَمِهِمْ عَلَى اللَّهِ وَأَفْضَلِهِمْ.

١٠١ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنِ الْحَسِينِ بْنِ إِسْحَاقِ التَّاجِرِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلَى بْنُ مَهْرَانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ الْحَسِينِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ زَيَادِ بْنِ الْمَنْذِرِ، عَنْ بَدْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَنْسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

يَدْخُلُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْبَابِ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَسَيِّدُ الشَّهَدَاءِ وَأَدْنَى النَّاسِ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ.

فَدَخَلَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَمَا لَى لَكَ أَقُولُ هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ! وَأَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَالْمَوْفِي بِذَمَّتِي وَالْمَؤْذَنِي عَنِّي دِينِي.

فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"

۹۹ - پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

من و علی از یک نور آفریده شدیم. [\(۱\)](#)

۱۰۰ - امام رضا از پدران بزرگوارش و از پیامبر صلی الله علیه وآلہ نقل می کند که فرمود:

خداؤند یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آفرید که من گرامی ترین آن ها نزد خدایم، ومن بر این فخر و مباحثات نمی کنم.

و خداوند یکصد و بیست و چهار هزار وصی آفرید که علی علیه السلام در پیشگاه خدا برتر و گرامی تر از همه آن هاست.

[\(۲\)](#)

۱۰۱ - انس فرزند مالک می گوید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که فرمود:

اکنون بهترین اوصیا، آقا و سرور شهیدان و کسی که نزدیک ترین مقام را به پیامران دارد، از این در وارد می شود.

آن گاه علی بن ابی طالب علیه السلام از در وارد شد. پیامبر فرمود: ای ابا الحسن! چرا چنین نگویم؟ حق همین است که گفتم؛
چون تو صاحب حوض کوثر هستی، تو وفا کننده عهد و پیمان من و پرداخت کننده دین من هستی. [\(۳\)](#)

ص: ۱۵۷

۱۳۶-۱. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۴۱، حدیث ۱۰.

۱۳۷-۲. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۴۱، حدیث ۱۱.

۱۳۸-۳. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۳۷، حدیث ۱۰.

١٠٢ - حدثنا الهمданى رحمه الله، عن على بن إبراهيم بن هاشم، عن جعفر بن سلمه، عن الثقفى، عن أحمد بن عمران، عن الحسن بن عبد الله، عن خالد بن عيسى الأنصارى، عن عبد الرحمن بن أبي ليلى رفعه قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

الصادقون ثلاثة: حبيب النجار، مؤمن آل ياسين المدى يقول «اتبعوا المرسلين اتبعوا من لا يسئلوكم أجرًا وهم مهتدون» (١) وحزقيل، مؤمن آل فرعون، وعلى بن أبي طالب عليه السلام وهو أفضلهم.

١٠٣ - حدثنا الطالقانى، عن الحسن بن على العدوى، عن الحسين بن أحمد الطفاوى، عن قيس بن الربع، عن سعد الخفاف، عن عطيه العوفى، عن مخدوح بن زيد الذهلى؛

أن رسول الله صلى الله عليه وآله أخي بين المسلمين ثم قال:

يا على! أنت أخي وأنت مني بمنزلة هارون من موسى غير أنه لا نبى بعدى.

أما علمت يا على! أنه أول من يدعى به يوم القيامه يدعى بي، فأقوم عن يمين العرش فأكسي حلّه خضراء من حلل الجنّه ثم يدعى بأبينا إبراهيم عليه السلام، فيقوم عن يمين العرش في ظله فيكسي حلّه خضراء من حلل الجنّه، ثم يدعى بالنبين بعضهم على أثر بعض فيقومون سماطين عن يمين العرش في ظله ويكسون حللاً خضراء من حلل الجنّه؟

ألا وإلى أخبارك يا على! أن أمّتى أول الأمم يحاسبون يوم القيامه.

ثم أبشرك يا على! أن أول من يدعى يوم القيامه يدعى بك، هذا لقربتك مني ومتزلك عندي، فيدفع إليك لوابي وهو لواء الحمد،... مكتوب عليها ثلاثة أسطر:

الأول: بسم الله الرحمن الرحيم.

والآخر: الحمد لله رب العالمين.

ص: ١٥٨

فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام"

۱۰۲ - پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

صدّیقان سه نفرند: حبیب نجّار، مؤمن آل یاسین، همان که می گوید: «از فرستادگان خدا پیروی کنید، همانان که از شما مزدی درخواست نمی کنند و خود هدایت شده اند» و حزقیل، مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب علیه السلام، و او از همه اینان برتر است. [\(۱\)](#)

۱۰۳ - مخدوج بن زید ذهله یکی از یاران پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ می گوید:

ای علی! تو نیز برادر من هستی. تو برای من، مثل هارون برای موسی می باشی، جز این که پس از من پیامبری نمی آید.

ای علی! آیا نمی دانی من نخستین کسی هستم که روز قیامت فراخوانده می شوم، آن گاه در سمت راست عرش می ایستم در حالی که لباس سبزی از لباس های بهشتی بر تن دارم. پس از آن پدرمان، ابراهیم، و سپس سایر پیامبران را یکی پس از دیگری صدا می کنند و در دو صفت، در کنار عرش می ایستند؟

ای علی! آنگاه باش که امّت من، نخستین امّتی است که به حساب آن ها رسیدگی می شود و مژده باد برابر تو ای علی! که تو نخستین کسی هستی که فراخوانده می شوی و این به جهت نزدیکی و مقامی است که پیش من داری.

سپس پرچم مرا - که پرچم حمد است - به تو می دهند...

بر این پرچم سه سطر نوشته شده:

سطر اول: بسم الله الرحمن الرحيم.

سطر دوم: الحمد لله رب العالمين.

ص: ۱۵۹

۱۴۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۸.

... فتسيير باللواء والحسن عن يمينك والحسين عن يسارك حتى تقف بيني وبين إبراهيم في ظل العرش، فتكسى حلّه خضراء من حلّ الجنّة. ثم ينادي مناد من عند العرش:

نعم الأب أبوك إبراهيم، ونعم الأخ أخوك على...

١٤ - حَدَّثَنَا الْحَسْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَلْوَى، عَنْ جَدِّهِ يَحْيَى بْنِ الْحَسْنِ، عَنْ إِبْرَاهِيمِ بْنِ عَلَى وَالْحَسْنِ بْنِ يَحْيَى مَعًا، عَنْ نَصْرِ بْنِ مَزَاحِمٍ، عَنْ أَبِيهِ خَالِدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلَى، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

عن علي عليه السلام قال:

كان لي عشر من رسول الله صلى الله عليه وآله لم يعطهن أحد قبله ولا يعطاهن أحد بعده.

قال صلى الله عليه وآلـه لـي: يا عـلـى! أنت أخـى فـى الدـنـيـا وأخـى فـى الـآخـرـه، أنت أقرب النـاس مـنـى مـوقـعاً يوم الـقـيـامـه، وـمـنزـلـى وـمـنزـلـكـ فى الجـنـهـ متـواجـهـانـ كـمـنـزـلـ الـأـخـوـينـ، وـأـنـتـ الـوـصـىـ، وـأـنـتـ الـولـىـ، وـأـنـتـ الـوزـيرـ، عـدـوـكـ عـدـوـىـ وـعـدـوـىـ عـدـوـ اللـهـ وـوـليـكـ وـلـيـ وـلـيـ اللـهـ عـرـ وـجـلـ.

١٠٥ - حَدَّثَنَا الطَّالقانِيُّ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَلْوَانِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَنْصُورٍ، عَنْ هَدْبَهِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَابِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدِ الْيَمَانِيِّ، عَنْ عَكْرَمَهِ بْنِ عُمَارٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبْيِ طَلْحَةِ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالْكٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

نَحْنُ بْنُو عِبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادِهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: رَسُولُ اللَّهِ وَحْمَزَةُ سَيِّدِ الشَّهَادَاءِ

وجعفر ذوالجناحين وعلي وفاطمه والحسن والحسين والمهدى.

١٠٦ - حدثنا ابن المغيرة، عن جده الحسن بن علي، عن جده عبد الله بن المغيرة، عن إسماعيل بن مسلم السكوني، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَحَبُّ إِخْرَانِي إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَحَبُّ أَعْمَامِي إِلَى حَمْزَةَ.

فضایلی دیگر از حضرت علی "علیه السلام" سطر سوم: لا إله إلا الله محمد رسول الله.

... در حالی که حسن علیه السلام سمت راست تو و حسین علیه السلام در سمت چپ توست، پرچم را می آوری تا این که بین من و ابراهیم علیه السلام، در سایه عرش می ایستی، تو نیز لباس سبزی از لباس های بهشتی بر تن می کنی. سپس از جانب عرش صدا زنند که:

«چه پدر خوبی است پدرت ابراهیم و چه برادر خوبی است برادرت علی.» [\(۱\)](#)

۱۰۴ - حضرت امام علی علیه السلام می فرماید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ، ده چیز به من داد که به هیچ کس، نه پیش از من و نه پس از من داده نشده و آن ده چیز این است که فرمود:

ای علی! تو در دنیا و آخرت، برادر من هستی. جایگاه تو در قیامت از همه مردم به من نزدیک تر است. منزل من و تو در بهشت همانند منزل دو برادر رو به روی هم هستند. تو وصی، ولی و وزیر هستی. دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خدادست. دوست تو، دوست من است و دوست من، دوست خدادست. [\(۲\)](#)

۱۰۵ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

ما فرزندان عبدالطلب، آقایان اهل بهشت هستیم؛ یعنی رسول خدا، حمزه، سیدالشهداء، جعفر طیار (که دو بال در بهشت دارد)، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی علیهم السلام. [\(۳\)](#)

۱۰۶ - امام صادق علیه السلام از پدرانش و ایشان از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ نقل می کند که فرمود:

محبوب ترین برادرانم، علی بن ابی طالب و بهترین عموهایم حمزه است. [\(۴\)](#)

ص: ۱۶۱

۱۴۱ - ۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۵۲، حدیث ۱۳.

۱۴۲ - ۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۸، حدیث ۸.

۱۴۳ - ۳. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۵.

۱۴۴ - ۴. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۸۲، حدیث ۷.

١٠٧ - حدثنا الطالقاني عن الهمданى، عن المنذر بن محمد، عن جعفر بن سليمان، عن عبد الله بن الفضل، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباته، قال:

قال أمير المؤمنين عليه السلام في بعض خطبه:

أيها الناس! اسمعوا قولى واعقلوه عنى، فإن الفراق قريب، أنا إمام البرية، ووصى خير الخليقة، زوج سيده نساء هذه الأمة، وأبو العترة الطاهره والأئمه الهاديه.

أنا آخر رسول الله ووصيه ووليه وزيره وصاحب وصفيه وحبيبه وخليله.

أنا أمير المؤمنين، وقائد الغر المحبّلين وسيد الوصيّن، حربى حرب الله، وسلمى سلم الله، وطاعتني طاعة الله، وولائي ولایه الله، وشيعتى أولياء الله، وأنصارى أنصار الله.

والذى خلقنى ولم أك شيئاً! لقد علم المستحفظون من أصحاب رسول الله محمد صلى الله عليه وآلـهـ أنـ النـاكـثـينـ والـقـاسـطـينـ والمـارـقـينـ مـلـعـونـونـ عـلـىـ لـسـانـ النـبـىـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ الـأـمـىـ «وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىـ . (١)

١٠٨ - حدثنا أبي عن سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباته، قال:

قال أمير المؤمنين عليه السلام ذات يوم على منبر الكوفه:

أنا سيد الوصيّن، ووصى سيد التّبّين، أنا إمام المسلمين، وقائد المتقين، وولي المؤمنين، وزوج سيد نساء العالمين، أنا المتأخّم باليمين، والمغفر للجبن، أنا الذي هاجرت للهجرتين، وبأيّعت اليعتين، أنا صاحب بدر وحنين، أنا الضارب بالسيفين، والحاصل على فرسين، أنا وارث علم الأولين، وحجّه الله على العالمين بعد الأنبياء ومحمد بن عبد الله صلى الله عليه وآلـهـ خاتـمـ النـبـيـنـ. أهل مواليـتيـ مـرـحـومـونـ، وـأـهـلـ عـدـاـوـتـيـ مـلـعـونـونـ، ولـقـدـ كـانـ حـبـيـ رسولـ اللهـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ كـثـيرـاـ ماـ يـقـولـ لـيـ: يـاـ عـلـىـ حـبـكـ تـقـوىـ وـايـمانـ، وـبغـضـكـ كـفـرـ وـنـفـاقـ وـأـنـاـ بـيـتـ الـحـكـمـ وـأـنـتـ مـفـتـاحـهـ، وـكـذـبـ منـ زـعـمـ أـنـهـ يـحـبـنـيـ وـيـغـضـكـ.

۱۰۷ - اصیغ ابن نباته می گوید: امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود:

ای مردم! سخن مرا بشنوید و آن را بفهمید که جدایی نزدیک است.

من امام خلق و وصی بهترین مردم هستم. همسر بانوی زنان این اُمت و پدر عترت طاهره و امامان هدایتگر می باشم.

من برادر، وصی، ولی، وزیر، همراه، برگزیده، دوست و رفیق رسول خدا هستم.

من امیرمؤمنان و پیشوای دست و روسفیدان و سرور اوصیاء هستم؛ جنگ با من جنگ با خداست و صلح با من صلح با خداست، اطاعت از خدا و ولایت من، ولایت خداست؛ پیروان من، دوستان خدایند و یاران من، یاران خدا.

سوگند به آن که مرا آفرید - آن گاه که هیچ نبودم - به طور حتم یاران رسول خداصلی الله علیه وآلہ می دانند که آن حضرت، پیمان شکنان، ستمگران و از دین بیرون رفتگان را لعنت فرموده است و به طور حتم نومید شد آن کس که دروغ بست. [\(۱\)](#)

۱۰۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام روزی بر بالای منبر کوفه فرمود:

منم سرور اوصیاء و وصی سرور پیامبران. منم امام مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و ولی مؤمنان و همسر سرور زنان جهانیان، منم که انگشتربه دست راست کنم و پیشانی بر خاک نهم. منم که دو بار هجرت کردم و دو بار بیعت نمودم. منم جنگاور بدر و حین و ضربت زننده با دو شمشیر و سوار شونده بر دو اسب. بعد از پیامبران و خاتم آن ها، محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآلہ وارث علم اولین و حجت خدا بر عالیین من هستم. دوستدارانم مورد رحمت و دشمنانم مورد لعنت می باشند. حبیم رسول خدا بسیار می فرمود: «ای علی! دوستی با تو تقوی و ایمان است و دشمنی با تو کفر و نفاق است. من خانه حکمتم و تو کلید آنی. دروغگو است کسی که گمان برد مرا دوست دارد و حال آن که کینه تو را در دل دارد.» [\(۲\)](#)

صفحه ۱۶۳

۱۴۶-۱. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۸ حدیث ۹.

۱۴۷-۲. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷ حدیث ۲.

مناقب على "عليه السلام" في كلام له

١٠٩ - حَدَّثَنَا الحَافِظُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْجَعْدِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ شَعِيبِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قام على عليه السلام يخطب الناس بصفتين يوم جمعه وذلك قبل الهرير بخمسة أيام، فقال:

الحمد لله على نعمه الفاضله...

وقد عهد إلى رسول الله صلى الله عليه وآلـهـ عهداً لنـأـخـرـ عنـهـ وقد حضركم عدوكم وقد عرفتم من رئيسهم يدعوهـمـ إلى باطلـ وابنـ عمـ نـبـيـكـمـ صلىـ اللهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ بـيـنـ أـطـهـرـ كـمـ يـدـعـوـكـمـ إـلـىـ طـاعـهـ رـبـكـمـ وـالـعـمـلـ بـسـنـهـ نـبـيـكـمـ، ولاـ سـوـاءـ مـنـ صـلـىـ كـلـ ذـكـرـ لـمـ يـسـبـقـنـيـ بـالـصـلـاـهـ غـيـرـ نـبـيـ اللـهـ.

وأنا والله! من أهل بدر، والله! إنكم لعلى الحق وإن القوم لعلى الباطل، فلا يصبر القوم على باطلهم ويجتمعوا عليه وتتفرقوا عن حـقـكـمـ، «قـاتـلـوـهـمـ يـعـذـبـهـمـ اللـهـ بـأـيـدـيـكـمـ» (١)، فإن لم تفعلوا ليعذبـنـهـمـ اللـهـ بـأـيـدـيـ غيرـكـمـ.

فأجابه أصحابه، فقالوا: يا أمير المؤمنين! انهض إلى القوم إذا شئت فوالله! ما نبغى بك بدلاً، نموت معك ونجـيـاـ معـكـ.

قال لهم مجيئاً لهم: والـذـىـ نـفـسـىـ بـيـدـهـ! يـنـظـرـ إـلـىـ رـسـوـلـ اللـهـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ وـأـلـهـ أـضـرـبـ قـدـامـهـ بـسـيفـيـ، فقال: «لا سـيفـ إـلـاـ ذـوـ الفـقـارـ وـلـاـ فـتـىـ إـلـاـ عـلـىـ» ثم قال لـىـ: يا عـلـىـ! أـنـتـ مـنـىـ بـمـنـزـلـهـ هـارـوـنـ مـنـ مـوـسـىـ غـيـرـ أـنـهـ لـاـ نـبـيـ بـعـدـيـ وـحـيـاتـكـ يـاـ عـلـىـ! وـمـوـتـكـ مـعـىـ، فـوـالـلـهـ! مـاـ كـذـبـتـ وـلـاـ كـذـبـتـ وـلـاـ ضـلـلـتـ وـلـاـ ضـلـلـتـ بـيـ وـلـاـ نـسـيـتـ مـاـ عـهـدـ إـلـىـ إـنـىـ إـذـاـ لـنـسـىـ وـإـنـىـ لـعـلـىـ بـيـنـهـ مـنـ رـبـيـ بـيـنـهـ لـنـبـيـهـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ وـأـلـهـ فـيـنـهـ إـلـىـ وـإـنـىـ لـعـلـىـ الطـرـيقـ الـواـضـحـ، الـقطـهـ لـقـطـاـ.

ص: ١٦٤

١٤٨ - سورة التوبه {٩}: الآية ١٤.

۱۰۹ - جابر می گوید که امام باقر علیه السلام فرمود:

امام علی علیه السلام در جنگ صفين، در روز جمعه، پنج روز پيش از ليله الهرير ([۱۱](#)) خطبه مفصلی اياد كرد تا بدين جا رسيد که فرمود:

... پيامبر خداصلی الله علیه وآلہ با من عهدی نموده که هرگز از آن خارج نشوم.

دشمن در مقابل شما صفت آرایی كرده و می دانيد که رئيس آنها که آنان را به سوی باطل فرا می خواند چه کسی است. و پسر عمومی پیامبرتان، بين شماست و شما را به اطاعت خدا و عمل به سنت پیامبرش دعوت می کند. کسی که پيش از همه نماز خوان بوده و جز پیامبر کسی بر او پيشی نگرفته است، با ديگران برابر نیست.

به خدا قسم! من از اهل بذر هستم، به خدا قسم! شما بر حقيقه و دشمن شما بر باطل، با اين حال آنها متّحد هستند و شما متفرق، «با آنها نبرد کنيد تا خدا آنها را به دست شما عذاب کند». اگر شما انجام ندهيد خدا به دست ديگران آنها را عذاب خواهد کرد.

يارانش گفتند: اي امير مؤمنان! هر گاه خواستي حرکت کن و فرمان جهاد بده، به خدا قسم! ما جز تو کسی را نخواهيم، با تو زنده ايم و با تو می ميريم.

امام علی علیه السلام در جوابشان فرمود: قسم به خدايی که جانم به دست اوست! در برابر پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شمشير می زدم، فرمود: «شمشيري جز ذوالفقار وجوانمردي جز على نیست». سپس فرمود: «اي على! تو نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسى هستي جز اين که پس از من پیامبری نیست. اي على! زندگی و مرگ تو با من است».

به خدا قسم، نه دروغ می گوییم و نه به من دروغ گفته شده است، نه گمراهم و نه مرا به گمراهمی بردۀ اند، سفارشی هم که به من شده فراموش نکرده ام، از جانب پوره دگارم دليل روشن دارم؛ همان که خداوند به پیامبرش سفارش فرمود و او هم برایم بيان نموده. من به راهی گام می نهم که قدم به قدم آن را می شناسم.

ص: ۱۶۵

۱- ۱۴۹. در جنگ صفين در گيري شدیدی بين طرفین اتفاق افتاد. اين در گيري که به مدت دو روز و يك شب ادامه داشت، موجب در هم شکسته شدن لشکر معاویه گردید. آن شب به ليله الهرير معروف است.

مناقب على "عليه السلام" في كلام له ثم نهض إلى القوم يوم الخميس فاقتتلوا من حين طلعت الشمس حتى غاب الشفق، ما كانت صلاة القوم يومئذ إلا تكبيراً عند مواعيده الصلاة، فقتل على عليه السلام يومئذ بيده خمسماهه وسته نفر من جماعة القوم فأصبح أهل الشام ينادون: يا على! أتّق الله في البقيه ورفعوا المصاحف على أطراف القنا!!

١١٠ - حدثنا السناني، عن الأسدى، عن البرمكى، عن عبد الله بن أَحْمَدَ، عن القاسم بن سليمان، عن ثابت بن أبي صفية، عن سعيد بن علاقه، عن أبي سعيد عقيضا، عن سيد الشهداء الحسين بن علي بن أبي طالب، عن سيد الأوصياء أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا على! أنت أخي وأنا أخوك، أنا المصطفى للنبوة وأنت المجتبى للإمامه، وأنا صاحب التنزيل وأنت صاحب التأويل، وأنا وأنت أبوا هذه الأمة.

يا على! أنت وصيي و خليفتى و وزيرى و وارثى و أبو ولدى، شيعتك شيعتي، وأنصارك أنصارى و أولياؤك أوليائى و أعداؤك أعدائى.

يا على! أنت صاحبى على الحوض غداً و أنت صاحبى فى المقام محمود، وأنت صاحب لواهى فى الآخره كما أنت صاحب لواهى فى الدنيا.

لقد سعد من تو لاك، وشقى من عاداك، وإن الملائكة لتقرب إلى الله تقدس ذكره بمحبتك و ولائك.

والله! إن أهل مودتك في السماء لأكثر منهم في الأرض.

يا على! أنت أمين أمتي و حجه الله عليها بعدي؛ قولك قولى، وأمرك أمرى، وطاعتكم طاعتى، وزجركم زجرى، ونهيك نهوى، ومعصيتك معصيتي، وحزبك حزبي، وحزبي حزب الله «وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». (١)

ص: ١٦٦

- ١٥٠. سورة المائدہ {٥}: الآیه ٥٦.

علی "علیه السلام" از زبان خودش آن گاه روز پنج شنبه حضرتش علیه السلام آمده نبرد شد و لشکر نبرد را آغاز کردند، در یک روز از طلوع آفتاب تا ناپدید شدن سرخی آفتاب، مشغول جنگ بودند و در آن روز نمازهای آن ها فقط تکبیر بود. در آن روز، امام علی علیه السلام ۵۰۶ نفر از دشمن را کشت، فردایش اهل شام فریاد زدند: ای علی! دیگر بس است، در مورد بقیه افراد از خدا بترس (!!) سپس با نیرنگ، قرآن ها را سرنیزه ها کردند. [\(۱\)](#)

۱۱۰ - امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به من فرمود:

ای علی! تو برادر من و من برادر توام، من برای پیامبری برگزیده شدم و تو برای امامت، من صاحب تنزیل هستم و تو صاحب تأویل، من و تو، دو پدر این امت هستیم.

ای علی! تو وصی و خلیفه و وزیر و وارث من هستی، تو پدر فرزندان من می باشی، شیعیان تو شیعیان من می باشند؛ یاران تو یاران من، دوستان تو دوستان من و دشمنان تو دشمنان منند.

ای علی! تو در روز رستاخیز، بر سر حوض کوثر، همراه من و در مقام محمود پیش من هستی، تو در جهان آخرت پرچمدار من خواهی بود، آن سان که در دنیا پرچمدار منی.

به طور حتم سعادتمند گشت کسی که با تو دوستی کند، و آن که با تو دشمنی ورزد بدبخت شد. فرشتگان آسمان با دوستی و ولایت تو، به خدا تقرّب می جویند.

به خدا قسم! که دوستان تو در آسمان بیشتر از دوستان در زمین هستند.

ای علی! پس از من، تو امین امت من و حجّت خدا بر آن هایی، سخن تو سخن من، و امر تو امر من است و اطاعت از تو اطاعت از من است و نهی تو نهی من و نافرمانی تو نافرمانی از من است. حزب تو حزب من، و حزب من، حزب خدادست. «و هر کس که ولایت و دوستی با خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد، پیروز است؛ زیرا حزب خدا قطعاً پیروز است.» [\(۲\)](#)

ص: ۱۶۷

۱- ۱۵۱. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۶۳، حدیث ۱۰.

۲- ۱۵۲. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۵۳، حدیث ۱۲.

مناقب على "عليه السلام" في كلام له

١١١ - حَدَّثَنَا عَلَى بْنُ عِيسَى الْقَمِيُّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَاجِيلُوِيْهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادَ، عَنْ أَبِي الْحَسْنِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مَهْرَانَ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلَى عَلِيهِمُ السَّلَامَ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا على! أنت أخي ووارثي ووصي و الخليفة في أهلي وأمتى، في حياتي وبعد مماتي، محبك محبي ومحبتك مبغضي.

يا على! أنا وأنت أبوا هذه الأمة.

يا على! أنا وأنت والأئمّة من ولدك ساده في الدنيا وملوك في الآخرة، من عرفنا فقد عرف الله، ومن أنكرنا فقد أنكر الله عزّ وجلّ.

١١٢ - حَدَّثَنَا الْوَرَاقُ، عَنْ سَعْدٍ، عَنِ النَّهْدَى، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ عُمَرِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنْ الْأَصْبَحِ بْنِ نَبَاتَةِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

أنا سيد ولد آدم وأنت يا على! والأئمّة من بعدك ساده أمتى؛ من أحبنا فقد أحب الله، ومن أبغضنا فقد أبغض الله، ومن والانا فقد والى الله، ومن عادانا فقد عادى الله، ومن أطاعنا فقد أطاع الله، ومن عصانا فقد عصى الله.

١١٣ - حَدَّثَنَا الْقَطَّانُ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ هَارُونَ، عَنْ عَزْرَهِ الْقَطَّانِ، عَنْ مُسْعُودِ الْخَلَادِيِّ، عَنْ تَلِيدٍ، عَنْ أَبِي الْحِجَافِ، عَنْ أَبِي إِدْرِيسٍ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامَ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لى:

يا على! من فارقك فقد فارقني، ومن فارقني فقد فارق الله عزّ وجلّ.

۱۱۱ - امام صادق علیه السلام از پدرانش و از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ نقل می کند که به امام علی علیه السلام فرمود:

ای علی! تو برادر، وارث، وصی و خلیفه منی، در خاندانم و در اُمّت، در زمان حیاتم و پس از مرگم؛ دوست تو، دوست من است و دشمن تو دشمن من.

ای علی! من و تو، دو پدر این اُمّت هستیم.

ای علی! من و تو و امامان از فرزندان تو، سروران دنیا و پادشاهان آخرت می باشیم؛ هر که ما را شناخت، در واقع خدا را شناخته و هر که منکر ما شود، در واقع منکر خدا شده است. [\(۱\)](#)

۱۱۲ - امام علی علیه السلام می فرماید: از پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ شنیدم که فرمود:

من سید و آقای فرزندان آدم هستم و تو ای علی! و امامان بعد از تو، آقایان اُمّت من هستید، هر کس ما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و آن که بر ما کینه ورزد، بر خدا کینه ورزیده است. هر که ولایت ما را پذیرد، به ولایت خدا در آمده، و هر که با ما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر که از ما اطاعت کند، اطاعت خدا کرده و هر که از ما نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. [\(۲\)](#)

۱۱۳ - مجاهد از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه وآلہ به من فرمود:

ای علی! هر کس از تو جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود از خداوند متعال جدا شده است. [\(۳\)](#)

ص: ۱۶۹

۱- ۱۵۳. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۹۴، حدیث ۶.

۲- ۱۵۴. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۶.

۳- ۱۵۵. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۸۲، حدیث ۸.

١١٤ - حدثناقطان، عن ابن زكرياقطان، عن ابن حبيب، عن ابن بهلول، عن عبد الله بن صالح، عن أبي عوانة، عن أبي بشر، عن سعيد بن جبير،

عن عائشة، قالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

أنا سيد الأولين والآخرين وعلى بن أبي طالب سيد الوصيين وهو أخي ووارثي وخليفتى على أمتي، ولايته فريضه واتباعه فضيله ومحبته إلى الله وسيله، فحزبه حزب الله، وشييعته أنصار الله وأولياؤه أولياء الله وأعداؤه أعداء الله وهو إمام المسلمين ومولى المؤمنين وأميرهم بعدي.

١١٥ - حدثنا يعقوب بن يوسف الفقيه، عن إسماعيل بن محمد الصفار، عن محمد بن عبيد بن عتبة الكندي، عن عبد الرحمن بن شريك، عن أبيه، عن الأعمش، عن عطاء قال:

سألت عائشة عن على بن أبي طالب عليه السلام.

فقالت: ذاك [ذلك] خير البشر ولا يشك فيه إلا كافر.

١١٦ - حدثنا الحافظ، عن محمد بن عمرو بن رفيع، عن أبي غسان المسمعي، عن عبد الملك بن الصباح قال: حدثنا عمران بن جرير، عن الحسن قال: قال عمر:

إنّى لا أرى في القوم أحداً أحرى أن يحملهم على كتاب الله وسنه نبيه منه، يعني على بن أبي طالب عليه السلام.

١١٧ - حدثنا الحسين بن يحيى بن ضرليس، عن أبيه، عن أبي عوانة، عن عبد الله بن مسلمه القعنبي قال: حدثنا عبد الله بن لهيعة عن محمد بن عبد الرحمن ابن عروه بن الزبير، عن أبيه، عن جده قال:

وقع رجل في على بن أبي طالب بمحضر من عمر بن الخطاب.

فقال له عمر: تعرف صاحب هذا القبر؟ محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب، وعلى بن أبي طالب بن عبدالمطلب، لا تذكرون علياً إلا بخير، فإنك إن تنقصته آذيت هذا في قبره.

۱۱۴ - عایشہ می گوید: از پیامبر خداصلی اللہ علیہ وآلہ شنیدم کہ فرمود:

من، آقا و سرور اولین و آخرین هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست؛ او برادر، وارث و جانشین من بر امت است؛ ولایت او واجب و پیروی از او مایه فضیلت و برتری است، و محبت او وسیله نزدیکی به خداست.

حزب او حزب خدا و شیعیان او یاران خدا، دوستانش دوستان خدا و دشمنانش دشمنان خدایند؛ علی پس از من، امام مسلمانان، مولی و امیر مؤمنان است. [\(۱\)](#)

۱۱۵ - عطاء می گوید: از عایشہ راجع به علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدم.

گفت: او، برترین بشر است و کسی جز کافر در او شک نمی کند. [\(۲\)](#)

۱۱۶ - عمران بن جریر از حسن نقل می کند که گوید: عمر گفت:

در بین همه مردم کسی را شایسته تر از علی بن ابی طالب برای وادار کردن مردم به اطاعت از کتاب خدا و سنت پیامبرش نمی بینم. [\(۳\)](#)

۱۱۷ - عروه فرزند زبیر از جدش نقل می کند:

مردی در حضور عمر بن خطّاب، از علی علیه السلام بد گویی می کرد.

عمر به آن مرد گفت: آیا صاحب این قبر را می شناسی؟

او محمد فرزند عبد الله، فرزند عبدالمطلب است و علی نیز پسر ابوطالب فرزند عبدالمطلب است، پس علی را جز به نیکی یاد مکن، زیرا اگر بد گویی او کنی موجب آزار و اذیت صاحب این قبر می شوی. [\(۴\)](#)

ص: ۱۷۱

۱- ۱۵۶. امالی صدقوق رحمة الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۵.

۲- ۱۵۷. امالی صدقوق رحمة الله، مجلس ۱۸، حدیث ۳.

۳- ۱۵۸. امالی صدقوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۲۵.

۴- ۱۵۹. امالی صدقوق رحمة الله، مجلس ۶۱، حدیث ۱۲.

١١٨ - حدثنا أبي، عن المؤدب، عن أحمد الأصبهاني، عن الثقفي، عن قتيبة بن سعيد، عن حمّاد بن زيد، عن عبد الرحمن السراج، عن نافع، عن عبد الله بن عمر قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه لعلـى بن أبي طالب عليه السلام:

إذا كان يوم القيامـه يؤتـي بكـ يا عـلـى! عـلـى نـجـيب مـن نـور وـعـلـى رـأـسـكـ تـاجـ قدـ أـضـاءـ نـورـه وـكـادـ يـخـطـفـ أـبـصـارـ أـهـلـ المـوـقـفـ، فـيـأـتـيـ النـدـاءـ مـن عـنـدـ اللهـ جـلـ جـلـالـهـ: أـينـ خـلـيفـهـ مـحـمـدـ رسـولـ اللهـ صـلـىـ اللهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ؟

فتقولـ: هـاـ أـنـاـ ذـاـ.

قالـ: فـيـنـادـيـ الـمـنـادـيـ: يـاـ عـلـىـ! أـدـخـلـ مـنـ أـحـبـكـ الجـنـهـ، وـمـنـ عـادـاـكـ النـارـ، فـأـنـتـ قـسـيمـ الجـنـهـ، وـأـنـتـ قـسـيمـ النـارـ.

١١٩ - حدثنا أبي، عن المؤدب، عن أحمد بن علي، عن الثقفي، عن قتيبة بن سعيد، عن حمّاد بن زيد، عن عبد الرحمن بن السراج، عن نافع، عن ابن عمر قال:

قالـ رسولـ اللهـ صـلـىـ اللهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ:

منـ فـضـلـ أـحـدـاـ مـنـ أـصـحـابـيـ عـلـىـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـقـدـ كـفـرـ.

علی "علیه السلام" از زبان دیگران

۱۱۸ - عبداللَّه بن عمر می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

ای علی! آن گاه که قیامت بر پا شود تو را سوار بر اسبی نجیب از جنس نور بیاورند، نور تاج سرت چنان درخشان است که چشم اهل محشر را خیره می کند، در این حال از جانب خدا ندا می رسد:

کجاست خلیفه محمد، پیامبر خدا؟

و تو می گویی: من اینجا هستم.

سپس منادی اعلام می کند: ای علی! دوستانت را به بهشت ببر و دشمنانت را به دوزخ، چرا که تو تقسیم کننده بهشت و دوزخ هستی. [\(۱\)](#)

۱۱۹ - نافع از قول فرزند عمر می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود: هر کس، یکی از یاران مرا برابر علی علیه السلام برتری دهد به طور حتم کافر است. [\(۲\)](#)

ص: ۱۷۳

۱۶۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۴.

۱۶۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۴، حدیث ۴.

حب على "عليه السلام" وبغضه

١٢٠ - حدثنا علي بن محمد بن الحسن القزويني، عن محمد بن عبد الله بن عامر، عن عاصم بن يوسف، عن محمد بن أيوب الكلابي، عن عمرو بن سليمان، عن زيد بن ثابت قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من أحب علياً في حياته وبعد موته كتب الله عز وجل له من الأمان والإيمان ما طلت عليه شمس وغربت، ومن أبغضه في حياته وبعد موته مات موته جاهليه وحوسب بما عمل.

١٢١ - حدثنا محمد بن علي رحمة الله عن عمه، عن محمد بن سنان، عن زياد بن المنذر، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

المخالف على على بن أبي طالب عليه السلام بعدي كافر، والمشرك به مشرك، والمحب له مؤمن، والمبغض له منافق، والمقتفى لأثره لاحق، والمحارب له مارق، والرادر عليه زاهق.

على، نور الله في بلاده وحججه على عباده.

على، سيف الله على أعدائه، ووارث علم الأنبياء.

على كلمه الله العليا، وكلمه أعدائه السفلى. [\(١\)](#)

على سيد الأووصياء، ووصى سيد الأنبياء.

على، أمير المؤمنين وقائد الغر المحبجين وإمام المسلمين، لا يقبل الله الإيمان إلا بولايته وطاعته.

ص: ١٧٤

١- ١٦٢. مضمون السورة التوبه {٩}: الآية ٤٠.

۱۲۰ - زید بن ثابت می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآلہ فرمودند:

هر کسی علی علیه السلام را در زندگی او و پس از مرگش دوست بدارد خداوند به او امان و ایمان بدهد تا آنجا که آفتاب بتابد و غروب نماید و هر کس او را دشمن بدارد، به مرگ جاهلیت بمیرد و به آنچه انجام داده محاسبه شود. [\(۱\)](#)

۱۲۱ - ابن عباس می گوید که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

پس از من، هر که با علی بن ابی طالب علیه السلام مخالفت کند، کافر است. کسی که شریک برای او قرار دهد مشرک است. دوست علی، مؤمن است و دشمن او، منافق. هر کس از او پیروی کند، به حق خواهد رسید و هر که با او جنگ کند از دین خارج می شود. و آن که امر او را رد کند نابود می گردد.

علی علیه السلام نور خدا در زمین و حجت خدا بر بندگان است.

علی علیه السلام شمشیر خدادست بر سر دشمنان و اوست وارث علم پیامبران.

علی علیه السلام کلمه بلند مرتبه خدا است و کلمه دشمنان او، در پست ترین مرتبه است.

علی علیه السلام آقای اوصیا و وصی آقای پیامبران است.

علی علیه السلام امیر و مولای مؤمنان، جلودار دست و روسفیدان و امام مسلمانان است، خداوند ایمان کسی را جز با ولایت و اطاعت او نمی پذیرد. [\(۲\)](#)

ص: ۱۷۵

۱۶۳. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۷.

۱۶۴. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۶.

حب على "عليه السلام" وبغضه

١٢٢ - حدثنا محمد بن القاسم، عن يوسف بن محمد بن زياد و علي بن محمد بن سيار، عن أبيهما، عن أبي محمد العسكري، عن آبائهما عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه لبعض أصحابـه ذات يـوم:

يا عبد الله! أحبب في الله، وأبغض في الله، ووال في الله، وعاد في الله؛ فإنّه لا- تناول ولا يليه الله إلا بذلك ولا يجد رجل طعم الإيمان وإن كثرت صلاته وصيامه حتى يكون كذلك، وقد صارت مؤاخاه الناس يومكم هذا أكثرها في الدنيا، عليها يتوادّون وعليها يتباغضون وذلك لا يغنى عنهم من الله شيئاً.

فقال له: وكيف لي أن أعلم أني قد وليت وعاديت في الله عزوجل؟ فمن ولـي الله عزوجل حتى أولـيه ومن عدوه حتى أعادـيه؟

فأشار له رسول الله صلى الله عليه وآله إلى على عليه السلام فقال: أَ ترى هذا؟

فقال: بلى.

قال: ولی هذا ولی الله، فواله، وعدو هذا عدو الله، فعاده، وال ولی هذا ولو أنه قاتل أبيك وولدك، وعاد عدو هذا ولو أنه أبوك وولدك.

١٢٣ - حَدَّثَنَا إِبْنُ الْمُتَوَكِّلِ، عَنِ السَّعْدِ أَبْدَى، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَارِ وَرَدِّ زِيَادِ بْنِ الْمَنْذَرِ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ شِيخٍ مِّنْ ثَمَالَةِ قَالَ:

دخلت على امرأة من تميم، عجوز كبيرة وهي تحذّث الناس فقلت لها: يرحمك الله! حدثني في بعض فضائل أمير المؤمنين على عليه السلام.

قالت: أحـدـشـكـ وـهـذـاـ شـيـخـ كـمـاـ تـرـىـ بـيـنـ يـدـيـ نـائـمـ.

فقالت: أَبِي الْحَمَاءِ، خادِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۲ - پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به یکی از یاران خود فرمود:

ای بندۀ خدا! دوستی و دشمنی ات برای خدا باشد و مهر و غضب نیز برای خدا؛ زیرا که به ولایت خدا نمی‌رسی، جز با این کار.

هیچ کس مزه ایمان را در کنند هر چند نماز و روزه اش زیاد باشد مگر این که چنین باشد، ولی در این روزگار، اکثر مردم بر اساس دنیا، دوستی و دشمنی می‌کنند در حالی که این، برایشان هیچ سودی از جانب خدا ندارد.

آن شخص به پیامبر صلی الله علیه وآلہ عرض کرد: معیار دوستی و دشمنی در راه خدا چیست؟ دوست خدا کیست، تا با او دوستی کنم؟ و دشمن خدا کیست تا دشمن او باشم؟

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ در حالی که به علی علیه السلام اشاره می‌کرد فرمود: آیا این مرد را می‌بینی؟

عرض کرد: آری.

حضرت فرمودند: دوست او، دوست خداست؛ پس با او دوستی کن. دشمن او، دشمن خداست، پس با او دشمن باش. دوست او را دوست بدار، هر چند قاتل پدر و فرزندت باشد، و دشمن او را دشمن بدار، هر چند پدر یا فرزندت باشد. (۱)

۱۲۳ - شخصی از طایفه ٹماله می گوید:

پیروزی فرتوت از قبیله تمیم را دیدم که برای مردم حدیث می‌گفت، به او گفتم: خدایت رحمت کند! حدیثی از فضایل امیرالمؤمنین برایم باز گو.

گفت: چگونه من حدیث بگویم در حالی که می‌بینی این پیرمرد در این جا خوابیده است.

گفتم: این مرد کیست؟

گفت: ابو حمراء، خادم پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ است.

ص: ۱۷۷

۱۶۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۷.

حب على "عليه السلام" وبغضه فجلست إليه، فلما سمع حسني استوى جالساً، فقال: مه؟

فقلت: رحمك الله! حدثني بما رأيت من رسول الله صلى الله عليه وآله، يصنع على عليه السلام، فإن الله يسألك عنه.

قال: على الخبر وقعت، أما ما رأيت النبي صلى الله عليه وآله يصنعه على عليه السلام، فإنه قال لى ذات يوم: يا أبا الحمراء! انطلق فادع لى مائه من العرب وخمسين رجلاً من العجم وثلاثين رجلاً من القبط وعشرين رجلاً من العبشة. فأتيت بهم، فقام رسول الله صلى الله عليه وآله فصفّ العرب، ثم صفت العجم خلف العرب وصفّ القبط خلف العجم، وصفّ العبشة خلف القبط، ثم قام فحمد الله وأثنى عليه ومجد الله بتمجيد لم يسمع الخلائق بمثله، ثم قال:

يا عشر العرب والعجم والقبط والعبشة! أقررت بشهاده أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمداً عبده ورسوله؟

قالوا: نعم.

قال: اللهم اشهد - حتى قالها ثلاثاً - فقال في الثالثة: أقررت بشهاده أن لا إله إلا الله وأنى محيي عبده ورسوله وأن على بن أبي طالب أمير المؤمنين وولي أمرهم من بعدي؟

قالوا: اللهم نعم.

قال: اللهم اشهد، حتى قالها ثلاثاً.

ثم قال على عليه السلام: يا أبا الحسن! انطلق فائتنى بصحيفه ودواه.

دفعها إلى على بن أبي طالب وقال: اكتب.

قال: وما أكتب؟

قال: اكتب «بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما أقرت به العرب والعجم والقبط والعبشة؛ أقرروا بشهاده أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله وأن على بن أبي طالب أمير المؤمنين وولي أمرهم من بعدي.»

ثم ختم الصحيفه ودفعها إلى على عليه السلام فما رأيتها إلى الساعه.

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام" نزد او نشستم، متوجه حضور من شد برخاست و نشست، پرسید چه خبر است؟

گفتم: خدا تو را رحمت کند! حدیثی از نحوه برخورد پیامبر صلی الله علیه وآلہ با علی علیه السلام برای من بگو که خدا هم از تو بازپرسی خواهد کرد.

گفت: خوب جایی آمدی، من اطلاعات زیادی دارم.

یک روز پیامبر صلی الله علیه وآلہ به من فرمود: برو ۱۰۰ نفر عرب، ۵۰ نفر عجم، ۳۰ نفر قبطی و ۲۰ نفر حبشی را نزد من حاضر کن.

من چنین کردم، آن حضرت عرب، عجم، قبطی و حبشی را به ترتیب در صفوف جداگانه مرتب کرد، سپس برخاست و حمد و ستایش خدا نمود و چنان تمجید حق کرد که مردم مانند آن را نشنیده بودند. آن گاه فرمود:

ای گروه عرب و عجم و قبطی و حبشی! آیا اعتراف دارید که: خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست؟

گفتند: آری.

پیامبر سه مرتبه فرمود: خدایا گواه باش و در مرتبه سوم فرمود: آیا اعتراف دارید که خدا یکی است، محمد بنده و پیامبر خدا و علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان و ولی امر آنان پس از من است؟

گفتند: آری

پیامبر صلی الله علیه وآلہ سه مرتبه فرمود: خدایا شاهد باش.

سپس به علی علیه السلام فرمود: برو کاغذ و قلم بیاور.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ کاغذ و قلم را به علی داد و فرمود: بنویس.

علی علیه السلام گفت: چه بنویسم؟

فرمود: بنویس «به نام خداوند بخشنده مهربان، این است اعتراف عرب، عجم، قبطی و حبشی که خدایی جز خدای یگانه نیست، شریکی ندارد و محمد بنده اوست و علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان و ولی امر آن ها پس از من است.»

پیامبر آن نامه را مهر کرد و به علی علیه السلام سپرد و من آن را تا حالا ندیدم.

حب على "عليه السلام" وبغضه فقلت: رحمك الله! زدني.

فقال: نعم، خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وآله يوم عرفة وهو آخذ بيده على عليه السلام فقال: يا معاشر الخلائق! إن الله تبارك وتعالى باهى بكم في هذا اليوم ليغفر لكم عاصمكم، ثم التفت إلى على عليه السلام فقال له: وغفر لك يا على خاصمه.

وقال: يا على! ادن متنى.

فدننا منه، فقال: إن السعيد حق السعيد من أحبك وأطاعك؛ وإن الشقى كل الشقى من عاداك ونصلب لك وأبغضك.

يا على! كذب من زعم أنه يحبني ويبغضك.

يا على! من حاربك فقد حاربني ومن حاربني فقد حارب الله عزوجل.

يا على! من أبغضك فقد أبغضني، ومن أبغضني فقد أبغض الله، وأتعس الله جده وأدخله نار جهنم.

دوستی و دشمنی با حضرت علی "علیه السلام" گفت: ای ابو حمراء! باز هم بگو.

خادم پیامبر صلی الله علیه وآلہ گفت: روز عرفه، پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ بر ما وارد شد و در حالی که دست علی علیه السلام را به دست داشت، فرمود:

ای مردم! به راستی که خداوند امروز به شما مباهات می کند که همه شما را بیامرزد.

سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: خداوند تو را مورد مغفرت ویژه قرار داد.

سپس فرمود: ای علی! نزدیک من بیا.

علی علیه السلام نزدیک رفت.

پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود: سعادتمند واقعی کسی است که تو را دوست بدارد و اطاعت کند و همه بدینختی ها از آن کسی است که تو را دشمن دارد و مقابل تو بایستد و کینه ات را داشته باشد.

ای علی! دروغ می گوید کسی که گمان دارد دوست من است و با تو دشمنی می کند.

ای علی! هر که با تو بجنگد با من جنگیده و هر که با من بجنگد با خدا جنگیده است.

ای علی! دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست، خداوند چنین کسی را بخت برگشته گردانده و به دوزخ می برد. [\(۱\)](#)

منکر علی "علیه السلام"

ص: ۱۸۱

۱- ۱۶۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۰، حدیث ۱۱.

١٢٤ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلَى بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلَى بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هَارُونَ التَّمِيمِيِّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ عَلَى بْنِ أَبِيهِ طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يُشَكُّ فِيكَ إِلَّا كَافِرٌ.

١٢٥ - حَدَّثَنَا أَبِيهِ، عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَجَاءٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ [حَمَادَ بْنَ يَزِيدَ] عَنْ أَبَانَ، عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ، أَوْ عَنْ أَبَانَ بْنَ ثَابِتٍ، عَنْ أَنْسَ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ نَاصَبَ عَلَيًّا حَارَبَ اللَّهَ، وَمَنْ شَكَّ فِي عَلَى فَهُوَ كَافِرٌ.

١٢٦ - حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْخَطِيفِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْأَزْدِيِّ، عَنْ حَسَنِ بْنِ حَسِينِ الْعَرْنَى، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يُوسُفَ، عَنْ شَرِيكَ، عَنْ مُنْصُورٍ، عَنْ رَبِيعٍ، عَنْ حَذِيفَةَ:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامِ؛

فَقَالَ: ذَاكَ [ذَلِكَ] خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يُشَكُّ فِيهِ إِلَّا مُنَافِقٌ.

ص: ١٨٢

منکر حضرت علی "علیه السلام"

۱۲۴ - امام هشتم از پدران بزرگوارش از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود:

تو برترین بشری و کسی، جز کافر، در مورد تو شک و تردید نمی کند. [\(۱\)](#)

۱۲۵ - انس بن مالک می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند، با خدا در جنگ است و هر کس در مورد علی علیه السلام شک کند، کافر است.

[\(۲\)](#)

۱۲۶ - ربیعی می گوید:

از حذیفه در باره علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد، گفت:

او برترین بشر است و کسی جز منافق در او شک نمی کند. [\(۳\)](#)

ص: ۱۸۳

۱۶۷-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۸، حدیث ۷.

۱۶۸-۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۶، حدیث ۶.

۱۶۹-۳. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۸، حدیث ۴.

١٢٧ - حدثنا أحمد بن محمد الصائغ، عن عيسى بن محمد العلوى، عن أبي عوانة، عن محمد بن سليمان بن بزيع، عن اسماعيل بن أبان، عن سلام بن أبي عمره الخراسانى، عن معروف بن خربوذ المكى، عن أبي الطفيل عامر بن واثله، عن حذيفه بن أسيد الغفارى قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا حذيفه! إن حجه الله عليك [عليك] بعدى على بن أبي طالب، الكفر به كفر بالله، والشرك به شرك بالله، والشك فيه شك في الله، واللحاد فيه الحاد في الله، والانكار له إنكار لله، والإيمان به إيمان بالله، لأنه أخو رسول الله صلى الله عليه وآله ووصيه وإمام أمته ومولاه، وهو جبل الله المتين، وعروته الوثقى التي لا انفصام لها، وسيهلل فيه إثنان ولا ذنب له: محب غال ومقصر.

يا حذيفه! لا تفارقني علياً فتفارقني، ولا تخالفني علياً فتخالفني، إن علياً مني وأنا منه، من أخطئه فقد أخطئني، ومن أرضاه فقد أرضاني.

١٢٨ - حدثنا الطالقانى، عن أحمد الهمданى، عن المنذر بن محمد، عن جعفر بن إسماعيل، عن عبدالله بن فضل، عن ثابت بن دينار، عن سعيد بن جبير، عن عبد الله بن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من أنكر إمامه على عليه السلام بعدي كان كمن أنكر نبوتي في حياتي، ومن أنكر نبوتي كان كمن أنكر ربّه عزّ وجلّ.

١٢٩ - حدثنا أبي، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن إبراهيم بن رجاء، عن وكيع، عن شريك بن عبد الله، عن عبد الله بن محمد بن عقيل، عن جابر بن عبد الله الأنصارى قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من فضل أحداً من أصحابي على عليه السلام فقد كفر.

۱۲۷ - حذیفه پسر اسید غفاری می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

ای حذیفه! به راستی که علی بن ابی طالب پس از من، حجّت خدا بر شماست. کفر به او، کفر به خدا و شرک به او، شرک به خداست؛ شک در او، شک در خدا، و الحاد و انکار او، الحاد و انکار خداست و ایمان به او، ایمان به خداست؛ چون او برادر و وصی رسول خدا و امام اُمت پیامبر و مولای آن هاست؛ او ریسمان محکم الهی است که هرگز گسیخته نخواهد شد. و به زودی دو گروه به خاطر او نابود شوند: یکی دوستی که در باره او زیاده روی و غلو کند و دیگر کسی که در حق او کوتاهی نماید.

ای حذیفه! هیچ گاه از علی علیه السلام جدا نشو که از من جدا می شوی، با او مخالفت نکن که مخالف من می شوی؛ علی علیه السلام از من است و من از علی؛ هر کس او را به خشم آورده، مرا به خشم آورده و هر کس او را خشنود کند مرا خشنود کرده است. [\(۱\)](#)

۱۲۸ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

هر کس پس از من، امامت علی علیه السلام را انکار کند، همانند کسی است که در دوران زندگی من، پیامبری مرا انکار کرده است، و هر کس منکر پیامبری من باشد همانند کسی است که خدایی پروردگارش را منکر شده است. [\(۲\)](#)

۱۲۹ - جابر بن عبد الله انصاری می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمودند:

هر کس یکی از یاران مرا بر علی علیه السلام برتری بدهد به طور حتم کفر ورزیده است. [\(۳\)](#)

ص: ۱۸۵

- ۱۷۰. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۳۶، حدیث ۲.

- ۱۷۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۴، حدیث ۵.

- ۱۷۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۶، حدیث ۵.

١٣٠ - حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ بْنُ أَحْمَدَ الصِّيرِفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِي الْخَيْرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ وَأَبِي الْخَيْرِ، مَعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي بَكِيرِ النَّخْعَنِيِّ، عَنْ شَرِيكِ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقِ، عَنْ أَبِي وَائِلَّ، عَنْ حَذِيفَةِ بْنِ الْيَمَانِيِّ:

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ خَيْرِ الْبَشَرِ وَمَنْ أَبْيَ فَقَدْ كَفَرَ.

١٣١ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُتَوَكِّلِ، عَنْ مُحَمَّدِ الْعَطَّارِ، عَنِ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّنْدِيِّ، عَنْ عَلَى بْنِ الْحَكْمَ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي الزَّيْرِ الْمَكِّيِّ قَالَ:

رَأَيْتُ جَابِرًا مُتَوَكِّنًا عَلَى عَصَاهِ وَهُوَ يَدُورُ فِي سَكَكِ الْأَنْصَارِ وَمَجَالِسِهِمْ وَهُوَ يَقُولُ:

عَلَى خَيْرِ الْبَشَرِ، فَمَنْ أَبْيَ فَقَدْ كَفَرَ.

يَا مَعْشِرَ الْأَنْصَارِ! أَدْبَبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلَى عَلِيهِ السَّلَامُ، فَمَنْ أَبْيَ فَانْظَرُوهُ فِي شَأنِ أُمَّةِهِ.

١٣٢ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ الْمَؤَدَّبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَى الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنِ الثَّقْفِيِّ، عَنْ قَتِيْبَةِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عُمَرِ بْنِ غَزَوَانَ، عَنْ أَبِي مُسْلِمٍ قَالَ:

خَرَجَتْ مَعَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ وَأَنْسَ بْنِ مَالِكٍ، حَتَّى أَتَيْنَا بَابَ أُمَّ سَلْمَةَ فَقَعَدَ أَنْسُ عَلَى الْبَابِ وَدَخَلَتْ مَعَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ فَسَمِعَتِ الْحَسَنُ وَهُوَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّاَهَ وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَّ كَاتِهِ.

فَقَالَتْ لَهُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ، مَنْ أَنْتَ يَا بْنِي؟

فَقَالَ: أَنَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ.

فَقَالَتْ: فِيمَا جَئْتَ يَا حَسَنُ؟

منکر حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۰ - حذیفه می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی بن ابی طالب برترین بشر است و هر کس این را انکار کند بی تردید کافر است. [\(۱\)](#)

۱۳۱ - ابا زبیر مکّی گوید:

جابر بن عبد الله انصاری را در حالی که بر عصا تکیه داده بود دیدم که در محله و محافل انصار می گشت و می گفت:

علی علیه السلام برترین بشر است و هر کس انکار کند بی تردید کافر است.

ای گروه انصار! فرزندان خود را بر دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام پرورش دهید. پس هر کس انکار کرد، ببینید مادرش چه کاره است! (در پاکی مادر او شک کنید). [\(۲\)](#)

۱۳۲ - ابو مسلم می گوید:

همراه حسن بصری و انس بن مالک می رفتم تا این که به خانه اُم سلمه رسیدیم، انس جلوی درب نشست و من همراه حسن وارد خانه شدیم.

حسن گفت: سلام مادر جان! درود و رحمت خدا بر تو باد.

اُم سلمه جواب سلام را داد و گفت: تو کیستی پسرم؟

گفت: حسن بصری هستم.

اُم سلمه گفت: برای چه آمده ای؟

ص: ۱۸۷

۱۷۳-۱. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۸، حدیث ۵.

۱۷۴-۲. امالی صدوق رحمة الله، مجلس ۱۸، حدیث ۶.

منكر على "عليه السلام" فقال لها: جئت لتحدّثني بحديث سمعته أذناك من رسول الله صلى الله عليه وآله في على بن أبي طالب عليه السلام.

فقالت أم سلمة: والله! لأحد شنك بحديث سمعته من رسول الله صلى الله عليه وآله و إلا فصمتا، ورأته عيناي وإلا فعميتا، ووعاه قلبي، وإلا فطبع الله عليه، وأخرس لسانى إن لم أكن.

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلى بن أبي طالب عليه السلام:

يا على! ما من عبد لقى الله يوم يلقاه جاحداً ولا يتكل إلا لقى بعده صنم - أو وثن - .

قال: فسمعت الحسن البصري وهو يقول: الله أكبر أشهد أن علياً مولاي ومولى المؤمنين.

فلما خرج قال له أنس بن مالك: ما لى أراك تكبر؟

قال: سألت أمّنا أم سلمة أن تحدّثني بحديث سمعته من رسول الله صلى الله عليه وآله في على عليه السلام فقلّت لى كذا وكذا، فقلت: الله أكبر، أشهد أن علياً مولاي ومولى كل مؤمن.

قال: فسمعت عند ذلك أنس بن مالك وهو يقول: أشهد على رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال هذه المقالة ثلاث مرات أو أربع مرات.»

١٣٣ - حدثنا ابن موسى، عن الأسدى، عن الفزارى، عن عباد بن يعقوب، عن منصور بن أبي نويره، عن أبي بكر بن عياش، عن قرن أبي سليمان الضبى قال:

أرسل على بن أبي طالب أمير المؤمنين عليه السلام إلى ليد العطاردى بعض شرطه، فمرّوا به على مسجد سماك، فقام إليه نعيم بن دجاجة الأسدى، فحال بينهم وبينه، فأرسل أمير المؤمنين عليه السلام إلى نعيم فجىء به.

قال: فرفع أمير المؤمنين عليه السلام شيئاً ليضرره.

قال نعيم: والله، إن صحبتك لذل وإن خلافك لكفر.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: وتعلم ذلك؟

قال: نعم..

قال عليه السلام: خلوه.

منکر حضرت علی "علیه السلام" گفت: آمده ام تا حدیثی را که با گوش هایت از پیامبر صلی الله علیه وآلہ در مورد علی علیه السلام شنیده ای برایم بگویی.

ام سلمه گفت: به خدا قسم! برای تو حدیثی بگوییم که با گوش خود شنیده ام، با چشم خود دیده ام و قلبم آن را حفظ کرده است، اگر دروغ گفتم خدا گوشم را کور، چشمم را کور و دلم را مهر کند، لال بشوم اگر از پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ چنین نشنیده باشم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام فرمود:

«ای علی! هر بنده ای که ولایت تو را منکر شود، روزی که خدا را ملاقات می کند همانند بت پرستان، ملاقات خواهد کرد.

در این هنگام، حسن بصری گفت: «الله اکبر»، گواهی می دهم که علی علیه السلام، مولای من و مولای همه مؤمنان است.

وقتی از خانه بیرون آمدیم، انس بن مالک به حسن گفت:

برای چه تکبیر گفتی؟

حسن گفت: از مادرمان، ام سلمه خواستم، حدیثی را که از پیامبر صلی الله علیه وآلہ درباره علی علیه السلام شنیده بگوید و او این حدیث را بیان کرد و من تکبیر گفتم و گواهی به ولایت علی علیه السلام دادم.

ابو مسلم می گوید: شنیدم که انس بن مالک گفت: من نیز گواهی می دهم که این مطلب را سه - یا چهار - مرتبه از پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ شنیده ام. [\(۱\)](#)

۱۳۳ - ابوسليمان ضبی می گوید:

امام علی علیه السلام چند نفر از مأموران خود را برای دستگیری لبید عطاردی فرستاد، او را در مسجد سماک یافتند، هنگامی که می خواستند او را دستگیر کنند، نعیم بن دجانه اسدی به حمایت از او برخاست و مانع شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد، نعیم را احضار کردند.

ابو سليمان می گوید: امام علیه السلام خواست او را تنبیه کند.

نعیم گفت: به خدا قسم که همراهی با شما خواری دارد و مخالفت با شما کفر است.

امام علیه السلام فرمود: واقعاً این را اعتقاد داری؟

عرض کرد: آری.

امام فرمود: او را رها کنید. [\(۲\)](#)

١٧٥ - ١. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٥١، حديث ١٥.

١٧٦ - ٢. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ٥٨، حديث ٥.

عقوبة سبّ على "عليه السلام"

١٣٤ - حدثناقطان، عن العباس بن الفضل، عن علي بن الفرات الأصبهاني، عن أحمد بن محمد البصري، عن جندل بن والق، عن علي بن حماد، عن سعيد، عن ابن عباس:

أنّه مرّ بمجلس من مجالس قريش وهم يسبّون على بن أبي طالب عليه السلام، فقال لقائده: ما يقول هؤلاء؟

قال: يسبّون علياً!!

قال: قربني إليهم، فلما أن وقف عليهم قال: أياكم السابّ لله؟

قالوا: سبحان الله! ومن يسبّ الله فقد أشرك بالله.

قال: فأياكم السابّ رسول الله صلى الله عليه وآله؟

قالوا: و من يسبّ رسول الله فقد كفر.

قال: فأياكم السابّ على بن أبي طالب عليه السلام؟

قالوا: قد كان ذلك.

قال: فأشهد بالله وأشهد لله لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

من سبّ علياً فقد سبّني ومن سبّني فقد سبّ الله عزّوجلّ.

ثم مضى، فقال لقائده: فهل قالوا شيئاً حين قلت لهم ما قلت؟

قال: ما قالوا شيئاً.

قال: كيف رأيت وجوههم؟

قال:

نظروا إليك بأعين محمراً

نظر التيوس إلى شفار الجازر

۱۳۴ - سعید می گوید:

ابن عباس به همراه شخصی، از کنار عده‌ای از قریش که در حال دشنام دادن به علی بن ابی طالب علیه السلام بودند، می گذشت. از همراه خود پرسید:

این‌ها چه می گویند؟

پاسخ داد: به علی دشنام می دهند!

گفت: مرا نزدیک آن‌ها ببر. وقتی نزدیک آن‌ها قرار گرفت، پرسید:

کدام یک از شما به خدا دشنام می داد؟

گفتند: سبحان الله! دشنام به خدا موجب شرک است.

گفت: کدام یک به رسول خدا صلی الله علیه وآل‌هه دشنام می داد؟

باز گفتند: سبحان الله! دشنام به پیامبر خدا صلی الله علیه وآل‌هه موجب کفر است.

سپس گفت: کدام یک به علی بن ابی طالب دشنام می داد؟

گفتند: چنین بود. (و به او دشنام داده می شد).

ابن عباس گفت: خدا را گواه می گیرم و برای او شهادت می دهم که از پیامبر صلی الله علیه وآل‌هه شنیدم، که می فرمود: هر کس علی علیه السلام را دشنام دهد مرا دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده است.

سپس از آنان فاصله گرفت و از همراه خود پرسید: عکس العمل آن‌ها نسبت به سخنان من چه بود؟

پاسخ داد: چیزی نگفتند.

پرسید: صورتها یشان چگونه بود؟

پاسخ داد: چشمان آن‌ها مانند گوسفندی که به چاقوی قصاب نگاه می کند، سرخ شده بود.

عقوبه سبّ على "عليه السلام" قال: زدنی فداك أبوك.

قال:

خزر الواجب ناكسو رقابهم أذفانهم

نظر الذليل إلى العزيز الظاهر

قال: زدنی فداك أبوك.

قال: ما عندي غير هذا.

قال: لكن عندي:

أحياءهم خرى على أمواتهم

والميتون فضيحة للغابر.

ص: ١٩٢

عواقب بدگویی از حضرت علی "علیه السلام" ابن عباس گفت: باز هم بگو.

گفت: ابروهای آن ها درهم و گردنشان به زیر افتداده، مانند شخصی ذلیل در برابر بزرگی قدرتمند.

ابن عباس گفت: بیشتر بگو.

گفت: غیر از آنچه گفتم چیزی نمی دانم.

ابن عباس گفت: ولی من می دانم زنده های آن ها موجب نسگ مرد هایشان هستند و مرد هایشان، موجب رسوایی بازماندگان. [\(۱\)](#)

ص: ۱۹۳

۱۷۷-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۱، حدیث ۲.

١٣٥ - حَدَّثَنَا أَبْيَ وَمُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسْنِ مَعًا، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْكُوفِيِّ وَيَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ الْأَنْبَارِيِّ مَعًا، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْغَفَارِيِّ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ الصَّادِقِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من أحبنا أهل البيت فليحمد الله على أول النعم.

قيل: وما أول النعم؟

قال: طيب الولادة؛ ولا يحبنا إلا من طابت ولادته.

ص: ١٩٤

۱۳۶ - حدّثنا ابن ناتانه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن أبي زياد النهدي، عن عبيد الله بن صالح، عن زيد بن على، عن أبيه، عن جده، عن أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

يا على! من أحبني وأحبك وأحب الأئمّة من ولدك فليحمد الله على طيب مولده، فإنه لا يحبّنا إلاّ من طابت ولادته ولا يبغضنا إلاّ من خبّط ولادته.

حلال زادگی دوست دار حضرت على "عليه السلام"

۱۳۵ - امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر خداصلی الله عليه وآلہ فرمود:

هر کس ما، اهل بیت، را دوست بدارد، خدا را بر نخستین نعمت، حمد کند.

عرض شد: نخستین نعمت کدام است؟

فرمود: حلال زادگی؛ چون ما را کسی جز حلال زاده دوست ندارد. [\(۱\)](#)

۱۳۶ - امام سجاد عليه السلام از پدر بزرگوارش، از جدش امیر المؤمنین عليه السلام، نقل می کند:

پیامبر خداصلی الله عليه وآلہ فرمود:

ای على! هر که من و تو و امامان از اولاد تو را دوست دارد، خدا را بر حلال زادگی خودش ستایش کند؛ زیرا دوست نمی دارد ما را مگر حلال زاده و دشمن نمی دارد ما را مگر حرام زاده. [\(۲\)](#)

ص: ۱۹۵

۱۷۸-۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۲.

۱۷۹-۲. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۱۴.

١٣٧ - حَدَّثَنَا إِبْنُ نَاتَانَةَ، عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الرِّيَانَ بْنَ الْمُصْلِتِ، عَنْ أَبِي الْحَسْنِ عَلَى بْنِ مُوسَى الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

شيعه على هم الفائزون يوم القيمه.

١٣٨ - حَدَّثَنَا الْمُؤَدِّبُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَا الْقَطَّانِ، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلَى بْنِ الْحَكْمَ، عَنْ هَشَامٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةِ الْشَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الْبَاقِرِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه لعلـي عليه السلام:

يا على! ما ثبت حبـك فى قلب امرئ مؤمن فزلـت به قدمـه على الصراط إلا ثبتـت له قدمـه حتى يدخلـه الله عـز وجلـ بحبـك الجـهـ.

١٣٩ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمَ، عَنْ الْحَسْنِ بْنِ مُحَبْبٍ، عَنْ عَلَى بْنِ رَئَابٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه:

لا تستخفوا بفقراء شيعه على وعترته من بعده، فإنـ الرجل منهم ليشفع في مثل ربيـعـه ومـصرـ.

گوشه‌ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۳۷ - امام رضا از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآلہ فرمود:

شیعیان علی، رستگاران روز رستاخیز هستند. [\(۱\)](#)

۱۳۸ - امام باقر از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! چنین نیست که محبت تو در دل مؤمنی جای گیرد و قدمش بر صراط بلغزد، بلکه قدمش ثابت بماند، تا خداوند متعال او را به سبب دوستی تو داخل بهشت کند. [\(۲\)](#)

۱۳۹ - امام کاظم از پدران گرامش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

فقیران از شیعیان علی علیه السلام و خاندانش را پس از او سبک نشمارید؛ زیرا که هر کدام از آن‌ها می‌توانند قبیله‌ای، مثل قبیله‌های ربيعه و مضر را شفاعت کنند. [\(۳\)](#)

۱۹۷: ص

۱- ۱۸۰. امالی صدقه رحمة الله، مجلس ۵۷، حدیث ۱۳.

۲- ۱۸۱. امالی صدقه رحمة الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۸.

۳- ۱۸۲. امالی صدقه رحمة الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۶.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام"

١٤٠ - حَدَّثَنَا أَبْيَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ يَزِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرِ، عَنْ حَمْزَةِ بْنِ حَمْرَانِ، عَنْ حَمْرَانِ بْنِ أَعْيَنِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةِ الْشَّمَالِيِّ، عَنْ عَلَى بْنِ الْحَسِينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قال سلمان الفارسي:

كنت ذات يوم جالساً عند رسول الله صلى الله عليه وآله، إذ أقبل على بن أبي طالب عليه السلام، فقال له: ألا أبشرك يا على؟

قال: بلـ يا رسول الله!

قال: هذا حبيبي جبريل يخبرني عن الله جل جلاله أنه قد أعطى محبيك وشيعتك سبع خصال: الرفق عند الموت، والأنس عند الوحشه، والنور عند الظلمه، والأمن عند الفرع، والقسط عند الميزان، والجواز على الصراط، ودخول الجنه قبل سائر الناس من الأمم بثمانين عاماً.

١٤١ - حَدَّثَنَا إِبْنُ مُوسَى، عَنْ إِبْنِ زَكْرِيَا الْقَطَانِ، عَنْ إِبْنِ حَيْبٍ، عَنْ عُمَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ الْحَسِينِ بْنِ الْعَاصِمِ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِهِ، عَنْ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

حدثني سلمان الخير رضي الله عنه فقال: يا أبا الحسن! قلما أقبلت أنت وأنا عند رسول الله صلى الله عليه وآله إلا قال: يا سلمان! هذا وحزبه هم المفلحون يوم القيمة.

گوشه‌ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۴۰ - سلمان فارسی می گوید:

روزی در محضر پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ بودم که امام علی علیه السلام نیز وارد شد، پیامبر صلی الله علیه وآلہ به او فرمود: ای علی! آیا مژده ای به تو ندهم؟

گفت: بفرمایید ای رسول خدا!

فرمود: دوستم جبرئیل، از طرف خدا به من خبر داد که به دوستان و شیعیان تو هفت ویژگی داده شده:

۱) راحتی هنگام مرگ.

۲) انس در هنگام وحشت.

۳) نورانیت در تاریکی.

۴) آسودگی و آرامش در زمان هراس.

۵) عدالت ودادگری در وقت میزان.

۶) عبور از صراط.

۷) ورود به بهشت، ۸۰ سال زودتر از امت های دیگر. (۱)

۱۴۱ - امام علی علیه السلام از قول سلمان می فرماید:

سلمان به من گفت: ای علی، ای ابوالحسن! کمتر اتفاق می افتاد که تو بیایی و من نزد پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ باشم مگر این که می فرمود:

ای سلمان! این مرد و حزب او همان رستگاران روز رستاخیز هستند. (۲)

ص: ۱۹۹

۱- ۱۸۳. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۴، حدیث ۱۵.

۲- ۱۸۴. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۴، حدیث ۵.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام"

١٤٢ - حَدَّثَنَا الْقَطَّانُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيسَى الْعَجْلَىِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ الْعَزْرَمِيِّ، عَنْ عَلَىِّ بْنِ حَاتَّمٍ، عَنْ شَرِيكٍ، عَنْ سَالِمِ الْأَفْطَسِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبَيرٍ، عَنْ أَبْنَ عَبَّاسٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه لعلى عليه السلام:

يا على! شيعتك هم الفائزون يوم القيمة، فمن أهان واحداً منهم فقد أهانك، ومن أهانك فقد أهاننى، ومن أهاننى أدخله الله نار جهنم خالداً فيها وبئس المصير.

يا على! أنت مَنِي وأنت منك، روحك من روحى، وطريقتك من طيتي، وشيعتك خلقوا من فضل طيتنا، فمن أحبتهم فقد أحبتنا، ومن أبغضهم فقد أبغضنا، ومن عاداهم فقد عادانا، ومن وَدُّهم فقد وَدَنا.

يا على! إن شيعتك مغفور لهم على ما كان فيهم من ذنوب وعيوب.

يا على! أنا الشفيع لشيعتك غداً إذا قمت المقام المحمود، فبشرهم بذلك.

يا على! شيعتك شيعه الله، وأنصارك أنصار الله، وأولياؤك أولياء الله، وحزبك حزب الله.

يا على! سعد من تولاك، وشقى من عاداك.

يا على! لك كثر في الجنة وأنت ذو قرنها.

١٤٣ - حَدَّثَنَا الطَّالِقَانِيُّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلَىِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْجَارِوْدِ، عَنْ أَبِي الْهَيْشَمِ، عَنْ أَنْسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه:

إن الله تبارك وتعالى يبعث أنساً وجوههم من نور، على كراسى من نور، عليهم ثياب من نور، في ظل العرش، بمنزلة الأنبياء، وليسوا بالأنبياء

گوشه ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" ۱۴۲ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! شیعیان تو رستگاران روز قیامتند، هر کس به یکی از شیعیان تو اهانت کند به تو اهانت کرده، و اهانت به تو اهانت به من است، و هر کس به من اهانت کند، خداوند او را به آتش دوزخ افکنده، برای همیشه در آن بماند و چه بد سرانجامی است!

ای علی! تو از منی و من از تو هستم، روح تو از روح من وسرشت تو از سرشت من است، شیعیان تو نیز از فرونی سرشت ما آفریده شدند، هر که آن ها را دوست بدارد، ما را دوست داشته و هر که با آن ها دشمنی کند با ما دشمنی کرده و هر که به آن ها مهر ورزد به ما مهر ورزیده است.

ای علی! عیب ها و گناهان شیعیان تو بخشیده شده است.

ای علی! من شفیع شیعیان توام، آن گاه که در مقام محمود بایstem، پس این مژده را به آن ها بده.

ای علی! شیعه تو، شیعه خداست و یاران تو، یاران خدا هستند؛ دوستان تو، دوستان خدا و حزب تو، حزب خداست.

ای علی! سعادتمند کسی است که تو را دوست بدارد و بدبخت، آن که تو را دشمن بدارد.

ای علی! برای تو در بهشت، گنجی است. و تو ذوالقرنین آن هستی. [\(۱\)](#)

۱۴۳ - انس بن مالک می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

به راستی خداوند متعال انسان هایی را مبعوث کند که دارای چهره های نورانی بوده ولباس هایی از نور به تن دارند، آنان بر جایگاه های نورانی و در سایه عرش

۲۰۱: ص

۱۸۵ - امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴، حدیث ۸ در باره این بخش از روایت توضیحات متعددی داده شده است؛ از آن جمله در «معانی الأخبار» (شیخ صدوق رحمه الله) چاپ جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ص ۲۰۶ و نیز «المجازات النبویه» (سید رضی رحمه الله) صفحه ۸۷

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام" وبمزله الشهداء، وليسوا بالشهداء.

فقال رجل: أنا منهم يا رسول الله؟

قال: لا.

قال آخر: أنا منهم يا رسول الله؟

قال: لا.

قيل: من هم يا رسول الله؟

قال: فوضع يده على رأس عليه السلام وقال: هذا وشيعته.

١٤٤ - حدثنا محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبي عمير، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

خرجت أنا وأبي عليه السلام حتى إذا كنا بين القبر والمنبر، إذا هو بناس من الشيعه، فسلم عليهم، فرددوا عليه السلام، ثم قال: إني والله لأحب ريحكم وأرواحكم فأعينوني على ذلك بورع واجتهاد، واعلموا أن ولايتنا لا تناول إلا بالعمل والاجهاد، من ائتم منكم بعد فليعمل بعمله.

أنت شيعه الله وأنتم أنصار الله، وأنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرون، السابقون في الدنيا إلى ولايتنا، السابقون في الآخرة إلى الجنة وقد ضمنا لكم الجنة بضمان الله وضمان رسوله، ما على درجات الجنة أحد أكثر أزواجاً منكم، فتنافسوا في فضائل الدرجات.

أنت الطيبون ونساؤكم الطيبات، كل مؤمنه حوراء عيناء وكل مؤمن صديق، ولقد قال أمير المؤمنين عليه السلام لقبر:

گوشه‌ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" مستقر شوند؛ پیامبر نیستند ولی مقام پیامبران را دارند، شهید نیستند ولی مقام شهیدان را دارند.

شخصی عرض کرد: ای پیامبر خدا! آیا من جزء آن‌ها هستم؟

فرمود: نه.

شخص دیگری سؤال کرد، حضرت فرمود: نه.

عرض شد: آن‌ها چه کسانی اند؟

پیامبر صلی الله علیه وآل‌هه دست بر سر علی علیه السلام نهاد و فرمود:

این مرد و پیروان او. [\(۱\)](#)

۱۴۴ - ابا بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

همراه پدرم به مسجد النبی رفیم بین منبر و قبر مطهر، عده‌ای از شیعیان جمع بودند، سلام کردیم و جواب دادند؛ پدرم، امام باقر علیه السلام فرمود:

من بوی شما و روح و جان شما را دوست می‌دارم، پس شما هم با تقوی و کوشش خود در این راه، مرا کمک کنید و بدانید که ولایت ما هم فقط با کار و کوشش به دست می‌آید. شما پیرو هر کس که بشوید، باید مانند او رفتار کند.

شما شیعه خدا، یاران خدا و از پیشی گیرندگان در دنیا و آخرت هستید، در دنیا به ولایت ما پیشی گرفته اید و در آخرت به سوی بهشت پیشی می‌گیرید. ما بهشت را برای شما به ضمانت خدا و رسول، ضمانت کردیم؛ حوریان شما در بهشت بیش از دیگران هستند. پس بکوشید تا به درجات بالاتری از بهشت نایل شوید.

شما پاک هستید همچنان که همسران شما پاکند، هر زن مؤمنی یک حوریه بهشتی است و هر مرد مؤمنی یک صدیق.

به راستی که امیرمؤمنان علی علیه السلام به قبر فرمود:

ص: ۲۰۳

۱- ۱۸۶. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۴۲، حدیث ۱۵

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام" يا قبر! أبشر وبشر واستبشر، فلقد مات رسول الله صلى الله عليه وآله و هو على أمته ساخط إلّا الشيعه.

ألا وإن ش لكل شىء عروه وعروه الإسلام الشيعه.

ألا وإن لكل شىء دعame ودعame الإسلام الشيعه.

ألا وإن لكل شىء شرفاً وشرف الإسلام الشيعه.

ألا وإن لكل شىء سيداً وسيد المجالس مجالس الشيعه.

ألا وإن لكل شىء إماماً وإمام الأرض أرض يسكنها الشيعه.

والله! لو لاـ ما فى الأرض منكم لما أنعم الله على أهل خلافكم ولا أصابوا الطيبات ما لهم فى الدنيا والآخره من نصيب، كل ناصب وإن تعب واجتهد، فمنسوب إلى هذه الآيه: «عَامِلُهُ نَاصِّهُ بِهِ * تَصْبِحُ لَمِنْ نَارًا حَامِيَهُ * تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيهِ * لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ * لَا يَسْمِنُ وَ لَا يَغْنِي مِنْ جُوعٍ» [\(١\)](#) كل ناصب مجتهد فعمله هباء.

شيعتنا ينظرون بنور الله عز وجل، ومن خالفهم يتقلب [ينقلب] بسخط الله.

والله! ما من عبد من شيعتنا ينام إلّا أصعد الله عزوجل بروحه إلى السماء؛ فإن كان قد أتى عليه أجله جعله في كنوز رحمته وفي رياض جنته وفي ظل عرشه، وإن كان أجله متاخرأ عنه بعث به مع أمينه من الملائكة ليؤديه إلى الجسد المذى خرج منه ليسكن فيه.

والله! إن حجاجكم وعمركم لخاصه الله، وإن فقراءكم لأهل الغناء، وإن أغنياءكم لأهل القنوع، وإنكم كلكم لأهل دعوه الله وأهل إجابته.

ص: ٢٠٤

گوشه‌ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام" ای قنبر! مژده باد بر تو و مژده بده و خرسند باش که پیامبر هنگام رحلت، از امتش ناراحت بود جز از شیعه.

آگاه باش! که هر چیزی دستگیره ای دارد و دستگیره اسلام شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی ستونی است و ستون اسلام شیعه است.

آگاه باش! که هر چیزی کنگره ای دارد، کنگره اسلام شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس، مجالس شیعه است.

آگاه باش! که برای هر چیزی امام و پیشوایی است و امام زمین، زمینی است که شیعیان در آنجا ساکن می‌باشند.

به خدا سوگند! اگر شیعیان ما نبودند خداوند به مخالفان ما نعمت نمی‌داد و به آنچه در دنیا رسیده اند نایل نمی‌شدند و در آخرت نیز بهره ای ندارند، هر ناصبی گرچه عبادت کند و کوشش فراوان نماید مشمول این آیات سوره غاشیه است که: «کار و تلاش می‌کنند اما جایگاهشان در آتش است و از چشممه داغ و جوشان می‌نوشند، خوراکشان ضریع است که نه چاق کند نه گرسنگی را زایل نماید.» هر ناصب و دشمن شما هر چند بسیار کوشای باشد، کارش بر باد است.

شیعیان ما با نور خدا می‌نگردند و مخالفان آن‌ها در خشم خدا می‌غلطند.

به خدا سوگند! هر کدام از شیعیان ما که می‌خوابد، خدا روحش را به آسمان بالا می‌برد، اگر مرگش فرا رسیده باشد آن را در گنجینه رحمت و باغ‌های بهشت و سایه غرش خویش قرار می‌دهد و گرنه، آن را با فرشته امین برمی‌گرداند تا به بدنش ملحق شود.

به خدا سوگند! حاجیان و عمره کنندگان شما از خاصان الهی هستند. فقیران شما، بی نیاز و توانگران شما، با قناعت دمسازند، شما همه، اهل دعوت خدا و اهل اجابت او هستید. (۱)

ص: ۲۰۵

۱-۱۸۸. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۹۱، حدیث ۴.

نبذه من فضائل شيعه على "عليه السلام"

١٤٥ - حَدَّثَنَا ماجيلويه، عن أبيه، عن البرقى، عن أبيه، عن خالد بن حماد الأَسْدِى، عن أبى الحسن العبدى، عن الأعمش، عن سالم بن أبى الجعد قال:

سُئِلَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

فَقَالَ: ذَاكَ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ مِنَ الْأُوَلَى وَالآخِرَتِ مَا خَلَقَ النَّبِيُّونَ وَالْمُرْسَلُونَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ أَكْرَمُ عَلَيْهِ مِنْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ.

قَلْتَ: فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ يَبغضُهُ وَيَنْتَقِصُهُ؟

فَقَالَ: لَا يَبغضُهُ إِلَّا كَافِرٌ وَلَا يَنْتَقِصُهُ إِلَّا مُنَافِقٌ.

قَلْتَ: فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ يَتَوَلَّهُ وَيَتَوَلَّهُ أَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ؟

فَقَالَ: إِنَّ شَيْعَةَ عَلَى وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ هُمُ الْفَاثِرُونَ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ثُمَّ قَالَ: مَا تَرَوْنَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا خَرَجَ، يَدْعُ النَّاسَ إِلَى ضَلَالِهِ، مَنْ كَانَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْهُ؟

قَالُوا: شَيْعَتُهُ وَأَنْصَارُهُ.

قَالَ: فَلُو أَنَّ رَجُلًا خَرَجَ، يَدْعُ النَّاسَ إِلَى هُدَىٰ مَنْ كَانَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْهُ؟

قَالُوا: شَيْعَتُهُ وَأَنْصَارُهُ.

قَالَ: فَكَذَلِكَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، بِيَدِهِ لَوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْهُ شَيْعَتُهُ وَأَنْصَارُهُ.

گوشه‌ای از فضائل شیعیان حضرت علی "علیه السلام"

۱۴۵ - از جابر بن عبد الله انصاری در مورد امام علی علیه السلام پرسیدند، جواب داد:

او بهترین خلق اولین و آخرین - جز پیامبران - است، خداوند پس از پیامبران، شخصی گرامی تر از علی و امامان پس از او نیافریده است.

راوی حدیث می گوید: به جابر گفتم:

چگونه است حال کسی که او را دشمن دارد و کوچک شمارد؟

جابر گفت: با علی دشمنی نمی کند مگر کافر، و او را کوچک نمی شمرد مگر منافق.

گفتم: در باره دوستان او و دوستان ائمه پس از او چه می گویی؟

گفت: شیعیان علی و ائمه علیهم السلام پس از او، رستگارانند و روز قیامت در امن و امان خواهند بود.

آن گاه جابر سؤال کرد: به نظر شما کسی که خروج کند و مردم را به گمراهی بخواند، چه کسانی از مردم به او نزدیک ترند؟

(حاضران) گفتند: پیروان و یارانش.

پرسید: اگر کسی قیام و دعوت به حق کند، چه کسانی از مردم به او نزدیک ترند؟

گفتند: پیروان و یارانش.

جابر گفت: پس علی بن ابی طالب نیز این گونه است، در روز رستاخیز پرچم حمد را به دست دارد و نزدیک ترین مردم به او، شیعیان و یاران او هستند. [\(۱\)](#)

ص: ۲۰۷

۱۸۹ - امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۵، حدیث ۴.

شعاعه علی "علیه السلام"

١٤٦ - حدثنا المؤدب، عن الأسدى، عن النخعى، عن التوفلى، عن أبي حمزه، عن أبيه، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن على عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

إذا كان يوم القيمة يؤتى بك يا على! على عجله [ناقة] من نور و على رأسك تاج له أربعه أركان، على كل ركن ثلاثة أسطر:
لا إله إلا الله، محمد رسول الله، على ولی الله.

وتعطى مفاتيح الجنّة، ثم يوضع لك كرسى يعرف بكرسى الكرامه فتقعد عليه، ثم يجمع لك الأولون والآخرون في صعيد واحد، فتأمر بشيعتك إلى الجنّة وبأعدائك إلى النار، فأنت قسيم الجنّة، وأنت قسيم النار، ولقد فاز من تولاك، وخسر من عاداك، فأنت في ذلك اليوم أمين الله وحجه الله الواضحه.

١٤٧ - حدثنا ابن الم توكل، عن محمد العطار، عن الأشعري، عن سلمه بن الخطاب، عن الحسين بن سعيد الأزدي، عن إسحاق بن إبراهيم، عن عبد الله بن صباح، عن أبي بصير،

عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

إذا كان يوم القيمة جمع الله الأولين والآخرين في صعيد واحد، فتشاهم ظلمه شديدة، فيضجّون إلى ربّهم ويقولون:
يا ربّ اكشف عنّا هذه الظلمة.

قال: فيقبل قوم يمشي النور بين أيديهم قد أضاء أرض القيمة.

فيقول أهل الجمع: هؤلاء أنبياء الله؟

۱۴۶ - امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ فرمود: ای علی! چون روز قیامت شود، تو را سوار بر درشکه ای (ناقه ای) از نور می آورند؛ بر سرت تاجی است که چهار رکن دارد و بر هر رکنی، سه سطر نوشته شده است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله.

کلیدهای بهشت را به تو بدھند و بر تخت کرامت بنشانند، آن گاه تمام پیشینیان و پسینیان، بر یک پهنا بر گرد تو جمع شوند و تو دستور می دهی که شیعیان را به بهشت و دشمنان را به دوزخ ببرند؛ چرا که تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی. رستگار شد آن که ولایت تو را پذیرفت و زیان کرد آن که دشمن تو شد. ای علی! تو در آن روز، امین خدا و حجّت آشکار الهی هستی. [\(۱\)](#)

۱۴۷ - ابا بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید: آن گاه که قیامت برپا شود، خداوند خلق پیشینیان و پسینیان را در یک جا گرد آورد، تاریکی شدیدی همه را فرا گیرد و به پروردگار خود ناله کنند که:

پروردگار! این تاریکی را از ما برطرف فرما.

در این هنگام، عده ای وارد می شوند که با نور خود، صحرای قیامت را روشن می کنند.

حاضران می گویند: اینان پیامبران خدا هستند؟

ص: ۲۰۹

۱۹۰. امالی صدق رحمة الله، مجلس ۹۵، حدیث ۱۰.

شفاعه على "عليه السلام" فيجيئهم النداء من عند الله: ما هؤلاء بأنبياء.

فيقول أهل الجمع: فهؤلاء ملائكة؟

فيجيئهم النداء من عند الله: ما هؤلاء بملائكة.

فيقول أهل الجمع: هؤلاء شهداء؟

فيجيئهم النداء من عند الله: ما هؤلاء بشهداء.

فيقولون: من هم؟

فيجيئهم النداء: يا أهل الجمع سلوهم من أنتم؟

فيقول أهل الجمع: من أنتم؟

فيقولون: نحن العلويون، نحن ذريه محمد رسول الله صلى الله عليه وآله، نحن أولاد على ولی الله. نحن المخصوصون بكرامه الله، نحن الآمنون المطمئنون.

فيجيئهم النداء من عند الله عز وجل: اشفعوا

فى محبّكم وأهل مودّكم وشيعتكم.

فيشفعون فيشفعون.

شفاعت حضرت علی "علیه السلام" از جانب خدا ندا می رسد که: خیر پیامبر نیستند.

می گویند: این ها فرشته اند؟

ندا می رسد: فرشته هم نیستند.

در مرتبه سوم می گویند: این ها شهیدان هستند؟

ندا می رسد: خیر شهید هم نیستند.

می پرسند: پس چه کسانی اند؟

ندا می رسد: از خود آن ها بپرسید.

از آنان می پرسند: شما کیستید؟

پاسخ می دهند: ما علویون و ذریه و فرزندان محمد پیامبر خدا صلی الله علیه وآلہ هستیم، ما فرزندان علی ولی خدا هستیم،
کرامت خدا مخصوص ماست و ما در آسایش و اطمینان هستیم.

از جانب خداوند به آن ها ندا می رسد که: دوستان و شیعیان خود را شفاعت کنید.

پس آن ها شفاعت می کنند و شفاعت آن ها پذیرفته می شود. [\(۱\)](#)

ص: ۲۱۱

۱- ۱۹۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴۷، حدیث ۱۸.

لزوم الموالاة لأولياء على "عليه السلام"

١٤٨ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُتَوَكِّلِ، عَنِ الْأَسْدِيِّ، عَنِ النَّخْعَنِيِّ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَلَىِّ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفَيْهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبَرٍ، عَنْ أَبْنَاءِ عَبَّاسٍ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من سرّه أن يجمع الله له الخير كله فليوال عليه بعدي ولليوال أولياءه وليعاد أعداءه.

ص: ٢١٢

لزوم دوستی با دوستان امیر المؤمنین "علیه السلام"

۱۴۸ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

هر که خرسند می شود که خداوند همه خوبی ها را برایش فراهم کند، بایستی پس از من، از علی پیروی کند و دوستانش را دوست بدارد و با دشمنان او دشمن باشد. [\(۱\)](#)

ص: ۲۱۳

۱۹۲ - ۱. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۷.

أخبار النبي بما يجري على أهل بيته "عليهم السلام"

١٤٩ - حدثنا ابن موسى، عن الأسدى، عن النخعى، عن النوفلى، عن الحسن بن على بن أبي حمزه، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس قال:

إن رسول الله صلى الله عليه وآلـهـ كان جالساً ذات يوم إذ أقبل الحسن عليه السلام فلما رأه بكى. ثم قال: إلى إلى يا بني! فما زال يدnye حتى أجلسه على فخذـهـ اليمنىـ.

ثم أقبل الحسين عليه السلام فلما رأهـ بكىـ، ثم قال: إلى يا بـنـىـ! فـماـ زـالـ يـدـنـيـهـ حتـىـ أـجـلـسـهـ عـلـىـ فـخـذـهـ الـيـسـرـىـ. ثم أـقـبـلـ فـاطـمـهـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـلـمـاـ رـآـهـ بـكـىـ، ثم قال: إلى يا بـنـيـهـ! فأـجـلـسـهـ بـيـنـ يـدـيـهـ. ثم أـقـبـلـ أـمـيرـ الـمـؤـمـنـينـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـلـمـاـ رـآـهـ بـكـىـ، ثم قال: إلى يا أـخـىـ! فـمـاـ زـالـ يـدـنـيـهـ حتـىـ أـجـلـسـهـ إـلـىـ جـنـبـهـ الـأـيـمـنـ.

فقال له أصحابـهـ: يا رسول اللهـ! ما ترى واحدـاـ من هـؤـلـاءـ إـلـاـ بـكـيـتـ أوـ ماـ فـيـهـ مـنـ تـسـرـ بـرـؤـيـتـهـ؟

فقال صلى الله عليه وآلـهـ: والـمـذـىـ بـعـتـىـ بـالـبـوـهـ وـاـصـطـفـانـىـ عـلـىـ جـمـيـعـ الـبـرـيـهـ! إـنـىـ وـإـيـاهـمـ لـأـكـرـمـ الـخـلـقـ عـلـىـ اللهـ عـزـوـجـلـ، وـمـاـ عـلـىـ وـجـهـ الـأـرـضـ نـسـمـهـ أـحـبـ إـلـىـ مـنـهـمـ.

أمـاـ عـلـىـ بـنـ أـبـىـ طـالـبـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـإـنـهـ أـخـىـ وـشـقـيقـىـ، وـصـاحـبـ الـأـمـرـ بـعـدـىـ، وـصـاحـبـ لـوـائـىـ فـىـ الدـنـيـاـ وـالـآـخـرـهـ، وـصـاحـبـ حـوـضـىـ وـشـفـاعـتـىـ، وـهـوـ مـوـلـىـ كـلـ مـسـلـمـ، وـإـمـامـ كـلـ مـؤـمـنـ، وـقـائـدـ كـلـ تـقـىـ، وـهـوـ وـصـيـيـ وـخـلـيـفـتـىـ عـلـىـ أـهـلـىـ وـأـمـمـتـىـ فـىـ حـيـاتـىـ وـبـعـدـ مـوـتـىـ، مـحـبـهـ مـحـبـىـ، وـمـبغـضـهـ مـبغـضـىـ، وـبـوـلـاـيـتـهـ صـارـتـ أـمـمـتـىـ مـرـحـومـهـ، وـبـعـداـوـتـهـ صـارـتـ الـمـخـالـفـهـ لـهـ مـلـعـونـهـ.

وـإـنـىـ بـكـيـتـ حـينـ أـقـبـلـ لـأـنـىـ ذـكـرـتـ غـدـرـ الـأـمـمـ بـهـ بـعـدـىـ، حتـىـ إـنـهـ لـيـزاـلـ

عـنـ مـقـعـدـىـ وـقـدـ جـعـلـهـ اللهـ لـهـ بـعـدـىـ، ثمـ لاـ يـزاـلـ الـأـمـرـ بـهـ حتـىـ يـضـربـ عـلـىـ قـرـنـهـ ضـربـهـ تـخـضـبـ مـنـهـ لـحـيـتـهـ فـىـ أـفـضـلـ الشـهـورـ، (شـهـرـ رـمـضـانـ الـذـىـ أـنـزـلـ فـيـهـ الـقـرـآنـ هـدـىـ لـلـنـاسـ وـبـيـنـاتـ مـنـ الـهـدـىـ وـالـقـرـآنـ) (١)...

صـ: ٢١٤

۱۴۹ - ابن عباس می گوید:

روزی خدمت پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ نشسته بودیم، که امام حسن علیه السلام وارد شد، پیامبرصلی الله علیه وآلہ تا او را دید گریه کرد و فرمود: بیا پسرم! بیا عزیزم! وی نزدیک آمد و حضرت او را بر زانوی راست نشاند.

سپس امام حسین علیه السلام آمد، پیامبر گریه کرد و فرمود: بیا پسرم! بیا عزیزم! پیامبر او را بر زانوی چپ خود نشاند. لحظه ای بعد فاطمه زهرا علیها السلام آمد همان جریان تکرار شد و حضرت او را برابر خود نشاند و در آخر امیر المؤمنین علیه السلام آمد پیامبر پس از گریه کردن، او را نزد خود طلبید و در سمت راست خود قرار داد.

یاران رسول خداصلی الله علیه وآلہ عرض کردند: هر کدام که آمدند گریستی؟ آیا بین آن ها کسی نبود که از دیدنش خوشحال شوی؟

پیامبرصلی الله علیه وآلہ فرمود: قسم به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت و بر همه مردم برتری داد، من و این ها گرامی ترین خلق خداییم و روی زمین هم کسی نیست که نزد من محظوظ تر از این ها باشد.

خصوصیات علی، این است که او برادر، همکار و صاحب امر پس از من است، او پرچم دار من در دنیا و آخرت است؛ صاحب حوض و شفاعت من است، مولای مسلمانان، امام مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران است، او وصی و خلیفه من بر خاندان و اُمت من است؛ چه در زندگی و چه در پس از مرگ من؛ دوست او دوست من و دشمن او دشمن من است؛ به ولایت او اُمت من رحمت می شوند و با مخالفت او، ملعون.

اما گریه من به این علت بود که یادم آمد از نیرنگی که اُمت با او می کنند، او را

از جایگاه من که خدا برای او قرار داده است بر می دارند. این درگیری و گرفتاری ادامه دارد تا آنجا که وی را با شمشیر خواهند زد و در بهترین ماه، یعنی ماه رمضان که ماه نزول قرآن برای هدایت مردم، و برای تمییز حق از باطل است، محاسن او از خون سرش رنگین خواهد شد... [\(۱\)](#)

ص: ۲۱۵

۱۹۴. امالي صدوق رحمة الله، مجلس ۲۴، حدیث ۲.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

١٥٠ - حَدَّثَنَا الْهَمْدَانِيُّ، عَنْ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ جَعْفَرٍ بْنِ سَلْمَةِ الْأَهْوَازِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّقْفِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْعَلَاءِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُسِيبٍ، عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ عَلَى وَفَاطِمَةِ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَقَالَ:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَعْلَمُ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي وَأَكْرَمُ النَّاسِ عَلَى، فَأَحَبُّ مِنْ أَحْبَبْهُمْ، وَأَبْغَضُ مِنْ أَبْغَضْهُمْ، وَوَالَّذِي وَالَّذِي، وَعَادَ مِنْ عَادَهُمْ، وَأَعْنَمَ مِنْ أَعْنَاهُمْ، وَاجْعَلْهُمْ مَطَهَّرِينَ مِنْ كُلِّ رِجْسٍ، مَعْصُومِينَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، وَأَيْدِيهِمْ بِرُوحِ الْقَدْسِ مِنْكَ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلَى! أَنْتَ إِمَامُ أَمْتَى وَخَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي، أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَكَأَنِّي أَنْظَرْتُ إِلَيْ ابْنِتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَتِ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبِ الْمَلَائِكَةِ مِنْ نُورٍ، عَنْ يَمِينِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَعَنْ يَسِيرَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَبَيْنِ يَدِيهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَخَلْفَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، تَقْوَدُ مَوْمَنَاتٍ أَمْتَى إِلَى الْجَنَّةِ.

فَأَيْمَا امْرَأَهُ صَلَّتْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَهُ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَحَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرامَ وَزَكَّتْ مَالَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَوَالَّتْ عَلَيْهَا بَعْدِي دَخَلَتِ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَهِ ابْنِتِي فَاطِمَةِ وَإِنَّهَا لِسَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

فقيل: يا رسول الله! أهي سيده لنساء عالمها؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذَاكَ لَمْرِيمَ بْنَتَ عُمَرَانَ، فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ، فَهِيَ سَيِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، وَإِنَّهَا لِتَقْوَمَ فِي مَحَابَبِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا

قسمت اول

۱۵۰ - ابن عباس می گوید:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هم نزد ایشان بودند، حضرتشن فرمود:

خدایا! تو می دانی که اینان اهل بیت من و گرامی ترین مردم نزد من هستند، دوستان آن‌ها را دوست بدار و دشمن آن‌ها را دشمن باش، کمک نما هر که آن‌ها را یاری می کند و آن‌ها از هر پلیدی پاک و از هر گناهی محفوظ دار و تو سط روح القدس آن‌ها را تأیید فرما!

آن گاه فرمود: ای علی! تو امام امّت من و جانشین من پس از من بر آن‌ها هستی، تو رهبر مؤمنان به سوی بهشت می باشی.

گویا دخترم، فاطمه علیها السلام را می نگرم که بر اسبی از نور سوار است، و در حالی که از طرف راستش هفتاد هزار فرشته و از جانب چپ، هفتاد هزار فرشته و از پیش رو هفتاد هزار فرشته و از پشت سرش هفتاد هزار فرشته او را همراهی می کنم، زنان مؤمن امّتم را به بهشت رهبری می کنم.

هر زنی که در شبانه روز، پنج نوبت نماز بخواند، ماه رمضان را روزه بگیرد، حج واجب خانه خدا را به جا آورد، زکات مالش را بپردازد و از همسرش اطاعت کند و پس از من پیرو علی علیها السلام باشد، با شفاعت دخترم، فاطمه علیها السلام داخل بهشت می شود، زیرا که او بانوی زنان جهانیان است.

عرض شد: ای پیامبر خدا! آیا او بانوی زنان عالم خود است؟

فرمود: او مریم علیها السلام - دختر عمران - است که بانوی زنان عالم خود بود، ولی دخترم فاطمه، بانوی زنان جهانیان از اولین تا آخرین است؛ فاطمه کسی است

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام" سبعون ألف ملك من الملائكة المقربين وينادونها بما نادت به الملائكة مريم فيقولون:

يا فاطمه! إنَّ اللَّهَ اصطفاكَ وَطَهَرَكَ وَاصطفاكَ على نساء العالمين.

ثم التفت إلى علي عليه السلام فقال:

يا على! إنَّ فاطمه بضعه مُنْيٍ وهي نور عيني وثمره فؤادي يسوءني ما ساءها ويُسِّرِّنِي ما سرّها، وإنَّها أُولَئِنَّا من يلحقني من أهل بيتي، فأحسن إليها بعدي وأمِّي الحسن والحسين فهما ابني وريحانتاي وهمما سيدا شباب أهل الجنّة فليكرموا عليك كسمعك وبصرك.

ثم رفع صلى الله عليه وآلـهـ يدهـ إلى السماءـ، فقالـ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُكَ أَنِّي مُحَبٌ لِمَنْ أَحْبَبْتَـ، وَمُبغضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَـ، وَسَلَّمَ لِمَنْ سَالَّمَـ، وَوَرَبَ لِمَنْ حَارَبَـ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَـهُـ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَلَاهُـ.

١٥١ - حَدَّثَنَا أَبِي، عَنِ الْمُؤَذِّبِ، عَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنِ الثَّقْفِيِّ، عَنْ مُخْوُلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَبْدِ الْجَبَارِ بْنِ الْعَيَّاسِ، عَنْ عَمَّارِ أَبِي معاوِيَةَ، عَنْ عُمَرِ بْنِ أَفْعَى، قَالَتْ: سَمِعْتُ أُمَّ سَلْمَهُ رَحْمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَوْلَ:

نزلت هذه الآية في بيتي [\(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطْهِرَكُمْ تَطْهِيرًا\)](#). [\(١\)](#)

قالـتـ: وَفِي الْبَيْتِ سَبْعَهـ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَرِئِيلِ وَمِيكَائِيلِ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَهـ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِـ.

قالـتـ: وَأَنَا عَلَى الْبَابِـ.

فَقَلَّتـ: يـا رـسـولـ اللـهـ! أـلـسـتـ مـنـ أـهـلـ الـبـيـتـ؟

قالـ صـلـى اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ وـجـرـئـيلـ وـمـيـكـائـيلـ وـعـلـيـ وـفـاطـمـهـ وـالـحـسـنـ وـالـحـسـينــ.

صـ: ٢١٨ـ

١٩٥ـ. سـورـهـ الـأـحـزـابـ {٣٣ـ}: الآـيـهـ ٣٣ـ.

گوشه‌ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام" که چون در محراب عبادت باشید، هفتاد هزار فرشته مقرب به او سلام دهنده همانند ندایی را که به مریم کردند به او نیز می‌کنند و می‌گویند:

ای فاطمه! خدا تو را برگزید و پاک کرد و بر همه زنان جهانیان برتری داد.

سپس رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی! فاطمه پاره تن من و نور دیده و میوه دل من است، هر چه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده، هر چه او را شاد کند مرا شاد کرده. فاطمه، اوّلین کسی است که از اهل بیتم، به من می‌رسد، پس به او خوبی کن.

امّا حسن و حسین دو گل و دو فرزند من هستند و هر دو، آقای جوانان بهشت می‌باشند. پس مثل گوش و چشم آن‌ها را گرامی دار.

سپس دست به آسمان بلند کرد و گفت:

خدایا! گواه باش که من دوستدار دوستان آن‌ها و دشمن دشمنان آن‌ها همیم. در صلح هستم با هر که با آن‌ها در صلح باشد و در جنگ هستم با هر که با آن‌ها در جنگ باشد. [\(۱\)](#)

۱۵۱ - اُم سلمه، همسر پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ وسیدہ می‌گوید:

این آیه در خانه من نازل شد که: «همانا خداوند اراده فرموده پلیدی را از شما خاندان دور بدارد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند.»

آن هنگام هفت نفر در خانه بودند: پیامبر، جبرئیل، میکائیل، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام. من هم بر در خانه بودم.

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟

پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسیدہ می‌گوید: تو همسر پیامبر هستی، و نفرمود از اهل بیت هستی. [\(۲\)](#)

ص: ۲۱۹

۱- ۱۹۶. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۳، حدیث ۱۸.

۲- ۱۹۷. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۴.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

١٥٢ - حَدَّثَنَا عَلَى بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلْفٍ، عَنْ حَسِينِ الْأَشْقَرِ، عَنْ عُمَرِ بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَيْرَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْكَلْمَاتِ الَّتِي تَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ.

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَفَاطِمَةِ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ إِلَّا تَبَتَّ عَلَيْهِ، فَتَابَ عَلَيْهِ.

١٥٣ - حَدَّثَنَا أَبْيَ رَحْمَةِ اللَّهِ، عَنْ إِبْنِ عَامِرٍ، عَنْ الْمَعْلُوِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكْمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَيْرَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ عَلِيًّا وَصَيْيِّ وَخَلِيفَتِي وَزَوْجَتِهِ فَاطِمَةِ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنِ ابْنَتِي وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ سَيِّدِا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَلَدَائِي، مِنْ وَالاَهْمَ فَقَدْ وَالاَنِي، وَمِنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي، وَمِنْ نَاوَاهُمْ فَقَدْ نَاوَانِي، وَمِنْ جَفَاهُمْ فَقَدْ جَفَانِي، وَمِنْ بَرَّهُمْ فَقَدْ بَرَّنِي، وَصَلَّى اللَّهُ مِنْ وَصْلَهُمْ، وَقَطَعَ مِنْ قَطْعَهُمْ، وَنَصَرَ مِنْ نَصَرَهُمْ، وَأَعْانَ مِنْ أَعْانَهُمْ، وَخَذَلَ مِنْ خَذَلَهُمْ.

اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرَسُلِكَ ثَقَلَ وَأَهْلَ بَيْتِكَ، فَعَلَى وَفَاطِمَةِ وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ أَهْلَ بَيْتِي وَثَقَلَى، أَذْهَبْ عَنْهُمُ الرَّجْسَ وَطَهَّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

١٥٤ - حَدَّثَنَا الْقَطَّانُ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ أَبِي ذَرِّعَةَ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَمِيرٍ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيرَةَ، عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ، عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

وَلَا يَتَّقِي أَهْلَ بَيْتِي أَمَانَ مِنَ النَّارِ.

گوشه‌ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

۱۵۲ - ابن عباس گوید:

از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: کلماتی را که آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت کرد و به واسطه آن‌ها خداوند، توبه اش را قبول کرد، چه بود؟

حضرت فرمود: او از خدا درخواست کرد که به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام، توبه ام را بپذیر.

خدا، هم توبه اش را قبول فرمود. (۱)

۱۵۳ - ابن عباس می‌گوید: پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

به راستی که علی وصی و خلیفه من است؛ همسرش فاطمه، بانوی زنان جهانیان، دختر من است؛ حسن و حسین، آقای جوانان بهشت، پسران من هستند. هر که آن‌ها را دوست بدارد مرا دوست داشته، هر که آن‌ها را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر که آن‌ها را دور کرده است، جفای به آن‌ها، جفای به من و نیکی به آن‌ها، نیکی به من است؛ خدا می‌پیوندد به هر که به آن‌ها بپیوندد و قطع رابطه می‌کند با هر کس که با آن‌ها قطع رابطه کند، خدا یاری می‌کند یاری کنندگان آن‌ها را و خوار می‌کند خوار کنندگان آن‌ها را.

خدایا! هر کدام از پیامبران، اهل بیت و خاندانی داشتند؛ علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نیز اهل بیت و خاندان من هستند، پلیدی را از آن‌ها دور کن و آن‌ها را پاک و پاکیزه نما. (۲)

۱۵۴ - ابن عباس می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ولایت من و ولایت اهل بیت من، موجب امان از آتش دوزخ است. (۳)

۲۲۱: ص

۱- ۱۹۸. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۸، حدیث ۲.

۲- ۱۹۹. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۶.

۳- ۲۰۰. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۷۲، حدیث ۸.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

١٥٥ - حدثنا ابن مسرور، عن ابن عامر، عن عمه، عن الأزدي، عن أبيان بن عثمان، عن أبيان بن تغلب، عن عكرمة، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

من سرّه أن يحيا حياته ويموت ميتى، ويدخل جنّة عدن متزلاً، ويتمسّك قضيّاً غرسه ربّي عزّوجلّ، ثم قال له: كن فيكون؛ فليتولّ على بن أبي طالب ولیأتهم بالأوصياء من ولده، فإنّهم عترتي، خلقوا من طينتى، إلى الله أشكو أعداءهم من أمّتى المنكرين لفضلهم القاطعين فيهم صلتى وأيم الله! لقتلنّ ابني بعدى الحسين لا أنالهم الله شفاعتي.

١٥٦ - حدثنا أبي، عن سعد، عن ابن أبي الخطاب، عن علي بن أسباط، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام أنه قال:

يا أبو بصير! نحن شجره العلم، ونحن أهل بيت النبي، وفي دارنا مهبط جبريل، ونحن خزان علم الله، ونحن معادن وحى الله، من تبعنا نجا، ومن تخلف عنا هلك، حقاً على الله عزّ وجلّ.

قسمت دوم

١٥٧ - حدثنا أبي رحمة الله، عن أحمد بن إدريس، عن ابن يزيد، عن أبي عمير، عن محمد القبطي قال: قال الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام:

أغفل الناس قول رسول الله صلى الله عليه وآلـهـ فى على بن أبي طالب عليه السلام يوم مشربه أم إبراهيم، كما أغفلوا قوله فيه يوم غدير خم؛ إنّ رسول الله صلى الله عليه وآلـهـ كان فى مشربه أم إبراهيم وعنه أصحابه، إذ جاء على عليه السلام فلم يفرجوا له، فلئما رأهم لا يفرجون له قال:

گوشه‌ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

۱۵۵ - ابن عباس می گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

هر که دوست دارد، زندگی و مرگش همانند زندگی و مرگ من باشد؛ و وارد خانه من، در بهشت عدن گردد و به نهالی چنگ زند که پروردگارم آن را کاشته و به آن فرموده: ایجاد شو! پس (به امر خدا) ایجاد شد؛ پس بایستی دوست دار علی بن ابی طالب باشد و از اوصیای از فرزندانش پیروی کند؛ زیرا آن‌ها عترت من بوده، از گل من آفریده شده‌اند. من به خدا شکایت می‌کنم، از دشمنان خاندانم که منکر فضل آن‌ها شوند و با آن‌ها قطع رابطه کنند.

به خدا قسم! که پس از من، فرزندم حسین را بکشند، و خداوند نیز آن‌ها را از شفاعت من محروم کند. (۱)

۱۵۶ - امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

ای ابا بصیر! ما درخت دانش و خاندان پیامبر صلی الله علیه وآلہ هستیم، در خانه ما، جبرئیل فرود می‌آمد، خزانه دار علم خدا و معادن وحی الهی ماییم، هر کس از ما پیروی کند نجات یافته و آن که از ما نافرمانی کند، نابود شود، این حق خداوند است.

(۲)

۱۵۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ را درباره امام علی علیه السلام در روز مشربه اُم ابراهیم از یاد بردنده، چنان که روز غدیر خم را فراموش کردند. پیامبر صلی الله علیه وآلہ به همراه برخی از یاران خود، در مشربه اُم ابراهیم بودند که علی علیه السلام وارد شد، کسی برای علی علیه السلام، جا باز نکرد، چون پیامبر صلی الله علیه وآلہ چنین دید، فرمود:

۲۲۳: ص

۱-۲۰۱. امالی صدق رحمه الله، مجلس ۹، حدیث ۱۱.

۲-۲۰۲. امالی صدق رحمه الله، مجلس ۵۰، حدیث ۱۵.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام" يا معاشر الناس! هذا أهل بيتي تستخفون بهم وأنا حى بين ظهرانيكم، أما والله! لئن غبت عنكم فإن الله لا يغيب عنكم، إن الروح والراحة والبشر والبشاره لمن ائتم بعلى وتولاه وسلم له وللأوصياء من ولده حقاً على أن أدخلهم في شفاعتي، لأنهم أتباعى، فمن تعنى فإنه منى سنه جرت في من إبراهيم لأنى من إبراهيم وإبراهيم مني وفضلي له فضل وفضله فضلى وأنا أفضل منه، تصدق ذلك قول ربي: «ذريه بغضها من بعض والله سميح عليه». (١)

وكان رسول الله صلى الله عليه وآله وثبت رجله في مشربه أم إبراهيم حتى عاده الناس.

١٥٨ - حدثنا أحمد بن محمد بن الصقر، عن محمد بن أيوب، عن إبراهيم بن موسى، عن هشام بن يوسف، عن عبد الله بن سليمان، عن محمد بن علي بن عباس، عن أبيه، عن ابن عباس قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أحبوا الله لما يغدوكم به من نعمه، وأحبوني لحب الله عز وجل وأحبوا أهل بيتي لحبني.

١٥٩ - حدثنا أحمد بن زياد، عن علي بن إبراهيم، عن جعفر بن سلمة، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن عثمان بن أبي شيبة ومحرز بن هشام، قالا: حدثنا مطلب بن زياد، عن ليث بن أبي سليم قال:

أتى النبي صلى الله عليه وآله على فاطمه والحسن والحسين عليهم السلام كلهم يقول: أنا أحب إلى رسول الله صلى الله عليه وآله.

فأخذ صلى الله عليه وآله فاطمه مما يلى بطنها وعلى مما يلى ظهره والحسن عن يمينه والحسين عن يساره، ثم قال: أنت منى وأنا منكم.

ص ٢٢٤

١- ٢٠٣. سورة آل عمران {٣} الآية ٣٤.

گوشه‌ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام" ای مردم! این اهل بیت مرا سبک می‌شمارید، در حالی که من هنوز در میان شما زندگی می‌کنم. قسم به خدا! اگر من از شما پنهان شوم خدا از شما پنهان نیست. بدانید که روح و راحتی، خوشی و بشارت، برای کسی است که به علی علیه السلام اقتدا کند و او را دوست بدارد، تسلیم او و امامان از فرزندان او باشد، هر کس چنین کند بر من لازم است که از او شفاعت کنم، زیرا آن‌ها پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند از من است.

این روشی است که از ابراهیم خلیل علیه السلام به من رسیده، چون من از ابراهیم هستم و او هم از من؛ فضل من، فضل اوست و فضل او، فضل من. با این حال من افضل از او هستم، گواه آن آیه ای است که می‌فرماید: «دودمانی که برخی از برخی دیگر (وهمانند یکدیگرند) و خدا شنوا و داناست.»

این ماجرا در زمانی اتفاق افتاد که پایی پیامبر خداصلی الله علیه وآل‌ه در مشربه ام ابراهیم آسیب دیده بود، به طوری که مردم به عیادت حضرتش می‌رفتند. [\(۱\)](#)

۱۵۸ - ابن عباس می‌گوید: پیامبر خداصلی الله علیه وآل‌ه فرمود:

خداآورد را به خاطر نعمت هایش دوست بدارید؛ مرا به خاطر دوستی خدا، دوست بدارید و خاندانم را به خاطر دوستی من، دوست بدارید. [\(۲\)](#)

۱۵۹ - لیث بن ابا سلیم می‌گوید:

روزی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه وآل‌ه آمده و هر کدام می‌گفت: من نزد رسول خداصلی الله علیه وآل‌ه محظوظ ترم.

پیامبر صلی الله علیه وآل‌ه، حضرت فاطمه علیها السلام را پیش روی خود و علی علیه السلام را پشت سر خود، وحسن علیه السلام را سمت راست و حسین علیه السلام را سمت چپ خود قرار داد، سپس فرمود: شما از من هستید و من از شما می‌باشم. [\(۳\)](#)

ص: ۲۲۵

۱- ۲۰۴. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۲۳، حدیث ۱۰.

۲- ۲۰۵. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۵۸، حدیث ۶.

۳- ۲۰۶. أمالی صدوق رحمة الله، مجلس ۴، حدیث ۲.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

١٦٠ - حدثنا أبي عن المؤدب، عن أحمد بن على الإصبهاني، عن الثقفي، عن اسماعيل ابن ابان، عن عبدالله بن خراش، عن العوام بن الحوشب، عن التميمي قال:

دخلت على عائشه فحدّثنا أنها رأت رسول الله صلى الله عليه وآله دعا علياً وفاطمه والحسن والحسين عليهم السلام فقال:

اللّهم هؤلاء أهل بيتي، فاذهب عنهم الرجس وطهّرهم تطهيراً.

١٦١ - حدثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن ابن عيسى، عن البجلي، عن جعفر بن محمد بن سماعه، عن عبد الله بن مسakan، عن الحكم بن الصلت، عن أبي جعفر محمد بن علي، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

خذوا بحجزه هذا الأنزع - يعني علياً - فإنه الصديق الأكبر وهو الفاروق يفرق بين الحق والباطل؛ من أحبه هداه الله، ومن أبغضه أبغضه الله، ومن تخلف عنه محقق الله، ومنه سبطاً أمتى الحسن والحسين وهما ابني وهم الحسين وأئمّة الهدى، أعطاهم الله علمي وفهمي، فتولوهم ولا تتخذوا ولوجه من دونهم فيحلّ عليكم غضب من ربكم، ومن يحمل عليه غضب من ربّه فقد هوى، وما الحياة الدنيا إلّا متع الغرور.

١٦٢ - حدثنا ابن شاذويه المؤدب، عن محمد الحميري، عن أبيه، عن ابن عيسى، عن محمد بن سنان، عن محمد بن عبد الله بن زراره، عن عيسى بن عبد الله الهاشمي، عن أبيه، عن جده، عن عمر بن أبي سلمة، عن أم سلمه حمه الله قال:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

على بن أبي طالب والأئمّة من ولده بعدي ساده أهل الأرض وقاده الغرّ المحجّلين يوم القيمة.

گوشه‌ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

۱۶۰ - عایشه می گوید:

پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ را دیدم که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را پیش خود فرا خواند و گفت:

پروردگار! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها ببر و آن‌ها را پاک و پاکیزه کن. (۱)

۱۶۱ - رسول خداصلی الله علیه وآلہ فرمودند:

دامن علی را بگیرید که او هم صدّیق اکبر است و هم فاروق، یعنی حق را از باطل جدا می کند. هر کس علی را دوست بدارد خدا او را هدایت می کند و هر که او را دشمن دارد مورد غضب خدا قرار گیرد، و هر که از او تخلف کند خدا نابودش نماید.

دو سبط اُمت من - حسن و حسین علیهما السلام - از نسل اویند، آن‌ها فرزندان من هستند. واز نسل حسین علیه السلام امامان بر حق و رهبران الهی هستند که خداوند علم و فهم مرا به آن‌ها داده است. پس آن‌ها را دوست بدارید و جز آن‌ها پناهگاهی نگیرید. اگر چنین نکنید، خشمی از پروردگارتان شما را فرا گیرد و هر که مورد خشم و غضب پروردگارش قرار گیرد به طور حتم نابود می گردد و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریبنده نیست. (۲)

۱۶۲ - اُم سلمه، همسر پیامبر می گوید: رسول خداصلی الله علیه وآلہ فرمود:

علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش، پس از من، سروران اهل زمین، و پیشوای دست و روسفیدان در روز قیامت می باشند. (۳)

ص: ۲۲۷

۲۰۷-۱. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۷۲، حدیث ۵.

۲۰۸-۲. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۹۶، حدیث ۸.

۲۰۹-۳. أمالی صدق رحمة الله، مجلس ۸۵، حدیث ۲۴.

نبذه من فضائل أهل البيت "عليهم السلام"

١٦٣ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسِينِ بْنِ عَيْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، قَالَ:

سمعت أبا جعفر الباقر عليه السلام يقول:

أوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مُحَمَّدَ! إِنِّي خَلَقْتَكَ وَلَمْ تَكْ شَيْئًا وَنَفَخْتُ فِيْكَ مِنْ رُوحِيْ كَرَامَهُ مَنْيَ أَكْرَمْتَكَ بِهَا حَتَّى أَوْجَبْتَ لَكَ الطَّاعَهُ عَلَى خَلْقِيْ جَمِيعًا، فَمَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَاكَ فَقَدْ عَصَانِي، وَأَوْجَبْتَ ذَلِكَ فِي عَلَى وَفِي نَسْلِهِ مِنْ اخْتَصَصَتْ مِنْهُمْ لِنَفْسِي.

١٦٤ - حَدَّثَنَا عَلَى بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَا القَطَّانِ، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، عَنْ تَمِيمِ بْنِ بَهْلَوْلٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبْيَانٍ، عَنْ سَلَامِ بْنِ أَبْيِ عُمْرَهِ، عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودٍ، عَنْ أَبِي الطَّفِيلِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّنَ وَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِّيْنِ وَالْحَسِّنِ وَالْحَسِينِ سَيِّدَا شَبَابَ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَالْأَئْمَهِ بَعْدَهُمَا سَادَاتُ الْمُتَقِّيْنَ، وَلِنَا وَلِيُّ اللَّهِ، وَعَدْوُنَا عَدُوُّ اللَّهِ، وَطَاعَنَا طَاعَهُ اللَّهِ، وَمَعْصِيَنَا مَعْصِيَهُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

گوشه‌ای از فضایل اهل بیت "علیهم السلام"

۱۶۳ - امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ وحی فرمود: ای محمد! زمانی هیچ نبودی و من تو را آفریدم، از روح خود در تو دمیدم و گرامی ات داشتم، تا این که اطاعت از تو را بر همه آفریدگانم واجب کردم. پس هر که از تو اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر که از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده و همه این‌ها در علی و امامان از نسل او نهادم، همان کسانی که مخصوص خودم قرارشان دادم. [\(۱\)](#)

۱۶۴ - امام حسن علیه السلام می‌فرماید: از پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ شنیدم که فرمود:

من آقای پیامبرانم، علی بن ابی طالب آقای اوصیاء است، حسن و حسین آقای جوانان اهل بهشت هستند و امامان پس از آن‌ها، آقای پرهیزکاران می‌باشند. دوست ما دوست خداست و دشمن ما دشمن خدا. اطاعت از ما، اطاعت از خداست و نافرمانی از ما، نافرمانی خدا. [\(۲\)](#)

۲۲۹: ص

۱- ۲۱۰. امالی صدقه رحمة الله، مجلس ۸۸، حدیث ۵.

۲- ۲۱۱. امالی صدقه رحمة الله، مجلس ۸۲، حدیث ۱۶.

١٦٥ - حدثنا أبي رحمة الله، عن سعد، عن ابن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن إبراهيم بن عمر اليماني، عن أبي الطفيل، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآلـه لأمير المؤمنين عليه السلام:

اكتب ما أملـى عليك.

فقال: يا نبـي الله! أتخـاف على النسـيان؟

قال صلى الله عليه وآلـه: لست أخـاف عليك النـسيـان وقد دعـوت الله لكـ أن يـحفظـك ولا يـنسـيكـ، ولكن اكتب لـشـركـائـكـ.

قال: قـلتـ: ومن شـركـائـي يا نـبـي الله؟

قال: الأئـمـةـ من ولـدـكـ، بهـمـ تسـقـىـ أـمـتـىـ الغـيـثـ، وبـهـمـ يـسـتـجـابـ دـعـاؤـهـمـ، وبـهـمـ يـصـرـفـ اللهـ عـنـهـمـ الـبـلـاءـ، وبـهـمـ يـنـزـلـ الرـحـمـهـ مـنـ السـمـاءـ، وهذا أـوـلـهـمـ وأـوـمـيـ بـيـدـهـ إـلـىـ الـحـسـنـ بـنـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ ثـمـ أـوـمـيـ بـيـدـهـ إـلـىـ الـحـسـيـنـ عـلـيـهـ السـلـامـ ثـمـ قال: الأئـمـةـ من ولـدـهـ.

١٦٦ - حدثنا ابن الوليد، عن ابن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الحسين الكنانى، عن جده، عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال:

إـنـ اللهـ عـزـ وـجـلـ أـنـزلـ عـلـىـ نـبـيـهـ صـلـىـ اللهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ كـتـابـ قـبـلـ أـنـ يـأـتـيـهـ المـوـتـ، فـقـالـ:

يا محمدـ! هـذـاـ الـكـتـابـ وـصـيـكـ إـلـىـ التـجـيـبـ مـنـ أـهـلـكـ.

فـقـالـ: وـمـنـ النـجـيـبـ مـنـ أـهـلـيـ يا جـبـرـئـيلـ؟

فـقـالـ: عـلـىـ بـنـ أـبـيـ طـالـبـ.

وـكـانـ عـلـىـ الـكـتـابـ خـواتـيمـ مـنـ ذـهـبـ، فـدـفـعـهـ النـبـيـ إـلـىـ عـلـىـ عـلـيـهـ السـلـامـ وـأـمـرـهـ أـنـ يـفـكـ خـاتـمـاـ مـنـهـاـ وـيـعـمـلـ بـمـاـ فـيـهـ، فـفـكـ عـلـيـهـ السـلـامـ خـاتـمـاـ وـعـمـلـ بـمـاـ فـيـهـ، ثـمـ دـفـعـهـ إـلـىـ ابـنـهـ الـحـسـنـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـفـكـ خـاتـمـاـ وـعـمـلـ بـمـاـ فـيـهـ، ثـمـ دـفـعـهـ إـلـىـ الـحـسـيـنـ عـلـيـهـ السـلـامـ فـفـكـ خـاتـمـاـ فـوـجـدـ فـيـهـ: أـنـ اخـرـجـ بـقـوـمـ إـلـىـ الشـهـادـهـ فـلـاـ شـهـادـهـ لـهـمـ إـلـاـ مـعـكـ وـاشـتـرـ نـفـسـكـ لـلـهـ عـزـ وـجـلـ، فـفـعـلـ.

۱۶۵ - امام باقر از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآلہ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

آنچه برایت می گوییم بنویس.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدای! می ترسی فراموش کنم؟

فرمود: خیر، تو فراموشی نداری، چون از خدا خواسته ام که تو را حافظه بدهد و از فراموشی باز دارد، ولی بنویس تا برای همکارانت بماند.

علی علیه السلام می فرماید: عرض کردم: همکارانم چه کسانی هستند؟

فرمود: امامان از فرزندات، همان ها که به واسطه ایشان، اُمّتم از باران سیراب گردند، دعايشان مستجاب شود و خدا، بلا را از آن ها دور کند و رحمت از آسمان نازل شود. و در حالی که به امام حسن علیه السلام اشاره می کرد، فرمود: این نخستین نفر آن هاست، آن گاه به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود: امامان از فرزندان او هستند. [\(۱\)](#)

۱۶۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

خداؤند متعال، پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآلہ توسط جبرئیل نامه ای براو نازل کرد و فرمود:

ای محمد! این نامه، وصیت تو برای نجیب از خاندان توست.

گفت: ای جبرئیل! نجیب خاندانم کیست؟

جواب داد: علی بن ابی طالب.

بر آن نامه، مهرهایی از طلا زده بود، پیامبر صلی الله علیه وآلہ نامه را به علی علیه السلام داد و فرمود: یکی از آن مهرها را بردار و هر چه در آن نوشه، عمل کن. امام علی علیه السلام چنین کرد، و سپس آن را به امام حسن علیه السلام داد وایشان نیز یک مهر از آن را برداشت و به آنچه در آن بود عمل کرد و سپس آن را به امام حسین علیه السلام داد. ایشان مهری را برداشت، در آن نوشه بود: با گروهی برای شهادت حرکت کن که آن ها جز به همراه تو به شهادت نرسند، تو نیز جانت را به خدا بفروش. آن حضرت نیز آن را انجام داد.

ص: ۲۳۱

امامه ائمّه المعصوّمين "عليهم السلام" ثم دفعه إلى على بن الحسين عليه السلام ففكّ خاتماً فوجد فيه: اصمت والزم متزلّك واعبد ربّك حتّى يأتيك اليقين، ففعل.

ثم دفعه إلى محمد بن علي عليه السلام ففك خاتماً فوجد فيه: حدث الناس وأفتهم ولا تخافن إلّا اللهٌ فإنه لا سبيل لأحد عليك، ثم دفعه إلى ففككت خاتماً فوجدت فيه: حدث الناس وأفتهم وانشر علوم أهل بيتك وصدق آباءك من الصالحين ولا تخافن أحداً إلّا اللهُ، أنت في حrz وآمان، ففعلت.

ثم أدفعه إلى موسى بن جعفر وكذلك يدفعه موسى إلى العزى من بعده ثم كذلك أبداً إلى قيام المهدي «عجل الله تعالى فرجه».

امامت ائمه معصومین "علیه السلام" سپس نامه را به امام سجاد علیه السلام داد، آن حضرت مهری از آن را برداشت، در آن آمده بود: سکوت کن، گوشہ منزل خود بنشین و عبادت خدا کن تا هنگام مرگ تو فرا رسد، آن حضرت چنین کرد.

آن گاه آن را به امام باقر علیه السلام داد، او نیز مهری از آن آمده بود: برای مردم حدیث بگو، احکام خدا را بیان کن، از احادی جز خدا نترس که هیچ کس نمی تواند بر تو مسلط شود. آن حضرت چنین کرد.

سپس نامه را به من داد، من آن را باز کردم، چنین نوشه بود: برای مردم حدیث بگو، احکام خدا را بیان نما، علوم اهل بیت را منتشر کن، گفتار پدرانت را تصدیق کن و از احادی جز خدا نترس، چرا که تو در پناه و امان هستی. من نیز به آن عمل کردم.

من بعد از این نامه را به فرزندم امام کاظم می دهم و ایشان نیز به فرزندانش، تا قیام مهدی «عجل الله تعالی فرجه». [\(۱\)](#)

ص: ۲۳۳

۱- ۲۱۳. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۶۳، حدیث ۲.

الخلفاء بعد النبي صلى الله عليه وآله اثنا عشر

١٦٧ - حدثنا القامى، عن محمد الحميرى، عن أبيه، عن ابن يزيد الأنبارى، عن ابن فضال عن إسماعيل بن الفضل الهاشمى، عن الصادق، عن آبائه عليهم السلام

عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال:

قلت لرسول الله صلى الله عليه وآلـهـ أخبرـنـي بـعـدـ الـأـئـمـهـ بـعـدـكـ.

فقاً! يا علٰى! هم اثنا عشر، أَوْلَهُمْ أَنْتُ وَآخِرُهُمْ الْقَائِمُ.

١٦٨ - حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَبَارِ، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ، عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ عَلَى بْنِ الْحَسِينِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

اللهم من بعدي اثنا عشر: أللهم أنت يا علي! وآخرهم القائم الذي يفتح الله - تعالى ذكره - علي يديه مشارق الأرض ومغاربها.

١٦٩ - حدثنا القطان، عن محمد بن يحيى بن خلف بن يزيد، عن إسحاق بن إبراهيم الحنظلي، عن يحيى بن يحيى، عن هشام، عن مجالد، عن الشعبي، عن مسروق قال:

قال: إنك لحدث السنّ وإنّ هذا شىء ما سأله عنده أحد قبلك، نعم عهد إلينا نبينا أنّه يكون بعده اثنا عشر خليفة بعده نقباء بنى إسرائيل.

جانشینان پیامبر "صلی الله علیه و آله" دوازده نفرند

۱۶۷ - امام علی علیه السلام می فرماید:

از رسول خداصلی الله علیه و آله در مورد تعداد ائمه بعد از ایشان سؤال کردم.

فرمود:

ای علی! آن ها دوازده نفرند، نخستین آن ها تویی و آخرین فرد آنان قائم است. (۱)

۱۶۸ - امام سجاد علیه السلام از پدر بزرگوارش، از جد والا مقامش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود:

امامان پس از من ۱۲ نفرند؛ نخستین آن ها تویی ای علی! و آخر آن ها همان قائمی است که خداوند متعال به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح می کند. (۲)

۱۶۹ - مسروق می گوید:

با عبدالله مسعود، مشغول مقابله قرآن هایمان بودیم که جوانی آمد و از او پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله شما فرموده است که پس از وی چند نفر خلیفه می شوند؟ عبدالله گفت: تو تازه جوان هستی، با این حال، کسی تا کنون این مطلب را از من نپرسیده. آری پیامبر ماصلی الله علیه و آله به ما اعلام نموده است که پس از وی ۱۲ نفر خلیفه به عدد نقیبان بنی اسرائیل باشند.

ص: ۲۳۵

۱- ۲۱۴. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۹۱، حدیث ۱۰.

۲- ۲۱۵. أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۳، حدیث ۹.

الخلفاء بعد النبي "صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ" اثنا عشر

١٧٠ - حَدَّثَنَا القَطَانُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِهِ النِّيْسَابُورِيِّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي إِبْرَاهِيمَ بْنَ مُحَمَّدٍ، عَنْ زِيَادَ بْنِ عَلَاقَهُ وَعَبْدِ الْمُلْكِ بْنِ عَمِيرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَهُ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِيهِ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، ثُمَّ أَخْفَى صَوْتَهُ.

فَقَلَّتْ لِأَبِيهِ: مَا الَّذِي أَخْفَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟

قَالَ: قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قَرِيشٍ.

ص: ٢٣٦

١- ٢١٦. أَمَالِي صَدُوق رَحْمَةِ اللَّهِ، مَجْلِسٌ ٥١، حَدِيثٌ ٤ وَ رِوَايَاتٌ مُتَعَدِّدَ دِيْغَر در این زمینه.

جانشینان پیامبر "صلی اللہ علیہ وآلہ وارثہ" دوازده نفرند

۱۷۰ - جابر پسر سمره می گوید:

همراه پدرم خدمت پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ بودیم، شنیدم که حضرتش فرمود:

«پس از من ۱۲ نفر امیر می باشند.» سپس صدایش را پایین آورد و آهسته چیزی فرمود.

به پدرم گفت: چه فرمود؟

پدرم گفت: پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: همه آن‌ها از قریش هستند. [\(۱\)](#)

ص: ۲۳۷

۱- ۲۱۷. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۵۱، حدیث ۸.

اتَّبَعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبَعُوا مَنْ لَا يُسْأَلُكُمْ أَجْرًا يس/٢٢٢ ١٧٢

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ مائده/٣٦٢ ٦٦

أَمْنٌ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا زمر/٩ ١٢٦

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادِ رعد/٧ ٣٧

إِنَّمَا وَلِيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مائده/٥٥ ٣٣

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ احزاب/٣٣ ٢٣٢

ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلَيْمٌ آل عمران/٣٤ ٢٣٨

سَلَامٌ عَلَى إِلٰيٰ يَاسِينَ صافات/١٣٠ ٣٧

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ بقره/٥٨ ٢٢٨

عَالِمَةٌ نَاصِبَةٌ * تَضْلِي نَارًا حَامِيَةٌ غاشية/٣ ٢١٨

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ هود/١٢ ٦٠

قَاتِلُوْهُمْ يَعِذُّ بِهِمُ اللَّهُ يَأْيِدِيْكُمْ توبه/١٤ ١٧٨

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ نمل/٤٠ ٣٥

قُلْ يُفَضِّلِ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فِي ذِلِّكَ فَلِيَفْرُحُوا يونس/٥٨ ٣٩

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ رعد/٤٣ ٣٥

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رسالتَهُ مائده/٦٧ ٤١

وَإِنِّي لَغَفَارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا طه/٨٢ ٤١

وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى طه/٦١ ١٧٦

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَا فِي إِيمَامٍ مُبِينٍ يس/١٢ ٣٥

وَمَنْ أَحْسَنْ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ فَصَلَتْ ١٤٨ ٣٣

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ مَايَدِه ٥٦/ ٥٦ ١٨٠

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُمُودَه نِسَاء١٤/ ٤٨

وَيَسْتَبْشِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌ يُونس٣/ ٥٣ ٣٧

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ يَلْعُغُ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ مَايَدِه ٦٧/ ٤١ و ٦٠

ص: ٢٣٨